بجهت محافظت و شفاء مریض عدد اسم مطلوب
مزبل بخانه اول کن و باوده که مجرب است

محمد ...

جوهر زرنیخ سر نقره شده زیبق مقعد ... دفعه
روح تقویه شده منقاح او
زاج سفید زاج سبز گوگرد نادر
۳۰ ۳۰۰ ۲۰ ۴۰۵
سه قسمت کرده در سه قرع تقطیر شود

۱۱۲۱	۹۷۸	۱۳۰	۱۵۲۵
حفاص العالمین	فالحفضا یا	وحفا ضنته	او دکت ... حفص
۱۲۹۹	۱۵۲۶	۱۱۲۰	۹۷۹
۱۵۲۷	۱۳۰۲	۹۷۶	۱۱۱۹
۹۷۷	۱۱۱۸	۱۵۲۸	۱۳۰۱

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

عریضه نوشتن بحضرت صاحب الامر ع

دو نسخه

ابرو و یکبت را الماس آورده
نیز مژه‌ات خدنگ ... آورده
خال لب لعل تو از آن زخم نوش
سرخط منابت با ودان آورده

۲۶۵۷۷

۱۶۵۵	۱۷۶۱۸	۷۳۰۲	ب ۲
ح ۸	۷۲۹۶	۱۷۶۱۶	۱۶۵۷
۱۷۶۱۴	۱۶۵۹	۹۶	۷۲۹۸
۷۳۰	د ۴	۱۶۵۳	۱۷۶۲۰

باز بین شد
خ ۱۳۵۲

میکروفیلم تهیه شد

کتابخانه [redacted] قدس

اسم کتاب ~~کتاب دعاء و طلسمات~~ مجموعه / فارسی
مصنف
مؤلف
خطی نسخ مختلف الخط
~~چاپی~~
سال چاپ یا تحریر ... عدد اوراق ۱۸۶
جزء کتب ~~ادعیه~~ علوم غریبه (عملی) شماره
شماره عمومی ۱۰۷۲۳ شماره قبض
واقف حاج آقا محمد ایرانی نجد تاریخ وقف بهمن ۱/ ۵۰
طول ۲۰/۵ عرض ۱۳/۵

باز بین شد
خ ۱۳۵۲

بجهت محافظت و شفاء مریض عدد اسم مطلوب مزبل بخانه اول کن و باوده که مجرب است

۱۱۲۱	۹۷۸	۱۳۰	۱۵۲۵
حفاض العالمین	فالله حفظا یا	وحفظا من کل	او ...ت حفض
۱۲۹۹	۱۵۲۶	۱۱۲۰	۹۷۹
۱۵۲۷	۱۳۰۲	۹۷۶	۱۱۱۹
۹۷۷	۱۱۱۸	۱۵۲۸	۱۳۰۱

جوهر زرنیخ سرخ تنقیه شده زیبق مقصود دفعه

روح تنقیه شده مفتاح او

زاج سفید زاج سبز گوگرد ن در

۳۰ ۳۰ ۲۰ ۳۰۵

سه قسمت کرده در سه قرع تقطیر شود

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

عریضه نوشتن بحضرت صاحب الامر ع

دو فسخ

ابرو یکی بت مرا کمان آویخته
تیر مژه ات خدنگ مان آویخته
خال لب لعل تو از آن خشم نوش
در حفظ مبادت باودان آویخته

۲۶۵۷۷

۱۶۵۵	۱۷۶۱۸	۷۳۰۲	ب ۲
ح ۸	۷۲۹۶	۱۷۶۱۶	۱۶۵۷
۱۷۶۱۴	۱۶۵۹	۹۶	۷۲۹۸
۷۳۰	د ۴	۱۶۵۳	۱۷۶۲۰

بازبینی شد
خ ۱۳ ۵۲ ۶

اینکتاب ابداً مرحوم مغفور آقای حاج آقا محمد ارانی مجرد متوفی ۲۳ آذرماه ۱۳۵۰ شمسی فرزند مرحوم حاج شیخ زین العابدین ملک الواعظین بکتابخانه آستانقدس رضوی است برحسب وصیت آن مرحوم بمشهد ارسال گردید
محمد ارانی عفی عنه

شماره ۹۹۳

اهدائی مرحوم حاج آقا محمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

۲

این غزل شاید بود این جود عطا لا حول و لا قوة الا بالله

ابجا کرد جمال کبریای تو بود یکقطره از ابحر عطای تو بود

ما دام حمد و ثنای تو بود هم حمد و ثنای تو برای تو بود

از جهة بیماری دفع تب

از جهة کلید کان ضامن خفیه

عقد اللسان

الکوکواصید لکیدکد باك شود ...

باخود داود هذا دم لا ینطقون

ختم

در شب جمعه دو رکعت نماز ...

کرده تعلیل السلام فرا باد

دوید المطلوب فی النوم فخر الدین گوید هرکس این شکل را

بنویسد و در زیر بالین نهد هرکه را که در خواب بیند بگوید یا بدیع العجائب

هرچه خواهد اراده کند ملاحظه نماید

حوم علی علی الامرع لوع ساه

ما مه ۱۱۱

للحب بنویسد بر نان و بسگ داده
دهد بخورد باسم هرکس بخواهد
که بسقراد کرد و مجرب است

۷ ر	۵۱۳	هلبحا ۶ ۱
ط د ط ا للو	در عله الو	
ا د ماس	ا مرصا	اسر السی د و ح

للحب بنویسد باسم ابکس و مادرش
به بازوی خود بندد که مجرب است

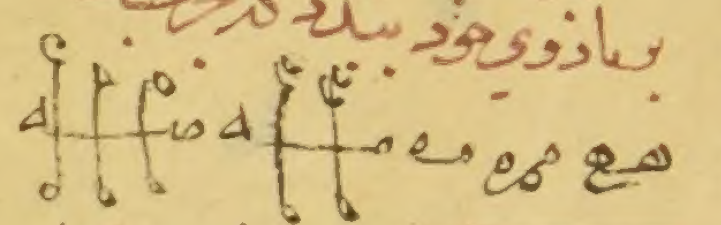

للحب بنویسد در استانه ابکس دفن کند

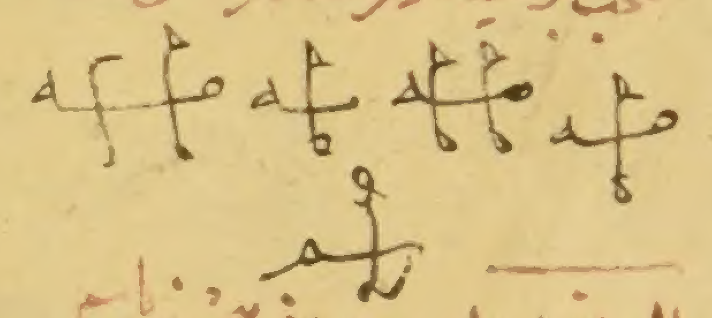

للحب بنویسد در روز پنجشنبه باسم
طالب و مطلوب و مادر ایشان

الجامع

۱۱۹۱۳۱۱۹۱۱۲۰۱۱۱۰۱۹۱

محمد ۱۱۱۲۸۱۹۲۹۹۹

از جهة تفریق بنویسد در باشد
در خانه ابکس دفن کند مجرب است

۹۱۱۱۴۲۶۲۴

نوح ح ۱۱۹۱۳ ط

للحب بنویسد باسم ابکس و مادرش
و باسم مطلوب و مادر او بیک سیاه
بخورد که مدعا حاصل شود مجرب است
ع ع ح ع طا طا طا و عد و عا فنر
و بشمه یه دوف نخ نجخ نخ عطفت
قلب فلان ابن فلان العجل العجل علی حب
فلان ابن فلان اگر محبت از حد بگذرد
کلب را بکشد که مجرب است

للحب بنویسد و با خود داده

مه لحریع سردا سل

بنویسد در زیر زبان کرفته
جای کند ان ثوابی شود بوم کرد

مسطلحسا الطلطعمسا لعمه

انفعا این طلسم را نوشته بوم کرد
و با خود داده هرجا کند ان ثوابی شود

ح ۲ ا م ا و ص ا ط ۲ ع

از جهة عقد لسان بیاورد دست را از کندم
داوبر هر دانه یکمرتبه سوده الم ترکیف را بخواند
و بر هر دانه باسم هرکه بخواهد بعد بدهد مرغ خانگی
بخورد که مجرب است و از موده شده است

از برای صرف این طلسم را بر چهار برگ مفتوح در روز شنبه ...

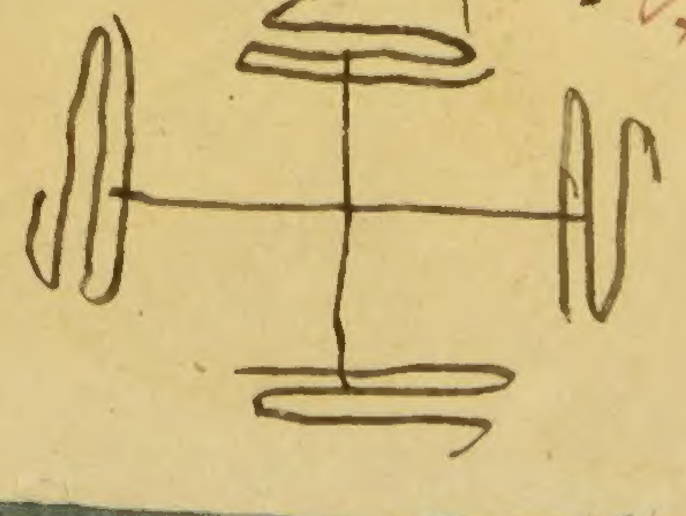

مجرب دود نماید ... زیر ...

حمل اسد قوس

اع هـ طج ف ش

یا راحیل یا سراطیل یا شواطیل قلم سریانی یا هندی

قلم عبرانی ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ

ف ق ك ل م ن و هـ لا ی قلم سریانی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

ك ل م ن و هـ لا ی قلم قلقطیر بابلی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

ك ل م ن و هـ لا ی قلم نیرنجات

ا ب ت ث ج ح خ د ذ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل

م ن و هـ لا ی قلم اسرار قاسمی ا ب ت ث ج ح خ د ذ

ذ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و هـ لا ی

قلم طلسمات بترتیب ابجدی ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ك ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

قلم زهره بیشتر طلسمات و نیرنجات بدین قلم است و خواص دعوات در علم نیرنجات

٣٤	٧٥	٧٨	١٧
٧٧	١٨	٣٣	٧٦
١٩	٨٠	٧٣	٣٢
٧٤	٣١	بدوح	٧٩

١٦	١٣	١٤	٩
١٥	١٠	١٥	١٤
١١	١٨	١١	١٤
١٢	١٣	١٢	١٧

٨	٩١	٩٤	١
٩٣	٢	٧	٩٢
٣	١٤	١٩	٤
٩٠	٥	٤	٩٥

٤٢	٧٤	٧٠	٣٥
٦٩	٣٦	٣١	٦٨
٣٧	٧٣	٦٥	٤٠
٦٦	٣٩	٣٨	٧١

٤٠	٦٢	٤٢	٣٣
٤١	٣٤	٣٩	٦٠
٣٥	٦٤	٥٧	٣٨
٥٨	٣٧	٣٦	٦٣

٤٨	٥١	٤٥	٤٤
٥٣	٤٢	٤٧	٥٢
٤٣	٥٠	٤٩	٤٦
٥٤	٤٥	٤٤	٥٥

شرط علم سلام قولا من رب رحیم این مربع را بطریق قواعد بر کند در شرف آفتاب و با خود دارد از سوختن شدن و غرق شدن و آذر ماد و کژدم و حیوانات موذی و صرع ایمن گردد و اگر بر زن حامله بندد وضع حمل بر آن آسان شود و اگر بر عمود کاهواره بندد طفل از گریه باز ماند هکذا صورت وضع مربع کوچک

رحیم ٢٥٨	من رب ٢٩٢	قولا ١٣٧	سلام ١٣١
١٣٦	١٣٢	٢٥٧	٢٩٣
١٣٣	١٣٩	٢٩٥	٢٥٤
٢٩١	٢٥٥	١٣٤	٢٣٨

٨١٨ ٩١٨

آیه سلام قولا من رب رحیم است که بعد از ذکوة طرح ٣٠ بطریق معلوم مرسوم گردد برسم هذه الاله مربع

٢٠٣

٢٠٣	٢٠٧	٢١٠	١٩٧
٢٠٩	١٩٨	٢٠٣	٢٠٨
١٩٩	٢١٢	٢٠٥	٢٠٢
٢٠٦	٢٠١	٢٠٠	٢١١

وانچه بدان ماند بدین خط توان یافت واین قلم را متصل بخط نویسند چنانچه رسم شده

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك

ل م ن و ه ی

طریقه آحاد بخط نبرد — وعشرات بخط میرسد — ومئات از خط میگذرد

والوف از خط میگذرد و ذیل هم ۱۲۳۴ ۵۶۷۸۹ — ۱۲۳۴ ۵۶۷۸۹

۱۲۳۴ ۵۶۷۸۹ — ۱۲۳۴ ۵۶۷۸۹

نوع دیگر ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

قلم طلسمات

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ

ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

طریقه ابتثج ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

قلم داودی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف

ق ك ل م ن و ه لا ی

قلم سمنا ا ب ت ث ج ح خ

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل

د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن

قلم یونانی ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی قلم عبرانی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ

ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

ختم ارواح هرکس دو روز هزار مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم وهر شب هزار مرتبه بگوید که ارواح طیبه حاضر شوند علامات و آثار بسیاری مشاهده خواهد کرد اما نترسد و پناه بخدا ببرد که انشاالله تعالی زود بمطلب میرسد والسلام علیکم

از جهه گشایش جمیع کارها بخصوص بستگی در اول هر ماهی بنویسد این طلسم سلام قولا من رب رحیم را با مشک و زعفران ببرد در حمام بعد از پاک شدن بدن در طاسی بشوید آب او را بر سر بریزد بعد بیاید سر حمام لباس خود را بپوشد وآب بدن را بلباس خود خشک کند و تا بدن خشک نگردیده آن طلسم کوچک را در زیر دامن خود دود کند در حالیکه بندهای جامه خود را نبست

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

از جهة گشایش جمیع کارها و باطل شدن سحر قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ

۱۳۱ ۱۳۷ ۲۹۲ ۲۵۸

سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

سلائم	تعالی	منیخ	تمیم
۲۹۲	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۱
۲۵۶	۲۹	۱۳۳	۱۳۲
۱۳۲	۱۳۳	۲۵۵	۲۹۱

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

از جهة باطل شدن سحر در حدیث معتبر از جناب امیر المومنین علیه السلام منقول است که

فرمودند برای ابطال سحر این تعویذ را بر پوست آهو با مشک و زعفران بنویسید همراه خود نگاه دارد بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

وَقَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ این طلسم را هم

از جهة فارق نامه بنویسد این طلسم را زن باب تو بت سر حمام زیر دامن دود کند

۲۹۱	۲۰۵	۲۰۸	۲۹۹
۲۰۳	۲۹۱	۲۹۲	۲۰۳
۲۹۷	۲۰۴	۲۰۷	۲۹۳
۲۰۴	۲۹۳	۲۹۶	۲۰۱

بنویسد و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله بحرمت النبی و آله الطاهرین فارق نامه بنویسد

این طلسم را زن بر ران راست خود ببندد زود فارق شود که بسیار مؤثر است

۱۱۹۲

ایضا فارق نامه این دو طلسم را بنویسد بر سفال

کهیعص شمعون

۲	۹	۴
۱	۵	۳
۶		۸

آب بندید زن حامله در زیر دو پای خود بگذارد زود بیاورد تا بشکند که زود فارق شود

ایضا از جهة فارق نامه

ب	ﻫ	ح
ج	ه	ح
ه	ط	ط

ب	ما	ه
ک	ه	ط
ب	ب	ه

بنویسد این طلسم را بر ران چپ خود ببندد زن فارق شود

ایضا از جهة فارق نامه

بسم الله	الرحمن	الرحیم
سو	هومم	حهد
هی	همه	همه
هی	اسه	وصها

بنویسد این طلسم را بر خود ببندد زود فارق شود

اشهد

اعوذ بجلال الله
اعوذ بکلمات الله
اعوذ برسول الله

ایضا از جهة فارق نامه بنویسد اینها بر کوزه آب یا بخوانند و زن تدری از آن آب بر پشت خود و میان دو پستان خود افشاند و قدری هم بخورد بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون ایضا از جهة فارق نامه سوره مبارکه انا انزلناه فی لیلة القدر الی آخر بنویسد در آب مالیده آن زن قدری بخورد و قدری

هم بر فرج او بنهند و سوده مذکور را هم بخوانند بر او بدمند زود فارق شود

ایضاً از جهة فارق نامه بنویسد زن بر بازوی خود ببندد وضع حمل شود بسم الله

الرحمن الرحیم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها لا اله الا انت

الحلیم الکریم سبحانک رب السموات ورب العرش العظیم الحمد لله

رب العالمین ایضاً از جهة فارق نامه بنویسد بر بازوی زن ببندید که مجربست

فارق نامه بنویسد مقابل زن بگذارد بنگاه کند

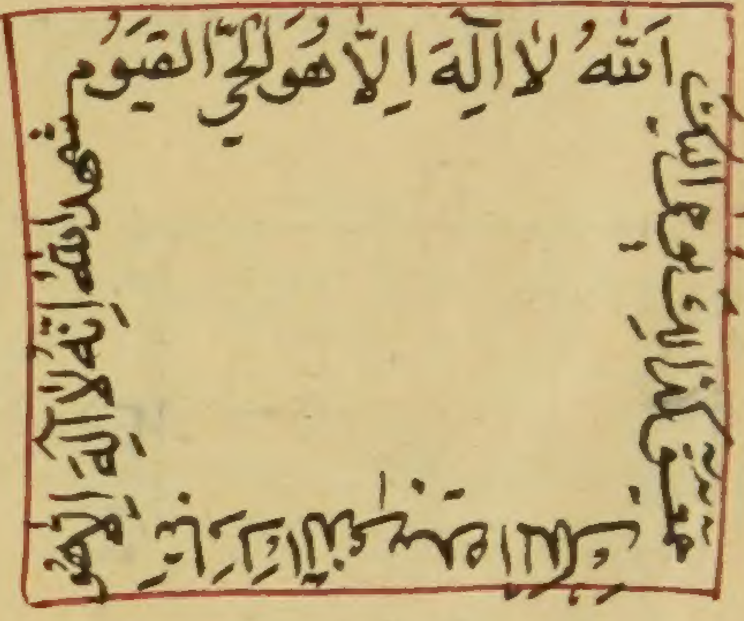

٨	٩	٩
٣	٦	٥
٤	٩	٣

دنتا هط
مجد حروف
وفق العدد
لوفقه العسر
حمل الولد

ایضاً فارق نامه اینست این را بخوانند بر زن بدمند زود فارق شود یا خالق

النفس من النفس و مخلص النفس من النفس اخلصه بحق لیک و قوتک ایضاً از

جهة فارق نامه زن بنویسد اینست این را عورت بر ناف خود ببندد که مجربست

ح ١١ ٢ ١ ٥ ١ ٦ ١ ٥٥ ١ ح ١١ ٩ ١ ح ١١١ ح ع ط د ح ع ١١ ٢ ١ ٥ ١ ع ١ ٥٥ ١ ح ١١ ٩ ١ ح ١١١

ح ع ط د و هه فارق نامه بنویسد زن بر کمر ببندد ربنا افتح بیننا وبین

قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین یا حی یا قیوم یا کهیعص اهیا

مجرب

شراهیا ههههههه ر ه ب ن ع ع ع ع ع ع ع و ه ص ح ٥ ١١١ ☐ ١١١ ه

از جهة فارق نامه بنویسد این طلسم را و مقابل صورت آن زن نگاه

دارد که بسیار مجربست ایضاً فارق نامه بنویسد این طلسم مثلث

را بر سه پاره از سفال آب ندیده یکی را مقابل صورتش

نگاه دارید و دو تای دیگر را زیر پایش بگذارد

و زود بیاورد تا سفال بشکند که بسیار مجربست

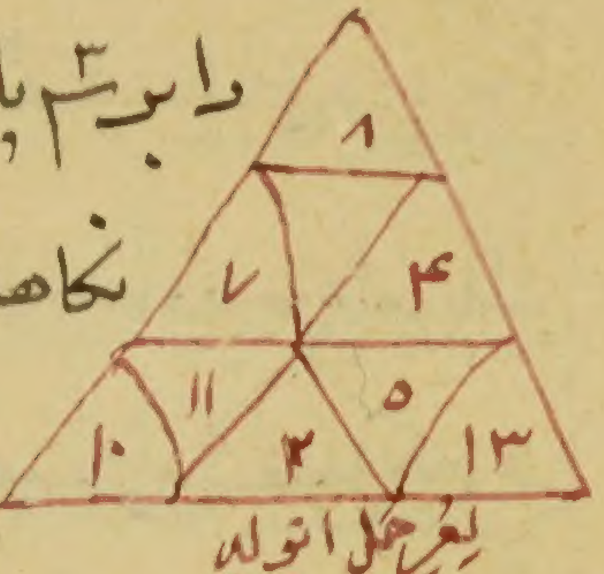

و مثلث و دنتا هط مجد حروف اینست وفق العدد لوفقه نافیه

از جهة باز داشتن از سفر اگر کسی که غیر باشد و خواهی که او را باز

دارد از رفتن راه و باز کردن

از رفتن بنویسد از این طلسم

دو عدد بر کاغذ یکی را در میان

لباس او بپیچد در موضع خوابگاه

او نهد و یکی را در طرف پایین

سر دفن کند و دیگر بر آب

بالای لباس او نهد مراجعت کند

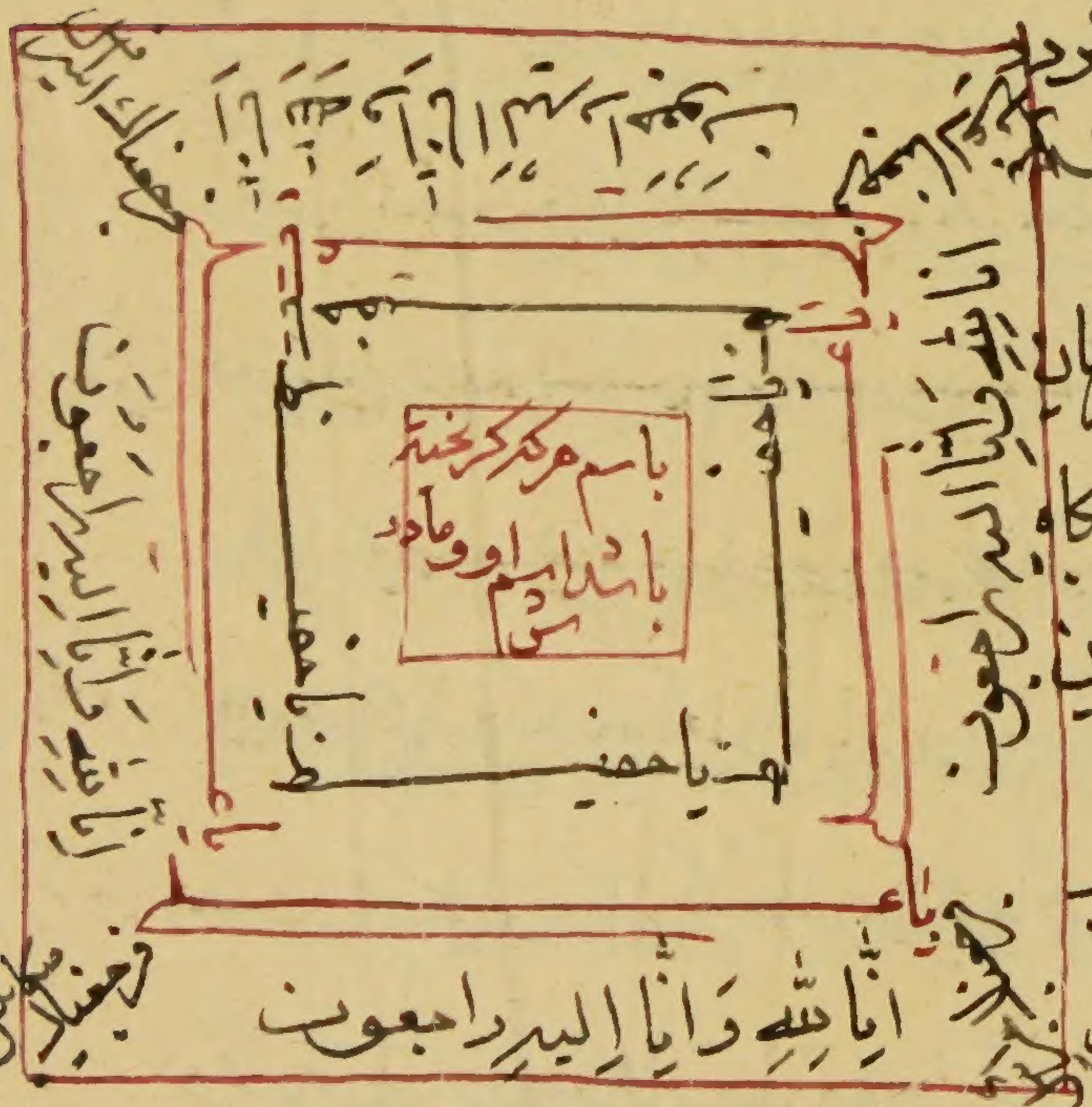

فارق نامه
فارق نامه
فارق نامه
فارق نامه
فارق نامه
فارق نامه
راه بستن گریخته

باردهی

از جهة بار حمل بر داشتن عود قماری زعفران وسماق وذاج سفید مساوی کوفته شیاف چند بسازد بخود بر دارد هر شیافی بقدر یکمثقال باشد از جهة قوت باه استخوان مرغ سیاه را وچوب تاك را باهم بسوزاند وباموم عسل سرشته حمول کند ا ٢١ ١٢١ ٤ ٥ ٢ ٣ ٢٤ ٢ ٥ ٤ والسلام ایضاً از جهة قوت باه بسازد بعد از پاك شدن بخود بر دارد وبعد زن با مرد خود ورزش کند میل بگیرد یکدرم سونبجان را سائیده با یکوقیه آب کلم کوفته ناشتا بنوشد

قوت باه

دوای آنکه زن را فرزند شود صفت آن جمع سرغ کتیرا وزهره گاو وزربنباد ووردرنج عقرحا از هر یك دو مثقال موم وادید ناسفته وخردل ابیض وفلفل ابیض از هر یك یکمثقال همه را کوفته وبیخته بعسل کف گرفته بسرشتند و٣ روز متعاقب هر روز یکمثقال غلوله کرده در فرج نهند وروز چهارم بمرد حرف بزنند وورزش کند میل کوشتی بگیرد کو اراده باشد دوای دیگر پنیر مایه خرکوش وزعفران وعود وتخم کل از هر یك یکمثقال مشك رانکی همه را کوفته نرم بعسل سرشته وشیاف سازد مقدار ما دویز ٣ روز هر روزی یکی پیش قبل نهد

از جهت اولاد

از جهة تب ونوبه

فصل در تب ونوبه

از جهت تب ونوبه

از جهة تب ونوبه فلان بنت فلان بسم الله الرحمن الرحیم ᒪᒪᒪᒪᒪ بسم تب ولرز فلان بنت فلان بحق اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله ص علی ولی الله حقاً حقاً ایضاً دفع تب ونوبه این ها را بنویسد در وقت نوبه آمدن بخورد روز اول بسم الله حوما روز دویم بسم الله اوحوما روز سیم بسم الله اوماحوما از جهة نوبه اول پنج الحمد بخواند با وضو هم باشد و٣ سوره قل هو الله احد الا آخر بخواند وپنج مرتبه صلوات بر محمد بفرستد بعد بنویسد بدهید بخورد روز اول ححح بسم الله روز دویم ححح الرحمن روز سیم ححح الرحیم

دفع تب ونوبه

از جهت نوبه

از جهت تب ونوبه

از جهة تب ونوبه بنویسد در زیر دامن دود کند بخه کره در لیلی دارد باز کند دود دعا کر تمام شد کره ها را ببندد روز اول ١١١١١١١١١ ابلیس شداد داد بیداد روز دویم ١١١١١١١١١ ابلیس ابلیس نمرود دود لجر روز سیم ١١١١١١١١١ ابلیس ابلیس ابلیس فرعون عون لی عون

خواص بسم الله حروف

در بیان خواص بسم الله حروف اوّل هر که در شب جمعه صد ویازده الف نوشته با خود دارد عزیز ومحترم گردد ودلش روشن شود وشر اذاو دور گردد وحاجتاو روا شود وتنگ دستی اذاو دفع گردد ودر وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا سبحان یا الله حروف ب هر که در روز یکشنبه هنگام افزونی

ماه دوازده ب نوشته با خود دارد هر که محبت داشته باشد
وان شخص منکر باشد که اگر بحضور او برود او را دوست دارد
واگر بر کاسه چینی نوشته بشوید و بخورد به بیمار دهد شفا یابد
وهنگام نوشتن این دو اسم را بخواند یا رحمن یا رحیم حروف ت
هر که در روز چهارشنبه هنگام فرو رفتن آفتاب چهارصد و ده
ت نوشته با آب بشوید و بیاشامد قلبش روشن گردد و حافظه
اش زیاد گردد واگر طالب علمی باشد زود عالم گردد وهرگاه چیزی
گم کرده باشد آن نوشته را بر نیت پیدا شدن مال در میان
مصحف گذارد آن مال زود پیدا گردد و رفع پریشانی کند
اگر همراه خود گذارد از شر خصم ایمن باشد وهنگام نوشتن این
دو اسم را بخواند یا قیوم یا واحد حروف ث در روز شنبه
وقت زوال آفتاب پانصد و ده ث بنویسد روی بقبله بیاویزد
بدیوار خانه در کارها ثابت قدم گردد و مال حرام باو نرسد
واگر همراه خود بدارد و در آب بیندازد هر زن و هر شوهر بخورد
صلح واقع شود و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا دائم
یا احد

یا احمد حروف ج هر که در روز سه شنبه پنجاه و سه جیم بنویسد هنگام
طلوع آفتاب و با خود نگاه دارد زبان مردم در کار او بسته شود
و دشمنان او دوست او شوند و از جماعت دوام حمایت یابد
و حاجت او را بر آورند و هرگاه از عملی و کاری که میکرد او را باز
داشته اند بمطلب برسد و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند
یا باعث یا کبیر حروف ح هر که در شب پنجشنبه هنگام افزونی ماه
هیجده ح نوشته با خود دارد از سحر و چشم زخم محفوظ ماند
و بلاها از او دور شود زمان نوشتن بخواند یا بادی یا زکی
حروف خ هر که در روز یکشنبه آخر ماه در هنگام خلوت طاهر باشد
ششصد و ده خ نوشته در خانه خود نهد هر حاجتی از هر کس
بخواهد بر آورده واگر در بند باشد نوشته در جای بلندی
بیاویزد خلاص شود زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا کافی
یا معطی حروف د هر که در شب چهارشنبه در نصف شب در جای
خلوت با مشک و زعفران سی و پنج دال نوشته با خود دارد
دل او گشاده گردد و در نظرها عزیز شود و زمان نوشتن بخواند
یا حنان یا منان

عدد این حروف [illegible]

فصل در باب زبان بند

زبان بندی بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص حمعسق فسیکفیکهم الله وهو (زبان بند)
السمیع العلیم المص المص المص طه طه طه طسم یس الم الله لا
اله الا هو الحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما ببندم زبان خصم از دور
و نزدیک و خصم پنهان و آشکار و خصم حاضر و غایب ببندم زبان فلان
ابن فلانه را در حق دارنده این دعا فلان ابن فلانه را و ببندم زبان جمله
بدگویان و حسودان و غمازان را از سیاه و سفید از بنده و آزاد و ببندم
زبان ترک و تاتار از اهل چین و هند و حبشه ببندم زبان درویشان
و دلیران را ببندم زبان همه اینها را و قفل کردم زبان ایشان را بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله و بحق علیا ولی الله و بحق ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم
و علی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم ببندم بحق نورک الکریم ببندم
زبان بدگویان و حاسدان و ساحران و جادوگران از مرد و زن از بزرگ
و کوچک را در روز و شب از هر طالع که داشته باشد از دوازده
برج آسمانی از حمل تا حوت بنویسد بعد از آن هر چه باشد ببندم زبان همگی
را تا من بکشایم کس نگشاید مبارک باشد ان شاء الله تعالی بحق ایاک نعبد
وایاک نستعین و بحق لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بحق

صم بکم

٩

صم بکم عمی فهم لا یعقلون و بحق صم بکم عمی فهم لا یبصرون ببندم زبان
حاسدان و بدگویان و غمازان فلان بنت فلانه را بحق توریة موسی و انجیل عیسی
و زبور داود ع و فرقان محمد ص ببندم که بسته باد بحق دعای نوح و بحق آیات
قرآن و بحق آیه فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم و بحق بیست و هشت حروف
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی
ببندم که بسته باد بحق بسم الله الرحمن الرحیم ایضا بنویسد دو عدد از این آ[یه]
را یکی را در زیر زبان گذارد و یکی را بر بازوی خود بندد و یکی را بنویسد
در آب یا الله بر صورت خود زند و بنزد مطلوب برود این است فیتعلمون
منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه و ما هم بضارین به من احد
الا باذن الله اگر مرد باشد بر بازوی راست خود بندد و اگر زن باشد
بر بازوی چپ خود بندد بسمله هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون
صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی
فهم لا یذکرون ببندم زبان و بن زبان و تمام اعضای فلان ابن فلانه را
از سیصد و شصت و شش رگ و چهارصد و چهل و چهار پاره استخوان
فلان بنت فلانه را بحق آیه و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا (فاغشیناهم فهم لا یبصرون)

فصل دوم در باب عقرب زده

اذ جهة عقرب گزیده من المجربات این مربع را بنویسید و بآب بشویید عقرب زده بخورد که دفع درد شود و درد ساکت گردد اگر مار گزیده و یا عقرب گزیده حاضر نباشد آن کسیکه خبر آورده بخورد که صاحب درد ساکت شود که مجربست

س	ع	س	ی
ب	ب	ب	ط
ج	ج	ی	ی
ح	ج	ی	ب

ایضًا اذ جهة عقرب گزیده آهک آب ندیده را با نوشادر خوب صلایه کرده بعد قدری آب زده تا مثل گره شود بر جای عقرب زده بمالد دفعه درد ساکت شود اذ جهة عقرب گزیده

١٩٨١٢٣۴٢١٢١٦١٢۵۴٢٦٢٢٦٢٣٢١٦۴١١ه بگوید بعد اذان یک

عجـ ١٣١٢٢١ ٦٩ ٦٦ دت آن بزند که انشاالله مجربست اهمن امد همن

بود بدم مرشد عبدالمجید مغربی باجازات قبله گاه معظم استادی ام جناب فخر الحاج حاجی رمضان علی شیرازی حروف ش هر که در روز چهارشنبه با طهارت سیصد و شصت شین نوشته در طاس آب بشوید بر سر بریزد در نعمت برو گشاده شود این دو اسم را بخواند یا حَمیدُ یا عَزیزُ حروف ص هر که در شب جمعه با مشک و زعفران نود و نه ص بنویسید و در کاسه چینی نوشته با آب بشوید بخورد اگر بسته باشد گشوده شود خواه زن باشد خواه مرد باشد و قدری آب او را بریس.

بر سر بریزد مکروه بخواند یا قاهرُ یا قَریبُ حروف ط هر که در شب جمعه با مشک و زعفران نود و نه ط بنویسید در زیر سر نهد بخوابد روی حضرت رسول خدا را در خواب ببیند و اگر بشوید بخورد دلش نورانی گردد مرد بسته بخورد گشاده گردد اگر بر شمشیر یا حربه دیگر نقش کند فتح کند زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا عَلیُّ یا قُدّوسُ حروف ظ هر که در شب پنجشنبه نهصد و ده ظ بنویسید با خود دارد هیچ کار در نماند و اگر بر کاسه چینی نوشته بشوید و بخورد ده هر بیماری دهد شفا یابد زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا عَطوفُ یا رَؤفُ حروف ع هر که در روز پنجشنبه صد و سی عین نوشته با خود دارد مشهور عالم گردد زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا مَحمودُ یا کَریمُ حروف غ هر که در روز جمعه هزار و هفت غ نوشته با خود دارد هرگز محتاج نگردد و بر جمیع مقاصد خود برسد در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا عَظیمُ یا عَجیبُ حروف ف هر که در روز چهارشنبه نود ف بنویسید با خود دارد

مراد حاصل کردد و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند
یا غیاث یا غنی حروف م هرکه در روز جمعه قبل از طلوع افتاب
نود میم نوشته با خود دارد مطالب و روا شود و از جمیع بلا
ها محفوظ ماند ببرکت آن در زمان نوشتن این دو اسم را
بخواند یا خالق یا محیط حروف و هرکه در روز شنبه سیزده
و نوشته بر نیت هر مطلبی در میان قران کذارد مطلب حاصل شود
این دو اسم را هم بخواند یا حلیم یا شکور حروف ه هرکه پانزده
ه نوشته با خود دارد علوم غریبه بر او کشف شود یا علام یا
دیان در نسخه دیکر دیدم یا کریم یا ستار نوشته بود بسیار
مجرب است هر یک از حروف بیست و هشت حرف از جهت حافظه
زهره کبک را با کره کاو هر دو را مساوی یکدیکر را مل هم
کرده استنشاق نماید که بسیار مجرب است عقد الرجال مجرب است
بر روده کوسفند هفت کره نماید و بر کرها هفت مرتبه سوره قل یا ایها
الکافرون الا اخر بخواند عقد الرجال در کوره کهنه خاک کند بر ان سوره
مبارکه را بخواند و در دیوار پنهان کند بسته شود

ایضا

ایضا دفع درد سر و درد دندان هر وقت عطسه کنی دو دست خود را در پیش روی
خود کرفته یک حمد و یک صلواة بر محمد صلی الله علیه و آله فرستاده بر دو کف دست
خود دمیده بر سر و صورت بکشد درد سر و درد دندان دیکر نخواهد دید دفع صداع
این اشکال را نوشته در میان کلاه و دستار خود پنهان نماید ااا ▭ الله
الله هه ا ا ا ا کهیعص للشع شع سع کا اعوذ بالله و نثریر دفع
صداع بر کاغذ پاکی بعد از اتمام کسی ننبند و بکشاید در سر خود پنهان نموده بیر
بندد اللهم وحم اسئلک الشفاء بحق محمد المصطفی صلی الله علیه و آله هو
هو هو ‖ ✚ ٦٦٦٦٦٦ و ه ص دفع صداع این اشکال را نوشته بر سر ببندد
بخط جناب علی صلوات الله علیه و سلامه ١١ ٣ ا سطه

٣	٥	٩	١١	٩
٣	٣		١١	ط

دفع صداع دائمی ٣ مرتبه سوره مبارکه حمد را بخواند و صلوات بر محمد ٣ م
بفرستد هفت مرتبه این شکل را با انکشت شهادت بر پیشانی نقش میکنی و یک
صلوات بر محمد ٣ بفرستد شکل المسماه هر وقت که این شکل را بر پیشانی نقش
میکنی یک صلوات بفرستد درد سر عجیب انکشت ابهام و سبابه را بر خاکستر زده
از دو طرف سر شقیقه ها را اکر فته این منظره را بخواند کالجی با را بندولی
بلی جی با باسی هندنت بچ بوکی هنکا را مادون آه دهاسی سینا هی جا جا
دفع شو بحق حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله دفع درد چشم
این حروف را بر کاغذ بنویسد بر پشت بندد شفا یابد انست حروف مذکور

درد سر

ف ص ص ص ص ص ص ص ص ص فلك يا ملك دفع درد سر بناو بر بدیر ریسمانی

واکر دختر نا بالغ ریشتر باشد هفت لا نموده و هفت کره بر او بزن و بر هر

کرهی کر میزنید یکمرتبه این آیه مبارکه را بخواند بسم الله مجریها و مرسیها ان

ربی لغفور شکور واکر چشم راست درد کند بدست راست بندد واکر چشم

دفع رمد چشم

چپ درد کند بدست چپ بندد والسلام رمد چشم اسم مبارك الشکور را

۳ دو روز صبح و شام چهل نوبت بخواند بر آب پاکی دمیده چشم را اذان آن بشوید

خون آمدن از دماغ

شفا یابد دفع درد چشم اسم مبارکه الحی را نوزده مرتبه خوانده بر چشم دمیده

شفا یابد از جهة رعاف این آیه مبارکه را بر پیشانی مرعوف بنویسید

بفرمان خدا وند خون بایستد و لکل نبأ مستقر سوف تعلمون رعاف

٩٩٩٢٩٩٣٩

این طلسم را بنویسید بر پیشانی مرعوف بچسبانند دفع کردد

خون آمدن دماغ بینی مرعوف واکر نشد این آیه مبارکه را بخوانند خون بایستد

یا من حمل الفیل من بیتك الحرام امکن دم فلان بن فلان قد دعا بسرم به

رعاف

سر و پیشانی مرعوف بپاشد خون آمدن ان شخص مرعوف از خون دماغ

خود کر خبر با انگشت شهادت اسم خود را نوشته در او نکو دفع شود

اکو خون از بینی راست جاری باشد بیضه چپ مرعوف را با ریسمان محکم بندد

واکر از طرف چپ جاری است بیضه راست را محکم بربندند واکر از هر دو بینی

باشد هر دو بیضه را محکم بربندند واکر مرعوف زن باشد پستان و با

هارا ودرا

و با هاء یا و دا همین قاعده بربندد خون بایستد از جهة رعاف اکر خون از بینی

راست جاری است دست چپ واکر از طرف چپ باشد دست راست واکر از هر

دو بینی هر دو دست مرعوف را از طرف سر بلند کرده مدتی نکاه دارد دفع رعاف

کردد از جهة رعاف این شکل را بر پیشانی مرعوف بنویسید دفع کردد کعکعه

دفع درد دندان

وکعه از جهة درد دندان از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله مرویست

کر انکشت خود را بکذارد بر دندان که درد میکند هفت مرتبه این آیه مبارکه را

بخواند هو الذی انشاکم وجعل لکم السمع والابصار قلیلا ما تشکرون

دفع درد دندان

درد دندان این آیه مبارکه را بر کاغذ بنویسید در زیر دندان کیرد درد

ساکت شود وکذب به قومك وهو الحق قل لست علیهم بوکیل لکل نبأ

مستقر وسوف تعلمون از جهة درد دندان اکر درد دندان سمت راست باشد این

شکل را بر کاغذی بنویسید بر ستونی بر چسبانند و میخی بر چشم عین بکوبد ک ع

دفع درد دندان

واکر در سمت چپ باشد در دا این شکل را بنویسید بر کاغذ بر ستونی بکذارد

و بر چشم صاد بکوبد دفع کردد کص کر تجربه است از جهة درد دندان

انکشت شهادت خود را بر روی دندان کذارد که درد میکند و اینها را

بخواند هرکاه در روز یکشنبه باشد بهتر است قل اعوذ برب الناس الناس

دفع درد دندان

الناس الناس الناس ملك الناس الناس الناس الناس اله

الناس الناس الناس درد دندان هر وقت ماه نو بر بینی

۳ مرتبه زبان خود را بر جمیع دندانهای خود مالیده صلوات بر محمد و آل او
دفع گوش بفرستد و بگوید لله علیّ اَن لا آکل لحم الفرس ولا الهندبا درد گوش
انگشت سبابه خود را در گوش نموده این آیات را بخواند لَو اَنزلنا هذا
القرآنَ علی جبلٍ لرأیتَه خاشعاً متصدّعاً من خشیة الله وتلک
الامثال نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون هو الله الّذی لا اله الّا هو
عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الّذی لا اله
الّا هو الملک القدّوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبّار المتکبّر
سبحان الله عمّا یشرکون هو الله الخالق البارئ المصوّر له الا
سماء الحسنی یسبّح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
حبس بول حبس البول اگر کسی را بول حبس شده باشد بر ناخن او بنویسند اگر حیوان باشد
بر پشم او بنویسید که بسیار مجرب و آزموده شده اهکه مکه
سرفه از جهت سرفه مصطکی را اندر دوجی مقل ازرق کندر اصل سوس توپاک
انزروت چشم بیر کرده نرم کوفته حب سازد شبی دو دانه بخورد
سرفه از جهت سرفه انزروت چشم بیر کرده نرم انیها را با بیر حب سازد شبی دو ۳
درد پستان دانه بخورد مجرب است از جهت درد پستان زرنیخ بیر بود خوب باز ده تخم مرغ ممزوج
کرده بر روی کاغذ عطاری خام ببندازد تا جزم کند بعد بر پستان جمع
دمبل اندازد مجرب است دفع دمبل قدری خاکستر کرم نرم الکی را آورده ۳ مرتبه
این

این سطر را بر او خوانده و بر خاکستر دمیده بر دمبل و اطراف آن مالیده البته
دفع کرده اینست منطر گوگورف بربورف ای دمبل خشک شو بزرگ
نشو که از تو خدا بزرگتر است ای مار پیغمبر تو نین برو تو نین برو نین برو
دفع قولنج این سطر را خوانده دست بر موضع درد بمالد سطر اینست دفع قولنج
سوبع بنی دردت اتاد دفع دفع قولنج بیت و چهار جیم بر یکپاره چه دفع قولنج
نبات نوشته باو بخوراند دفع کرده ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج
ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج ج از جهت تب و نوبه بر ۳ پاره کاغذ پاک نوشته دفع تب و نوبه
روز قبل از وقت در آب شسته بیاشامد دفع کرده اول بسم الله جبرئیل
دویم بسم الله میکائیل سیم بسم الله عزرائیل دفع تب و نوبه بر ۳ پاره
کاغذ نوشته ۳ روز قبل از بروز نوبه بلع نماید اول بسم الله طرفا دویم دفع تب
الرحمن ططرفا سیم الرحیم ططططرفا دفع تب و نوبه این منطر را بر ۳ پاره
کاغذ نوشته ۳ روز قبل از بروز نوبه یکی از آنها را در زیر پای خود بخور کند
منطر اینست سوطا سوطا بالنادا حرفتنا ها از جهت تب و نوبه بر ۳ پاره دفع تب
شکو بنام صاحب نوبه و بنام مادرش نوشته ۳ روز قبل از بروز
نوبه بخورد شفا یابد اول کیسوم دویم ابرعیحوم سیم ووحوم
از جهت صرع و غشی اگر مصروع غشی باشد در وقت غش گوش او را گرفته صرع و غشی
اینها را بخواند در گوش او و گوش او را با قوت بکشد و بگوید بر خیز

باذن الله تعالی دفع غش او خواهد شد اینست دعا بسم الله الرحمن الرحیم
الم المص طسم کهیعص یس والقرآن الحکیم حمعسق ن والقلم وما
یسطرون دفع شفای بیمار دست بر پیشانی بیمار کذارده هفت دفعه
اینها را بخواند بر او بدمد شفا یابد اسئل الله العظیم رب
العرش العظیم ان یشفیک بحق محمد وآل محمد دفع شفای بیمار ۳ دفعه
در بالین بیمار بخواند و بعد نوشته بر او ببندد و بدهد انشاالله شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الملک الحق المبین شهد الله انه لا اله
الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم ان الدین عند الله الاسلام الله نور وحکمة وسلطان
وهیبة وحول وقوة وبرهان وقدرة قیوم لم تمسه لا اله
الا الله آدم صفوة الله لا اله الا الله نوح نجی الله لا اله
الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله لا اله
الا الله محمد رسول الله وحبیب الله لا اله الا الله علی ولی الله
اسکن ایها المرض باذن الله الذی سکن له ما فی السموات وما
والارض وهو العزیز الحکیم دفع شدت تالو این آیه مبارکه را بر هفت
دانه جو درست بخواند و بدمد بر هر دانه از جوها یکمرتبه بخواند و بعد آن
جوها را یک یک بعد از اتمام آید با اطراف تالوها مالیده بعد هکی را

درمیان

دفع شفای بیمار

دفع درد تالو

درمیان پارچه‌ای از کهنه بستر در منجلاب اندازد تا متلاشی شده بپوسد
تالوها بر طرف کردد این است اعوذ بالله من الشیطان الرجیم فیذرها
قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا دفع شدت طاعون این شکل را بر
کاغذ پاکی نوشته با آب طاهر بشوید در وقت شستن با آب هفت دفعه
سوره مبارکه حمد را بخواند و آن آب را به آن بیمار دهد بیاشامد که مجرب است
شکل اینست ۱۱۱ ۳۹۱۱ ۳۱ از برای دفع اسنان خطی بر دیوار کشیده
صاحب درد را بگوید که انگشت سبابه خود را بر همان دندان
بگذارد که درد میکند پس حرف اول بالای خط نقش کند اگر درد ساکن
شد فهو المراد والا حرف دوم را بنویسد وکذلک الی آخر الحروف البته در هر حرفی
از این حروف درد ساکن خواهد شد حروف با سطر است
طع١٤٦٩١٨٧١٩١١طه
از جهة بیمار در نظام اذا أبدی فی قلوبهم مرض با عدد
آن شخص را اگر بنویسد در مثلث ثبت نماید در کورستان دفن نماید و بعد اسم الکرابین
آیه مبارکه هم بخواند از جهة تفریق ایدو والقینا بینهم العداوة والبغضاء
۳۸۱ ۳ میشود با عدد آنکس ثبت کرده و بعد اسم آنکس هم بخواند که مجرب است
از جهة ترک لبا مجرب است مقعد را چرب نماید ترک دفع میشود

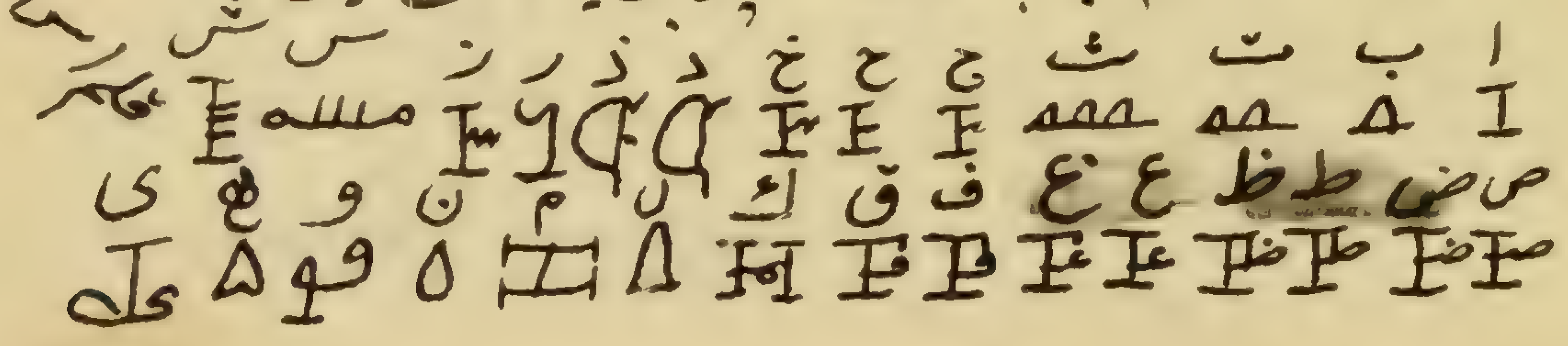

دفع طاعون

از برای دفع دندان

بیمار در نظام

از جهة تفریق (مجرب)

از جهة بوی بد زیر بغل و انکشتان پا علفیست در شیراز که اسم آن علف ازوهد
انرا اکر فتر نرم کوده با حنا خمیر کنند بزیر بغل بمالد و بر انکشتان پا ببندد بوی
بد را دفع کند از جهة هر جوب و زخم موم کافوری مغز سفید روغن دنبه
روغن کنجد مساوی الوزن مرهم سازد بر روی زخم کذارد که بسیار مجربست
از جهة کسیکه از اوصرع داشته باشد خواه بزرك باشد خواه کوچک وقتی که غش
کرده باشد در کوش راستش بکوید ۳ مرتبه علی امیر المومنین ع السلام ابن ابی طالب
یَقُولُ لَکَ هیشا شًا مخاجًا اخرج بر کوش چپ ۳ نوبت نیز بتقدیم رساند
بر هشا شا این را بخواند بحول الله تعالی بهوش آید و صرع از او زایل شود
وقت نزدیک صرع باشد که غش کرده است نوع دیکر علاج مصروع و مجنون
دهن خود را بکوش او بکذارد و بکوید علی ابن ابیطالب وصی رسول رب العالمین
یَقُولُ لَکَ خَاشًا مخاخاماشا اُخرُج اخرج منها مذءوما اُخرُج منها فما
یَکُونُ لَکَ ان تتکبر فیها اخرج انک من الصاغرین اخرُج و بعزة الله
اُخرج بقوة الله اخرج بشرایط لا اله الا الله وصلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین ایضا دفع جن در کوش راست مصروع بخواند علی ابن
ابی طالب علی امیر المومنین ابن ابی طالب یقول لک هاشا مخاخا
اخرج اکر مصروع بحال نیامد این اسمها بنویسد بر کاغذ دود کند بر دماغ
او که بحال آید قلیقًا خلیقًا مخلقًا فرعون شداد نمرود هرکدام بی باشد دفع شود

فصل

فصل در باب خواص بعضی از حیوانات خواص اکر کسی بکسی را در سر چوبی زن کند با آتش بسوزاند
بعد آن سوخته را با روی خود بمالد موی ابرو را زیاد کند و سیاه کرداند مجربست
خواص زهره کاو اکر زنی زهره کاو را با خود کیرد فرج را تنک کند و مجربست
خواص شوید اکر کسی شوید را در جامه خواب بکذارد ککها بکریزند خواص سم بز
اکر کسی سم بز را در زیر کودک آتش کنند کودک دیکر در جامه خواب نشاشد
خواص موی خوک اکر کسی موی خوک را با برک کاهو بپیچد در زیر سرکین نهد بیند او نشود
خواص زهره مرغ اکر کسی زهره مرغ خانکی را بر ذکر مالد و جماع کند در حال زن آبستن شود
خواص پوست شیر اکر کسی پوست شیر را بسوزاند با روغن کنجد خمیر کند در جای موی کنده
بمالد موی بر نیاید مجربست خواص اکر کسی جامه او چرب شود با آب باقلا بشوید پاک شود
خواص حوت البحر اکر کسی حوت البحر را در جائی دود کند پشه دیکر در آنجا نماند فرار کنند
دیر آمدن انزال بنویسد در رقعه کرده در دهن کذارد تا در دهن باشد
انزال نیاید خواص سم اسب هر کس سم اسب را بسوزاند با روغن
بجوشاند بعد در جائیکه موی او رفته باشد بمالد مو بر وریاند
للفایده خفیفی مکی نفع کند در آب تا بکذارد و بجکانند در دماغ
دماغ را نیکو کند بورق بساید و خمر کهنه بسر که شراب و بمالند

بر صورت و چشم منع میکند آب آمدن از دماغ را دعاف للفاید سرکه و آب
بر دماغ زند قطع کند خون دماغ را دعاف للفاید ممسك و کافور هر دو را
بساید و بچکاند در دماغ خون آمدن را قطع کند دعاف للفایده برگ
بیصور ونشاده اديم بچكاند در دماغ خون آمدن را قطع كند للفايده
در معالجه صورت سنا مکی را بساید و خمیر کرده بسفیده تخم مرغ و بمالد را
صورت نیم مرتبه در نیم شب کلف و نمش را برطرف کند مجربست
للفایده تخم گلنار تخم خرفه تخم خیار تخم کشنیز تخم کاهو مکی برابر
دو درهم یک درهم نبات داخل اینها کرده در روی ظرفی بر روی آتش بو داده
بعد با نبات مخلوط کند مثل سفوف هر روز صبحها میل کند از برای قوت چشم
و محکمی دندان و پیر کردن مغز سر بسیار نافع است فایده للفایده سیاه تخمه
را همراه عسل چند روز میل کند وقت خواب و را هم اول بو داده بعد با شیر
گاو میل کند شیر را هم گرم کند کسیکه حب زیبق داده للفایده هر کرا زیبق خورانیده باشند
و از برای درد سینه بسیار نافع بود روز اول نیم نخود نصف صبح و نصف
عصر بخورد در میان آب بریده بخورد روز دویم نیم مثقال نصف صبح
و نصف عصر روز چهارم یکمثقال در دو وقت بخورد یودر دو پوطاس

خنازیر

خنازیر از جهة خنازیر کوفت مجربست حب الملین مکار فلفل سفید
کوکو د فارسی زیبق کشته زنجبیل را از کرچک حب سازند بخورد بسیار
مجربست حب از جهة سینه ریوند زرد صبر زرد حب نموده در وقت خواب
چهار دانه میل بفرمایند حب ترکه زعفران بذر البنج افیون صمغ عربی تخم کاهو
تخم نفاخ رب السوس نشاسته بلعاب بهدانه حب سازد در وقت حاجت میل بفرماید
حب نشاط کتیرا افیون صمغ عربی رب السوس لعاب بهدانه حب سازند میل بفرماید
ایضا حب نشاط تریاک صمغ عربی نشاسته کتیرا رب السوس حب المحلب کهربا
یاقوت مروارید بالعاب بهدانه خمیر کرده حب سازد میل بفرمایند حب کادکن
هلیله زرد ۳ هلیله کابلی ۱ بلیله ۳ ریوند ۴ شکر سرخ ۸ گل سرخ ۸
برگ سنا ۳ جلاب هلیله سیاه ۴ شکر سرخ ۸ ترنجبین ۴
جلاب هلیله کابلی ۱۰ پوست هلیله زرد ۱۰ هلیله سیاه ۱۰ تمار هندی
۴ تربد مجوف ۳ ریوند چینی ۳ صمغ عربی ۶ نخود تخم گل سرخ
۳ برگ سنا ۳ بلعاب بهدانه حب سازد بقدر کفایت بخورد جلاب
هلیله سیاه ۴ شکر سرخ ۸ ترنجبین ۴ حب کارکن
هلیله زرد ۳ هلیله سیاه ۳ بلیله ۳ هلیله کابلی ۳ ریوند ۴

[از جهة دردسر] شکوسرخ ۳ کل سرخ ۸ برک سنا ۳ از جهة دردسر از امام همام جناب علی ابن
الحسین علیه السلام رسیده کلاهی بجوشد یا سبب کر مجرب است از جهة سل
[از جهة سل] خرفه بجوشد بکوبد دفع شود از جهة دنبل مادو را بر سر بند بو ببند زیر حمام
[سوزنک] شود که بسیار مجرب است از جهة سوزنک بسیار مجرب است بادرهفت سرورا
کرفته مثل ماهی دم کرده با نبات بخورد صبح دو فنجان و عصر هم دو فنجان
[از جهة سرفه] واکر شربت او را بربزد بخورد اهم بسیار نافع باشد از جهة سرفه
مرفه و درد سینه و سودا بسیار نافع و مجرب است بادبهرنجت کام را کرفته
[روغن جوز] بمثل ماهی دم کرده با نبات بخورد صبح دو فنجان عصر هم دو فنجان روغن جوز
مغز جوز ۲۰ قند سفید ۵ بکوبند و قطره نمک آب کرم بروی بیاشد
بدستور روغن بادام بکشد عطوسی که لقوه باشد و تمدود
[عطوسی] نشیح را نفع رساند صفت آن اسطوخدوس و مغز فندق هند و دار
چینی از هر یک ۳ درم همه را بکوبد و به مغز را هم داخل کند بریزد در
دماغ دمد عطوسی که صداع سرد و سبات را نفع دهد صفت
آن اشنان و کندش و خردل علی السویه بکوبند و بریزد در بینی
[زکام] دمند زکام فصل در علاج زکام هرکرا زکام شده باشد که از کرمی

یا از سردی باشد آن آب که بر بینی آید اکر کرم است ۳ عدد باقلا
را در سرکه بنهد تا نرم شود آنگاه بر آتش اندازد تا دودش به بینی رود
بهتر شود اکر آبی که از بینی می آید سرد است اندکی زعفران بر آتش نهد
[مقعد] تا بویش به بینی رود نیک شود از جهة بواسیر بسیار نافع و مجرب است
آب چغندر پنج سیر آب انار ترش پنج سیر آب ورد شک پنج سیر شکر سفید پنج سیر
شربت بربزد بقدر یک سیر صبح با عرق کاسنی حل کرده بخورد بقدر یک سیر هم
عصرها در عرق حل کرده بخورد تا چهل روز هر روزی یک کاسه ماست
خوردنی باشد و اکر شربت بربزد بقدر دو سیر او را با یک کاسه
عرق کاسنی بخورد هر روزه ماهی هم یکدفعه خون بکیرد و برزشک یکشب
خیسانیده بعد دوام چند جوش داده بکذارد خوب صاف که شد داخل انها
کرده و آب چغندر را هم کرفته یکشب بکذارد بعد صاف شود او را هم داخل
کرده شربت بربزد اکر آب چغندر پخته باشد و اکر آب چغندر خام باشد
[از جهة سوزش بول] لازم نیست بکوبد، آب او را بکیرد داخل انها کرده اما پخته باشد بهتر است
سوزش بول برک بادنجان را خشک کرده مانند طوتون در حوق
[بول کردن زیاد] کرده در عرض روز ۳ چهار مرتبه بکشد دفع کند از جهة بول کردن زیاد

خواهد دفع شود کتیرای صاف خوب را نرم بکوبد با یکسیر عسل مخلوط کرده
بخورد البته دفع شود و مجرب است ازجهة گوشت آوردن دندان اسفرزه تریاک
زنجبیل فلفل سیاه زاج سفید زرنیخ از هر یک قدری بعد تخم مرغ را سوراخ
نموده سفیده اورا بیرون آورده این دواها را نرم کرده در پوست تخم مرغ بریزد
و سوراخ اورا با خمیر گرفته بعد همه تخم را بگیرد و خشک کند بعد گل گرفته
در آتش نهد بگذارد یکشب تا صبح بعد بیرون آورده اجزا را اگر در جوف او
منجمد شده باشد و سوخته باشد بعد نرم سائیده و از چوب بیرون کرده
در بن دندانها بپاشد بعد شیر گاو در دهن گرفته قدری نگاه دارد
بعد دور بریزد که نافع بود ازجهة قمل شیاف مامیثا ۳ درم قسط نیم
و قیر بوده یک درم نشاسته بوزن همه اول آهک و زرنیخ را طلا کند و
بشوید پس از آن دواها را طلا کند که مجرب است ایضاً داروی قوی
موبر زرنیخ سرخ خردل زراوند طویل قطران زهره گاو طلا کنند
ایضاً کندش زرنیخ سرخ خردل زراوند طویل قطران زهره گاو طلا کنند
ایضاً قطران خطمیا زرنیخ سرخ با روغن سوسن طلا کنند طریقه خوردن
زرنیخ اگر حقیر معمول داشت مداومت نموده اول شروع زرنیخ

هلیله

هلیله سیاه که عیارات از تساوی بوده باشد و هم چنین باین تصرف موافق
مزاج و بنیه خود باید بتدریج در زمانهای مختلف هلیله را کم نموده
تا زرنیخ صرف نماید فایده اگر مرکب مزبور در ابتدا بوزن یک نخود
شروع نماید تا یکهفته و هفته دویم دو نخود تا انتهای هفته و هم
چنین هفته سیم ۳ نخود و بهمین ترتیب زیاد نماید تا عرض دو سال
تقریباً بده مثقال برسد و اگر مزاج انکس ضعیف تر باشد هفته را
به ده روز قرار بدهد والبدو اهب الصعود والخاصیة دراطلیه
نافع من الراس الی القدم ازجهة سرما خورده که میعه سائله را در روغن
بادام حل کرده طلا کنند ایضاً نفط سفید بمالند اطلیه که بهیئت مجموعه بود
عموماً نافع است نفط سفید و کبود ایضاً چند بیدستر با روغن گاو در روغن
زیت با عصاره تره و با عصاره پودنه نهری ایضاً کوکرد با بول شتر بمالند
بمالند ایضاً سرگین بز با سرکه بباید بمالد ایضاً سرکه و نمک و زهره
گاو بمالند ایضاً مامیثا یا انجره با سرکه ایضاً سرگین بز با سرکه بمالند
ایضاً سیر و نمک را طلا کنند توبال بذرالبنج و سرکه ایضاً
مازو و عسل طلا کنند ایضاً صبر زرد گلنار فارسی مازو و عسل ایضاً

فایده هلیله خوردن

حیض مکی اقاقیا عاج ماذو و با آب سماق سائیده طلا کنند فایده هلیله را نرم
کوبیده سائیده و زنجبیل ده درم شیر ایضا بعد با شیره شکر خمیر نموده حبها سازند
بقدر فلفل اگر مزاج حار باشد یک حب والا دو حب بخورد و هفته یک حب زیاد
نمایند تا حبها بقدر نخودی شود و بعد از آن که طبیعت اجابت نمود بعد ۳
روز یک حب زیاد کند و بعد از یک اربعین هلیله را دو مساوی کند والسلام

دستور عمل حکیم

بختیشوع حکیم فرموده هر که باین هشت کلمه عمل کند هرگز محتاج بمعالجه طبیب
نشود اگر تا گرسنه نشود غذا نخورد اگر هنوز رغبت بخوردن
غذا داشته باشد ترک کند دیگر سیر نخورد اگر بی ضرورت دوا مسهل
نخورد اگر تا بتواند خون در بدن نگاهدارد اگر آنچه دندان
از جاییدن او عاجز باشد بمعده نفرستد زیرا که معده از دندان ضعیف
تر است اگر هر هفته بحمام رود زیرا که حمام فضولات از بدن را دفع
میکند که دوا بآن نمیرسد اگر هر شب پیش از خوابیدن خود را
بخلا عرضه کند اگر چه محتاج باو نباشد اگر تا بسیار نخاید غذا را
بدهان نگذارد ضیق النفس عسل بسیار مفید است بگیرد توپ را ورق کنید — ضیق النفس
و در میان عسل صاف کند تا پنج و شش روز و بعد از آن بفشارید

از آن

آن آب عسل را بیاشامد که مجرب است علاج خشکیهای درهم بدن برگ بید انجیر را — خشکی بدن
کرفته کوفته ضماد کنند یعنی طلا کنند بجهت دردهای کمر مجرب است فربه کردن بدن — فربه کردن بدن
صفت آن آرد نان میده مایه دار که خشک ساخته باشند بشیر و شکر ولتی بزنند
و هر صباح چهل درم از آن تناول نموده بحمام روند ایضا فربه کردن بدن — فربه کردن بدن
صفت آن آرد برنج و آرد باقلی و آرد نخود و آرد نان میده مایه دار خشک
کرده علی السویه بهم آمیزند و هر صباح چهل درم بشیر و شکر ولتی بزنند رغبت نموده — فربه کردن بدن
بحمام روند ایضا فربه کردن بدن صفت آن گندم و جوی کشک کرده آرد
نخود و برنج از هر یک دو مثقال مغز بادام مغز خشخاش و نان میده آرد
کرده از هر یک سی مثقال بشیر و شکر ولتی بزنند تناول نموده بحمام روند — فربه کردن بدن
ایضا فربه کردن بدن باید طلا کنند فقیر جمع نموده ام و بسیار کسان
فایده یافته اند صفت آن اینست که مجید با نوده مثقال سلیخه ۳ مثقال
شاهجیر که هفت مثقال و افسنتین دو درم مصطکی را نرم کوفته با سی مثقال
پنیر آمیخته بعد ده دفعه بر بالای رحم طلا سازند و فرزجه بردارند که — گشادن حیض
مجرب است حیض عودتی مدت هفت سال بسته شده بود این فرزجه
را برداشت خون حیض او گشاده شد صفت آن مر و فوتنج از هر یک چهار درم

احتباس طمث

ابهل هشت درم سداب ده درم مویز را اندرون کرده بیست درم ثوم کوفته

بزهره گاو بسازند و بردارند چند روز که مجربست فایده احتباس طمث

از جهة حرارت که در دهان رگهای رحم را محکم میسازد علامتش التهاب

وخشکی رحم علاجش اوانیست شیرخشت وسماق ونبات ومغز تخم کدو وعناب

وبادیان همگی را نرم کوفته قرص بسازند بعسل وزهره تخم مرغ وچند روز

احتباس طمث

بردارند وشیره خرفه هم فایده دارد احتباس طمث اگر بسبب برودتست

که غالب شود بر مزاج رحم ودهان عروق وبسته شود علامتش سفیدی لون

وتفاوت نبض وسردی عروق علاجش قرص مر را دویر کرم احتباس طمث

احتباس طمث

دیگر از یبوست حادث میگردد علامتش یبوست رحم وهزال بدن وخلاء

عروق علاجش چیزها مرطب وباقی علاجش آنچه در باب عقم مذکور شده

ادرار حیض

دوای که حیض را براند صفتش لوبیای احمر وحلبه وانیسون از هر یک ۳ درم

دو دانگ نیم کوفته چهار درم همه را در یک کاسه آب بجوشانند تا ربع آن

بماند بعد صاف کنند وبده مثقال ترنجبین آمیخته نیم گرم رغبت نمایند

ایضاً

ایضاً . سنجرو شونیز از هر یک دو مثقال زراوند مدحرج وانیسون از

هر یک ۳ مثقال جندبیدستر وابهل از هر یک دو درم همه را نرم کوفته

وبپزند

وبپزند بدو چندان عسل کف گرفته سرشته هر صباح از یک مثقال تا دو مثقال

غلوله کرده فرو برند وچهل روز عرق بادیان عقب آن میل نمایند اگر

قوت داشته باشد غذا اندک نخود ثانی بماء العسل یا آب نخود با روغن زیت

یا جوز یا شغر وخردل واگر قوت ضعیف باشد گوشت کنجشک وکبک وامثال

اینها را بخورد با صد مثقال عسل آمیخته نمایند وبخورد نمک سیاه وبوره

تقویت معده

با روغن زیت در حمام در بدن بمالد والسلام ازجهة تقویت معده شربت

از عسل سازند با صد مثقال عسل آمیخته نمایند وبخورند ایضاً

نمک سیاه وبوره با روغن زیت در حمام در بدن مالند زراوند طویل

معجون مفاصل ونقرس

دو مثقال وفلفل سیاه دو مثقال نبات دوازده مثقال نرم کوفته هر روز

اندکی میل بفرمایند والسلام معجون مخصوص مفاصل ونقرس وعرق النسا ودرد پشت

صفت آن اینست سورنجان ۳ درم فلفل سیاه ۲ درم دار فلفل ۲ درم ورق

حنا ۲ درم زیره کرمانی ۲ درم سیصح ۲ درم پوست بیخ کبر ۲ درم

زبد البحر ۲ درم تربد خوابیده مجوف ۳ درم زنجبیل ۷ درم بوزیدان

۵ درم محموده ۳ درم پوست هلیله زرد ۵ درم عسل کف گرفته ۳ وزن

ادویه شربتی از آن هفت درم ناشتا میل بفرمایند که مجربست ایضاً جوارش

که کرده را قوی کند و قوت دهد معده را قوی کند بلغم را دفع نماید و بوی
دهن خوش کند آب بر فتن را باز دارد بادها را بشکند ریگ مثانه را بیرون
کند تخمه را دفع کند تسخیه بودن غذا را ببرد آب پشت را بیفزاید معده
و جگر را قوی کند گویند در امر باه نظیر ندارد صفت آن اینست آب پشت را
تخم کذر ۲ درم تخم کرفس ۲ درم تخم نانخواه ۲ درم رازیانه ۲ درم
مغز تخم خربوزه ۲ درم مغز تخم خیار بالنگ ۲ درم بیخ کرفس ۲ درم
بسباسه ۳ درم فلفل بویه ۳ درم کبابه ۳ درم عنبر اشهب یکدرم
عسل کف گرفته ۳ درم معجون کند بعد از دو ماه استعمال کند خوراک
دو مثقال میل نماید حب از جهة مفاصل و نقرس مجرب است صبر سقوطری
یکدرم تربد سفید مجوف یکدرم سورنجان مصری یکدرم ماهی زهره
یکدرم حب النیل یکدرم والسلام ضمادت عرق النساء و وجع سوزاك پوست بیخ کبر
۲م بودنه کوهی ۲م عاقرقرحا ۲م حب الغار ده ۱م تخم توتیزک در روغن
زیت داخل کرده ضماد کند که مجرب است ضماد یکه شکم را ببندد یعنی اسهال را باز دارد
اقاقیا سعد کوفی مرمکی کندر مازو گل سرخ آمله املج کاورس برنج
بو داده بلوط گلنار فارسی بزر البنج عدس صندل باید همگی مساوی هم باشد

حب از جهة نقرس مفاصل

ضماد عرق النساء

ضماد یکه شکم را بندد

لخ

نرم بکوبد با آب مورد ضماد کند که مجرب است غرغره که ثقل لسان که بسبب از بلغم
باشد دفع کند نوشادر ۳ زنجبیل ۱ سیاه دانه ۱ نمک هندی ۷
عاقرقرحا ۱ مویزج ۱ اشترغاز ۱ اسپرسا ۱ بوره ارمنی ۵
وج ۵ دارفلفل ۱۰ مرزنجوش ۱ اکر بوکی ۱۰ بکوبند و با سکنجبین غرغره کند
از جهة رعاف مهلکه را باز دارد کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا
مازو پوست انار ترش کندر صدف سوخته با آب سماق در دماغ چکانند
که بسیار مجرب است درد بواسیر را نافع بود مغز ساق گاو پیه مرغ کوهان اشتر
روغن گل مساوی هم بسایند و قدری افیون اضافه کرده در هاون بکوبد
تا مرهم شود استعمال کند که بسیار مجرب است سفوف جهة مفاصل و نقرس و عرق النساء سورنجان
۱۰ درم سنای مکی ۱۰ درم تربد مجوف ۵ درم مغز بادام سفید ۲۰ درم زعفران
یکدرم محموده مشوی دو درم پوست هلیله زرد ۳ درم شربتی با آب سرد دو درم باشد
ایضاً از جهة مفاصل و نقرس و عرق النسا صبر سقوطری یکدرم تربد سفید یکدرم
سورنجان مصری یکدرم ماهی زهره یکدرم حب النیل نیمدرم غاریقون نیمدرم
کثیرا ۶ نخود تخم حنظل ۶ نخود نمک هندی ۶ نخود این یک خوراک است مرهم سوختگی آتش
موم ۱م روغن کنجد ۳م بعد از گداختن روغن موم را در آن اندازد تا حل شود

غرغره

رعاف

درد بواسیر

سفوف مفاصل و نقرس و عرق النساء

عرق النساء

مرهم سوختگی آتش

بعد از روی آتش بردارد قدری سفیدهٔ تخم مرغ داخل کند و قدری هم افیون حل نموده
اضافه نماید از جهة سرکچلی سر را تراشیده و چرب کنند که خوب شود — سرکچلی
اعلام شدن بیمار اگر خواهی معلوم کنی که بیمار بر میشود یا اگر میمیرد این شکل
را بر کاغذی بنویسید در آب اندازد اگر بر روی آب ایستد زود صحت یابد
و اگر میان آب ایستد بیماری طول کشد و اگر زیر آب رود آن بیمار بمیرد
لاع لحاح علای ٤٣ ١١١١ ٢ ها از جهة فراموشی للفایده هر کس مدت چهل روز — فراموش نشدن کلام
هر روز بیست و هفت مرتبه این اسماء را بخواند هر چه بشنود هرگز
فراموش او نشود یا واحد الباقی اول کل شیء و آخره از جهة ابله اطفال — از جهة ابله اطفال
بنویسید بر موم گرفته بر گردن آن طفل بندد که بسیار مجرب است

ب	یج	ج	یو
ز	یب	و	ط
ید	ا	یه	د
یا	ح	ی	ه

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

از جهة ابله اطفال
ایضاً از جهة ابله اطفال بنویسد این طلسم را و بر بازوی راست آن طفل
بندد حروف از هر خانه سی و چهار عدد باشد نه کم و زیاده مجرب است

هم

از جهة بکبریت زدن

طلسم

١٣	٢	٣	١٦
٧	١١	١٠	٦
٥	١٥	٥	٩
٩	٦	١٦	٣

بکبریت زدن استخوان مرغ سیاه را و چوب
تاک را باهم بسوزاند و با موم عسل سرشته گلوله
کنند که بکبریت را بسیار مجرب و نافع بود
از جهة قوه باه — از جهة قوه باه یکدرهم خولنجان را سائیده
با یک وقیه آب گلدر کوبند ناشتا بنوشد که بسیار قوه دهد اوقیه با وقیه — وزن اوقیه و درهم / باوقیه معلوم شود
یکیست هفت مثقال میباشد و درهم سیزده نخود است پنجاه درهم سی و ه
مثقال است چهل دو مثقال شصت درهم است جهة قوه باه چون نخود را
در آب خیسانیده و آب او را با عسل آلوده کرده بخورند اعاده شهوة مایوسین — از جهة شهوت
میکند از جهة شهوت خماد خردل با روغن باعث نعوظ شدید کند و مجرب است — از برای سخت شدن قضیب
سخت شدن قضیب قضیب را باشیر بادام انقدر بمالد تا بحد حمرت برسد بعد
خراطین را شسته از گل پاک شود بعد خشک نموده نرم کند و با روغن کنجد
نیم کوم خماد کند بعد از یکشبانه روز بشوید و خشک کرده زالو را سائیده
باشیر بعد از مالش دادن مجرب است ببرد از جهة قوه باه حب امساک شهوت — تقویه باه
دانه تمر هندی را سه چهار روز در آب خیسانیده پوست او را گرفته یکجزو مغز او را با
دو جزو قند کوبیده حب سازند دو عدد که بقدر نخودی باشد قبل از جماع بخورد

ساعت میل کند دفع دیر آمدن آب پشت می کند دیر آمدن شهوت حب شهوت که بعد از
شش ساعت بفوض آورد مایه شتر اعرابی و عنبر اشهب و مشک و مصطکی و خولنجان
و قرنفل خصیه ثعلب همگی را حب کند بقدر فندقی سازند هر روز یکعدد میل نمایند
و بعد از آن شراب یا آب نخود خیسانیده یا خسانیده والسلام بکر بودن زن از جهة
بکر بودن بسیار مجرب است چون ساق حمام را بسوزانند و فرزجه کند در اعاده
بکر بودن اسرار است سیاه شدن در سیاه کردن چشم بعد از آن اکتحال رماد حنظل
بیهوشی از جهة بیهوشی قطره یکوزه او در زیر خم شراب روید پوست او را بگیرند
و خشک کنند هر که قدری انگشتی بخورد بی هوش شود همان پوست او زهر است نسخه [illegible]
پازهر بن و روغن بادام تلخ دفع کرم قدیم کند از جهة درد سر و گوش از جهة درد
سر و درد گوش و بعضی امراض بسیار نافع بود گشنیز بنفشه و گل سرخ هر یک درم جی نیز
کم نیز زیاد بستانند بکوبند مثل مجموع از قند سفید سوده کوفته گشنیز بود مقوی دل
خون بند درد سر کند کم درد دفع سر و مفید باشد توتیا دوا داده بود هم
از جهة دفع غبار چشم زنبور مرده که پای کندوی عسل افتاده باشد بردارد خشک کند
نرم بساید در چشم کشد دفع غبار کند ایضا خارش و سوزش چشم صحفه سر را انیقه
در کف دست مالیده که کف را سیاه کند بعد سیاهی را با آب بادشره یا آب غوره شسته در چشم
کند تمام است

ایضا

منع شهوت

از جهة بیهوشی

نسخه از [illegible]

از جهة غبار چشم

ایضا از جهة غبار چشم بگیرد پوست هلیله کابلی ۵م املج مقشر ۵م شیطرج ۳م
مصطکی ۵م افتیمون ۵م سعد کوفی ۲م مقل ازرق ۲م برگ عنب ۳م پوست هلیله
۵م و روغن شفتالو اول ادویه را نرم کرده با روغن مذکور چرب کرده و بعد مقل را
با ۲۰ مثقال آب طبخ دهد تا خوب حل شود بعد با دو من از عسل معجون ساخته در وقت خواب هر شب
دو مثقال میل نموده و یک فنجان آب گرم از عقب او بخورد از ترشی و سفیده و خوب پرهیز نماید و از برنج
احتراز کند غذا آب گوشت مرغ یا کبوتر و گوشت بره نخود آب کند با ادویه خواهی این معجون کند
بخورد بر طرف کند مراق کهنه را و درد دل کهنه را اگر در وقت درد مالش میدهد دل را و معده را
ترش ویکند و حالت استفراغ می آورد بهتر از این معالجه در عالم نمی شود آزموده و مجرب است نوشتم
تا یادگاری باشد از برای عبده کان خدا انشاء الله تشنج که از امتلاء بلغم میشود علاجش آن است
که در ابتدا حقنه کنند و بعد از آن مقدار ربع مثقال از تریاق کبیر و تریاق اربعه در آب گرم
از ذریره و شبت و افتیمون از هر یک یک درم جوشانیده باشند و بر قند شربت ساخته میل نمایند
و از قبیل روغنهای گرم مثل روغن سداب و فرفیون و غیره بمالند و جرای که دراو بابونه
و بنفشه و گل بومادران جوشانیده باشند در آن نشیند تشنج که از سوء مزاج سرد شود

وحدوث او از داخل شده آنچه عارض میشود از خوردن افیون و آب سرد یا از خارج هم چنانکه
از برف و هوای سرد حاصل شود خوابش کم شود و زهراب بسیار کند در ابتدای این مرض از
سردی و سر و فواق باشد علاجش مثل علاج سابق است این از رطوبت و بلغمات است روغن فرفیون
فرفیون را کرفته روغن زیت پنج مثقال و موم یکمثقال موم را در روغن حل سازند و یک
مثقال فرفیون را حل کرده بدو آمیخته بوده مریض را در ابزن که در و بود نیز و فرفیون
و بابونه و غیره جوشانیده باشند در آرند و بخرقه اعضای که الم در او باشد بمالند
تا سرخ شود بعد از آن از این روغن بمالند و از این معجون هر روز مثقالی اختیار نمایند
صفت آن معجون زنجبیل ۲ درم و زیره و بنفشه یک درم نرم کوفته با صد مثقال روغن فرفیون
و بشت و بابونه مالند نافع است از جهت بول کردن زنان خواهد که رفع شود کتیرای صاف
خوب نرم کرده با عسل مخلوط کرده بخورد که رفع شود و مجرب است از جهت اولاد
شدن زنان صفت آن اینکه بهمن سرخ و کتیره و زهره کاو و ذرنباد
و درونج عقربی از هر یک دو مثقال مروارید ناسفته و خردل ابیض و فلفل
ابیض از هر یک یکمثقال همه را نرم کوفته و بیخته و بعسل کف گرفته سرشته

و ۳

[illegible]

و ۳ روز متعاقب هر روز یکمثقال غلوله کرده در فرج نهند و روز چهارم
دست بمرد دهد انشاالله بمراد رسد از جهت اولاد شدن زنان صفت آن اینست
بیخ های خرگوش و زعفران و عود و تخم گل از هر یک یکمثقال مشک دانکی
همه را نرم کوفته و بیخته بعسل سرشته و غلولها کرده هر یک بمقدار مازوی
زرد و ۳ غلوله کرده بر قبل نهند البته بعد از ۳ روز بمرد رساند خود را
که انشاالله بمراد رسد دهن بابونج صفت آن بابونه تازه ده مثقال
روغن کنجد پنجاه مثقال در شیشه کند و ۴۰ روز در آفتاب کرم نهد و وقت
حاجت بکار برند که مسکن اوجاع است دهن القرع روغن کدو است
حرارت و یبوست دماغ را دفع کند و ماخولیا را نفع دهد صفت آن
اینست کدوی تازه چهار صد مثقال روغن بادام صد مثقال با هم
بجوشانند تا روغن بماند دهن البنفسج روغن بنفشه است خشکی
دماغ را دفع کند و بیخوابی را نفع دهد و صلابت را سود مند آید
صفت آن گل بنفشه تازه بیست مثقال روغن بادام صد مثقال
در شیشه کند و ۴۰ روز در آفتاب کرم نهد والسلام

معجون بسیار باه بده بگیرند پلادر را کلاه او را کنده در دیگ بریزند و بقدر چهار

انگشت شیر گاو بر روی او ریخته و طبخ داد تا شیر تمام شود دفعه دیگر شیر داده و طبخ

بدهد تا ۳ دفعه بعد ا بیک بر او ریخته یکشب بگذارد بعد از او گرفته خوب شوید

با ب قراماد دیگر ملوحیت در او نماند بعد نرم بکوبید بعد کنجد سفید زنیان ٥

اسفند جدا جدا نرم کوبیده بعد داخل پلادر کرده ۱ انیقدر بکوبند که غبار ۳

شود بعد در کوزه کرده در زمین دفن کنند جائیکه رطوبت نباشد تا ۴۰

روز بعد بیرون آورده شروع در خوردن او کند تا خواص او را ببینند

از جهة حیض را بگشاید و درد رحم که از سردی بوده باشد نفع رساند صفت آن

سیر زرد و مقل ازرق و جاوشیر و مصطلکی و اوشق از هریک دو درم همه اجزا را

دو شبانه روز در سرکه و عسل حل کرده و خوب صلایه کنند تا چون مسکه نرم

شوم بعد روغن بید انجیر کیان و روغن بید بط و چند بید ستر را خوب

نرم صلایه کرده و بیختر از هریک ۳ درم زعفران سوده یکدرم نرم صلایه کند

تم ساخته

تم ساخته صلایه کنند تا خوب با یکدیگر مخلوط شود پس هر روز دو ۳ نوبت

هر بار مقدار مازوی سبز در میان پشم پاک شسته بچیده بخود بر دارد که

مجرب است **از جهة حامله شدن زنان** و بیرون رفتن عیب و علت رحم مکرر

بتجربه رسیده کرات و مرات این ادویه را کوبیده شیاف ساخته بر دارد

هلیله سیاه کشمش سبز اول هلیله را نرم کوبیده از جو بیرون کرده بعد کشمش

را کوبیده هلیله را داخل کرده خوب بکوبید که مثل مرهم شود باید شیاف کند بقدر

هسته سنجد باشد بر دارد بعد از یکساعت مرد با او جمع شود **از جهة باد بواسیر مجرب**

تربت اثیم تخم حنظل اثیم مصطکی اثیم نبات اثیم هریک را نرم کوبیده از باد

نازکی بیرون کرده حب ساخته بقدر نخودی شربتی دو حب یا ۳ حب بخورد دفع

کند بواسیر را از برای درد دل کهنه هم خوب است از جهة دفع بلغم و رفع خشکی

اعصاب عدیل و نظیر ندارد تا یم شب بخورد **حب حنظل** تخم حنظل دو توله

مقل ازرق یکدرم پوست هلیله زرد یکدرم کوبیده و بیخته حب بقدر نخودی

بسته کند خوراک او از پنج عدد تا پانزده عدد در وقت خواب بخورد **از جهة**

فالج و لقوه و تشنج را سود دهد روغن شونیز شونیز ۲۰ درم مغز بادام

تلخ ۳ درم در روغن بکشند والسلام **معجونیکه از برای حافظه** نظیر ندارد

بنحوی که هرچه از اول عمر تا آخر شنیده باشد بر سر ستر بخاطر داشته باشد و آن
معلوم آنچه احتیاج داشته باشد از برای او آسان گردد فلفل دار فلفل
کندر عود جوز هندی سعد کوفی زنجبیل دارچینی زعفران اکیر ترکی
هلیله سیاه تخم کرفس بود نتر بابونه سیسالیوس قطراسالیون
قند سفید برابر همه اجزا با ۳ وزن همه اجزا عسل معجون نموده شربتی
از یک درم یا دو درم تا دو هفته تناول نمایند در این روزها
غذا نخداب با گوشت و زیره و زعفران باید تناول بفرمایند والسلام

از جهة امراض درد دندان دارفلفل سوخته تنباکو فلفل سفید خاک
کوزه کوبیده ملایم نموده بدندان بمالند کرم دندان را پوسیده نماید

از جهة سوزاک یک مثقال کات کبود را شسته باشد بالای آتش گذارده
تا خوب سرخ شود بعد در زمین گذارده تا سرد شود شکفته شود دو قسمت
کرده نیم مثقال را با پنج سیر ماست گاو مخلوط نموده بهم زنند و در کرباس
آب بزیده ریخته آب زلال او را گرفته ۳ قسمت کند یک قسمت را از
بیشتر امالة کند و قسمت دویم را نرم کرده با یک مثقال گل ارمنی مخلوط
کرده داخل پنج سیر ماست کرده در کرباس بچکانند زلال را گرفته

باز

از جهة درد دندان

از جهة سوزاک

باز ۳ قسمت کند یک سیر از آب اول و یک سیر از آب ثانی امالة کند که
دو روزه معالجه میشود و خوب میشود هو الشافی ماء الحیات آب سیب
آب انگور کشمش بیدمشک گلاب بادرنجبویه بیه عرقها را
بعد از کوم کردن در خمره کرده بعد عود قماری عود بلسان فوفل
صندلین مغز هل دارچینی میخک بیر با ذهر اجزا را کوبیده داخل
نمایند عصر و صبح هر روز بر هم زنند از جهة اولاد تخم مرغ پنجاه
عدد تخم انها را گرفته میان فنجان بریزد با چهار زرده تخم مرغ زنجبیل
۳ دارچینی یک مثقال ریشه جوز یک مثقال مغز هل یک مثقال میخک یک مثقال
روغن کنجد یک مثقال خاک یاقوت یک مثقال اینها را نرم بکوبد از آتش
برون کند بریزد میان تخم مرغ بهم بزند با یک سیر عسل صاف بعد در حمام
رفته مشت مال بدهد تا بدنش نرم شود بعد برود بمیان آب خزینه همه را
بخورد بعد برون بیاید اگر زن معیوب باشد هلیله سیاه ۱۰ ال بکوبد
از تا فتیر درکند با کوهان شتر و زرده تخم مرغ از پشت شیاف بردارد
تا هفت شب شبی یکدانه کار مجرب است از جهة دندان که کرم خورده باشد درد
کند تخم پیاز در سر قلیان کشند و بکشد و دود او را در دهن نگهدارد

از جهة اولاد

از جهة درد دندان کرم خورده

درد ساکن شود و دیگر درد نکند و مجربست فایده تخم شربتی را نرم کوبیده
با آب بخورد بر روی کتان گذارده فصل بفصل بر روی زخم بگذارد مجرب
از جهة خشکی سودا موم کافوری موم زرد پیه بز را آب کرده در موم داخل
بعد خون سیاه وشش را با آب نارنج مخلوط کرده داخل موم و روغن کرده قابل
بسازد بر روی زخم سودا بمالد خوب شود که مجربست از جهة رفع خشکی جید
سنگها هولی که در باغها میباشد کوفته آب او را جدا دوش کرده در او
اندازند تا رفع خشکی او شود و کوبچی سرخ نیز همین حکم دارد کوبچی سفید هم
که در ایام چیتر در دنیا که در باغها میباشد و عینی همین حکم دارد از جهة
درد باد و درد کمر کود تجربه رسیده صابون ۴ ال کافور ۲ ال عرق شراب ۱۰ ال
هر دو دوا را با عرق بساید و بمالد که مجربست از جهة باد فالج و بستگی
لسان سنای مکی گل بنفشه عسل چهار حصه بکند روزی یک حصه بخورد از برای
سرکل مغز تخم کدوی مینا بوداده مغز تخم زرد آلوی تلخ بوداده گل خطمی سفید
مغز تخم […] اینها را با روغن کرچک مخلوط ساخته استعمال کند بر سر بکند
والسلام روغنی که از برای جرب استعمال نمایند راسخت حنا توبال ک دانگ
قیطران کوبچی اینها را در توی روغن دنبه بر تو د بزنند والسلام

از جهة

از جهة سرعت انزال وستی که در اندرهند را مغز کرده او را بریان کند برابر
او قند سفید داخل کرده سفوف نماید دو مثقال بخورد عمل تنزور خطائی
علم سرخ صندل سرخ یا سفید زهره گاو جواشیر کشنیز بوده زیر کوبی
با صبر را تمام اجزا را صلایه نماید با گلاب خمیر کند اگر خواهد سرخ شود
اندکی اضافه کند و لوله کند از برای سرکل گل خطمی قرمز گل خطمی سفید نشاسته
باروت اینها را باهم نرم کوبیده و گل کرده و سر را تازه تراشیده بمالند
خوب میشود مجربست از جهة سرکل که در سر پیدا شود زاج سفید را باتش
اندازد سوخته شود بعد از آن با روغن دنبه بنا میرزا استعمال کند ماق
شود از برای سوزنک شوره قلمی ماست گاو یک سیر شوره خوب کوبیده
در میان ماست گاو ریخته بخورد اما تا ۳ روز این عمل را بکند که خوب شود
از برای وجع مفاصل مجربست سورنجان مصری مقل صبر زرد پوست هلیله زرد
هلیله سیاه کوبیده حب ساخته روزی یک مثقال از برای باد مفاصل
هر چه دگر باشد یک حصه شیر کاله بند و پنج حصه کره گاو و نمک بر هم میزنی
این میشود روغن کاله بند از جهة درد دندان بعد از شوره ۳ چهار
مثقال ریک بزهاد بر بندد دو سه دفعه بربندد دیگر درد دندان نه بیند

برای نوشتن کاغذ

برای نوشتن کاغذ نوشادر را بر دهن خود بگذار بنویس فایده جوهر
دادن جوهر نیم مثقال سنگ کبود را با یکمثقال نوشادر را با هم نرم سائیده
بعد چاقو یا کارد یا شمشیر هر کدام خواهید آغشته کنید بعد با این نوشادر
و کات حل شده با آب بروی چاقو بریزید یعنی بنویسید یکساعت بماند خوب بهم
بعد اجزاها را خوب بشوید تمام است از جهة جنبیدن دندانها اگر از پیری
باشد علاجش پذیر نیست واما در جوانی بگیرد هلیله زرد یکمثقال خردل دو
مثقال ماقوها دو مثقال اینها را نرم کوبیده با شما بدندان مسواک کنند
که بلغم را پاک میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را سخت میکند
از جهة درد دندان بیاور برگ گشنیز تازه و مغز فلوس و گل ارمنی اندکی شیرا
گرم نموده روزی دو سه دفعه با این آب بشوئید و وقت خواب بباشد
گلنار فارسی طباشیر قلمی آرد جو سائیده نرم بپاشد بپای دندانها مجرب
ایضاً از برای دندان پوست ترکا هو طباشیر قلمی آرد جو سائیده بپاشد
من مجربات میرزا عبد الباقی حکیم باشی از جهة بن دندان که متحرک باشد
و گوشت او رفته باشد مکرر بتجربه رسیده است دم الاخوین هلیله زرد
کرمازج طباشیر گلنار فارسی گل سرخ از هر یک یکمثقال اجزا را نرم کوفته

و بیخته

و بیخته سفوف نمایند و بن دندان را با آب کاسنی خوب بشوید تا گوشت
مرده و چرک آنچه دارد ببرد و پاک شود و اگر آب کاسنی نباشد بعرق
کاسنی بشوئید و در وقت خوابیدن بر بن دندان بپاشد ایضاً سنون
دندان کوده اسفرزه کات هندی کبابه چینی کافور سنون ساخته نرم
نموده هر شب در پای دندان بپاشد که مجربست دوای دندان که حضرت
امام رضا علیه السلام جهة مامون فرمود شاخ گاو کوهی کرمازج سعد
کوفی سنبل الطیب حب الاثل اجزا را سفوف نماید و ربع اجزا نمک
اندرانی داخل نموده سنون نماید و دندانها را محکم میدارد و بخش را
محکم میکند از آفات از جهة سفید دندان نمک اندرانی زبد البحر سنون
سازند کرمازج اسم درخت گزاست حب الاثل اسم ثمر آنست و از بذال
صبح تمر اثل است از جهة کرم شکم خرما را ناشتا بخورد ایضاً بگیرند توس
بری و صبر و تخم حنظل برابر همه را با آب برگ شفتالو با آلو معجون ساخته
جهة کرم بزرگ بسیار نافع جهة حب القرع بر زیر ناف بهشته دفع درد دندان
برگ سدر را با گلاب جوشانیده مضمضه نمایند درد ساکن شود والسلام
از جهة رفع مرض برگ صبر زرد و مرصاف و عدس با سرکه و عسل بمالند

ایضاً سرکه و بوره و حنا و زعفران بغایت مفید است و اشامیدن قاقله
با آب سرد از مجربات است ایضاً نارنجی بساید آرد جو و دو وزن آن زاج
سفید این را کوبیده و باهم مخلوط نموده بالای ظرف آهن تا بر یا صفحه
آهن از آهن فرش کند قطر آن بقدر بلندی یک انگشت متعارف
همه جا مساوی زیر آن چوب بسوزانند یا بالای دم و کوره انقدر آتش
کنند که بسوزد و از دود بیفتد و رنگ آن بگردد و یک تخته شود
اما باید که یکطرف آن که بالای آهن است قدری که آتش خورده و یک
تخته شده کوداند و طرف بالا را روی تا بر بگذارد تا همه برابر شود
از خوردن آتش بعد بگذارد اندک سرد شود بقدر نخود بسته مساوی
ریزه ریزه کرده و خاک از او دور ریزد و دانها را در بوتر ریخته انقدر
بدمد که از سیاهی قرمز شود برنگ آتش و خالهای سیاهی از او برطرف شود
بعد دفعتاً از کردن شیشه دیگر بدرون شیشه دیگر بریزد و دفعه سر او را
از موم مسدود نماید اما باید شیشه را قبل از آن کم کم خوب با آتش گرم کرده باشد
و هر گاه قدری مسل اول مخلوط دواجی نموده بر روی تا بر آتش دهد دوام این
تا دیگر باشد والسلام نارنجی نهکوی سفید آرد جو هر دو را مخلوط نموده
کرده اند.

نارنجی
نارنجی

بسوزانند وقتیکه مشتعل است بجابکی در شیشه نموده موم گرفته وقتی که خواهد
بجابکی و جلدی قدری در آورده در شیشه را زود گرفته که در شیشه
مشتعل نشود و اگر بیرون آورده در گرد والسلام از جهة بواسیر مجرب است
دوائی در عالم از این ممکن ندارد هلیله سیاه و هلیله کابلی و بلیله
و آمله بزرد الکراث یکدرم و چهار دانگ بنطی حنطبا نانخواه رومی
یکدرم و دو دانگ مقل یهود ۳ درم و دو دانگ سکبینج یکدرم و
دو دانگ مقل را با سکبینج در آب تره کوفته صاف کرده یکشب و یک
روز بیاغاند پس این ادویه را سائیده مخلوط مقل و سکبینج کرده
خوب سرشته شیاف کند یا حب کند مانند نخود شربتی از آن ۳
درم یا نیم درم از آن روغن بان یا زرد الو یا جوز بدهند
در دو هفته دو باد این شربت بخورد شفا یابد و اگر مزمن باشد
در ده شربت علاج شود لجا بربوه حیان در قایم شدن دندان و خوشبو
کردن دهن زاج بلور را بسوزانند و با خل خمر کنند و در میان تنور خبازی
یکشبه دمی گذارد هر روز قدری در بن دندان بریزد نیکو شود و بوی
دهن دور شود ایضاً دوای سهل الماخذ است و از اسرار است و در کتب

طب مذکور نیست برگ درخت سنجد بجراحت ضماد نماید که جراحت را
بجرکه مجی آورد و پاک میکند و ملتئم میکند و بهیچ تدبیر دیگر محتاج
نیست و مکرر تجربه شده اگر برگ تازه نباشد برگ خشک شده او
نیز خوب است دوای دیگر که مکرر تجربه شده و زخم او چرک نمیکند و زود
چاق میشود و از اسرار است روغن بید انجیر اگر نباشد روغن دیگر
وقتی محتاج شده بود از روغن خوراکی ساخته شد چون روغن دیگر نبود
روغن ۳م مرمکی ۵م مرداسنگ ۱۰م صلایه کرده روغن را آب نماید
دواها را نرم کرده داخل نماید و ظرف را از روی آتش پائین گذارد
و کم کم پنبه را داخل نماید و هر وقت خواهد استعمال نماید سعی نماید
که روغن بیشتر زخم برسد و قدری پنبه را بالای زخم گذارد والسلام
از برای ورم گوش و گلو و هر موضع که ورم کند هرگاه ماده باشد سر وا کند
و هرگاه باد باشد دفع شود بیاورد خاکشیر ۳م نرم بکوبد و در پیاله
آب انداخته بر بزد مثل حلوا شود کلاهر نکوند ۳م ترالیه نیم را سائیده
با آن مخلوط نموده نیم گرم بر بندد در دو سه دفعه چاق شود مجرب است
در ریختن تنزود خطائی وجد وار خطائی ذرنیخ کل سرخ از هر یک یکمثقال

برای زخم مور ...

برای ورم گوش و گلو و هر موضع

در ریختن تنزود

بعد از

بعد از سحق و صلایه کامل خمیر نمایند اگر بزهره گاو باشد بهتر والا با آب بگل
تنزود باید ساخت و مهر کرد و اوجاقی ساخته دور او را با آتش باید گرم
کرد بعد آتش را باید بیرون کند که هیچ آتش نداشته باشد و کاغذی فرش
کرده و تنزودها را در روی کاغذ بچیند در کوره خوب ببندد که رخنه
نداشته باشد والسلام آب کردن کهربا اول کهربا را باید نرم کوبید
و ظرف دیزی را توی آتش گذارد تا خوب سرخ شود مثل آتش و کهربا را
بریزد دفعتاً آب میشود توی هر چه میخواهی بریز طریقه کافور بودن اند
هر قدر خواهد مثلاً ۱۰ آل ۳ مثقال و یک شب یمانی هر ۳ خوب صلایه
کرده در ظرف آهن بالای آن کاسه چینی با آتش چراغ مصعد کند و هر
قدر زیاد کند رنگ او زردتر خواهد شد و رنگ و بو از این آتش
و هرگاه اجزاء را کمتر کند مصعد نازک تر خواهد شد و شب را هر قدر زیاد
ترکند شکنش زیادتر خواهد شد والسلام در ساختن یاقوت بلور صاف
را با پنبه باید کوبید تا نیاشد بعد خوب سحق و صلایه کرد باز با آب
سحق نماید آنچه داخل آب میشود ضبط نماید و باقی که کرد بشوید تا آنچه
چرک داشته باشد برطرف شود و هر مرتبه خشک میکند و میشوید

آب کردن کهربا

طریقه کافور بودن اند

در ساختن یاقوت

خلاصه باید مطلقا چرك نداشته باشد بعد ۳ مثقال از این بلور صاف
و یکمثقال طلای اعلی و ۳ مثقال سرنج باهم صلایه نماید و بآتش بگدازند
در هاکند یاقوت سرخ باشد تا بدارد درباد واگر عوض از زعفران جدید
کند زرد باشد واگر با مس یا زنگار زغوخ بلور را آب نماید زمردی باشد
در ساختن لعل بدهاند بلور صاف کشمیر را بتراشد بقدری که خواهند
و بساید و آب دهند تا خوب روشن شود بعد بیاورد دیگ سنگی را در روی
آتش گذارد تا خوب گرم شود بلور را در دیگ گذارند تا خوب گرم شود چون
گرم شد از آتش در آورند و در میان شب یمانی که در آتش حل کرده باشد
بریزند بعد در آورده بد شود تا هفت مرتبه بگو او عمل نمایند بعد گرم
نموده در آب شب جلا بی داده که تازه باشد بعد بریزند بد شود ۴
مرتبه خوب گرفته باشد مرتبه پنجم در آب بقم بیندازد یک ساعت تمام بگذارند
بعد بیرون آورند اعلی باشد در ساختن شمع باد بگیرد ریسمان باریک
هر قدر که خواهد و چند لا کند هر چند کلفت تر بود تو روشن میشود و نصف
او ۲ ملهه ۴ ۲ و برابر این پیه و برابر ریسمان موم سفید و برابر پیش
سرنج او لعوم را گداخته کند و صلایه نموده در میان او بزنند و بجوشانند

در میان

در ساختن لعل

در ساختن شمع باد

در میان دیگ تا خوب مخلوط شود بعد از آن پیه را انداخته تا آب شود بعد از آن
سرنج را ریخته خوب لت کند تا هم بیکدیگر مخلوط شود بعد از آن ریسمان را
در میان آن انداز د لت کند که خوب معوم واجزا بجمیع او برسد و فرو برود
در ویش کند و در حرکت دادن روشن میشود و مجرب است از جمله کلی مومیائید
زفت شامی ده مثقال زینان ده مثقال بادیان ده مثقال گرفته در قرع
ریخته تنکیس نموده و از این روغن سبز تازه تراشیده مالیده که خوب خواهد
شد و موم خواهد در آورد و زمانیکه دواها را در قرع میریزد قدری هم روغن را
کنجد بر دواها بریزد یا باهم صلایه نماید انوقت تنکیس کند ایضا زرنیک دو وزن
دارد را گرفته مثل قهوه بوداده بعد نرم سائیده در جاهست کاو که هر او را گرفته
باشند مخلوط در حمام بمالد سر را تراشیده بمالد تا در حمام هست دو دفعه
بمالد و بشوید در بیرون از این دوا بمالد بر روی یادهر کتان بر سر بندد
ده مثقال زفت را آب کرده بعد هسته هلو را قدری بوداده نرم بکوبد
با خاکستر تلخ او را هم نرم بکوبد مخلوط زفت کند بعد بر یادهر بمالد بر زخم
سر گذارد تا ۳ روز چاق شود در ساختن مروارید بگیرد مروارید مسحوق و غیر
کند در سرکه مقطر هر قدر که خواهد و سرکه مقطر بقدر دو انگشت مفتوح

ایضا

در ساختن مروارید

از سر او بگیرند در مکان گرم بگذارد تا اینکه حل شود بعد از آن بر سر آن بریزند از او
رطوبت را در حمام ماریه تا اینکه خشک شود بعد از آن تقطیر کنند از او
آب قراح را چندین مرتبه تا اینکه ترشی از ذات او برود و بعد از آن میگذارند
در مکان نمناک تا اینکه حل گردد دهنا یا اینکه حل کنند بعرق شراب بعد از آن
بر سر آن بریزند و عرق را بر تقطیر پس باقی خواهد ماند حل شده خود که از او یک
قیراط است با بعضی میاه مناسبه پس این قوت میدهد اعضاء رئیسه و نافع است
از برای خفقان و غشو و تشنج و فالج و امراض عصب و اوجاع ریش و نفع میکند
جدا و مفید است از برای بواسیر و بعضی بادهای بدنی و مجربست

از جهة حرقة البول

از جهة حرقة البول یک مثقال شوره قلم را در بانزده سیر شیر گاو حل نموده و در
دو دفعه میل فرماید که بی‌نظیر است جهة معالجه حرقة البول از جهة خشکی که در صورت

جهة خشکی صورت

و گردن پیدا شود بیاورند روغن بادام شش مثقال کات کبود یک مثقال
داخل هم نموده و در ۳ روز مالیده نافع و مجربست و آزموده از جهة تردد

از جهة تردد

که او را اسهال نام نهاده اند گل کوکنار را کوبیده با شکر مازندرانی خمیر
نموده حب ساخته ۳ روز صبحها و ۳ حب عصرها چهار حب بخورند که در ۳
روزه بهتر شود آزموده و مجربست ایضا گل بوم نیز را مثل چاهی دم کرده هر

روز

روز با بنات دو فنجان بخورد دربند کوکورد که ابو الاجساد است و طریق او این است که
گوگرد صاف سنده و سحق را نرم کرده در مغرفه حدید نموده و روغن گاو بر او
ریخته بعد دیگر او را بر بوشند با آتش نرم که اخته بیاورند کاسه چینی را در
میان کاسه شیر گاو ریخته و دهن کاسه را خرقه بسته و زمانیکه کبریت ذوب شد
روی آن خرقه ریخته تا کبریت از آن خرقه بیرون رفته در میان شیر گاو ریخته
شود بسته شود و این کبریت صاف شود تکرار عمل کند تا هفت مرتبه پس ضبط
نماید و این کبریت بر چند قسم بکار میرود اول اینکه هر روز یک دانگ او را
سائیده با یک وقیه شیر گاو تازه ممزوج نموده ناشتا میل نموده گفته که چون
بیست روز مداومت کند بهق و جرب و قروح را زایل نماید و در دو ماه
تعدیل طبع و حفظ صحت بحدی نماید که هرگز مزاج و مرض بر او ظاهر نگردد
و در ۳ ماه صحت و تقویه قوی و حواس و ذهن را بحد افقی احداث کند
و در یک سال ضعف پیری را زایل کند دیگر اینکه یک دانگ او را در هر روز
با یکدرم از هلیله جات نرم سائیده بروغن بادنجان که از تخم او گرفته
باشند خمیر نموده ناشتا تناول نماید و تا چهار ساعت غذا میل نکند
و بعد از آن غذای لطیف میل نموده تا شش ماه باین طریق سلوک نماید

موی سفید را سیاه کند و دیگر هرگز سفید نشود و جذام و فالج و تشنج
و بواسیر را دفع نماید و حدت نظر و قوة سمع و حواس بغایت قصود رسد
و قصودی بوی نرسد دیگر آنکه هر روز یکدانک اورا با یکدانک طلق
سیاه محلول محکم سائیده با روغن تازه گاو میل نماید تا یکماه بدستور
منافع مذکوره را مشاهده نماید زیاده منافع دارد شرایط انرا معمول
دارد شرایط اینست که اول تنقیه نماید و در ایام استعمال از ترشیهات
و لبنیات و اوبخیر در او حرارت غالب باشد و از سبزیها و جماع و حرکات
و اعراض نفسانی اجتناب نماید و هرگاه بشرایط مزبور عمل ننماید باعث هلاکت
باشد از جهة رفتن گوشت دندان و تعفن دهن بیاورد پوست بادام
سوخته پنج مثقال زرنیخ دو مثقال قلیاب دو مثقال سیاه دانه
۳ مثقال نمک یک مثقال اینها را صلایه نموده با سفیده تخم مرغ
خمیر نموده در میان پوست تخم مرغ کرده گل بگیرد و در مس بدهد و بعد
بیرون آورده دهن را بشوید از جهة تنگی نفس و توان و قوت باه
و قوة جوانی مومیائی خوب یکمثقال مصطکی دانه یکمثقال نبات مصری
شش مثقال عسل کف گرفته ۱۲ مثقال اجزاها را معجون نموده روزی
یکبار

از جهة رفتن گوشت دندان

از جهة ضیق نفس

یک نخود میل بفرماید از جهة ازار ترده پوست خشخاش با شکر مازندرانی
حب ساخته بهر کس ۳ دانه حب داده بخورد نافع است هر حبی بقدر نخود باشد
از جهة دفع ترده یکمن بود نیز آورده در آب ریخته بجوشانند تا خوب پخته
تمام شود و صاف نماید بعد از آن آب او را صاف نموده دو مرتبه طبخ داده
تا بقدر یکچاریک برسد بر داشته بقدر یک فنجان کوچکی میل نموده که نافع است
از جهة سوختگی و درد چشم وجوب آن روغن کنجد را کشیده و بادام را روغن کشیده
با توتیای سوخته در او اندازند و خون سیاوشان با روغن زیت داخل کرده
استعمال نمایند که مجرب است دفع فالج هر روز یکدانک مایه بره را با یکمثقال
کره گوسفند بخورند و هر روز اضافه نمایند از مایه و کره تا که کره بیک سیر برسد
و مایه بیک مثقال که بسیار مفید و مجرب است از جهة بواسیر افیون کات سرخ
هر دو را باهم صلایه کرده در میان یک فنجان بول گاو زرد یک فنجان بریزد
در آفتاب گذاشته تا مثل مرهم شود بعد بقدر فلفل حبها بسازد روزی یک
حب بخورد و شیافی هم از این استعمال کند بی نظر است ایضًا پوست هلیله زرد را
با لعاب اسفرزه حب کند خوراکی دو حب هر حبی بقدر نخودی خسیده والسلام

از جهة ازار ترده

از جهة دفع ترده

از جهة درد چشم

دفع فالج

از جهة بواسیر

درد سر

از جهت درد سر سپید قند باهم خوب ساید با لعاب اسفرزه خمیر کند بالای کرباس مالیده بربندد از ساعت بساعت تجدید کند بکلی رفع شود و مجربست از جهت لکه صورت و سیاهی او مجربست زاج مکلس سفید ۳۲ مرداسنگ ۵ مکلس زاج سفید را درمیان آب صاف انیقدر طبخ داده تا محلول شود و مرداسنگ را درمیان سرکه انیقدر طبخ داده تا حل شود بعد هر دو را آبهارا جدا علقه کرده باهم مخلوط کرده نگاهدارد در وقت حاجت بکار برده

از جهت سر بالی

از جهت سر بالی مغز هسته لو را بو داده مانند قهوه نرم کوبیده خاک شیر تلخ را هم نرم کوبیده در ظرف شیشه آب شده حل کرده بمالد بعد از دو روز بحمام رفته بشوید از این دوا خامت نماید فایده زرشک دانه را بو داده مانند قهوه در جاست کاو حل کرده خمیر نموده در حمام بر سر بمالند از جهت جرب سودا مجربست در یکروز خوب شود چوب درخت طوسر که در بهشت میباشد خورد کرده در شیشه کوچکی کرده تنکلیس نموده که دهن او بیاید نوشته بود این دهن را بر جرب بمالد خوب شود ایضاً دال دار در روغن گرفته بمالند بسیار بمالد خوب شود والسلام از جهت لکه چشم روح را آب کرده

از جهت لکه چشم

وعلی

از جهت درد پشت

وبمک قلاب را کم کم براورده که بیند میشود بعد چشمی که لکه داشته باشد بر نود لکه را ببرد که تجربه شده از جهت درد پشت که بسبب صادکت رحم چنانچه عارض میشود بعضی عورات را نزدیک حرکت حیض علاج آن استکه شربتی که او را از حیض باز دارد از تخم کرفس و تخم حلبه و تخم خبازی نیم کوفته چهار مثقال و بادیان نیم کوفته و انیسون و جوانی و تخم شبت وزوفا اسی از هر یک دو مثقال بجوشانند و بر شصت مثقال قند بقوام آورده بر هفت روز اختیار نماید از جهت هر جود ناخوشی که در چشم بوده باشد رفع شود این ادویه را داخل هم کرده در قرع مطین تقطیر کرده دهنی که از این چکد از برای هر جود ناخوشی که در چشم باشد استعمال کند رفع شود تجربه شده است روغن بادام یکسیر روغن کاو یکسیر قسط یکسیر زاج سفید یکسیر تریاق پنج مثقال والسلام از جهت تب ولرز یکه از ماده ناخوشی باشد

از جهت تب

و از برای ناخوشی سوزنک و باد مبارک و بهق بگیرند پوست هلیله زرد کابلی خوب و بکوبد و در میان یک کاسه آب غوده یا آب لیمو بریزند و یک شب بگذارند و صبح صاف نمایند و صبح ناشتا بخورند نافع است و از ۳ مثقال خوراک او است الی ۸ مثقال والسلام حب جرقه مجرب و خود تجربه کردم

مجرب

حب جهت تلیین مزاج

صمغ عربی ریوند کتیرا نشاسته تازه با لعاب بهدانه حب سازد بقدر
نخودی در شب یکدانه بخورد از برای مخلوط کرده نرم بساید بقدر نخودی
با شیر مادر طفل مخلوط کرده در دهان طفل بریزد که مجربست حب جهت
برای تلیین مزاج و درد کمر و پا مقل ازرق ۴م اصبر زرد ۴م مصطکی دانه
۴م تریاک حب کند شب وقت خواب دو ۳ حب بخورد بسیار نافع است و مجربست

از جهت درد پا

از جهت درد پا حاجی محمد تقی مشهور به تجربه کرده است تخم شاهی زنجبیل
روغن کنجد دو قلم اول را نرم صلایه کرده قدری میان روغن مزبور

جهت دفع سالک

جوشانیده بمالد که مجربست جهت دفع سالک پوست خیک روغن را
بسوزانند بسیار نرم صلایه نماید و قدری قراقروت آب کرده
در میان آن بریزد و مرهم بسازد و بر سالک که چند نوبت بزند
انشاالله خوب خواهد شد صاحب نسخه نوشته بود که یکی را تجربه

جهت دفع سالک

کرده ام جهت دفع سالک ریوند چینی اسفرزه را نرم کوبیده در میان
شیر دختر بریزد بهم زند و بالای سالک گذارد چند مرتبه خوب شود

در گوش

اما باید اول دو سه دانه زالو دو سه دفعه بیندازد مرهم از جهت
کشیدن ماده جراحت روغن بادام موم کافوری توتیای تلخی کرمانی

جو

مسهل

جوز مرهم غلیظ سازند و فتیله کنند و در گوش نهند مسهل اطریفل سید
سنای مکی هلیله سیاه هلیله زرد آمله مقشر بلیله با عسل مصفی
۳م برابر یا بقدر دیگر معجون شود خورد الی ۳م مثقال بخورد سفوف
دهن شود از جهت درد دندان و از خواص دهن و معطر بودن و دفع جراحات

[illegible]

و جراحات از حضرت صادق علیه السلام خردل پوست هلیله زرد عاقرقرحا
کوفته بیخته سفوف سازند اخوا ساوی از جهت سر کچل دو نسخه است که
برادر حاجی درویش سیاه معالجه کرده بود در نهایت خوبی شفا یافت
ولیکن زیادی بیرون آورده الی یک ماه بمداوا مشغول باید شد و از
غذای حار و نفاخ رطوبت اجتناب نماید اول چند روز قبل از مداومت
بحمام برود سر را بشوید و خوب پاک کند و تیغ بزند همه سر را که خون فاسد را
بیرون آورد در مدت یکماه شب تپاله گاو را گرم کند بر سر ضماد کند و صبح
با آب گرم بشوید و زخمها را بروغن مزبور طلا نماید یک زنگ پوست هندوانه
را بسوزانند و خوب نرم بساید و نصف سوخته هندوانه شوره قلمی اعلا کوبیده
هر دو را در میان روغن کنجد ریخته شبها را با زبل گاو ضماد کند و زخمها
را با روغن مزبور بمالش طلا نماید انشاالله کچل مرض را نافع است و دفع میکند

حبس بول و درد نشیت و درد کمر حلقوم خروس را سوخته و خاکسترش را در آب
زده چند روز ناشتا بخورد انشاء الله شفا است از جهة ضیق النفس — ضیق النفس
فوفل یکعدد عرق بید مشک دو فنجان بجوشانند با نبات سفید یک فنجان باقی
بماند صبح ناشتا بخورد زبان را بسیار شایسته است از جهة سر کچل سوخته — از جهة سر کچل
چوب بید را با دنبه زیاده روز روزی ٣ دفعه بر سر خارد طلا نماید
مصطفی خان کرده بود تجربه شده مرهم زخم مصطفی خان روغن زیت روغن — مرهم زخم
کنجد بیدالنجیر نفط سفید موم زرد موم سفید موم کافوری روغنها
را آب کند بعد موم ها را اندازد و بعد کم کم و قطره قطره با آتش ملایم نفط
یا و بخورانند بعد در زخم کارد چوب و شمشیر و زخم شکسته باشد بر لته
انداخته استعمال نماید از جهة سفیدی چشم ٤ با مجربه مصطفی خان — چشم درد
از ضربه و سقط شاه کاو شیاف جهة جراحت پلکهای و سرخی چشم و اماس
چشم حضض مکی ذاک زرد چوبه انیمون حصه سوخته خرما اجزا ماوی
نرم کوفته بیخته شیاف سازند در چشم کشند حبس البول که هیچ وجه گشوده — حابس البول
نشود چون دو درم شکر با ربع درهم شوده قلمی بخورند جهة حبس البول صعب
گشوده شود ایضاً اگر صاحب البول دو مثقال خردل را با یک مثقال شوده — حبس البول

درآب

درآب بسیار و آن مقدار که تواند آشامد و بخورد در ساعت بول گشاده
گردد و مجربست از جهة بواسیر هر گاه صاحب بواسیر بهلاکت رسیده باشد — از جهة بواسیر
شکم خوک را از پهلوی چپ شکافته و مریض مقعد خود را از موضع را بر پهلوی
شکافته نهاده خوب شود مادامیکه سرد نشود صاحب اختیار اگر اگر کسی را بواسیر
خونی باشد بحد افراط و مرض که مریض بهلاکت باشد بیاورد یک خوک
زنده را بخوابانند و بطرف پهلوی چپ بشکافند از سر و دست و پا چهار میخ
کشیده محکم و پهلوی چپ بطرف فوق باشد و بعد مریض زود زنده که نشین
گاه او بیرون آید و پهلوی خوک را از سمت چپ حلقه پاره کنند و جگر و احشای
او نمایان کرده مقعد خود را بر میان محل شکافته گذارند چندان تامل کنند
که سرد شود و خوک بمیرد بتجربه رسیده و ٣ نفر را که از این مرض نجات
یافتند ایضاً از جهة بواسیر بادی و درد کمر مجربست که شیافی با نبات دارند — بواسیر
شلش کاو را بجوشانند بعد بگیر بقوام عسل بیاید بر پنبه آلوده کرده بر دارد
و بلغم بی حساب آورده دفع شود و درد کمر را ساقط کند مجربست علاج فواق — فواق
مجربست چند بیدستر را در سرکه حل کرده مراد تجربه پیدا و افزوده که
روز ناشتا بخورد مریض خورد بهتر شد در روز چهار دم در آب حل کرده

دادند خورد غذا شود با یخ پخته میداد چوب میخورد از اول تا آخر بیماری
از جهة درد چشم
بخوابیدند مصطکی حکیم فرمود روز چهارم تسکین یافت درد و زخم
عرق تمام کرد عرق صحت والسلام از جهة درد چشم کهنه و سرخی او و آب
رفتن از چشم توتیای مغسول کرمانی نشاسته سفید اسپید از هر یک مساوی
از جهة چشم
کوفته و بیخته و زرود سازند ایضا از برای درد و حمرت در عین حادث
و نور شکر از کرمی بود و بهم رسد و قروح و جوشش در چشم دفع شود و ذایل
کند انزروت سفید مدبر بشیر دختر یا خر ۳ درم نشاسته کتیرا از هر
یک یکدرم افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند در وقت ضرورت بشیر دختر
سائیده در چشم کشند دزود برود ابیض انزروتی افیونی بر نسخه سیم فندی
شیاف کافوری
شیاف مبارکست ایضا حرم کافوری نافع بود از برای درد حاد و سوزش
و حوادث و آب آمدن از چشم توتیای کرمانی که هفت مرتبه در آب غوطه پرورده
دو حبه
باشند بیخ درم کافور دو حبه بتوا ضلا بیرکرده در چشم کشند شیاف منوم
شیاف منوم
چون بر پشت چشم بمالند منوم است در وقت بکار برند از اسرار است
از دماغ خون آمدن
شادنج مغسول افیون هر دو را با صمغ عربی شیاف سازند بر پشت چشم بمالند
شیاف آمدن خون از دماغ در حین ضرورت فرفیون کندش موثر ع

اجزا

اجزاء تخم کوفته با زهره کاو شیاف بزرگ سازند در دماغ کشند خون
از جهة غبار
آورد از جهة غبار که مر دای حد رنیدی یکهفته خود بکولت بتجربه رسانده
دردنیخ ناخ سوده قلی از هر یک مساوی در کوزه مطین کرده بچاشت در
همین کاو بدرس بگذارد بعد بیرون آورد اگر سفید نشده باشد
و زرد باشد دوباره بقدر یک ساعت درس دهد پس از درس و سفید
شدن دو مثقال کف دریا و دو مثقال نبات سفید کوفته و بیخته
از حریر گذرانیده سفوف نماید از جهة بوی زیادی
دهند فرنگی را ایضا چون یک وقیه گرد سماق را در نیم رطل آب
بجوشانند تا تمام قوه آن در آب آید پس لته را بدان تر کرده بر چشم اندازند
و بکنند بدان کنند جهة جرب کال و سلاق و تسکین حدت آن ایضا
حرم عین شش آدمی را بطور دیگر بر چشم نرود از بیرون طلا نمایند
شیاف ماميران
بدل نیز اماست شیاف ماميران ماميران ۵ درم تریاک ۵ درم کات کبود سوخته
۲ و نیم ۳ دفعه با دوغ کاو تربیت نموده شیاف سازند نوع دیگر روی
کات کبود ۹ درم و نیم را سخت ۲ درم و نیم با آب لیمو تربیت نموده استعمال شود
از جهة جرب
از جهة جرب چشم دوغ مشرب سرب هر ۳ برابر در کفچه حل نموده دو

دشوده کم کم براو زنند و با میل آهنی بهم زنند تا همگی خاک شود بعد نرم
صلایه کرده از تا قنز بیرون کند و در چشم جوب دارد کشد بسیار نافع است
در نسخهٔ دیگر نوشته بود بفرش و کجاف شوده در کجهٔ حدید آتش دهد با
در صلایه در ظرف خاک انداز آب کند ۳ اجزا را بعد کم کم سوده زنند
و خوب بر روی آتش صلایه کند با دسته آهنی و از زیر هم آتش تند باشد
از جهت غبار چشم یکدانه کرم قی کرده خشک کند با دو مثقال قند سفید
با یکمثقال چشم بکوبد نرم کند صلایه کرده در چشم کشد که بسیار مجرب است
از برای هر نوع غبار که در چشم باشد بر میل ادد والسلام از جهت جرب
سودای چشم فایده زیاد دهد گل بنفشه کشنیز خشک بوداده جمع عربی کتیرا
از هر یک دو نیم نشاسته ۶ درم اجزا را در سرکه نیم نوبت پرورده و خشک
کرده بحریر بیخته استعمال نمایند شیاف ابیض جهت حمره و خارش و کوری
و سوزش و قروح و جوشش و درد داشته باشد مغول سفیداب قلعی
انزروت ۳ درم نشاسته و کتیرا از هر یک یکدرم افیون نیم درم نرم
کوفته و بیخته شیاف سازند با شیر دختر خمیر کنند از جهت رمد حاد را نافع
مفید است توتیای کرمانی را نرم کوفته و بیخته در آب کدو هشت روز

پرورده

پرورده پس خشک کرده دوباره صلایه کرده از حریر بیخته نمایند ایضاً
از جهت حرارت و کوری چشم و دمعه و سوزش توتیای کرمانی را کوفته
و بیخته با حریر در آب غوره هشت روز پرورده بکار برند اگر خارش
و سوزش و ورم باشد ده درم توتیا را دو حبه کافور داخل نمایند
و استعمال نمایند والسلام از جهت آب ریزش چشم که قطع کند و سوزش
شیافهای کرم را در چشم کشیده باز دارد شادنج عدسی مغول ۳ درم
روح سوخته یکمثقال نبات سفید یکمثقال کوفته و بیخته بکار برند والسلام
ذرودیات جهت امراض مزمن غلیظ چشم و استعمال بکود بعد از بیرون حمام
رفتن و سرو رو را بر بخار آب گرم بدارد بس ذرات این ذرود را بکار برد
که فایده عظیم دهد کف دریا زجاج فرعونی انزروت سفید نبات سفید
از هر یک ۳ درم هم چون سرمه سحق نموده در چشم بپاشند ذرود دیگر جهت
بیاض قوی بوده نان نمک اندرانی سحقونیا اجزا مساوی کوفته بیخته
سحق نموده ذرود نمایند ذرود دیگر از جهت بیاض غلیظ را بود و شاسته (?)
استاسحق کننده آزموده‌ایم چون هر دو چشم را بر بخار آب گرم بدارند
انگاه این ذرود را در چشم بپاشند تمت توبال النحاس نمک اندرانی

زجاج فرعونی توتیای هندی از هر یک جزوی کوفته بیخته در چشم کنند
ذرور قرحه و سوسرج را نافع است صح سرمه اصفهانی پرورده شادنج
عدسی مغسول صلایه کرده ذرور کنند و اگر شادنج مغسول را تنها ذرور نماید
ایضاً ذرور نافعی جرب عین و وجع آن اگر از علت خون باشد و سیلان
رطوبات و فضلات است که نافع بود صح نشاسته کتیرا صمغ الوز زرد
از هر یک دو مثقال صمغ عربی شیاف مامیثا کوفته و بیخته استعمال نمایند
ایضاً ذرور دیگر جهه بیاض عین زبد البحر یکدرم شکر عشر زرد از هر یک
دو درم کوفته بیخته در چشم بیاض باشند ایضاً آب گشنیز و آب سداب را
گرفته در چشم شکوری بریزد اگر دو ساله هم باشد رفع کند ایضاً از جهه
حمرت و قروح چشم و باد سبل از سود دارد صح عصاره دار باینر تازه
و بگذارند تا خشک شود و مرتبه دیگر با مشک و کافور صلایه کرده بکار برند
از جهه ذرور از جهه قروح و جروح مجفف جهه قروح رطبه خصوص قروح
ذکر و فرج و حصیه و برونخ دان و فتیله در دم بنشانند صح پوست کدو سوخته
قرطاس مصری سوخته شب یمانی محرق کوفته و بیخته ذرور نمایند ایضاً
ذرور جهه ابیغر قروح را در زمان باصلاح آورد صح شب یمانی سوخته توتیای

کرهانی

از جهه قرحه و سوسرج — وجع و حمرت — جهه بیاض — از جهه حمرت و قروح — ذرور — ذرور جهه [illegible]

توتیای کرهانی مغسول کوفته بیخته ذرور نمایند ایضاً ذرور سفید شیخ
حسین جراح شیرازی که مصطفی خان بر تحقیق بتجربه رسانیده و مجربات تمام
خود نیاورده قند سفید بسیار مجربست از جهه بیاض چشم از کتاب میرزا امین
شیرازی در ابتدای بیاض نوشته ام باید نوشته شود مجربست اگر سفیدی
و بیاض مستطر شده بیاورد پنیر را نرم بکوبند و مغز او را برآورند و روغن
از آن گیرند و دو دام کف دریا در آن کوفته و بیخته با یکدرم روغن بادام
با روغن مذکور بیاویزند و در چشم مداومت کنند انشاء الله اندک زمانی
شفا یابد ایضاً تجربه غریب شخصی از عارضه چشم نابینا شده بعد پس از چند
اتفاق بطبیبان افتاد بصیرت داشت که کتابت میکرد چون استفاده شد
ظاهر ساخت که مدتی بود شفا لو خشک ساخته بالمناصفه با نبات
بطریق متعارف دوا مم میخوردم از مواظبت این بینا شدم عجب عجب
ایضاً از جهه جراحات و زخمهای خبیث لیموی عمانی دوازده عدد نمک سنگ
یکمثقال نیم حنای بزاد دو درم لیمو را سائیده جوشانیده صاف نموده و بعد
که غلیظ شد نمک و حنا را بسیار نرم کوبیده داخل کنند و باز بجوشانند تا
غلیظ شود مانند شیاف بسازند بر دو و پله چشم بمالند که حمرت و جراحت را

از جهه بیاض چشم

[illegible]

درد چشم

درویش احمد خود مذکور کرد که مرا سرم کجلی داشت و بقول از هر یک از مردمان
آنچه گفتند جهت دفع کجلی بعمل آوردم علاج نشد و علاوه بر آن هر دو چشم را
از حدت دواهای حاد و حاد نامناسب شکوره بروی داد و یکماه طول
کشید و در نجف اشرف علیه السلام بودم بر زبان حال خدمت شاه ولایت عرض
حال نمودم که فدایت شوم بر کجلی خود رضا هستم مصلحت خدا داشت و لیکن چشم
مرا شفا مرحمت بفرمایید شخصی از فقرا روزی بمن برخورد بمن گفت که خون
خفاش را بر چشم خود بکش و جگر گوسفند را بدون زهره در آب جوش داده خوب
بجوشان و حار در شب بر سر انداخته بخوابیده بهمین منوال ۳ روز عمل کردم از
تفضل شاه ولایت شفا یافتم و اما وقت جوشانیدن یک عدد سنک جخماق
و یک پاره آهن را در میان جگر فرو برده انداخته بجوشانند با آب جوشیده چشم
را بخود باید داد و جگر را هم باید خورد ان شاء الله صحت است داروی سید علی
شیرازی جهت کوری چشم و نوعی دانه فلفل ۲ م قند ۲ م کف شیشه ۲
نبات مصری ۲ م کنجیده سفید ۲ م کوده اسفرزه ۲ م کوفته و بیخته
از حریر بکذرانند با میل استعمال نماید داروی جهت لکه چشم و ورم صالح آمد
استعمال او درد و قرمز و سرخی در چشم است و خنک میکرداند رطوبت
بلکه را

دوای چشم

بلکه را و باک میکند و نصف را از حصی جوکی است در کوشه چشم اندر وقت سفید
ده درم صبر سقوطری ۲ م زعفران ۲ م حضض مکی ۲ م مرمکی یک درم
کوفته و بیخته از حریر بکذرانند و استعمال نماید ایضا در بیاض چشم را که حیر
منبسط شده باشد و دیده را پوشیده باشد برطرف میسازد و مجرب است
بیند دانه را کوبیده و مغز او را برآورده روغن کشد و دو دام کف دریا
کوفته و بیخته و یکدرم روغن با دام مذکور بیامیزند و در چشم مداومت
نماید والسلام از جهت ورم حدقه چشم آرد باقلا و کندر کل سرخ
و سفیده تخم مرغ بسیار سودمند است ضماد نماید ایضا کو آرد باقلا را
با کل خطمی جهت ورم خصیه و اورام شدن نافع بود یادکاری عبد الله شاکرد
اسد الله اوزمیز نخود خام ۳ م تخم اسفند ۳ م هر یک را سوا سوا نرم
کوبیده مثل آرد داخل هم نموده با ۳ دانه سفیده تخم مرغ در ظرف بیقلعی
طبخ داده که فی الجمله کرم شود بعد بر سر کهنه کشیده بر روی چشم
انداخته بطور دیکر در میان چشم هم قدری برود که درد چشم و ورم کرده
و ورم چشم و سرخی چشم را هم برطرف کند که بتجربه رسیده است ملیح است
از جهت آب ریزش چشم مجرب است عسل مصفی قدری توتیا قدری زاج ملکی

ایضا در بیاض چشم

از جهت ورم حدقه

از جهت ورم خصیه

از جهت آب ریزش چشم

درد دندان

تدوی با میل در چشم کند برگ یاس ابکشیده پوست هلیله زرد نیم مثقال
آسبوک یاس بخورد دهد و در آفتاب خشک کند سابیده بدندان باشد
گوشت آورد از جهت درد چشم که از حکیم فرج مانده است که همین دوا را برای
میرزا حسن خان درست کرده بود تریاک آبخورده ۳ درم زاج سفید ۲
تریاک و آب خورده با زاج سفید را داخل هم کرده بجوشانند انشاء الله خوب است
از جهت ورم چشم بنشاند و درد را ساکن کند عدس مقشر صندل سفید گل سرخ
از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی طلا کنند مجرب است
شیاف کحل جرب و سلاق را و گوشت زائد را نافع است زنگار ۳ درم سفیداب
ارزیز اقلیمیان نقره صمغ عربی اشق از هر یک دو درم اشق را با آب
سداب حل کنند و اجزا را نرم کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند
ایضا شیاف جرب و سبل و بیاض را بسیار نافع بود صمغ عربی سفیداب
ارزیز زنگار مساوی با آب سداب شیاف سازند و بعضی نسخه هلیله زرد
نیز مساوی اجزا داخل است ایضا شیاف کحل باد قرحه ماده جدید را
و چشم را خنک کند شیاف سازند و گوشت برویاند سفیداب ارزیز
دو درم کندر انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم کافور دو
دانگ

دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف قوده زرد ب وهکه دکنه
را نافع بود زنجبیل یکدرم هلیله زرد صمغ عربی توتیای مغسول از
هر یک ده درم حضض مکی ۴ درم زرده چوبه زعفران از هر یک
دو درم با آب غوره شیاف سازند ضماد که آماس چشم را بنشاند و درد
را ساکن کند آرد جو ده درم آرد باقلا یکدرم اقاقیا یکدرم سفیده
تخم مرغ یک بیضه با آب گشنیز تازه و آب کاسنی نرم ساخته ضماد نمایند
شیاف ابیض افیونی از برای رمد گرم و درد صعب را بنشاند و تحلیل
کند سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی یکدرم افیون و کتیرا از هر یک
یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند شیاف سازند شیاف ابیض در چشم که
صعب باشد در حال درد را بنشاند ورق گل سرخ پانزده درم زعفران
هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یکدرم با آب
باران شیاف سازند شیاف سوما درد رمد را در همان روز با
صلاح آورد شیاف ماميثا انزروت مربی از هر یک هشت درم زعفران
دو درم افیون نیم درم کتیرا یکدرم کوفته و بیخته با آب بسرشند و شیاف
سازند و بسفیده تخم مرغ در چشم کنند ایضا رمد را نافع بود و سرخی

را ببرد و اماس را بنشاند و درد را تسکین دهد اقلیمیا نقره و روی سوخته
از هر یک ۳ مثقال کثیرا و اقاقیا و صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون
زعفران نیم کوفته و بیخته بحریره و به سفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند
شیاف ابیض جهت امراض حاده چشم و تحلیل اورام و درد مواد سفیداب قلع
کثیرا صمغ عربی از هر یک یکدرم نشاسته انزروت از هر یک دو درم
و چون ربع مثقال افیون اضافه نمایند آن دو قراط است شیاف ابیض
افیونی نامند و چون دو قراط تا نیم درم درم کندر اضافه نمایند
کندری خوانند کندری جهت قروح اقوی است بعد از سائیدن با لعاب
بزرقطونا شیاف سازند نمادا جهت درد چشم و ورم از مرحوم حاجی
علی هراتی طالب بهادر علیشاه زیره و زرده چوبه و زرده تخم مرغ را با کره
یا نمک یا روغن مخلوط نموده ببندند از سرخی و ورم و درد را ساکن
سازد حقیر بسیار نموده ام ولی از صدیق بود شیاف که ببندند ورم
را و درد را ساکن کند و خواب آورد شیاف مامیثا هفت درم زعفران افیون
حضض صمغ عربی از هر یک دو درم کثیرا انزروت از هر یک ٤ درم
جند بیدستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند و بچشم کشند که مجرب است
ایضاً

ایضاً شیاف که سبل دقیق را ببرد زرده چوبه سائیده معقول
صبر سقوطری شیاف مامیثا ماوی کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند
از جهت سبل تجربه شده ماست گاو را روی آجر آب ندیده بخیته تا آبش
کشیده شود خوب پخته شود بعد قدری گوگرد داخل کرده خوب صلایه کرده
بعد سر را تراشیده ۳ چهار دفعه مالیده بعد بشویند هر دو دفعه که
مالید یکدفعه بشویند بعد باز بمالند که بزودی چاق شود مجرب است
از جهت سر کچلی اول سر را خوب بشوید و پاک تراشید و بعد آهک را در
روغن دنبه بو داده و ثلث آهک زرنیخ داخل کرده بعد از تراشیدن سر
اینها را بپاشند تا ۳ روز و بعد از آن سرکه ۳ ساله را در ظرف مس
بی قلعی کرده روز بگذارد که زنگ بگیرد و بعد قلیاب را در میان سرکه
حل کرده بر سر به دفعات کم به دفعات هر دفعه بقدر مهر نمازی بمالند
بعد از آن باز سر را بشویند با روغن هسته آلو بخارا یا آلوبالو یا شفتالو
هر کدام بدست آید بر همه سر بمالند و پوست مار را بسوزانید بالای
روغن در ۳ روز میمالند انشاالله رفع شود که مجرب است از جهت کچلی
از کربلائی مهدی از مجربات است [illegible] می‌شود در روی آتش اندازند

بریان کنند و در هاون با همان نخود کوبیده مانند مرهم سازند بطوری که بسر را

زفت بندازند ع عرقچین از کرباس ساخته بسر کچلی بندازند و آنخود داد

بیدا کند بگذارند که دست بسر رساند تا چند روز خود بخود خشک شده

می افتد بجد یکبار اما دکچلی نخواهد ماند ضعیفه در اصفهان بهمین معالجه به شد

شده بود و خطا نداد و لی بعد از رفتن حمام و سر تراشیدن بسر این عمل کند

که مجربست ایضاً از جهة ثالث مجربست کاغذ صندوق چائی و نبات

مجربست ایضاً از جهة ثالث مجربست سنگی کو مقند را تا ۳

دو دو با شیر دختر سابیده بالای سنگی بر روی ثالث بمالند خوب شود

تجربه رسیده است نسخه جناب آقای سید حسن کوهان شتر مکس هندی

توتیای هندی زرده تخم مرغ دو عدد با روغن کنجد مرهم سازند

و بر کبد بعد بانند که مجربست   از جهة بواسیر بادی و خونی

و جو کمی بیاد مجربست دو شب گوشت کامیش را با نخود با و کند

نخود هر که بواسیر بنید از اسرار است   از جهة کورك و دنبل

از مجربات انکوم درخت را نرم بکوید با آب دهن خمیر کرده

بروی کورك بگذارد سر باز کند از اسرار است   از جهة

کودن

٤٢

کودن بواسیر شد که باد هم آورده باشد برگ تاجریزی

را نرم بکوید بفصل نفیس بر روی شکم بمالد دفعه بول

بسته گشاده شود و رفع شود از اسرار است   از جهة درد

دل کهنه از اسرار است خاکشیر و اسپرلیان شبی مانده و قدری شیره

قدری بجوشانند بخورد ۴ مکرر تجربه شد دو ۳ مرتبه

الطلسم یدفع سرعة الانزال بعد الترقیم علی القرطاس و وضعه فی الفم

ع ۹۱۱ ۳ ط ط ۹۹

ایضاً یکتب علی ورق ایضاً یکتب علی ورق البطنی ثم

ع ۹۱۱ ۳ ط ط ۹۹

اربطه علی ظهرك فانه لا ینزل بسم الله الرحمن الرحیم املح املح دمح

هیح هیح مسماس طوی ماه ماه سحا سحا مجیبا از جهة شفاء

اندام و امراض از مجربات است را ز اعلام معاد بر گفته اند که حروف

شفاء اینست ا ب ت ث خ ا ف ک ل لا ی طریق نوشتن اینکه

هر عضو یکه درد مند باشد حروف اول نام او را بعربی در میان

هر یک از حروف مذکوره بنویسید بعد از بسمله و انرا بر موضع درد

یا الم ببندد شفا حاصل شود مثلا اگر درد سر باشد از راس حرف را را

بایه با هر یک از حروف شفاء ضم نماید باینصورت ا د ب ر ت ر ث ر خ ر ف

ادویات خضاب و ...

کولو لادیو واکو اذا دو چشم باشد حرز عین را بنویسید و علی هذا القیاس

این عوده از اسرار مکنونات است از جهت بند آمدن خون دماغ از دهان خون

دماغ گرفته بر دیوار بنویسید فی الفور دفع شود

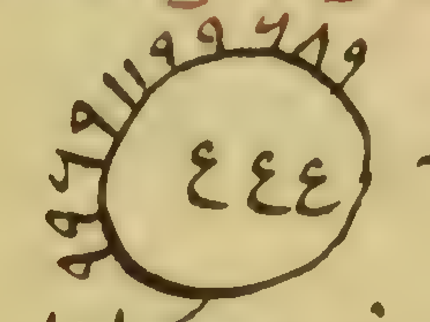

دفع آمدن انزال علاج اگر همیشه بجوز و مقویات بخورند مصطکی با نبات

سفوف نموده بخورد و آمله پرورده با مصطکی هر روز بخورند و شربت

تخم ریحان با نبات و گلاب و عرق بید مشک یا عرق کوره بنوشند در رفع

رشوه زن زنا زنبق کل کلاب معه سنبل الطیب مساوی الوزن سفوف نموده

بطلب ...(خود را با لعاب قم خود تر نموده در سفوف غلطانیده در مقعد نهند

بعد از ساعتی چون نمجنه کل کردد و کلک العوض الیابس الاخضر مع قشر الرمان

الحلو المطبوخ بالماء ثم یغمس خرقة فیه و یبسها و کود دلک علی ذلک الملوال

ثم یوضعها فی المحل المطلوب بصبر کالاول دفع کوک کردست و پا برون

می آید بر دارید هفت دانه جو را و بر هر یک هفت مرتبه این آیه

مبارکه بر او خوانده نفس کند و بمالد بر دانها بزمین نهاده تمام

شد بمرغ خانگی دهد بخورد وَ أَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ

فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

خون دماغ

دیر آمدن انزال

از جهت دفع کوک کرفتن دست و پا

نسخه برای سرمه جلای چشم و قوة چشم و صحت

چشم از اکثر امراض عارضی محروس خواهد بود و محتاج بهیچ دوا نخواهد

بود مشروط بر اینکه اجزا را با دقت تمام اخذ نموده که عیبی نداشته

باشد و مغشوش نباشد و هر یک را جدا جدا مدبر و محرق نموده بقانونی

که استادان آگاه را معلوم است و بعد هر کدام را شستن و غسل دادن

لازم است غسل و شستشو داده و کوفته و بیخته از حریر کذرانیده با میل

در چشم کشند یاقوت رمانی دانکی لعل بدخشی دانکی مرقشیثا دانکی

اقلیمای طلائی دانکی فیروزج دنکی زمرد دانکی دهنه فرنکی دانکی سرمه

اصفهانی دو دنک توتیای کرمانی پنج دنک لاجورد بدخشی دو دنک

مروارید ناسفته دو دنک سرطان بحری ۳ دانک مرجان سرخ دو دنک

سادج هندی دو دنک زعفران دو دنک مامیران دو دنک دار فلفل

دو دنک مشک دنکی از جهت غبار چشم کل کاسنی را در ظرف مس زنک داده

کوده آب غوره روی آن بریزد و در سایه خشک کند و بعد کوبیده

و بیخته در چشم کنند مشروط بر اینکه آب غوره را روز جمعه پیش از بند

آفتاب طلوع کردن بریزد که آفتاب بر نبیند و در سایه خشک کنند استعمال نماید

سرمه جلا

از جهت غبار

حب نوله و تقویت قلب و اکثر امراض چشم را بیرون دارد و دوا معالجه
نماید هفته روزه هر روز هفت عدد از حبها را بخورد مصطکی
صبر زرد شکر زرد هلیله سیاه بیمان کوسه حب سازند شبی هفت
عدد از نواصیل کند از جهت امراض چشم حب هلیله سیاه تا چهل شب بخورند
اقسام امراض چشم را نفع دهد هلیله سیاه صبر سقوطری شکر ما
زندران کوسه حب سازند اگر چشم سرخی نداشته باشد شیاف
نوله زرد و سفید بر دو چشم بمالند تا چند یوم بهتر شد لعاب دارو
که داروی زرد چهار دار و است قدری در چشم بکنند بجوهر زرد وی
وهم بالای چشم را برآید هر تر کند و از همان داروی زرد بمالند و اگر مارش
میکند و آب میکیرد میکند جلا و روشنائی واجب است مشروط بر اینکه
اول طوطیای نقره را زرد و بموده اگر علاج نشد جلا را روشنائی
را با میل بکنند مانند سرمه از جهت غبار رقیق داروی یا سیلبوها اگر غبار تر است
با میلچه بعد از شقیه ۳ روز یک در میان حب هلیله هر روز ۳ مثقال نیم
بخورد و بعد دوا در چشم کشد علامت غبار است که ماه را مانند خرمن
بیند شیاف چشم سبز زنگاری جهت جرب و سوختگی چشم از بیرون طلا شود که مجرب است

دوعدد

دو عدد شیاف زنگار با یک عدد لاجورد سائیده جرب و سوختگی را دو روز
خوب کند شیاف زرد و شیاف لاسرخ و سفیدرا باهم یا جدا جدا سائیده جهت
باد نوله سائیده بر دو چشم بمالند قرص رادع جهت بخار سر و ماده ورم
زخم که از حرارت باشد نافع است از جهت ناخنه که بسیار مجرب است سنکر
کو مغندرا تا ۳ روز با شیر دختر بسایند بالای سنکی بر روی ناخنه بمالد
خوب شود تجربه رسیده از جهت تب لازم که بسیار مجرب است ۳ روز هر روز
صبح را ۳ مثقال کل لاله عباسی قرمز را مثل چاهی دم کرده با نبات میل فرموده
که بسیار مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم کتابی از مصنفات نظام الدین
احمد کیلانی در مراغه دیده که مشتمل بود بر چندین رساله و بسیار
اظهار فضیلت کرده در یکی از آن رسایل ذکر خواص ادویه مفرده
بود که در همه عمر بعد از سیاحتهای بسیار تجربه رسانیده بود
بیکار عیب نوشتن انها کردید اول هلیله کابلی است که رساله
جداگانه در توصیف آن نوشته و در این رساله مختصر کرده و راقم
حروف اختصار مینویسد که اندک آن قابض است و بسیار آن مسهل اخلاط
از رطوبات فضله پاک میکند و بجمیع اعضا قوت میدهد و حواس را

جمع و قوی میکند و وسواس و نسیان و جنون را برطرف میسازد و حفظ
را می‌افزاید و دفع بواسیر میکند و قوت جماع میدهد و نعوظ می‌آورد و امساک
منی میکند و رحم را پاک میکند و بچه را محکم میکند و دفع بخر مینماید
دویم کاسنی است که در دفع تب و التهاب و تشنگی و فضح مواد و ازاله
سدد و سوء القنیه و استسقاء آثار عجیب و غریب مشاهده شد سیم
رازیانه است که بقراط گفته گوید هر که از تحویل حمل هر روز یکدرم
رازیانه سفوف کرده با قند بخورد در آن سال بیمار نشود چهارم شیر زنان است
و شیر که در دفع حرارت و یبوست در امراض حاده یابسه و امراض عین
اثرهای کلی خوب و نفعهای مرغوب از شیر زنان دیده شده که کالبد
دست از علاج برداشته را در گوش و بینی چکانیدن و در کف دست
و پا مالیدن و پارچه را بآن تر کرده بر میان سر گذاشتن بعد از
قطع نظر از حیات حیات یافته اند و شخصی که از شدت حرارت و یبوست
چند شبانروز خواب نرفته هذیان میگفت بمجرد این عمل خواب رفته
و عرق کرده برخواسته و از آن مرض مهلک خلاص شد و شیر شتر در
دفع تپ و مرض استسقاء از عمدهٔ دواهاست پنجم بابونه و خطمی در
فضح

فضح اورام و تحلیل اورام صلبه و خنازیر اثرهای خوب دیده شده
ششم جند بیدستر که خواص آن زیاده از وسع بیان است در اکثر امراض
خصوصاً امراض بارده خصوصاً برای طفلان مکرر دیده شده که
مانند مرده را زنده کرده است هفتم افیون در دفع کل اوجاع و حبس
اسهال که مریض مردنی از اسهال را چند روز نگاه داشته در تاثیر
دوای مفردی مثل جند و افیون نباید دیگری بنا شد هشتم در دفع
و ان بی خطر تخم ریحان و اخوان آن خصوصاً در اسهال نهم از اب گرم
و کلام در دفع قولنج اثر خوب دیده شده دهم چوب چینی در التیام جراحات
و دفع اورام و جراحات اثرهای عجیب دیده شده یازدهم از مالیدن
روغن در اکثر بحثها و دردها نفع دیده شده دوازدهم قند که باد
زد باشد در دفع بواسیر اثر عجیب دارد شیخ نیز در قانون گفته که هر که
یکروز دو درم بخورد بواسیر برطرف میشود و اگر ۳ روز بفاصله
هر روز دو درم بخورد هرگز بواسیر پیدا نشود مجرب است و بتجربه فقیر
نیز رسیده اما ملاحظه محروری مزاج باید کرد که بسیار گرم است سیزدهم
مصطکی در تقویت معده خوردن و خائیدن و روغن از آن هم مالیدن

نفع خوب دیده شده چهاردهم فادزهر در قوت باه و درد کمر و مفاصل
و قوت اثرهای خوب دیده شده پانزدهم روغن بلسان که بجهت کندی
دندان بهترین دواها است و شیر دایه بند و دندان ماهی و فضه در رنگ
انگبین بنده و از مرکبات در دفع درد دفع درد هر عضو سرکه و گلاب و افیون
و زعفران خصوصا در دفع صداع بمجرد مالیدن تخفیف درد سر شده دیگر
گلقند و سکنجبین هر کدام بمناسب مقدم نفع تمام دیده شده و از سفوفات
سفوف بنفشه و سفوف هلیله و تنی که مسهل کار بکند برای دفع آن مسهل
و دفع ضرر سستی آن بغایت موثر و خوب است دو درم از هر کدام که باشد
با دو درم قند با آب گرم بخورند مکرر اثر آن مشاهده شده و در زحیر
و از لعاب ریشه خطمی با روغن بادام اثر خوب دیده شده و در پیچش
شکم بذر قطونا با روغن گل جوش داده مزاق خوب است که همان ساعت
زراق فضله شود باذن الله تعالی و از معاجین که از تریاق فاروق
برای دردها و مرضهای صعب مشهور است خصوصا فلونیای رومی و بر شفا
که در دفع نفث الدم و اسهال و غیره و درد قولنج نفع تمام دیده و از
جوارشات جوارش جالینوس برای تقویت معده و دفع بواسیر و هضم
طعام

طعام و اشتها و قوت باه و حسن لون و دفع برودت مزاج و حفظ صحت که در
بیست و یکروز هر روز یکمثقال بخورند بتجربه فقیر رسیده و زیاده از آنچه
در وصف آن نوشته اند اثر دارد و اطریفل صغیر هم با این ثلث اجزا پر
نفع است و معجون ارسطوطالیس که فقیر حقیر عامل و مجرب و مروج آن است
در امراض و تب بلغمی و تنگی نفس و حبس قی و اسهال منافع منافع
کلی دیده متأخرین ساخته بودند حقیر تجربه و نقل نموده ساخته
و مشهور گردیدن و نوشدارو در قوت معده و هضم طعام و حبس
قی و اسهال اثر خوب دیده شد و لولوئی در دفع ریاح و از فلاسفه
در امراض بلغمی و بلغمی ترو جات نفع دیده شد و ثیاذریطوس که اکثر
علاج بلغمی را علاج است و در قوت نفع غریب دیده شده و از حجامت
و زالو هم چنین در امراض بینی و خناق و اورام و موی انبرهای خوب
دیده شده و دعای صالحان و طبیب بی غرض از همه دواها بیشتر نفع
دیده شده طریقه خوردن ذرنیخ انچه حقیر معمول داشت مداومت نموده
اول شروع ذرنیخ هلیله سیاه تا ۳ اربعین و بعد از آن ذرنیخ هلیله سیاه
تا ۳ اربعین و بعد از آن ذرنیخ هلیله سیاه که عبارت از تساوی بوده

باشد وهمچنین باین تصرف موافق مزاج وبنیه خود باید بتدریج در زمانها
مختلف هلیله را کم نمود تا از نوع صرف نمایند قاعده اگر از مرکب مذکور
در ابتدا بوزن یک نخود شروع نماید تا یکهفته وهفته دویم دو نخود
نموده تا انتهای هفته وهمچنین هفته سیم ۳ نخود وبرهمین ترتیب
زیاد نماید تا عرض دو سال تقریبا بدو مثقال برسد واگر مزاج ضعیف
باشد هفته را بده روز قرار دهد والیه واهب الصور والخاصیة
در اطلیه نافع من الراس الی القدم از جهة زخم شبعوذ کوکرد کهنه را
کاسکبود مساوی بروغن گاو بقدر انکه معجون شود والسلام جراحت
رطب در دوها دمیشود علاج مرداسنک یک نخود صبر نصف جزو
سرکه وروغن گل طلا نماید وگل ارمنی واندکی زعفران وکافور سرکه
وگلاب آمیخته بمالند اشنان کبود نمک وسرکه چند کرت بمالند
جراحت رطب را باطل سازد دهن الآس روغن مورد است دماغ را
قوت دهد وموی را از سفیدی نگاهدارد که زود سفید نشود صفت
آن آب برگ مورد تازه دویست مثقال وروغن کنجد پنجاه مثقال بجوشانند
تا روغن بماند القسط روغن قسط است وجع الظهر را دفع کند ودرد

معده

معده را نفع دهد وموی را برویاند واعصاب را محکم کند صفت آن قسط
تلخ ده درم سلیخه پنج درم عاقرقرحا وفلفل از هریک ۳ درم جند بیدستر
وفربیون از هریک دو درم همه را نیم کوفته ساخته در صد درم آب بجوشانند
تا ۳ بخش جوشیده شود ویک بخش بماند صاف کند وسی درم روغن زیت
یا کنجد اضافه نموده بجوشانند تا روغن بماند بوقت حاجت بکار برند
والسلام از جهة قوة باه ودفع سرعت انزال نظیر خود ندارد که تجربه شده
صفت آن لبان ذکر وعلک رومی وجفت بلوط وبذر القنب
از هریک ده درم عسل دو وزن ادویه باید که جفت وشهدانه
باهم بکوبند وبپزند ولبان وعلک باهم معجون سازند شربتی دو
مثقال غذا دو نوبت کباب بزر القنب شهدانه هر دو یکی است
لبان کندر است علک مصطکی است شهدانه بنک دانه شونیز
سیاه دانه است وجع را ذکر باشد دهن السودنجان روغن سودنجان
است وجع المفاصل وجع الورک وعرق النسا را مفید باشد واعضا
را محکم کرداند صفت آن ورق حنا حلبه جوانی ماهیزهرج که مرانک
ماهی کویند سودنجان سیاه دانه تخم شبت قسط از هریک ده مثقال

بذر البنج پنج مثقال همه را نیم کوب ساخته در یک و نیم کاسه آب بجوشانند
تا به نیم کاسه آید صاف کرده روغن کنجد یک رطل که هشتاد مثقال
باشد و بقولی نود مثقال اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند
و در وقت حاجت ضماد کنند دهن الجوز بوا روغن جوز بویا است در درد
مفاصل و باد مرض که کهنه شده باشد بسیار نافع بود و درد استخوان
که در میان عوام مشهور است هرچند که استخوان درد نمیکند اما درد
بندها است و اعصاب که بجهة رطوبت و خلط فاسد درد میکند
جمله دردها را مفید بود بشرط آنکه در حمام بمالند و بنشینند تا
خوب عرق کنند و اگر خود را پاک کرده جیده بدر آیند تا مدت
یکماه چنین کنند و از ترشیها پرهیز کنند امثال سرکه و جغرات
و شیر تجربه است صفت جوز بویا پنج عدد سیاه دانه پنج مثقال گل
بابونه ۳ مثقال قسط تلخ ده مثقال سورنجان مصری پنج مثقال
روغن کنجد صد و هشتاد مثقال این جمله اجزا را کوفته در چهار
صد مثقال آب بجوشانند تا ثلث بماند صاف کرده ادویه را
خوب دست بمالند تا شیره از وی برآید صاف نموده روغن را
داخل

دهن الجوز
صفت جوز بوا
[illegible]
[illegible]

داخل نمایند و با آتش نرم بجوشانند تا روغن باقی ماند و باز
صاف نمایند و پنج عدد جوز بویا دیگر سائیده کرده در میان
روغن اندازند تا چند جوش کند فرود آورده در ظرف آبگینه
نگاه دارند و بوقت حاجت بکار برند روغن بنفشه بادام بادام
شیرین سفید کرده هر یک بادام بدو نیم کرده خشک کنند و هر یک من
بادام نیم من گل بنفشه در میان آن کنند و در شب جام خواب اندازند
تا شب بر آن گذرد و بروز هم چنان همین کنند و چون بگذرد و اگر
دیگر بنفشه مکرر کنند بهتر باشد تا چهل روز بر و بر شرح هذه و بعد
از آن روغن گل سرخ بادام در میان گل چنانچه در بنفشه بادام ذکر
رفت پرورده کرده روغن بگیرند ایضا روغن گل سرخ بگیرد
و ورق گل سرخ تازه و در شیشه کنند و روغن کنجد خالص بر سر آن
کنند و روغن گل سپید و یاسمین و خیری و سوسن و زنبق و نسرین
و نرجس و شقایق و امثال آن بدین نوع سازند که در روغن
گل سرخ گفته شد روغن بادام و کدو و کاهو و خشخاش مثل روغن
بادام برارند بجهة سهر و خشکی دماغ نهایت مفید است دهن البابونج

روغن بابونه است بگیرد بابونه و در سایه نیم خشک کرده بیست درم
و روغن کنجد نیم من در شیشه کنند و در آفتاب گرم بیاویزد تا چهل روز
و اگر بابونه تازه نیابند بستانند بابونه خشک بیست درم و بجوشانند
تا چهار صد آب به نیم من آید و در دست بمالند و صافی کنند و یک رطل روغن
زیت یا روغن کنجد خالص بر سر آن اضافه کنند و بجوشانند تا آب تمام
بسوزد روغن بماند دهن الحنا روغن حنا است بگیرد برگ حنای
تازه و بکوبد و ۳ رطل آب از وی بگیرد و روغن کنجد تازه یا
روغن بادام از هر کدام میسر شود یک رطل بجوشانند تا آب بسوزد
و روغن بماند و چون فرو خواهند گرفت پنج درم موم در آن بگدازد
و اگر حنای تازه نباشد حنای خشک و آب دو من نیم بجوشانند و صافی
کنند و یک رطل روغن کنجد خالص بر سر آن کنند و بجوشانند تا آب خشک
و روغن بماند دهن شونیز شونیز بیست مثقال مغز بادام تلخ ده
یک مثقال قند سفید پنج مثقال همه را بکوبند و چند قطره آب گرم بر وی
در طبق مسی بر سر آتش بمالند تا روغن در آید روغن بادام مغز بادام
مقشر سی مثقال قند سفید پنج مثقال بکوبند و قطره چند آب گرم بر وی

بمالند

و در طبق مسین کرد بر سر آتش باشند بمالند تا روغن بر آید روغن جوز
مغز جوز سی مثقال قند سفید پنج مثقال بکوبند و قطره نمکاب گرم
بر وی باشند و بدستور روغن بادام بکشند والسلام عطوسی که
لقوه و تمدد و تشنج را نفع رساند صفت آن اسطوخودوس و مغز
فندق هل و دارچینی از هر یک ۳ درم همه را بکوبند و بیزند
در دماغ دمند عطوسی که صداع سرد و سبات را نفع دهد صفت
آن اشنان و کندش و خردل علی التسویه بکوبند و بیزند و در بینی دمند
شربت بادرنجبویه دفع سودا کند و دل را قوت دهد و باد را بشکند
صفت آن بادرنجبویه صد مثقال در چهار صد مثقال آب بجوشانند
تا به نیم آید بعد صاف کنند و سیصد مثقال قند سفید صاف کرده
بقوام آورند از ده درم تا ده مثقال رغبت نمایند شربت خشخاش
سرفه خشک را سودمند آید نزله و بحوحه را دفع کند صفت آن
پوست تخم خشخاش از هر یک پنجاه مثقال نیم کوب ساخته در چهار صد
مثقال آب بجوشانند تا به نیم برسد بعد صاف نموده و سیصد
مثقال قند سفید صاف کرده آمیخته بقوام آرند از ده درم

تا ده مثقال با دوق شوآب شرکوم میل بفرمایند مرکی اهل هند بول
کویند ادیوسا تخم دیبق است صمغ البطم مصطکی را کویند ماميثا
کل لاله زرد است قسط بحری تخم بنفشه است قسط شیرین نیز کویند
و کویند قسط بحری تخم دیبق سفید است و بدل آن تخم سوس کبود ترمس
باقلای مصری حب الرشاد تخم ترتیزک مرزنگوش بود نر کوهی است
کرفس تخم انجره است مادکیاه و ماجوبر کویند و آن هم یک نوع بودینه
کوهی است شونیز سیاه تخم است دانک چهار نخود مثقال شش دانک
درم پنج دانک عطوسی که القوه و تمدد و تشنج را نفع رساند صفت
آن اسطوخدوس و مغز فندق هندی و دارچینی از هر یک ۳ درم همه را
بکوبند و بیزند در دماغ دمند عطوسی که صداع سر و سبات
را نفع دهد صفت آن اشنان و کندش و خردل علی التساوی بکوبند و بیزند
و در بینی دمند که مجرب است ازجهة باد زیر شکم و امراض معده و بواسیر — ازجهة باد زیر شکم
مجرب است مقل ازرق ۳ هلیله سیاه ۱۰ م صبر زرد ۲ ریوند چینی ۲
شکر سرخ ۵ حکیده ریوند ۶ نخود نرم کرده حب سازد بقدر نخودی
شبی پنج حب بخورد از اسرار است ازجهة سوء هضم که غذا هضم نشود مجرب است — ازجهة سوء هضم
خاکستر

خاکستر همکار بقدر دو مثقال صبح ناشتا بخورد که مجرب است تا دو سه روز من ضرب — ازجهة هاضمه
الرضا علیه الاف التحیة والثناء مصطکی دانه کندر سنا مکی مغز هل
۲ ۲۰ ۱۰ ۱۰
این اجزا را نرم صلایه کرده با عسل بی موم آتش ندیده معجون سازد
در هفته اول روزی دو نیم نخود هفته دویم روزی دو هفته
سیم روزی یک و نیم هفته چهارم روزی یک مثقال مداومت
نماید که بسیار مفید است از برای قوة هاضمه و وجع مفاصل و دفع — دوای ثالث
امراض مزمنه دوای ثالث آزموده و مجرب است ریشه اسفند بو دانه و
بکوبد نرم بشکل خشکیده که او نخته میشود در زیر دنبه کوسفند بسوزانند
و نرم بکوبند صبر سیاه کوبیده نیم مثقال قراقروت دوازده مثقال
سرکه خوب دوازده مثقال سرکه را در ظرفی کرده بروی آتش بگذارد
قراقروت را هم در میان آن ریخته تا حل شود بعد باقی دواها را در
میان آن ریخته شود در وقت خواب بر روی کهنه گذارده روزی
دو مرتبه ضماد نمایند هر وقت دوا را خواهد عوض کند با آب حمام بشویند
مجرب است ازجهة ثالث مجرب و آزموده شده تخم شربتی را نرم کوبیده با آب خالص — ازجهة ثالث مجرب
نخته بر روی بادمه بمالد روزی دو کهنه بگذارد مجرب است ازجهة سیاه کردن ریش — ازجهة سیاه کردن موی ریش

یادکاری درویش ملنک شاه هندی دوازده دانه خرچنک تازه بگیرد
ودو دسته بوزک وپای بشکند که در حلوات بدو واندازد بعد یکسیر کره کاو را
در دیک اندازد که روغن خوب داغ شود وخرچنک را در آن روغن
اندازد تا خوب سرخ شود بعد آب بریزد که دو انکشت آب بر سر خرچنک
آید وبملایمت آتش کند تا آب بخشکد وبروغن بنشیند وآن روغن را
بردارد که سبزرنک است وبر موی خود بمالد از تر تا بالا که موی سر خود را
برپندد تا شش ساعت بعد از شش ساعت سر خود را بشوید که موی
سیاه وبراق شود وتا شش ماه سیاهی آن برقرار ماند وهر عضوی که
این روغن را بمالد موی بیرون آورد واین روغن از برای آدم کوسه خوب است
واز نقل خرچنک را کرفته بخکاند ونرم بکوبد وهفت دانه پوست هلیله
زرد را هم کرفته نرم کوبیده داخل آن خرچنک حیله نماید وبآب بساید
وخمیر کند ومثل حنا بر موی بربندد که موی را سیاه ودراز کند واین
عمل تجربه شده است حرره ابوطالب بن شیخ بهرام کوچی **عمل کره سافتن**
نخخبوه ۹ جزو نادجیل ۹ جزو خشک کرده کوبیده مقدار کره با اجزا بهم
قاتی کرده یک مثقال از این اکسیر بیکبار یک ماست طرح کند **ایضاً عمل کره**

نخخبوه

نخخبوه شیر خورده کرده بکوبد مخلوط ودر جای رطوبت دار بکذارد کرم شود
بعد همه یکی را بکذارد بخورند یکی بماند خشک کرده یک من ماست یک دانک
از کرم خشک شده بزنند ماست را متصل حرکت بدهد **عمل قیماق** حنیاد را
خشک کرده کوبیده مقابل آن نشاسته کوبیده مخلوط کرده شیر دوغ یک فنجان
را کرم کرده اجزا را در میان تا بداد دریخته بر بالای شیر بکذارد قیماق
شود از آن بر داشته ویکبار دیگر بکذارد تا شیر تمام شود والسلام **از بهر**
قوه باه بی‌نهایت معجون نادجیل زیبق قلع ملغمه کرده کبریت روغن زیت
زرنیخ میان سر مغز نادجیل دریخته دهنش را با عنبر کرفته میان زبل اسب انقدر
بکذارد تا حل شود بعد بیرون آورده در مسی خفیف بدهد وبعد با روغن کنجد
حب نموده وقت حاجت میل کند تعدد کندم تا عجایب ببیند **طریقه اکسیر کره**
مایه پنیر دو عدد اعوز تازه شصت مثقال کره ۱۲ مثقال آب
علف بولا که بر درختهای پیچیده ومیوه اش مانند مرجان است
آهمین علف بولا دو مثقال اوشان تبریزی دو مثقال روغن کنجد
سفید ۱ مثقال مایه داده ومایه وا عوز را خوب با هم صلابه نماید
وروغن مذکور را داخل نموده بافتاب کذارد تا پنج روز تمام شود

بعد یکمثقال این اکسیر را بر بیست مثقال روغن پاک داخل کرده و آن بیست
یکمثقال را بر نیمن ترنوماست بزند و ساعتی بگذارد هم کرم شود بعون الله
در معرفت زنان اهل حکمت تجربه کرده اند و گفته اند که زنان هفت اند
که اصناف ایشان لذت جماع نیابند الا بقضیب دراز که منی بفرج
رساند و ذکر دراز بقول حکیم هندی ۱۲ انگشت بهم باز نهاده
بود و کوچک شش انگشت و میانه هشت انگشت امّا الدقه زنی باشد
که فرج او بهم برآمده باشد و گوشت بر آن اندک بود این زن لذت
جماع نیابد الا بذکر سطبر کوتاه امّا عقرا زنی باشد که میان فرج او نشسته
باشد از غلبه شهوت و نایافتن مجامعت این زن لذت جماع نیابد
الا بذکر سطبر امّا حرقا زنی بود که کناره فرج او از گوشت خالی بود
و بیشتر زنان دراز بالا چنین باشند این چنین زنی لذت جماع
نیابد الا بذکر دراز پهن و این چنین زن بدخوی بود در حین مجامعت
و آن از تقصیر مرد باشد او را ذکر سطبر دراز می باید تا لذت یابد
و از ذکر کوچک لذت نیابد بنابراین بدخوی باشد امّا همه زنی باشد
که مسافت شهوتش نزدیک بود و سریع الانزال باشد و گوشت هر دو

جانب

از جهت لذت جماع زنان

جانب فرجش بغایت سطبر باشد گاهی مرد را انزال شود آن زن را الی
واقع شود و از مجامعت ممانعت نماید امّا شعرا زنی باشد که گوشت هر دو
جانب فرجش تنک باشد هم چنین زن لذت جماع نیابد الا بذکر دراز
سخت امّا مخلقه زنی باشد که کناره فرجش سطبر باشد و گوشت اندرون
تنک باشد این چنین زنی لذت جماع نیابد الا بذکر دراز سخت و چو آن
نخواهد بدانکه قضیب عصاییست که بمجامعت کردن و مالیدن بزرگ شود
نقل است از انوشیروان عادل که طبیب را گفت از علم خویش ما را اثری بگذار
تا یادگاری باشد گفت ای ملک تو را چند کلمه مختصر بگویم که قایم مقام قضیب بزرگ
بشود که محتاج اطبا نشوی اولا آنست که هر شب خود را پیش از خواب بر متوضاء
ضد کنی دویم هر ده روز بحمام روی سیم اگر در هر هفته یک نوبت بیش جماع
نکنی چهارم میوه نارسیده نخوری پنجم تا توانی داروی نخوری ششم مباشرت
بسیار نکنی هفتم زنهار که بر پیره زن جماع نکنی هشتم اگر خون کنج تراست
بی حاجت نستانی نهم اگر غذا نخوری مگر بگرسنگی انوشیروان این سخنان
را کاربست و عمل نمود و هرگز محتاج اطبا نشد والسلام از جهت بواسیر
افیون آسم کاشنیز ۱ هر دو را نرم صلایه کرده در میان یک فنجان

از جهت بواسیر

بول گاو وزده یک فنجان بریزد در آفتاب بگذارد تا مثل مرهم شود
بعد بقدر فلفل حبها بسازد روزی یکحب بخورد و شیاف هم از این
حب استعمال کند که بی نظر است از جهة بواسیر کوهان شتر قمل ازرق
کوهان را در ظرفی آب کرده و قمل را نرم کرده داخل کند با یک فنجان
آب تره داخل کند طبخ داده تا آب تره تمام شود بگذارد سرد شود
شیاف سازد یکروز ۳ شیاف بردارد صبح یکی عصر یکی شب یکی
ایضا پوست هلیله زرد را با لعاب اسفرزه حب کند خورد الی دو حب
هر صبح بقدر نخود بود لیست بخورد والسلام از جهة درد شکم خبث الحدید
را در آتش بتابد و در ماست گاو تطفیه کند تا دوازده مرتبه بکار
کند برای درد دل بی نظر است از جهة درد سر سدر قند با هم خوب ساید
با لعاب اسفرزه خمر کند بالای کرباس مالیده بر سر ضماد کنند ساعت
ساعت تجدید کند که بکلی رفع شود مجرب است از جهة هاضمه غذا
دیشه بود نرد را گرفته خشک کرده مثل چای دم کند با نبات صبح
میل کند چند روز والسلام از جهة باد بنفشه درد لرده شراب
با بونه شیرازی گل خطمی تاج ریزی گل برف موی سیاه با هسته او نرم
یکمیرا یکمیرا یکمیرا یکمیرا یکمیرا یکم
کوبیده

درد شکم

از جهة درد سر

از جهة هاضمه

نسخه باد بنفشه

کوبیده در آب طبخ دهد تا اجزای مذکور خوب حل شود بالای کرباس مالیده
بر روی بنفشه ضماد کند در روز ۳ دفعه چاق شود که مجرب است از جهة
جوب سودا مجرب است یادگاری جناب حاجی محمد در کشتی مرتبی انیت
عبد ۳ م سم الفار ابیض ۳ م عقرب ۳ م ملح ور فی ۳ م زاج تو
۳ م شب سوخته ۳ م خوب سحق و صلایه بلیغ نماید بعد باد هوزدنیت
خمر کرده نصف نماید و عبد را با ۳ م تریزای ملغمه نموده در میان
اجزای مذکور که نصف کرده بگذارد و سرا و را بهم آورده در میان
کاسه بعد گل حکمت گرفته و سد وصل محکم نموده بعد زمینی را کود نماید
و در یک نرم بریزد و کاسه را بالای ریگ نرم بگذارد و تا کاسه
زمین پوشیده شود و از بالای آن زبل الخیل بریزد و آتش دهد تا
بسوزد بعد خاکستر او را دور کند باز زبل بریزد تا ۳ دفعه بعد از
سرد شدن در آورده اجزا بهم رنگ بیرون آید سرخ سیاه سفید
یکمثقال دوای سرخ را بونج مثقال زهره ضبغی طرح کند شمس سیار اعلا
شود دوای سفید را یکمثقال انرا با یکمثقال قمر زوس نماید بعد
بوهشت مثقال زهره ضبغی طرح نماید دوای سیاه را تم ما [illegible] نم

جوب سودا

شوده قلمی نیم نبات مصری آم باهم خوب نرم کرده از حریر بیرون کرده
در وقت حاجت در چشم کشد خوب را نفع دهد که مجرب است والسلام
از جهت برص خون فاخته را با خون کبوتر سیاه ممزوج کرده بر برص
مالد سفیدی بدن از او زایل گردد و مجرب است عمل کهربا سندروس
۳ توله مصطکی رومی ۳ توله حب البان ۱ توله صمغ البطم ۲ توله زعفران
۵ ماش روغن کنجد ۵ توله کافور قیصوری ۵ ماش هر توله ظاهراً دو مثقال
و نیم عجمی که یک دو سیر هندی است باشد اجزا را نیکو سحق کرده در شیشه کرده
سر شیشه را مهر سلیمانی کرده در دیگ آب کرده تا ۳ شبانه روز آتش بسوزد
چون اجزا آب شده در روده گوسفند که جا بجا گره زده باشد بریزند
و خشک نمایند اما قدری از شیشه باید خالی باشد که زیر آب نرود و نیز
دیگ بخیه که مبادا شیشه بترکد و عامل باید بدقت فکر عمل را بکند
والسلام از جهت اقسام سوداء خراطین را با زرفت و برگ کدو جهت بودن
کردن تغییب بغایت موثر است از جهت معالجه سوداء که خون و چرک آید شاه
تره پنج سیر اسفرزه ۲ مثقال عناب ۲۰ عدد سپستان پنج عدد آب مویز بیدانه
دو سیر عناب سپستان را جوشانیده شیره کشیده شاه تره اسفرزه مویز

را خیسانیده آب آن را گرفته صاف کرده تا پنج روز روزی یک کاسه دویم
صبح ناشتا بخورد از جهت اقسام سوداء مجرب است پنج مثقال سیر خشت
را کوبیده داخل کرده صبح ناشتا پنج روز بخورد از ترشی و بادی
پرهیز کند غذا شوروای برنج کدو یا فرنی با شکر بخورد مجرب
از جهة قوه باه سرعت انزال سر نار پنج را برداشته ۳ سوراخ کند و مثقال
تریاک خوب فتیله ساخته در سوراخهای او گذاشته و سر آن را گذاشته بعد آن را
بگل گرفته در مس داده بر آورده تخم آن را بیرون کرده تخمش را با عسل ممزوج کرده
حبها ساخته بخورد تا نمک در دهان بگیرد انزال نشود مجرب است حب مسکی
مسمی بادام جان و تقویت باه و شدت انعاظ و طول انزال زیاده از دو ۳
حب نتوان خورد یوخذ من النخرة الفیل و دماغ العصفور و خصیه
الدیک و بذر البصل و الفجل و خولنجان و فحل النحل و بوزیدان و سورنجان
و دار فلفل و شقاقل و خصیة الثعلب و فرفیون یدق علحده و یوزن
و یعجن بعسل النحل التی لم تصبه النار و یحبب علی قدر الحمص و یوکل الی
ثلثه علی حسب المزاج و الاحتیاج و ان زید فیه من المسک و العنبر و الزعفران
کان اولی دفع شپش بدن گوگرد ترب را گرفته رنده کرده آبش را افشار داده

نخاع کرفته

کرفته در بالای جیوه ریخته با انکشت بمالد تا منحل شود بعد ریسمان را

موافق کردن بند چهار لا کرده در میان آن مالش داده تا کلا بجو دوده

رود بعد در آورده خشک کرده یکو دن انداود شش از بدن او دود

شود که مجرب است **ازجهة جوهر دادن شمشیر و کارد** دیکار شوده بسر داآب

کرده با قلم چوبی بر تیغ هر چه خواهی بنویسید بعد نفت آب بر بالای او زده

از این دوا بر بالای او بباشد و **ایضاً** نفت آب زده و باز از آن دوا بالای

بباشد کذارده یک ساعت بماند بعد پاک کرده خطی سفیدی در بالای او نمایان

شود — از جهة باد بیضه که بسیار مجرب است و مکرر تجربه رسیده است

مویز سیاه یکسیر نیم لطرشراب یکسیر تا جو بوزه یکسیر کل خطمی یکسیر بابونه

شراذی یکسیر کل بوذ یکسیر آب داخل کرده طبخ داده تا ضماد شود بر دوی کرپاس

بمالد بر بیضه ضماد کند تا ۳ کهند که جاغ شود بسیار مجرب است — ازجهة

قوة باه هسته تمر هندی را بر روی آتش کذارد که پوستاو ورقه شود کرفته

و مغز او را با نبات مقابل نرم کرده صبح و عصر هر روز صفوف کند بی نظیر است

ایضاً ازجهة قوة باه یک دانه جوز را سر او را سوراخ کند اطراف او را

سوراخ کند بقدر دو نخود تریاک در جوف سوراخها کذارد بعد سر جوز را

(حاشیه: ازجهة جوهر دادن شمشیر کارد — ازجهة باد بیضه صحیح است — ازجهة قوة باه صحیح است — قوة باه)

دا

۵۱

را بر روی آتش کذارد بعد با آرد جو خمیر کرفته جوز را بعد خشک کرده از روی

او کل کرفته آتش دهد بقدری اکه خمیر سوزد جوز را بیرون آورده نرم

بکوبید بقدر برنج خوراک او است والسلام — معالجه سوزنک که خون

و جراحت آید مویز سیاه بیدانه صد مثقال جو و چینی هشت مثقال

اشنان ده مثقال شاه تره خشک ده مثقال کل کاوزبان ده مثقال

حجر الیهود چهار مثقال عرق کاوزبان نیم من خار خسک ده مثقال

تخم خیارین ده مثقال قانون انیست اول مویز را تخم بیرون آورده

باشند بعد با نصد مثقال آب بریزد تا بجوشد و ثلثین شود کناد

کذارد تا سرد شود بعد دواها را کوبیده میان عرق کاوزبان بریزد

و شیره مویز را هم داخل کند و دوباره بجوشاند تا مکرر ثلثین شود

و قوام بیاید و از آتش فرود آورده شش قسمت کند روزی یک قسمت

انرا با پنجاه مثقال شیر کاو حل کرده بخورد و اکر بجهة معالجه سنک مثانه

بخواهند مداوا کنند بر همین منوال بخورند تا شش روز اما روز سیم

از ملاحظه سنک نرده بان چهل پله آورده بعد از دوا بیست دفعه

از نرده بان بالا برود و پائین بیاید که سنکها حرکت کند چون خسته

(حاشیه: معالجه سوزنک صحیح است)

شود در رخت خواب بخوابد و در وسط دوا همان روز نزده باد درا
زیر لحاف دکر خود را در میان خیار چنبر که ری تخم باشد بکذارد
که سنکها ریزه ریزه شده بیاید و ۳ روز هم تتمه دوا را بخورد
ان شاء الله تعالی پاک شود و غذای روز فرنی با قند بخورد یا نان
کره و شکر یا آب کوشت مرغ یا نان عسل کره والسلام از جهة کرفتن
میعه سائله نیم مثقال ریوند نیم مثقال جوهر اسکاه ۶ نخود بالعاب
بعد از خمیر کرده هیجده حب یا زده خوراکی ۶ دانه بخورد که بسیار مجرب
و آزموده شده از جهة ثاليل مجرب است اشنان بو زهره کاو زنکار مس تخم حنظل
نوشادر نوده اجزا مساوی نرم کوفته با زهره کاو خمیر کرده مکرر ضماد نماید
دفع باد آتشک فراد ۴ سفیداب ۴ سرنج ۲ صابون رقی ۱۶ روغن
زیتون فراد را با آب لیمو خوب بکشد و اجزاها را با یکدیکر ممزوج نموده هر روز
دو مرتبه از مرفق تا سر انکشتان و از زانو تا کف پا بمالند و خود را خوب بپوشاند
تا عرق کند و از نوروز که روغن را میمالد تا یکهفته غذای بی نمک داد بخورند
غذای بی نمک بخورند دود دادن دادن دهن و جوارح کلنار فارسی پیرون اندرون
توی خشخاش شنجرف ممزوج نموده حب کرده هر یک بقدر فندقی بزرک تو هر دو

روز

روز در یکدرمیان چادر شبی بر سر کشیده ترخین نماید که دود بر تمام دهان
وصورت و جوارح او برسد که عرق کند آن مریض و غذا آش ماش مقشر برنج
بادام و اکر دهان جوشش و سوزش کند از لعاب اسفرزه و کل بنفشه بشوید
بعد از بخور چند روز شیر کاو با انکور سفید بخورد مرداسنک را چند
دفعه در آتش سرخ کرده در آب جو و شاه تره مغول بر موضع قروح دهان
بمالد روغن شقاق از جهة شقاق زفت رومی مازو زنکار روغن
دنبه موم کل زبان بتفشا کوکرد زرد روغن کل زرد اجزا را نرم صلایه کرده
با روغن ممزوج کند در وقت حاجت استعمال نماید که بسیار مجرب است
روغن شقاق از جهة شقاق و بواسیر صفت آن ریشه خطمی زرده چوب مقل
انزروت تخم ریحان حلبه برسیاوشان سورنجان قرنفل درونج
عقرحا بزرقطونا هوجوبه خرچنک ۳ عدد صبر عناب دو عدد
خون سیاوشان موم کافوری دنبه صدرم دنبه را روغن بکیرید
بعد اجزاها را نرم کوفته مکتب در آب بخیسانید روز دیکر با روغن
بجوشانید تا آب او تمام شود روغن بماند استعمال کنند دفع شقاق
شقاق از برای دست و پا و جرب سودا مجرب است از قود بانه روغن بکیرید
۹ مثقال و روغن تخم کافشه در ظرف آهنی کرم کرده بکیرید جرب خشکی
جرب خشکی باشد عرق شاه تره یا آش و اکر قند باکوکرد سفید و قدری

آبهات حکیده بهم ممزوج کرده در حمام دو سه مرتبه بمالند برطرف میشود
از جهت سوزنک شیره تخم حنا ده درم شیره تخم کاهو شش درم شیره تخم کشنیز
نیم درم لعاب بهدانه دو درم در عرق کاسنی کشیده سه روز بخورد که بسیار
نافع و مجربست سوزنک علف شتر خوار را در دیگ مس یا دیگ سفالی
ریخته و آب بر بزید و بجوشانند تا پخته شود بعد آب او را بپالاید که باسی
صاف نموده بعد از آن قدری حنا در آب مذکور ریخته و مرتبه ثانی باز
صاف نموده بدهند صاحب سوزنک بخورد که بسیار نافع است مرهم برای
زرده زخم که آب پس میدهد و شب سوزش میکوبند روغن گاو
سفیداب قلع خالص موم کافوری مرداسنگ کوکوه خوب نرم
صلایه کرده مرهم کند اول روغن زرده پاکیزه را با روغن ماده
گاو گرم کرده بعد موم را در آن اندازد بعد از آن پائین آورده از
آتش باقی دواها را نرم کرده داخل کند و قدری هم صلایه دهد
تا خوب ممزوج بر دارند از جهت زخم بدن راسخت را بقدر پنج مثقال نازک
او را در میان قلوه گوسفند را شکافته او را در وسط او گذارد
بعد بهم آورده قلوه را بر پیچید با پوست خودش و در آتش نرم ملایم
گذارد تا آن قلوه بسوزد بردارد در میان قلوه دیگر گذارد دیگر تکرار
عمل کند تا پنج قلوه بعد او را در بول مرد اطفی دهد تا پنج دفعه که
خورد

از جهت سوزنک

سوزنک

زرده زخم

زخم بدن

خون سرخ و بسیار کرده بعد نرم کند بر هر زخمی که بر ذکر باشد
قدری بپاشد دو سه مرتبه که چاق میشود
سورنجان غاریقون سقمونیا سکبینج عود قاقله فاشرا
طین مختوم فندق انزروت صبر کابلی کتیرا مصطکی مقل
ازرق حضض قسط سنبل الطیب حب البان عسل سه مقابل
ادویه مذکوره نرم کرده معجون درست کند و مدت شش ماه بگذارد
بعد از آن اگر در تابستان میخورد خوراک او نیم مثقال و در زمستان
خوراک او یک مثقال بیشتر نخورد غاریقون رطوبت درختی است که
بسته میشود فندق پسته است سکبینج صمغ درختی است در سمت فارس
فاشرا مثل بوته مو است و خوشه دارد و زهر دارد است از روم می آورند
و در کوهستان شام بهم میرسد والسلام جهت درد گوش حنزتو سفیده
بوده سرخ زعفران با زعفران و با سرکه قرص ساخته با روغن گل سرخ
و روغن بادام بگوش چکانند مجربست ای دل بغیر عشق مکن شیوه هوس
کز آفرینش تو غرض عشق بود و بس جهت درد گوش ایضاً جعفری اگر فته
کند و بعد نرم بسایند در میان روغن خوردن گرم کرده تا بسوزد
بعد سر او نیز گذارده روغن او را بگیرد در وقت حاجت در گوش
یک بچکانند درد ساکت شود

درد گوش

درد گوش

[illegible]

او شورا یکشب در سرکه خیسانیده و قدری نشاسته در او کند — بجهت شکم
و در یک کوشش طلا کند درد ساکت شود و مجرب است انجهة بجهت شکم
و اسهال خواه بارد باشد و خواه حاد باشد نشاسته طباشیر خرفه
قدومه بادهنک اجزا را اول بو داده بعد نرم کوبیده و قدومه را
جدا کانه نرم کنه سفوف نماید روزی یکمثقال باعث سکا شود و شفا — انعقاد اسهال
دهد که مجرب است انجهة اسهال هستهٔ غوره را نرم بکوبید با نبات هر
روز صفوف کنه اسهال را نافع باشد للامساک فهو مجرب در وقتی که کسوف — للامساک
یا خسوف گرفته شود اول غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد ۲۱ مرتبه صلوات
بر محمد بفرستد و اسم یا فی بظ را ۹۰ مرتبه بخواند و این نقش را برکنه در خانه

ق				
ق	ق	ا	ب	ض
ق	۲۰	۲۴۸	۹۰	۴۵
ق	۲۸۰	۱۰	۵۵	۵۸
ق	۳	۱۲۴	۲۵۶	

بخ خالی عدد امساک را بنویسد
بخ و در کمر بندد تا وقتیکه بجانب
بخ ناف بیارد خلاص شود و این
بخ نقش را بر پوست شیر یا پوست
بخ آهو یا بهوع بر پشک و زعفران
و گلاب بنویسد مجرب است انجهة سودا اگر در دست آدمی — بجهت سودا
بتر کند و اماس کند سکر سفید کوکو زرد سقز سفید هلیکه با ماء
نرم کوده حب بسازد هر روزی هشت نخود بخورد از مرض تمام شود
تا

تا شصت روز که مکن دیگر بهر شده اما کو کود او را تا هفت مرتبه در میان
شیر گاو خالص بخواند در دفعه هفتم آن کو کود را با نبات ماوی
نرم کوده در شیر گاو بدو شد بالای کرهایی با آتش بطریقیکه خود
کوده بجهت محبت از فرمایشات شیخ بهائی است
که این اسما را بنیت هر که بخواند و بخلد دمد و دست بر
صورت و کتفین خد بمالد هر کرا اراده دوست دارد
اسماء این است یا منطهوبونا یا منهبسونا یا
عیطهونا یا مطهیونا یا املکا لیهیونا یا
میطهیهیونا یا کلهیهیا کلهیونا اقبحو قلوب
جمیع بنی آدم و بناخوا علی محبتی و عقد و لسانهم
عنسولی بحق الذی خلقنی و خلقکم و هو ربی و ربکم
و هو علی کل شیء قدیر بجهت احضار بیاور پیاز سرخ
و میان او را خالی کن و قدری نوشادر و جهل یکعدد
فلفل با این دعا که نام مطلوب را در میان طلسم نوشته باشد
در میان پیاز نهد و سر شرا بگیرد و در میان کتان بپیچد و

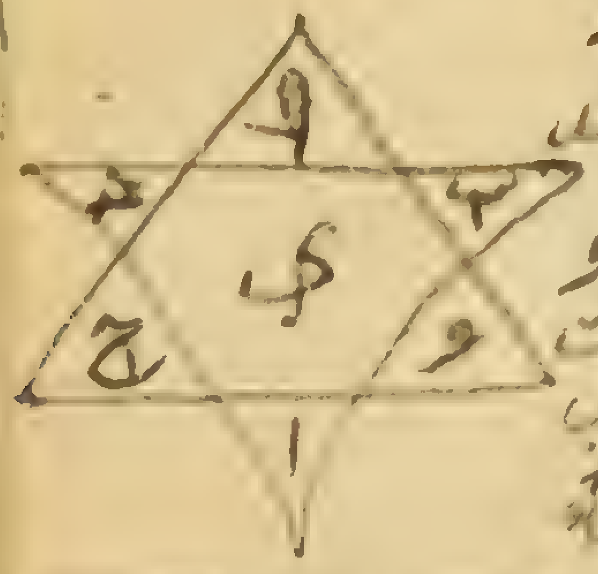

در ا ۱۴ : ۲ : ۱ : ۲ : ۵ ... ۹ : ۱۸۲ ... ۱ : ۲ : ۱ : ۳ ... ا مجرب
بجهت عقد لسان در بیست نهم ماه که این اسما
را بر صفحه از سرب نقش کند و در زیر نگین انگشتر
عقیق نهد که عقد کرده میشود لسان جن و انس بر دارند
آحذر ستصر طعکل هو الا

واحد	۲۳	۱۷
حی	بادع	حیلب ۲۲
طیلب	۱۶	۲۱

۵ ۴ ۳

عزیز ۹۲ جاذب ... علده ۹۳۸۱ انقج اهطمفنظا

۱۱۳۵	۳۰۶	۲۱۶	ب ۴
۲۳۲	۴	۱۱۵۱	۳۷۳
۹	طالب ۲۲۰	مطلوب ۲۱۴	۱۱۴۹
۴۱۴	۱۲۴۹	ح ۸	۲۱۶

۹۳۸۱	۱۵۲	۱۹ع	عزیز
۱۸۱	۱۸۸	۹۳۹۷	۱۱۳۶
۲۹۶	طالب ۲۲۰	مطلوب ۲۱۴	۹۱۳
۵۶۸	۹۰۹۹	۳۷ع	۲۰۷

در خبر است از سلیمان ابن داود ع که در این عزیمت خواص بسیار
و اثر بیشمار است از انجمله هرگاه کسی در کوهها و سحراها و شهرهای
دور باشند و خواهی که او را بیاوری بعدد ایام مسافت هر روز
هفت مرتبه بخوان بنام او و مادر او و در اخر بگو که ای دیوا
وای پریان موکل باین عزیمت فلان ابن فلانه را حاضر کنید در این
مکان بحرمت این عزیمت که حاظر میشود بامر خدای تعالی اگر یکسا
ل دور باشد و ساحران ماضی اعتماد تمامی باین عزیمت داشته
اند و اگر خواهی کسیرا در محبت مسخر و فریفته خود گردانی چنانکه
یک دم ارام نداشته باشد این عزیمت را هفت مرتبه بر هفت
پارچه عود بخوان باسم او و اسم مادر او و در اتش ریز تا بسوزد
مادام العمر از تو جدا نشود و اگر خواهی میان دو کس دشمنی انداز
ی این عزیمه را بر سه چهار پاره بخوان لا در ساعت نحس و در
اتش ریز تا بسوزد و خاک کستر او را با ایشان بخوران چنان شو
ند که خون یکدیگر را بریزند و اگر طلسم و جادوئی در جائی دفن کرده
باشند و خواهی او را معلوم و پیدا کنی بنویس این عزیمه را با مشک
و زعفران و در گردن خروس سفید به بند و رها کن در جائی که گمان
داری و هفت مرتبه عزیمه را بخوان هرجا که منقار بر زمین زند ا
نجا را بشکافد همونجا است و اگر خواهی کسیرا در محبت خواب را به
بندی چنانکه بی تو ارام نداشته باشد بخوان این عزیمه را در وقت
خواب بر قدری اب و للاب هفت مرتبه و بخور تا هفت
شب که از عشق بیقرار شود و از برای زبان بند دوست
و دشمن بنویس بمشک و زعفران در ساعت عطارد یا قمر و
بر بازو بند که دشمنرا قدرت بدگوئی نماند و عزیمه این است
بسم الله الرحمن الرحیم أمٌ فجرانیةٌ هلیملهٔ داآبه
مطالمه آورینا مشمگا ششگا بروایةٌ فجر وامنگا
ورونی نکیهٔ وشاو اوارِی واریا مصوکا سمین

سمین کنانه منانه هبه جونکا سلکا که و
رکا که منک لهٔ بلینی بره بند نده جاونده سربطنا
تشوده بارهمان آرسنکی برمنکی بارهمان بجکار
ی جکاری لبصولک باری اذاما الکعجان جماری
خیوماها الک ترمیشاطر ماهاجه جه بهله ابله لک المکوا
لک الالو الملو لک آی لنصسوا نماسلا تسوتش للطلل
طل طلطبق عجلو ابصنصو کی بصنو لی بلالی بلا الری برهنکی
بسامنده ایرحم ایرحم لا قلیس ساقلیس استند راسو
هنکر زجکر گر گر سنی سیاهٔ اهو هور رجع ها ها
هو یم جصزه لهب یوهی انهی هی جملا ها انو هی
هنا کل ما بکلا منا بالهیه سفاها ماها منه منه
یانهی منک کی سانوهی سانرهی دون کوهی لهی کلا الکی
بر وجنهبا بو کبره بهاس بسون والی البنی جل جلا له
محی محنصا نکریه نزم زانتا منکرا حنجرا تنجرا شا الیانیه
شفاها ام تموصستی منا تا کهله بهیه شفاها الرحمن
علی العرش استوی له ما فی السماوات وما فی الارض وما بینهما
وان تجهر بالقول فانه یعلم السر واخفا والله لا اله الا هو له الا
سماء الحسنی و هل اتیک حدیث موسی یا عزیز یا کریم یا رحمن
یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد و اله

قلم فلقطیرات بقاعدهٔ حروف تهجی از این قرار است

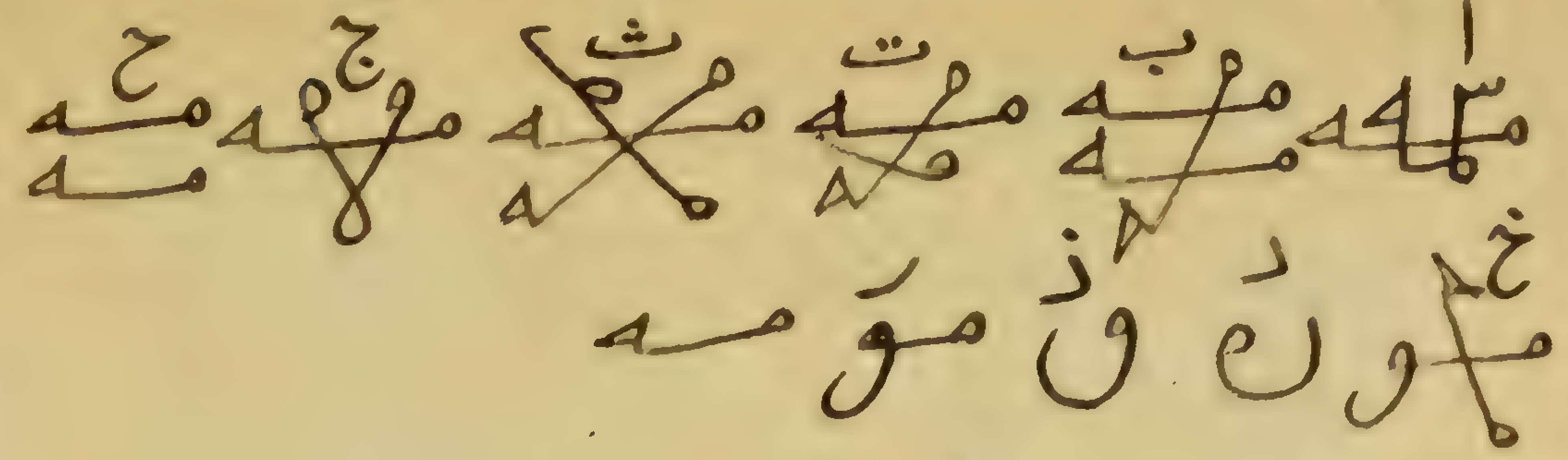

دوائیکه حیض را براند صفت آن لوبیای احمر و حلبه و انیسون از هریک ۳ درم و دانکی نیم کوفته چهار درم همه را در یک کاسه آب بجوشانند تا ربع آن بماند بعد را صاف کنند و بده مثقال ترنجبین آمیخته نیم کرم میل نمایند

نوع دیگر سلیخه و شونیز از هریک دو مثقال زراوند مدحرج و انیسون از هریک ۳ مثقال جند بیدستر و ابهل از هریک دو درم همه را نرم کوفته و بیخته بادو چندان عسل کف گرفته سرشته هر صباح از یک مثقال تا دو مثقال بمطبوخ کوده فرو ببرند و چهل درم عرق بادیان عقب آن میل بفرمایند و اگر قوه داشته باشد غذا اندک نان بماء العسل یا آب نخود با روغن زیت یا جوز یا مغز و خردل و اگر قوه ضعیف باشد گوشت گنجشک و کبک یا امثال اینها با صد مثقال عسل آمیخته نمایند بخورند نمک سیاه و بوره با روغن زیت

ازجهة تقویت

ازجهة تقویت معده شربت عسل سازند با صد مثقال عسل آمیخته نمایند بخورد نمک سیاه بوره با روغن زیت در حمام در بدن بمالند زراوند طویل فلفل سیاه نبات مثقال نرم کوفته هر روز اندکی میل بفرماید ازجهة ناخوشی جذام داشته باشد

هرگاه عقرب یکپاو در ظرف چینی گذاشته و شراب دو آتشه یکپاو بالای او ریخته از بالا شعله آتش نشان داده آتش خواهد گرفت هرگاه شعله تمام شد مابقی را اگر آب گرم مانده باشد ریخته و اگر عقرب شعله گرفته باشد سربند نمودن دهن ظرف یا تبدیل دیگر خاموش نماید یا نگاه یکپاو دیگر ریخته مثل سابق معمول دارد که تا سه دفعه یا تمام رسد بر قرص تا ۱۱۰ دفعه شاه بعمل آورد چرا اگر با تمام نرسیده بود روز دو سه قرص بمجذوم میخورانیده غذا نان نخود و روغن در یک چله نهایت دو چله دفع مرض بالکلیه میشود و مجربست

بازبین شد
۱۳۷۱ش

بسم الله الرحمن الرحیم

در شرح عظیمه شیخ که خواص بسیار دارد و چنین می‌خواهد این عظیمه دگر تهذیب ز نهار الف نهار
که تا ضرور نبود بکار نبرند که استادان منع کرده‌اند اول آنکه اگر بخواهی که جائی روی که کسی ترا
نه بیند باید در مکان خلوت با صوم در گرسنگی روز با لباس طاهر این عظیمه را هزار مرتبه بخواند
که از نظرها پنهان شود و کسی او را نه بیند دویم اگر خواهی از چیزها پنهان آگاه شوی بعد از آن
ریاضت روزی هفت مرتبه بخوان که دیوان و پریان آیند از هر چه خواهی ترا آگاه نمایند
سیم آنکه اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کنی باید هر روز یکبار این عظیمه را ~~ ~~
مقابل ستاره سهیل بخواند بنام مطلوب که بیقرار شود چهارم اگر خواهی موکلان این عظیمه را
بهر مسخر خود کنی هفت شبانه روز ترک حیوانی کند در مکان خلوت با لباس طاهر و بوی خوش روزی
دویست بار بخوان که موکلان آیند و مسخر تو شوند پنجم هر که هر جای یک شب بخواند در شب بیابان
و کوه و از نظر او یکسان شوند و نظر او در صد فرسنگ راه اثر کند و از برای دفع دشمن و سایر چیزها
به این عظیمه درست می‌شود ششم اگر بیماری باشد که از معالجه آن عاجز باشند بیاورند بار رنجی که از بر طاهر
باشد و این عظیمه را بر آن بخوانند و بدمند هفت بار روزها بر آن بیمار زنند که شفا یابد مکرر
تجربه شده است و در وقت بار زدن این عظیمه را بخوانند هفتم اگر کسی را جادو کرده باشند بنویسند این
عظیمه را و بکشند فروش سفیدی بیندازند و هفت بار این عظیمه را بخوانند و آن فروش را ... کشند
که بقضه طلسم با جادو داشته باشند آنجا که رود و سنگ ریزه زنند و بانگ زنند پای خود را
ریزه زنند زیر پای خود را بکاوند آنجا جادو یا طلسم را بیرون آورند و اگر بیرون نیاید

جادو

جادو را بیرون آورد و ... نبود و این نسخه را در عرب و عجم بکسی نیاموختند مگر کعب الاحبار
بیاموخت و بعد از آن بدست مقاتل بن سلیمان افتاد و این نسخه را در خزانه خلفای بنی عباس
بیرون آوردند و بدست این کمینه رسانیدم و در این تجربه‌ها کردم و مکرر تجربه شده است زنهار
الف زنهار که بنا اهلان نیاورند و نه ... گفته ... و ... در کف ... است
هر که ... علم را از ... بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک باسمک یا سامع الاصوات و یا کاشف الکربات
یا حنان یا منان و یا عاصم من السیئات و یا قاضی الحاجات و یا معطی
الصلات و یا مقیل العثرات و یا رافع الدرجات و یا عالم
السر و الخفیات و یا موفی الموعدات اقض حاجاتی بالخیرات
و السعادات و اعزم علیکم یا ملائکة رب العزة الموکلین علی الارضین و السموات یا ارواح الروحانیة بالبرو
ج و الدرجات یا هیطائیل احضر عندی مع الذین انت
موکل علیهم بحق اللهم یا شمخ لشمخ ذا الانعام و شیطیطیون
الذی له الاسماء الحسنی و الصفات العلیا و الضیاء و
و البهجة و البهاء یا عزرائیل احضر عندی مع الذین انت
موکل علیهم بحق اللهم یا دانوا الخلو اتوا دیموثون الذی
هو المسبح بکل مکان ممدوح بکل لسان المذکور فی کل اوان یا مثوا
ئیل احضر عندی مع الذین انت موکل علیهم بحق اللهم

یا ار

یا ارعیش مجا ارعیش ارعلیطا بوطاخون الذی سبقت اولیتک
قبل کل شیء فلا قبل الا و انت قبله یا شمخائیل احضر عندی مع
الذین انت موکل علیهم بحق اللهم یا رهموث ارخا ارخیم ارخیمون
الذی هو منبع الرحمة الرحمن الرحیم الذی ملأ کل شیء عدله و رحمته
یا قطائیل احضر عندی مع الذین انت موکل علیهم بحق اللهم یا حکیشوا
میثورا اوقلیس ارقلیس دار غلبون علوث الذی لا یلیق التقدیس و
التمجید و التهلیل الا له یا مستهلائیل احضر عندی مع الذین
انت موکل علیهم بحق اللهم یا اهیا شراهیا اذونی اصباوث
اصباوثون الذی هو الحی القیوم و محی الموتی الذی قامت السموا
ت و الارضون و الخلق بامره یا شمسائیل احضر عندی مع الذین
انت موکل علیهم بحق اللهم یا دهشوب دهیشا دهلیلون منطظرون
الذی عنت له الوجوه و خشعت له الاصوات و ذلت له الشمخ البا
ذخات الصامخات الصعاب الصلاب یا قوریائیل احضر عند
ی مع الذین انت موکل علیهم بحق اللهم یا نورا ارغلیش ابا رغلیش
ارغلشا خیشون الذی استضاء بنوره اهل السموات و الارضون
و انجلت بنوره کل ضیاء و بهجة و نور یا قراقیل احضر عندی
مع الذین انت موکل علیهم بحق اللهم یا اشرا یا اشرا اشیروا
اشروا اشیخ اشیخ اشما اشقوثنا الذی ذلت له الاعزة لعزته و قهر
کل شیء لسلطانه و قدرته و ملکه یا روحائیل احضر عندی مع الذ
ین انت موکل علیهم بحق اللهم یا ملوثون علشوثون ملخوثون الخا
ملخون الذی ملک بعزته و قهر بجبروته و استاثر بقدرته و
غلب بقوته فلا شیء یقاومه یا نورائیل احضر عندی مع الذین
انت موکل علیهم بحق اللهم یا علام ارعلا ارعلا ارعی رعا ترنون العا
لم بکل شیء کان او یکون الخبیر المجیب الذی لا یعزب عنه غیوب الغیو
ب و ما تخفی الصدور یا نصرائیل احضر عندی مع الذین انت
موکل علیهم بحق اللهم یا مصطیح مشحیشا انشلاموت فشلاموت
بین الکاف و النون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون اللهم بحق
هذه الاسماء ان تسهل ما عسر علی یا رب عدد روز را بعدد حروف
باید گرفت

ختم مجرب دیگر اول هر ماهی که روز اول ماه روز پنجشنبه باشد روزه
گرفته بقصد قربت اول افطار غسل حاجت بجا آورده نماز مغرب را
ادا سازد و بعد افطار نافل نموده نماز عشا را هم معه نوافل ادا
سازد هما نجا نشسته صد بار بگوید رب صل علی محمد و آله بخواند
و ده بار الحمد را با بسم الله بگوید و صد بار درود مسطور
و هدیه آنرا بروح حضرت رسالت پناه ص و ائمه اثنا عشر برساند
و عرض کند این بنده ذلیل ضعیف دعوت صغیر سوره مبارکه اذا
جاء نصر الله را باجازت فلانی میخواهم بجا آرم یا الهی از تو توفیق
و یاری برای این امر میخواهم و چهارده معصوم پاک را شفیع کرده اند
و درود را بخواند و بخوابد بر وقت صبح غسل نموده و نماز صبح را ادا نموده
دو رکعت سر فتح دعوت بجا آرد و در هر رکعت بعد از حمد سوره
اذا جاء را بخواند بعد از سلام صد بار درود مسطور را
و یکصد و هشتاد و سه بار سوره مبارکه را بخواند بعد از اتمام
صد بار درود مذکور را بخواند و صلاح حال خود را بخدای خود
عرضه دارد و ترک حلالی و حرامی کند و تعلق مکان و زنان از
دست بنهد و فحش و دروغ نگوید و از جمله لذات اجتناب کند
و روزها بتلاوت قرآن مشغول باشد روز پنجم یا شب پنجم شخصی

سبز هام بالباس سبز مصحف بدست گرفته پیدا شود باید که ترس نکند
و از او سؤال مطلب خود کند و از فرمان او تجاوز نکند که بیم جان است
و وقت خواندن اگر عرقی کرد صوت عرقی گویند چون مثل صدا که
سیاه رنگ میشود و در آب غرق میشود او را بسوزانند خیلی خوشبو ست
او را بسوزانند اجازت است نمود والسلام ختم از برای خلاصی از بلیات
در جای خلوت با وضو و لباس پاک هزار مرتبه بگوید سلیم کفی
مکفی و یا کامل و یا نواخود و یا اخود و یا یوخود اسم موسی
طریق ختم ایام هفته برای هر مطلبی بر آورده میشود در روز یکشنبه
بسم الله با الحمد لله رب العالمین در روز دوشنبه الرحمن الرحیم
در روز سه شنبه مالک یوم الدین در روز چهارشنبه ایاک نعبد
و ایاک نستعین در روز پنجشنبه اهدنا الصراط المستقیم در روز
جمعه صراط الذین انعمت علیهم در روز شنبه غیر المغضوب علیهم
و الضالین تا یک اربعین مشغول باشید ختم مقاتل ابن سلیمان
روایت کند که هر که در سه شب جمعه چهل و یکبار این دعا را بخواند
اگر مراد او حاصل نشد بر من لعن کند بسم الله الرحمن الرحیم سبحان
العالم الذی لم یزل سبحان العالم الذی لم یجهل سبحان الجواد الذی
لا یبخل سبحان العلیم الذی لا یعجل اقض حاجتی بمحمد و آله برحمتک یا ارحم
الراحمین

ختم متوسل شود بجناب موسی بن جعفر علیه السلام بدین نوع که
بسم الله الرحمن الرحیم اسئلک اللهم بحق ولیک العبد الصالح
موسی بن جعفر الکاظم بغیظه علیه السلام الا اغنیتنی به
مما اخافه و احذره علی بصری و جمیع سائر جسدی
و جوارح بدنی ما ظهر منها و ما بطن من جمیع الاسقام والا
مراض و الاوجاع بقدرتک یا ارحم الراحمین و باید بعد از
نماز واجبی بخواند و اگر بعد از نماز صبح و عشا بخواند خوبست
ختم از جهة در خواب دیدن یکی از انبیا یا ائمه طاهرین علیهم السلام
یا مادر یا پدر یا فرزندان یا کسی از مردمان را در خواب باید در
وقت خواب هر یک از سوره مذکور شده یکبار بخواند سوره والشمس
سوره واللیل سوره انا انزلناه و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکمرتبه
بخواند و بعد از آن صد بار قل هو الله احد را بخواند و صد مرتبه
صلوات بر محمد و آل او بفرستد و با وضو باشد و بر جانب راست
بخوابد هر کس در قلب خود خیال کرده در خواب ببیند و بروایتی
تا هفت شب این عمل را بجا آورد که مجربست

ختم مجرب ست که تا چهل روز هر روزی دوازده هزار مرتبه بخواند
اَللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هو یا شب بخواند طریقه ختم سوره اخلاص اینست
اگر کسی را مهمی پیش آید اول دو رکعت نماز حاجت بجای آورده بجهد
نماز حاجت بعد از نماز ذکر فارغ شد این لوح اَللهُ الصمد را در پیش
روی خود گذارده نظر بچشم میم کند و هزار مرتبه اَللهُ الصمد بگوید
دفعه هزار یکم سوره را تمام کند و هرگاه در نماز حاجت کند بهتر خواهد
بود این عمل را بدین معنی در رکعت اول بعد از حمد هزار و یکمرتبه
بگوید و تکلم نکند با کسی و اینست لوح اَللهُ الصَّمَدُ ختم هر روز
بعد از نماز صبح هفتاد یکمرتبه بی تکلم بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي اَفاضَ الاَرْواحَ مِنَ الْقِدَمِ وَاَخْرَجَ الْوُجُودَ مِنَ
الْعَدَمِ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلامُ عَلَى السَّيِّدِ الْمُؤَيَّدِ الْمَحْمُودِ
وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ مَصابِيحِ الظُّلَمِ اَللهُ مَدَدٌ مِنْ عِنْدِكَ مَدَدٌ
وَعَلَيْكَ مُعْتَمَدِي از ختم مجربات بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
فَاكْفِنا یا فی المهامات یا کافی المهمات اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ایضاً روزی هفتاد مرتبه بخواند لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ بعزتک
وقدرتک لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ بحق حقک لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ فرج
برحمتک

ختم مجرب
ختم سوره اخلاص
ختم مجرب
ختم مجرب
ختم مجرب
شروع ناد علی

شرح ناد علی از جهت ختم از جهت هر مهمی بسیار مجربست هفت روز بعد از هر نمازی هفتاد
مرتبه بخواند و اگر خواهد کسی را مسخر خود نماید در شب جمعه باسم آنکس چهارده مرتبه بخواند
و صلوات بر محمد و آل او بفرستد مسخر وی گردد و اگر از جهت مال دنیا بخواند بعد از نماز
صبح هر روز هفت مرتبه بخواند البته غنی گردد و اگر از جهت دین تا پانزده روز
هر روزی بیست مرتبه بخواند قرض او داده شود بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ نادِ عَلِيًّا
مَظْهَرَ الْعَجائِبِ تَجِدْهُ عَوْناً لَكَ فِي النَّوائِبِ لِي اِلَى اللهِ حاجَتِي وَعَلَيْهِ مُعَوَّلِي
كُلَّما اَرَدْتُ وَرَمَيْتُ مُنْقَضِي في ظِلِّ اللهِ وَبِذَيْلِ اللهِ لِي اَدْعُوكَ كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي
بِعَظَمَتِكَ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ بِنُبُوَّتِكَ يا مُحَمَّدُ يا مُحَمَّدُ يا مُحَمَّدُ بِوِلايَتِكَ
يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ اَدْرِكْنِي بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ
اَكْبَرُ اَنَا مِنْ شَرِّ اَعْدائِكَ بَرِيءٌ بَرِيءٌ بَرِيءٌ اَللهُ مَدَدٌ مِنْ عِنْدِكَ مَدَدٌ
وَعَلَيْكَ مُعْتَمَدِي بِحَقِّ اِيّاكَ نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعِينُ يا اَبَا الْغَيْثِ اَغِثْنِي
يا قَهّارُ يا قاهِرَ الْعَدُوِّ يا والِيَ الْوَلِيِّ يا مُظْهِرَ الْعَجائِبِ يا مُرْتَضٰى عَلِيُّ رَمَيْتُ
بِسْمِ اللهِ وَسَيْفِهِ الْفانا وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ
وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ واحِدٌ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ يا غِياثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يا راحِمَ الْمَساكِينِ

ارحمنی یا علی ادرکنی یا علی ادرکنی یا علی ادرکنی وصلی الله علی محمد واله اجمعین

ازجهة دفینه بسیار مجربست هرکس بیست حرف کاف را باین طریق بنویسد که قمر زاید النور باشد برگردن خروس سفید ببندد وانرا بان خانه یا بان مکان دفینه رها کند واین دو کلمه راهم خود بخواند بر سر دفینه وان موضع را متصل بکاود واین دو کلمه را بنویسد با این طلسم برگردن خروس ببندد اصبحت فی جوار الله ام کیفت فی امان الله

	ک	ک	ک	ک
ک	ک	ک	ک	ک
ک	ک	ک	ک	ک
	ک	ک	ک	
	ک	ک	ک	

٢٥٨

٦٤	٦٧	٧٠	٥٧
٦٩	٥٨	٦٣	٦٠
٥٩		٦٥	٦٢
٦٦	٦١	٦٠	٧١

اتهمة ختم هرکس که در یک مجلس دوازده هزار مرتبه بگوید

یا الله یا هو جن وانس مسخر او گردند واگر ورد خود کند هرشبانه روز این عدد بگوید خواص اشیا و لسان وحوش وطیور بداند بشرط تقوی وترک حیوانی کرده وعزلت اختیار کند ١٢) ایضا ختم هرروز بعداز نماز صبح هزار مرتبه بگوید یا علیم العلیم

ایضا ختم هرروز صبح بعداز نماز بعدد تکبیر تکرار کند ٦ بم ٢ ٣ مرتبه بگوید یا متعال المتعال

ایضا ختم هرکه در روز چهارشنبه اخر ماه در منزل خلوت کند ودود کند مصطکی وکندر واین مثلث را بر کند بعداز فراغ هفتاد دو نوبت بگوید یا باسط

ویعد

١/١	ما هب	٦
١/٢	٢٤	٣/٤
		٣/٥
٢٤		

وبعداز نماز هریوم همین عدد را بگوید در غیر نماز هم صحیح است خاصیت این طلسم مثلث ازجهة درد شکم نوشته بشوید وبخورد خوب شود واز برای گریه اطفال بنویسد برگردنش ببندد گریه نکند

این مثلث بادی برای عزت وتحصیل خوبست

٩

احد ٤	حی ٩	خبیر ٢
لطیف ٣	بصیر ٥	کبیر ٧
قدیر ٨	واحد ١	بادی ٦

٦	١	٨
٧	٥	٣
٢		٤

٩

این مثلث بادی برای محبت نفع زیاد دارد ودر ساعت سعد باید

این مثلث آبی برای اخراج از زندان خوبست در ساعت سعد

٢	٧	٦
	٥	١
٤	٣	٨

٩

این مثلث خاکی برای اخراج دیاد

٩

٢		٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

٨	٣	٤
١	٥	
٦	٧	٢

٩

لوح دفد ٢٨٤ الاعلی

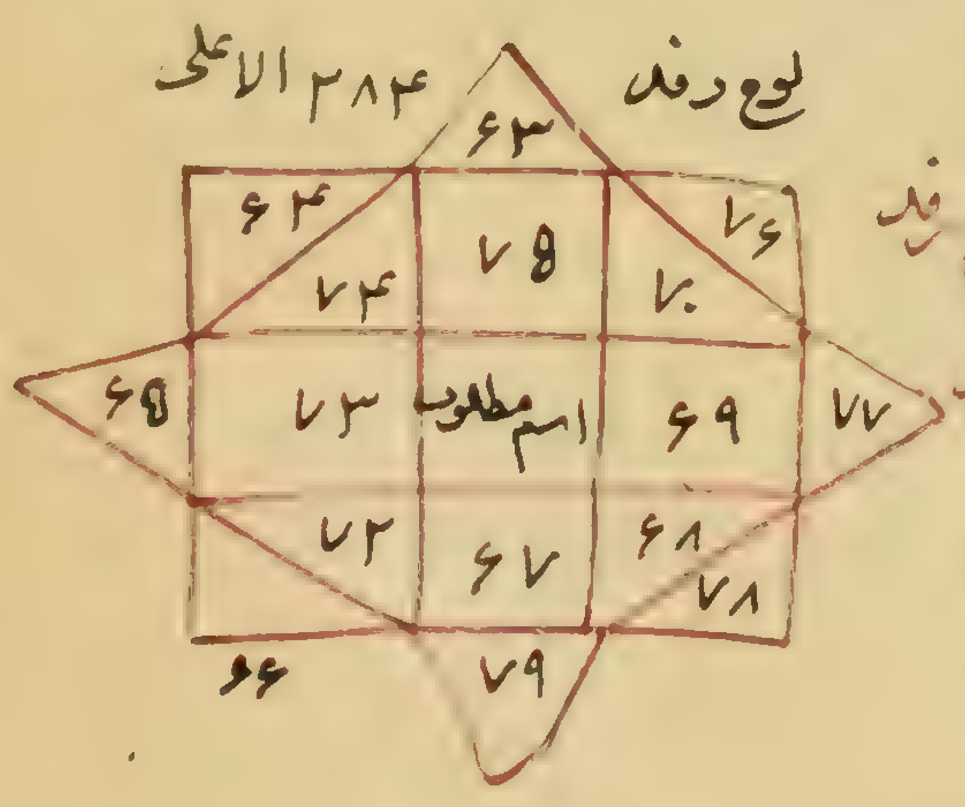

این را بفهم که روح دفد بیش بوجود آید عرفا کربا بکند

لوح دفد ٢٣٢ طی

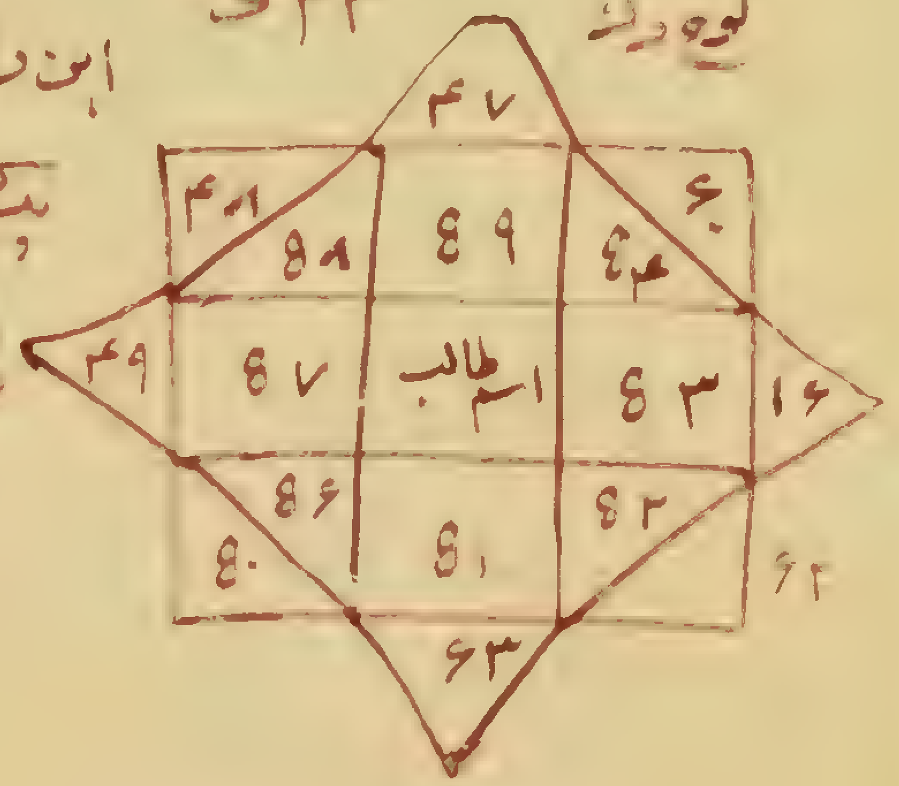

درخصوص مثلث عقرب برای تفرقه وجدائی واواده کی باید در قمر در عقرب نوشت
مرکب از زعفران وکافور وآب بیاض تریاك وصبر زرد وسرکه آب این مرکب قواد بدهد
ودر پوست حمار هم باید نوشته شود ودر مکان موذی دفن نماید اگر برای تفریق باشد
ایضا در مکان موذی دفن کند واز برای اخراج در دهن وزغ کذارد وانرا در قبرستان
یهودان دفن کند البته تخرج واقع شود ایضا اگر خواسته باشد که در میان دو حرام
کنی این مثلث را نوشته در میان کاسه خام وقدری سرکه در میان آن کاسه بریزد
وآن را در آب مرده شود خانه انداز تفرقه واقع خواهد شد بلعنت خدا گرفتار
شود اگر برای دو حلال بکند وباید بیت داهم وادانز بر دود دایره عقرب سوزند

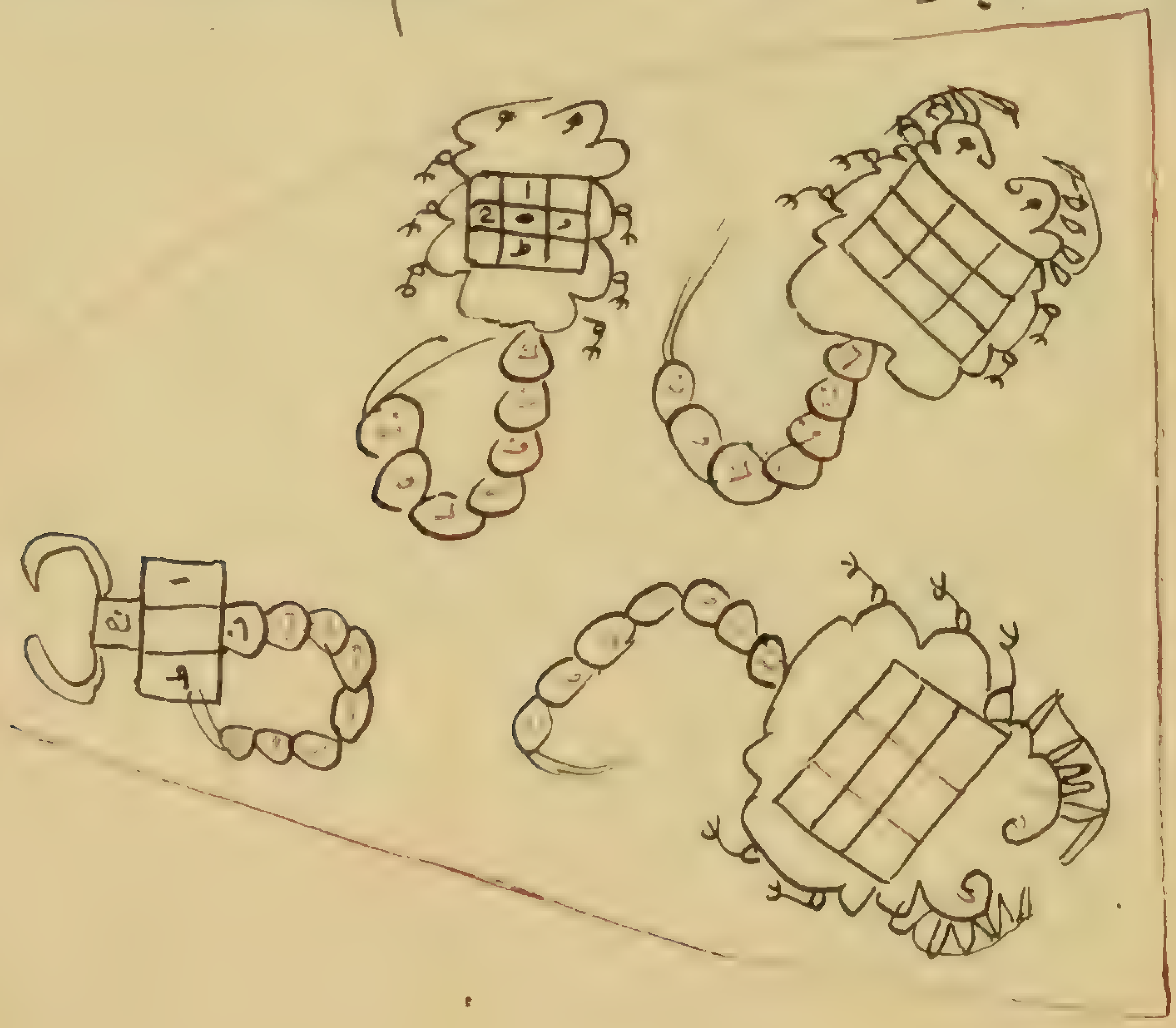

رفد

٧٥	٧٤	٧٧	٦٣
٧٦	٦٤	٦٩	٧٥
٦٥	٧٩	٧٢	٦١
	٦٧	٦٦	٧١

اموس ملوس سموس
نصر من الله وفتح قریب ذلك

رك

٥٤	٥٨	٦١	٤٧
٦٥	٤٨	٥٣	٥٩
٤٩	٦٣	٥٦	٥٢
٥٧	١١	٥	

والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم
والقیت علیك محبة منی
والذین الف بینهم انه عزیز حکیم یحبونه

از جهة عزت وبزرگی بر کرده همراه بدارد

٤٠٤٥	٣٤٩	١٠٢٦	٤٣٥	٤٩٥
[illegible]	[illegible]	[illegible]	عزیز	[illegible]
٤٣٢	٣٩٨	٥٤٢	٣٥٢	١٢٢
٣٠٥	١٥٢٥	٣٣١	٣٩٦	٥٣٦
٣٩٣	٥٣٣	٤٥٢	١٥٢٢	٣٣٣
	٣٣٢	٣٩٧	٥٣٢	٣٥١

١٥٢٦

از جهة بر کند باسم هر که خواهد همراه بدارد

٧٦	٢٥٣	١٩٧	٩٤	١٢١
حبا لله	امنوا اشد	والذین	کحب الله	یحبونهم
٩٤	١٢٣	٧٤	٣٥١	٨٥
٣٩٩	٢٩٨	٩٧	١١٢	٧٧
١٢٥	٧٥	١٥٣	٧١٦	٩٥٠
٧١		١١٣	٧٨	٩٥

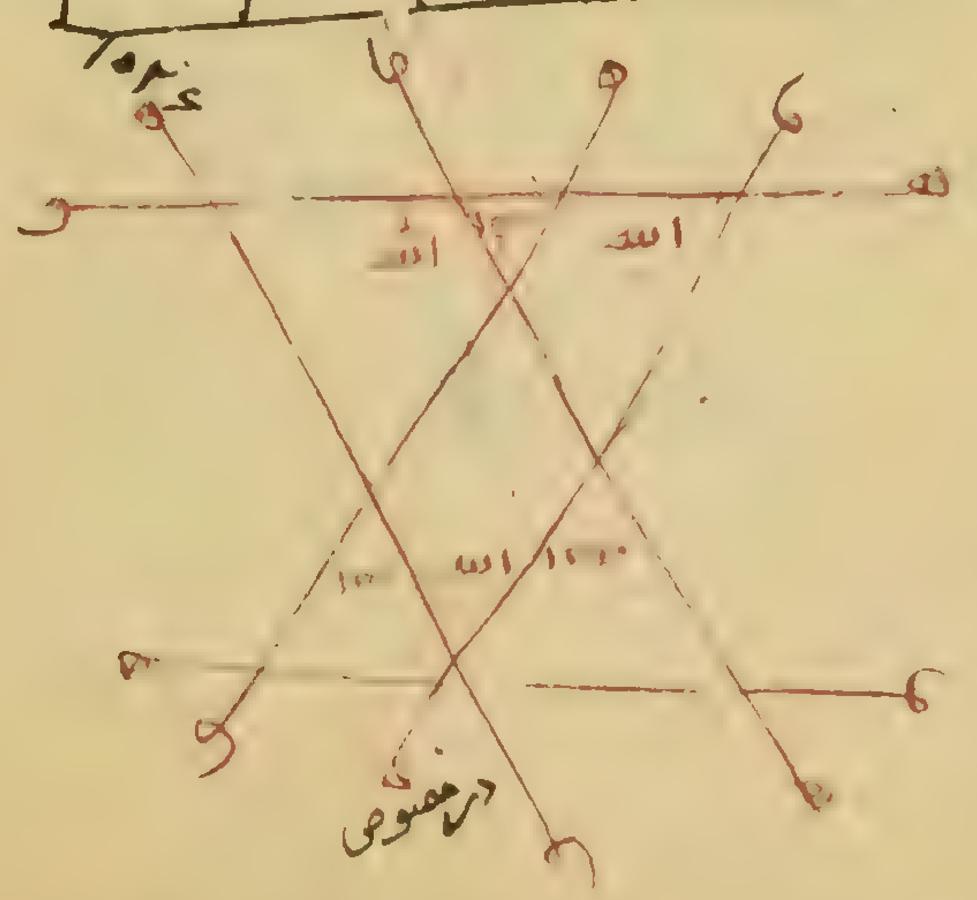

درخصوص

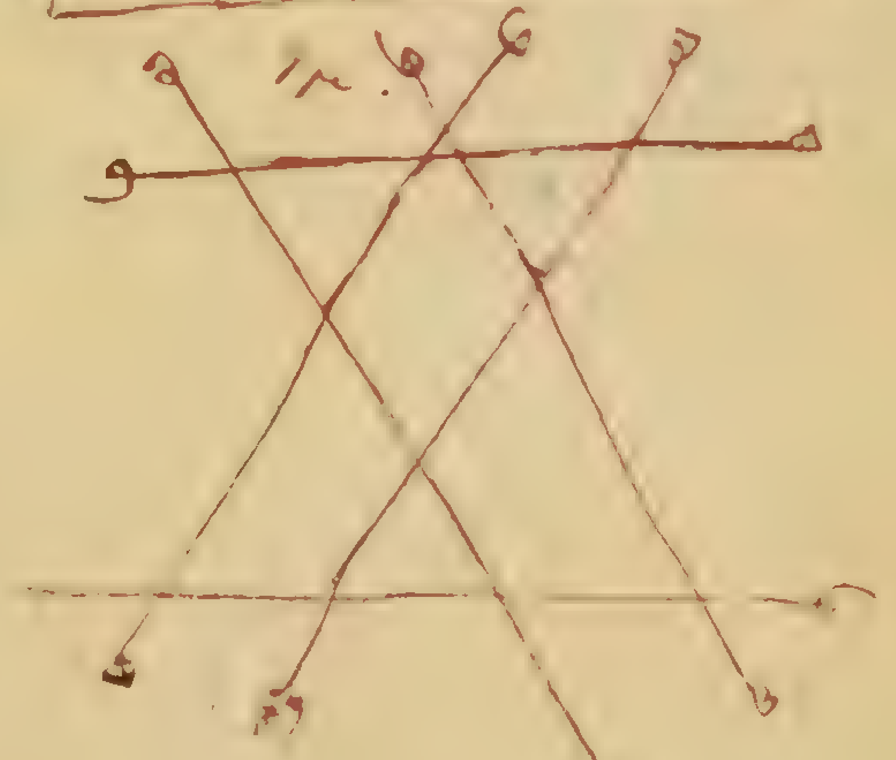

کہ نوشتہ میشود در دو مربعی کہ باز نموده میشود باید نوشت و چهار خانہ آخر
ویف ۴۴ ۱۸
۱۳ ۴ دعفران و کلاب نویسند مربع اینست وعزیمت کہ بر دو دو مربع باید نوشت
اینست اقسمت علیکم ویا ملائکة المقربین الموکلین بهذه اللوح والحروفات
الطاهرات یا دبائیل یا کبائیل یا دائیل الفہین محمد وعلی بحق یا رب یا حبیب
وتسخیر والحمد قلب علی بحق هذه اللوح والاسماء العظام فی دارع وقت

برای غالب شدن بر اعدا این طلسم لن نغلب الله شیء

وهو غالب علی کل شیء را ندر در نیر تکسیر کند و در ساعت
سعد برای اسم هر کہ خواهد بر کند بر دشمن غالب شود
و اکر عدد اسمی با اسم غالب واسم مغلوب جمع سازند در ساعت ... در نیر
بحساب ما ... سا ...

۸	۱۱	۱۴	۱	۱۹۲
۱۱	۲	۷	۱۲	
۳	۱۳	۹	۶	
۱۵	۵	۳		۱۳

۱۲۶۱

عدد نوشتہ

این مربع را مربع الحمد کویند وعدد بوده .

۲۳۳۲	۲۳۲۱	۲۳۲۰	۲۳۲۲
۲۳۳۸	۲۳۳۴	۲۲۲۶	۲۲۲۴
۲۳۳۳	۲۳۲۸	۲۳۳۱	۲۲۳۸
۲۳۲۲	۲۳۲۱	۲۳۰۵	۲۳۲۷

شیء	کل	علی	غالب	وهو	شیء	الله	نغلب	لن
غالب	وهو	شیء	الله	نغلب	لن	شیء	کل	علی
الله	نغلب	لن	شیء	کل	علی	غالب	وهو	شیء
وهو	شیء	الله	نغلب	لن	شیء	کل	علی	غالب
نغلب	لن	شیء	کل	علی	غالب	وهو	شیء	الله
کل	علی	غالب	وهو	شیء	الله	نغلب	لن	شیء
لن	شیء	نغلب	علی	غالب	کل	شیء	الله	وهو
لن	شیء	نغلب	شیء	شیء	وهو	لن	غالب	نغلب
شیء	غالب	وهو	لن	الله	نغلب	علی	شیء	کل

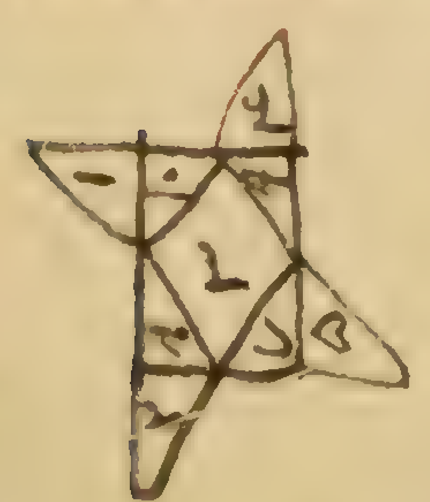

دستور عمل استاد جمع اسمین

محمد طالب ۹۲ مطلوب ۲۵۲ دبا علی ۱۱۵

الرحیم	الرحمن	بسم الله
۱۳۱	۳۲	۳۴
۳۰	۱۱۵	

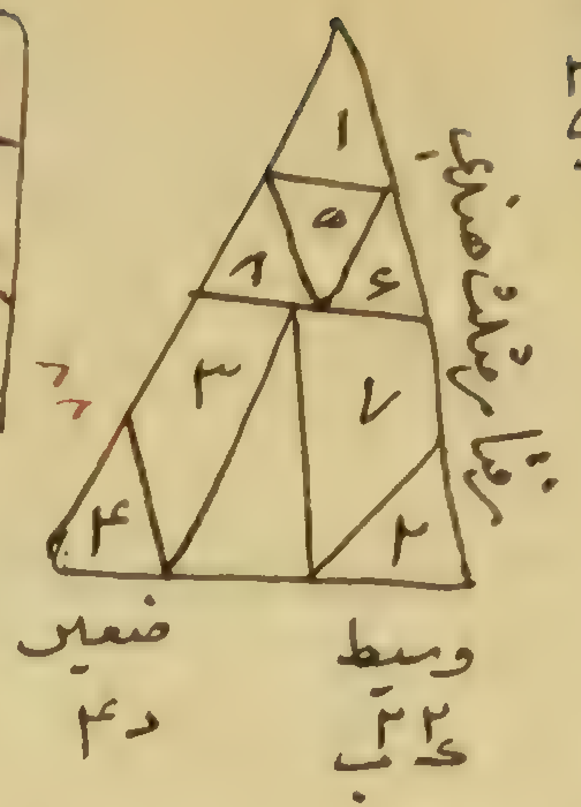

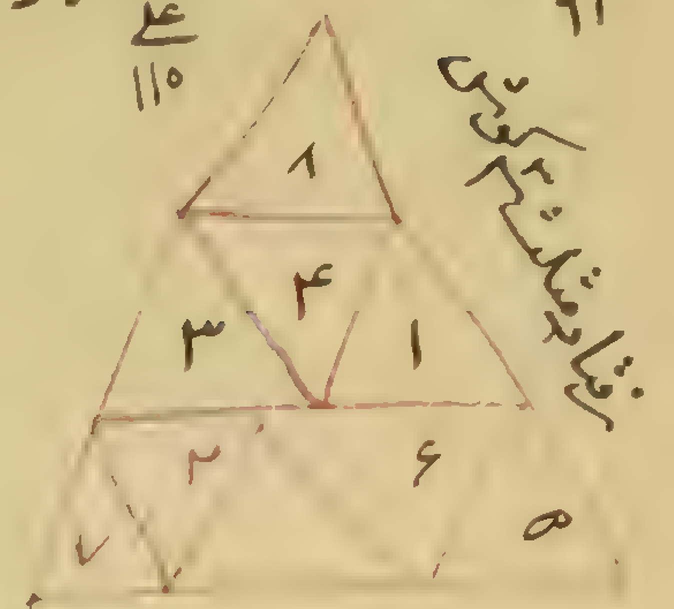

طلسم بسم الله را با طلسم حکم دائم باین طریق سرهم باشد

الله	الا	لا اله
مبدی	دائم	ودود هادی
مبجی	میم	دائم جواد

بعباده	لطیف	الله	
۸۴	۱۲۹	۶۶	
۷۵	۹۳	۱۱۱	
۱۲۵	۵۷		۱۵۲

عمیء	بکمء	قیمء
۱۱۲	۱۵۲	۹۳
۷۸	۱۱۶	

طریقہ حروفات ابجدی وعدد صغران

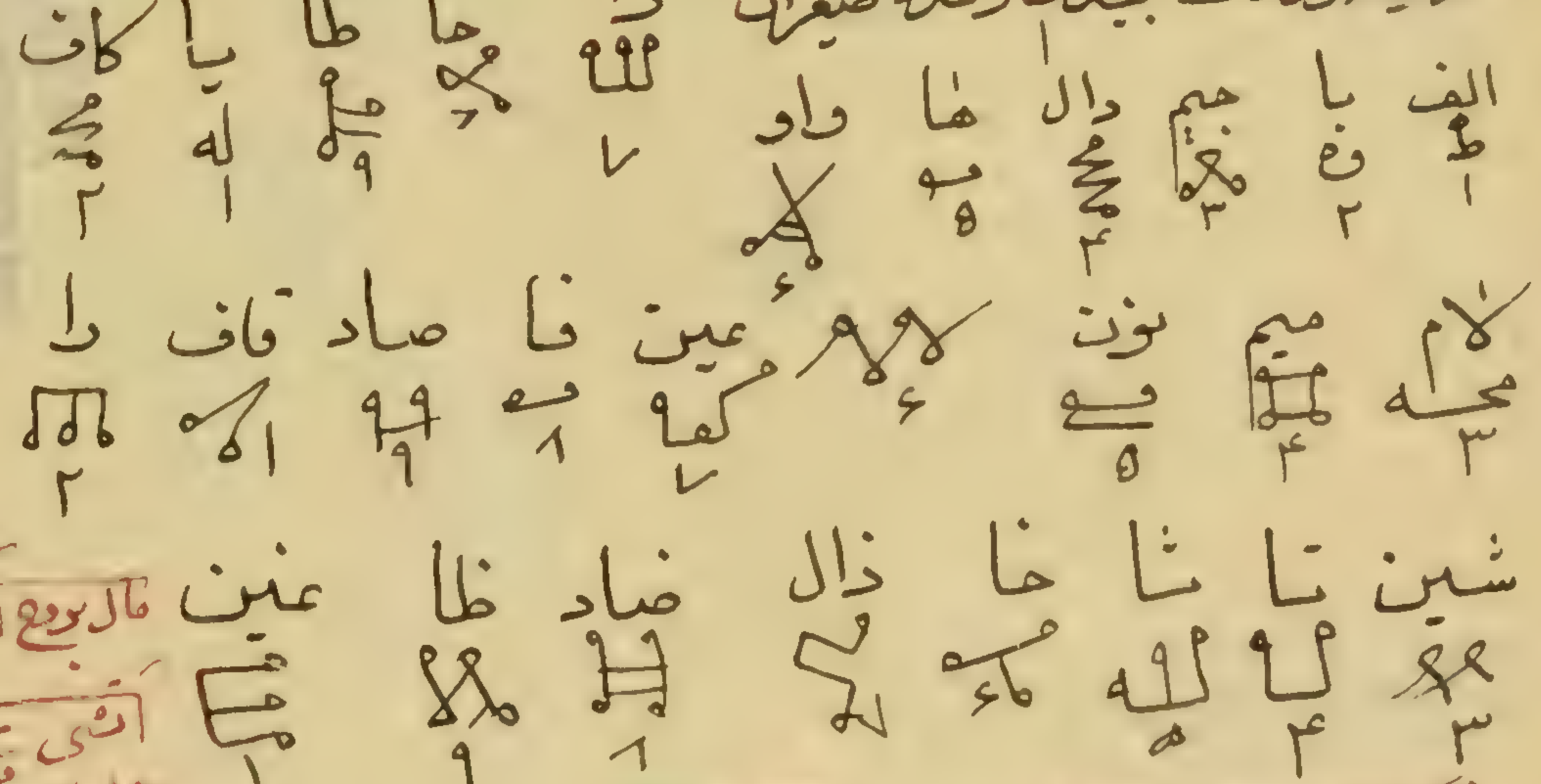

خاکی بادی آبی

ثور سنبله جدی جوزا میزان دلو سرطان عقرب حوت

نار بودع آتش
آتشی حمل اسد قوس

اسماء ملیکہ کہ ...

کرده میشود دبائیل
کبائیل دائیل وعزیمت
کرده شد

حبیب القلوب ۱۹۱	امین ودود ۱۲۱	واجب الوجود [illegible]	مالک یوم الدین ۲۳۲	لا اله الا الله ۱۶۵
لطبیب على الحبیب ۲۵۲	منزل القطر [illegible]	مسبب الاسباب ۱۵۱	سالم ۱۳۱	باسط ۱۳۰
عالم ۱۲۱	مولاه ۸۱	مالک الملک ۲۱۱	مستعمل ۱۳۵	فالق ۲۱۱
مهیمن ۱۲۵	سامع ۱۱۱	قائم ۱۵۱	اول بلا ابدایة ۱۲	موصوف ۲۳۲
مبین ۱۵۲	کبیر ۲۳۲	دافع ۱۹۵	صانع ۱۸۱	کافی ۱۱۱

ازجهة همراه بودن ۳/۱۳

۳/۱۲	[illegible]	[illegible]	۲/۵۹
[illegible]	سبحانک لا اله	الا انت	۷/۱۶
[illegible]	یا [illegible] غنی	ووادند	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	۶/۷۸

یاعالم	یاکاشف	یارازق	یارشید
۳/۲۵	۵/۳۳	۱/۵۳	۳/۱۱
۵/۲۲	۳/۱۷		۳/۱۳
۳/۱۲	۱/۵۸	۵/۲۸	۳/۱۴

بدوح [illegible] ملفوفی عدد ۱۸۶|۱۶۳|۱۳۱۲

الله ۱۳۷	لا اله ۶۷	الا هو ۴۳	الحی القیوم ۲۳۶
۳۲	۲۳۵	۱۳۸	۶۶
۲۳۲	۴۱	۶۹	۱۳۹
	۱۳۵	۲۳۳	۱۳۲

ازجهة احضارات بنویسید بر کاغذ
درمیان هوا کذارید باسم طالب ومطلوب
یا در افتاب کنید تا کرم شود مطلوب حاضر است
صحیح ومجربست

صحیح ومجربست جمیع منها ۱۲ عمر ثلث ازجهة احضار این مثلث

یا مجیب	۳/۴	واحد ۱۹
حبیب ۲۲	بدیع	ی
۲۱	یا کافی	طبیب ۴۳

را بر ناخن ابهام نوشته در برابر افتاب بدارد یا در هوای آتش بنوعیکه ناخن کرم شود وسوده نباد کرتیش را بخواند تا آیه مبین کر برسد بکوید اد هجی لا ریب راضیة مرضیة حضر و الله

فلان فی هذه المکان وهو المجلس شرح طلسم هاروت ماروت ازبرای فتوحات وکشایش وامورات دنیائی بر نغل کنده ازبرای هر کار مشکلی کر دارد بااین نیت در آتش کذارد وهر روز بعدد اسم سنجش یعنی چهار ده فرد را بخواند بر شکل بدمد ودر آتش اندازد شکل ها را دارند اکر کسی دست تنک باشد همین عمل کند کر بسیار مجربست اکر کسی تب ونوز کند همین لوح مثلث را بابیت در نغل بکند بعد نغل را در آتش انداختن وشش دانه شکل کوشند داهر دانه شش مرتبه لعزرا براو خواند ودر آتش اندازد بر روی نغل وصاحب علت هم از دوی این ظرف آتش بکذرد با طلسم هاروت وماروت والسلام این دو مثلث را

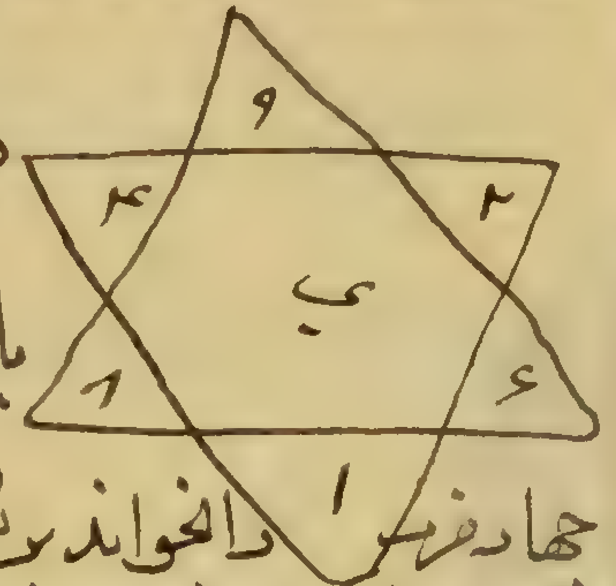

ب	والفت	د
محبة	اسم طالب	علیک
و	منی	ع

دو بر و نهنک در میان قران کذارند ازبرای محبت اثر عظیم دارد باسم هر کس که خواهد

و	علیک	م
والفت	اسم مطلوب	منی
ا	محبة	و

سؤال از جفر جامع کرمانی
بلکه مستصله بهر حلال شان
ای تا نیابی این معما
چه دانستی بدانی چیز دان
ترقی با تنزل با ترفع
مساوات کنار با اهل عرفان
توبد وح بالنواده ترفع
عصر تخضخ ترقی ده چندان
تنزل ظا ذال ثا و ثقفص
مساوات اجهز طکم داخل ان
اگر یابی مکن ظاهر بهرکس
چه اسم اعظم او را ز پنهان
مکن هر [illegible] سوال از شیخ دانا
از این سری که ایزد کرده پنهان

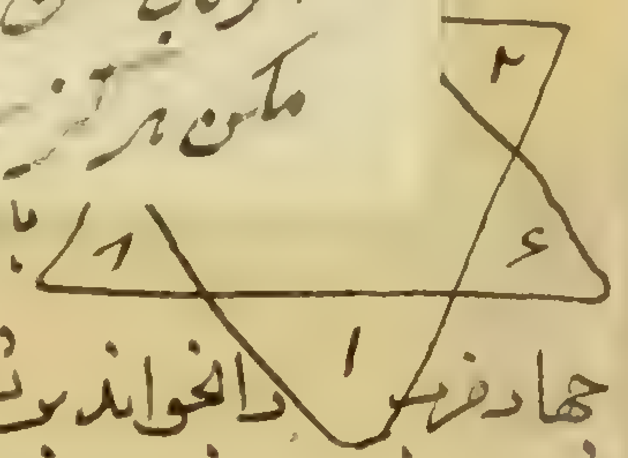

با این بیت در [illegible] وهر روز بعدد اسم جلیل
چهار دفعه بر [illegible] را بخواند بر شکل بدمد و در آتش اندازد شکل ها را داند داند اگر کسی
دست تنگ باشد همین عمل کند که بسیار مجربست اگر کسی تب و لرز کند همین لوح مثلث را
با بیت در نخل بکند بعد نعل را در آتش اندازند و شش دانه شکل کوشند دانه را اند
شش مرتبه لعوذ را بر او خواند و در آتش اندازد بر روی نعل و صاحب علت هم
از دود این ظرف آتش بکند در با طلسم ها دوت و ما دوت والسلام این دو مثلث را

م	یهلیای	د
تمخی	اسم مطلوب	والقیت
د	تمخی	٨

دو بر و نهنگ در میان
قران کذارند از برای محبت
اثر عظیم دارد با اسم هر کس که خواهد

د	والقیت	ب
یهلیای	اسم طالب	تمخی
م	تمخی	د

لا اله الا الله ١٤٩	مالك يوم الدين ٢٣٢	[illegible] ٦٣	ودود ١٢١	حبيب القلوب ١٩١
باسط ١٣٠	سالم ١٣١	مسبب الاسباب ١٥١	جزيل العطية ١٧٥	طبيب الاطباء ٢٥٢
فالق ٢١١	مستعين ١٣٤	مالك الملك ٢١٢	سبوح ٨٢	سالم ١٢١
موصوف ٢٣٢	اول بلا ابتداء ٩٢	قائم ١٨١	سامع ١٦١	مهيمن ١٤٥
كاف ١١١	صانع ١٨١	دافع ١٩٤	كبير ٢٣٢	مبين ١٥٢

از جهة همراه بودن

یا رشید	یا رازق	یا کاشف	یا عالم
٣/١١	١٠٥	٥٣٣	٣٢٥
٣/١٣		٣/١٧	٥٢٣
٣/١٣	٥٢٨	١٠٥	٣/١٢

٢٥٩	٥/٤	٢/١	٣١٢
٢/٥	الا انت	سبحانك لا اله	[illegible]
[illegible]	ووادنر	یا رقیب غنی	٥٢
٥١٠	٢٥٥	٢٦٥	

بدوح ملفوفی عدد
١٨٩١٦٣١١٤١٢

از جهة احضارات بنویسید بر کاغذ
در میان خرما گذارید با اسم طالب و مطلوب
یا در آفتاب گرم تا گرم شود مطلوب حاضر است

الحی القیوم ٢٣٦	الا هو ٤٣	لا اله ٦٧	الرالله ١٣٧
٦٦	١٣٨	٢٣٤	٢٢
١٣٩	٦٩	٣١	١٣٢
٢٢	٢٣	١٢٥	

شد مجرب

صحیح و مجربست جمـ ۶۰

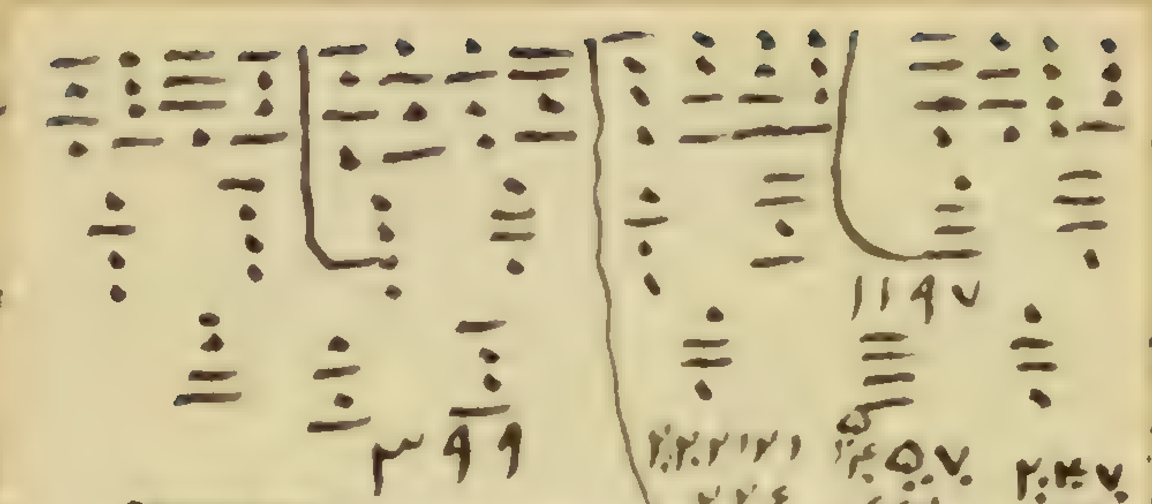

واحد ۱۹	۴۳	رب عرمی
حی	بدیع	حبیب ۲۲
طبیب ۲۳	بلا	۲۱

ابابکر		عمر	ابابکر		عمر
۴۶۴	۴۱۰	۳۲۶	۴۰	۳۱۶	
	۱۳۶	۵۶۱		۲۲۰	۴۰۶

۲۲۶ ۶۶۱ ۳۱۰

ابابکر	عثمان	عمر
۴۹۳	۳۹۹	۳۱۵
۴۸۸	۱۳۷	۵۷۲

۱۱۹۷

ابابکر	عثمان	عمر
۵۹۳	۳۹۹	۳۱۵
۳۸۸	۳۳۷	۵۷۲

فلان فی هذه المکان وهوا

چهار قرب ... دا بخواند بر

وست تنک باشد همین عمل که

بابیت در نعل بکند بعد نعل را در آتش انداختن و شش دانه شکل کوشند دا هر دانه

شش مرتبه لعوذا بر او خواند و در آتش انداختد بر روی نعل و صاحب ملکت هم

اذ دو راین ظرف آتش بکذ ردد با طلسم ها دوت و ما دوت والسلام این دو مثلث را

ح	علیک	د
تمنی	اسم مطلوب	والقیت
ب	تمنیح	ا

دو بر و نهنک در میان

قران کذارند از برای محبت

اثر عظیم دارد با سم هر کس کد خوانند

د	والقیت	ب
علیک	اسم طالب	تمنیح
ح	تمنی	ا

لا اله الا الله ۱۶۵	مالک یوم الدین ۲۴۲	واجب الوجود ۶۲	حسن ودود ۱۲۱ / حبیب القلوب ۱۹۱
باسط ۱۳۰	سالم ۱۳۱	مسبب الاسباب ۱۸۱	جزیل العطیه ۱۷۵ / طبیب الاطبه ۲۵۲
فالق ۲۱۱	مستعمل ۱۳۵	مالک الملک ۲۱۱	مولاه ۸۲ / عالم ۱۲۱
موصوف ۲۲۲	اول بلا ابتدا ۹۲	قائم ۱۵۱	سامع ۱۸۱ / مهیمن ۱۴۹
کافی ۱۱۱	صانع ۱۸۱	دافع ۱۹۴	کبیر ۲۳۲ / مبین ۱۵۲

اذ جهة همراه بودن ۳۴

یا رشید	یا ذاذق	یا کاشف	یا عالم
۳۱۱	۵۳	۵۳۴	۳۲۵
۳۱۴		۳۱۷	۵۲۲
۳۱۹	۵۲۸	۱۰۵	۳۱۲

۲۵۹	۵۱۰	۲۱۲	۳۸۲
۲۱۶	الا انت	سبحانک لا اله	۵۲۰
۳۰۹	و داوند	یا رب جل عزی	۵۰۰
۴۱۵	۳۰۵	۳۰۶	

۱۲

بـ دوح ملفوف عـ ۸د

۱۹۶۱ ۶۲۰ ۱۴۱۲

الرالله ۱۳۷	لا اله ۶۷	الا هو ۳۳	الحی القیوم ۲۳۶
۳۲	۲۳۵	۱۳۸	۶۶
۲۳۲	۳۱	۶۹	۱۳۹
	۱۴۵	۲۳۳	۳۲

اذ جهة احضار است بنویسید بر کاغذ

در میان موم کذارید با سم طالب و مطلوب

یا در آفتاب کرم تا کرم شود مطلوب حاضر است

صحیح و مجرب

این مثلث تابوت را بنویسد از برای هلیک شاید ودر قبرستان دفن کنند یا در
زیر سنگ گوان گذارند بر جا یراست ومطلب حاصل گردد ودر این مثلثات شک نیست

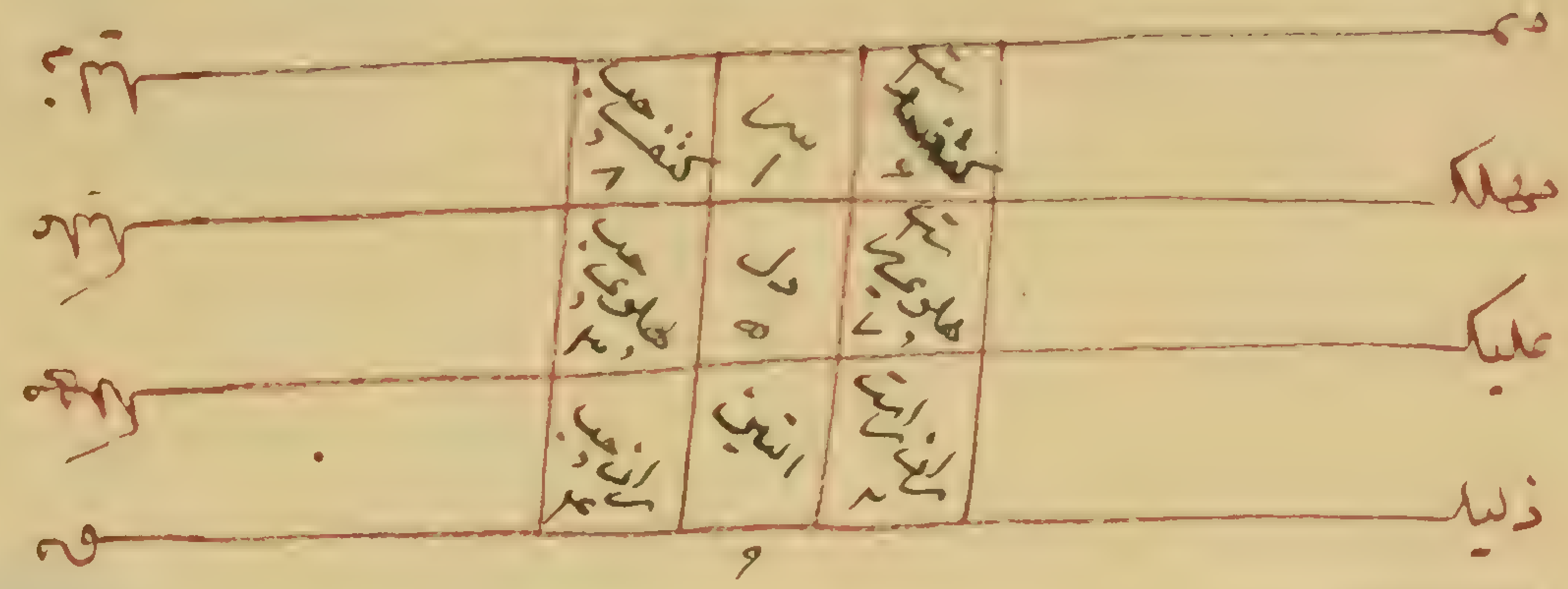

مثلث ذوالفقاری را بنویسد مذل قهاری ممیت اسمها را عدد گرفته بر کند مقصود

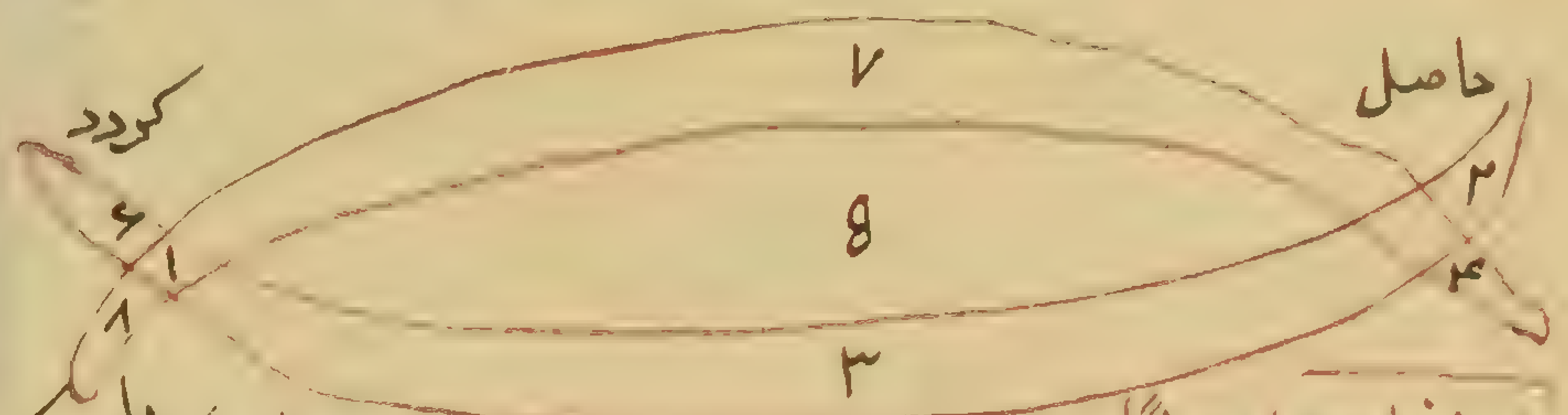

این نداهم الله مرضا — ولهم عذاب الیم عدد گرفته بر کند
در همین صورت — مثلث برای نوع تفریق مجرب است

این مثلث برای دزد — بوده بسیار مجرب است وگریخته از وطن بیاید
آزموده شده — اگر کسی گریخته باشد یا چیزی را بسرقت
بوده است و — خواهی ظاهر گردد بنویسد این شکل را بر
بیضه تخم — مرغ با نام سارق یا ذاهب یا آبق در
جای گرم

جای گرم دفن کند آن دزد یا گریخته را بعین بر واقع شود و باز
گردد وچون بیضه را دفن کند بگوید در حال دفن کردن اللهم
اجمع بین فلان وبین السارق والذاهب والذاهبه بحق یا جامع
احضار
یا قابض واحفروها یا حافر ازجهة احضار که جمیع استادان این
فن به تجربه رسانیده
اند باید که عامل
با وضو باشد و رو
بقبله بنشیند و عدد
اسم طالب ومطلوب
را با اسمها گرفته

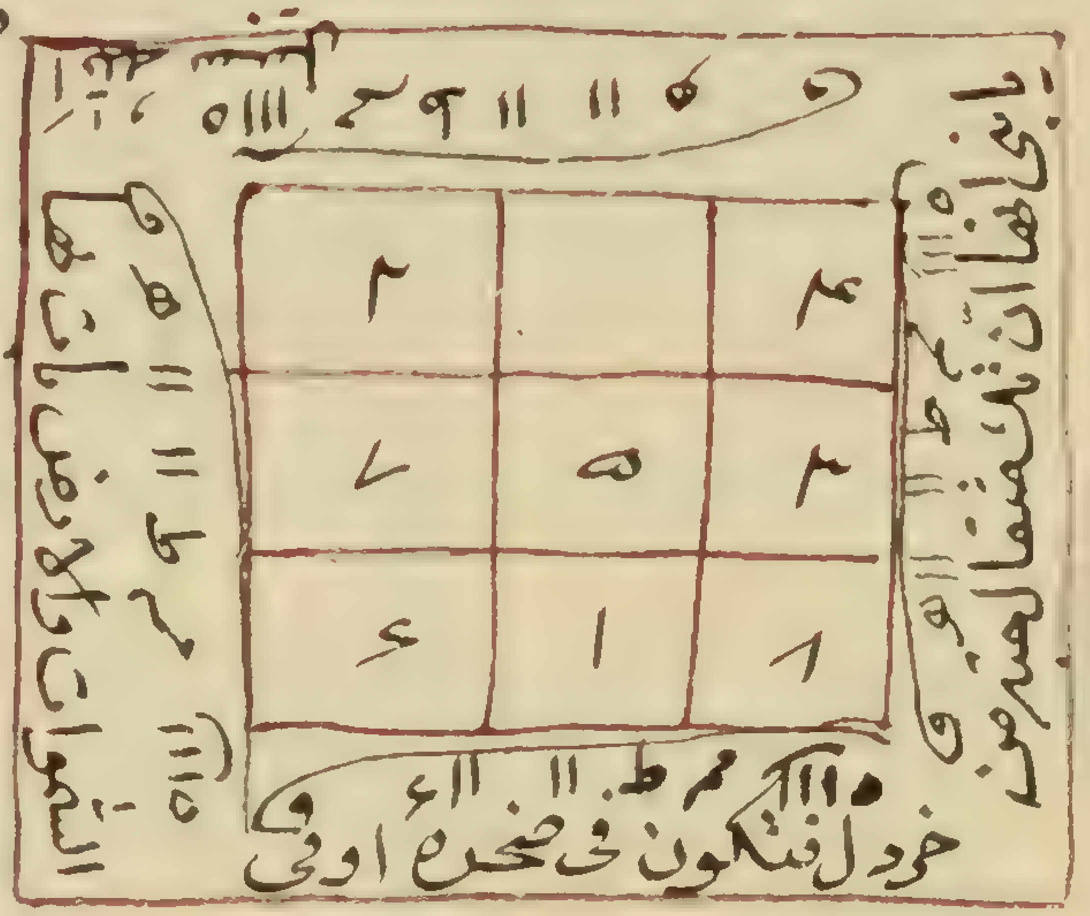

١٩٠٤٩
و با این عدد ١٩٠٤٩ اضافه نماید ودر مربع بنگارد و با خود
نگاهدارد وبعد بیاورد لوحی از آهن نقش کند ودر آتش کند
ودر حالت نوشتن لوح کاغذی نبات در دهان گیرد لوح
کاغذی را بنویسد و با خود دارد ولوح آهنی را در آتش دفن
کند وعزیمت که نوشته میشود بیست ویکمرتبه بخواند عمل لاهوتیه
حسین اخلاطی است که جناب آخوند ملا محمد حسین تبریزی از
برای سلطان ساخت که نواب شرف والاحضرت خود را از شر

میروای اینس مضایقه نمودند و بسلطان دادند از عظمت و تاثیر
این عمل بود آمدیم بر سر عدد مذکور که ۹۰۳۰۹ میباشد از جهة احضار
بنویسید این طلسم را در میان قرآن گذارید در سر سوره نوح
باسم هر که خواهد که بسیار مجربست و مکرر بتجربه رسیده است
از جهة احضار این طلسم را باین
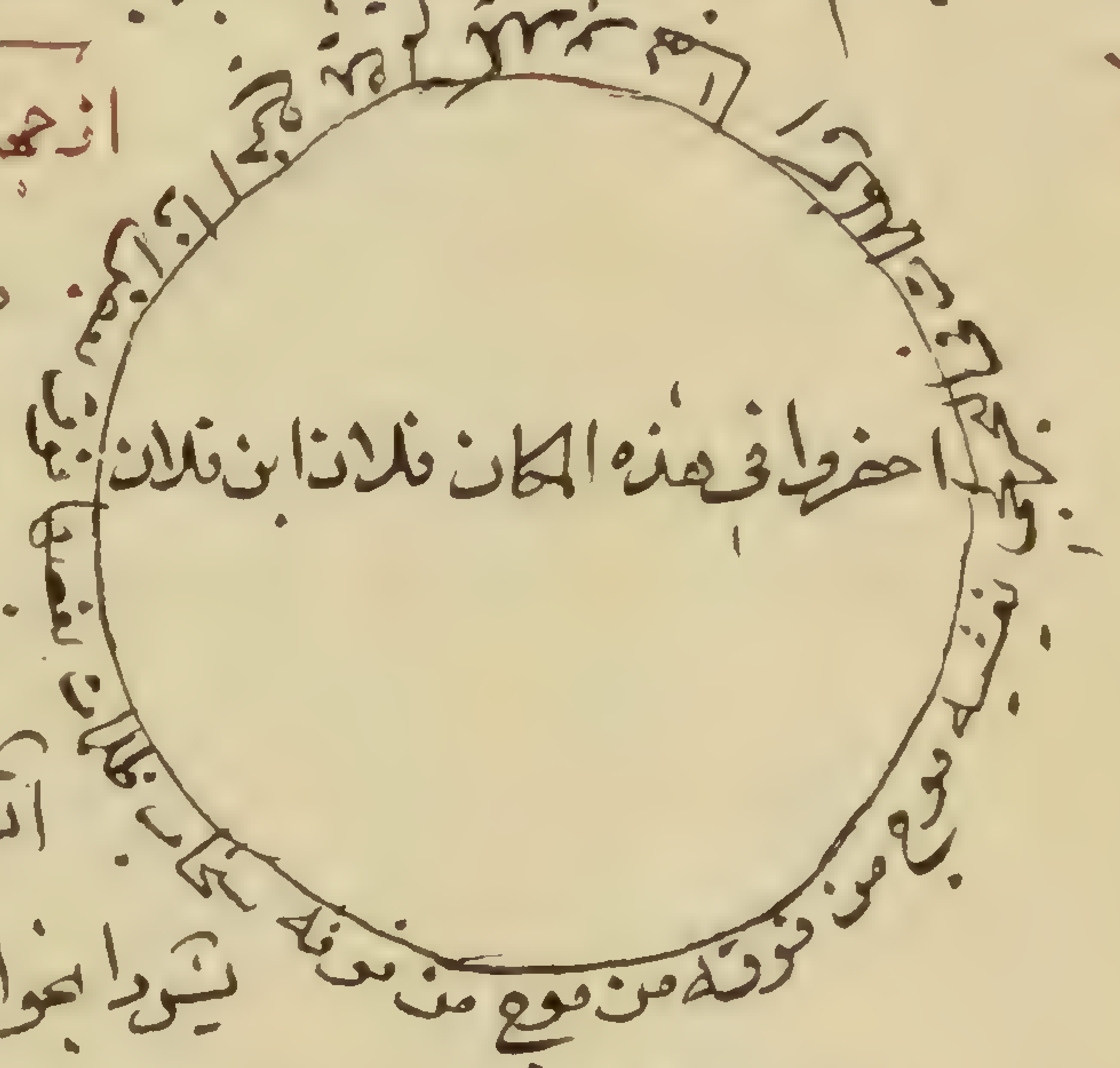

طریق که نموده شده بر
ناخن دست راست خود
بنویسید و ناخن را نزدیک
آتش نگاهدارد و سوره مبارکه
نوح را بخواند تا مطلوب حاضر شود
انشاالله تعالی که بسیار مجرب و آزموده شده طلسم اینست از جهة
احضار مجرب این سوره را باین قاعده که نموده
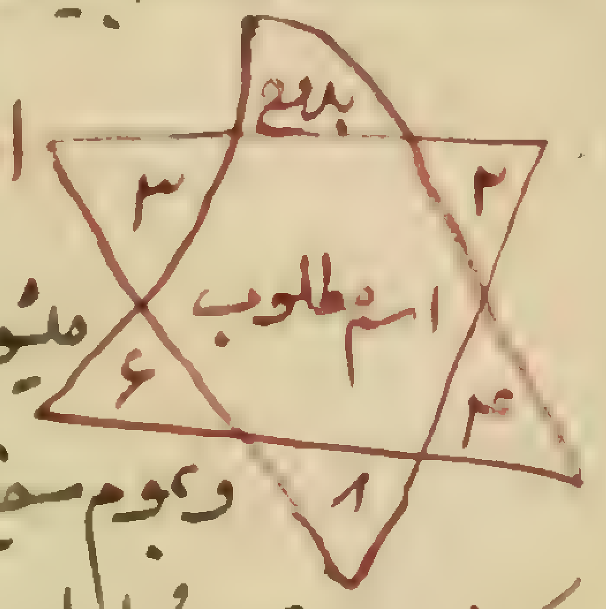

میشود بر کاغذ بنویسید و بموی سر مطلوب بپیچید
و بموم سفید بگیرد در زیر بغل خود گذارد اندکی صبر
کند یعنی بقدر مسافت راه خانه مطلوب اکو بنام محموم را در
حرارت آتش نگاهدارد که البته حاضر شود بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین الم الم
المص

احضار

احضار

المص ۲ لمر المر الر الر کهیعص طه طسم طس آیاک نعبد و آیاک
نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم
غیر المغضوب علیهم ولا الضالین اجیبوا یا خدام هذه السورة
الشریفیة المبارکة واحضروا فلان ابن فلان فی هذه المکان بحق
هذه السورة الشریفیه المبارکة العجل العجل العجل الساعة الساعة
الساعة الوحا الوحا الوحا النار النار النار الحریق الحریق الحریق از جهة
محبت مجربست آیة الکرسی را بخوانید باین طریقه چون بر شفع عنده
که رسید بگوید که فتم دل و جان و هفت اندام فلان ابن فلان را
بمحبت فلان ذاده فلان عنده یعلم ما بین ایدیهم سدا و من خلفهم
سدا الا آخر تا هفت روز هر روزی پانزده مرتبه باین نوع بخواند
باسم هر که خواهد که بسیار مجرب و آزموده است از جهة محبت مجربست
بیاورید چهار مثقال قند سفید را و چهار مرتبه الحمد را براو بخواند
باسم هر که خواهد و چهار مثقال نبات را هم چهار مرتبه سوره
انا اعطیناک الکوثر را براو بخواند بعد بیاورد چهار مثقال شکر
سفید را و چهار مرتبه سوره اذا زلزلت الارض را براو بخوانید
بعد بیاورید چهار مثقال گل بنجنه و چهار مرتبه سوره لایلاف
را براو بخواند و بعد بیاورد چهار مثقال کزنگبین را و چهار مرتبه

ازجهة محبت

سوره قل هو الله احد را بر او بخواند بعد بیاورد چهار مثقال خرما را
و چهار مرتبه سوره والتین را بر او بخواند بعد بیاورد چهار مثقال
مویز را یا انجیر را هر کدام که خواهد و چهار مرتبه آیه محبت را بر او
بخواند بعد بیاورید چهار مثقال تخم ریحان را و چهار مرتبه
سوره الم نشرح را بر او بخواند بعد همگی را مخلوط بهم نموده بخورده
مطلوب دهد که از عشق بیقرار گردد آزموده و مجرب است و آیه
محبت اینست من یتخذ من دون الله اندادا زین للناس حب الشهوات
الا آخر آیه یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله والقیت
علیکم محبة منی ولتصنع علی عینی رب اشرح لی صدری و یسر لی امری
واحلل عقدة من لسانی یفقهون امری والی الله تصیر الامور نام
فلان ابن فلان بنت علی علم بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد صحیفه
ایست مختصر و در آن چند فصل است از چند قسم نوشته شده و شکی
نیست که همگی مجرب و آزموده است هر کس عملی از این نسخه عمل کند
تاثیرش بقدر نفس عامل خواهد بود و دعا را هم بخواند که
بارها تجربه شده است نوع اول در بیان عمل محبت است و آن مشتمل
بر چند نوع نوع اول جهة محبت در ساعات خوب این دعا را با نمک
و زعفران و گلاب بر کاغذی نوشته و اندکی نمک او بسند و بیست
یکدانه

یکدانه فلفل بهر دانه یکبار این افسون را بخواند و مجموع این دواها را
در میان کاغذ پیچیده در میان پیاز سفید گذارد با اجزاها و سر
پیاز را بر جای خودش گذارد بعد خمیر گیرد و در زیر آتش دانی دفن
کند تا مدت ۳ ساعت که مراد میرسد اما باید که در خانه خلوت
عمل کند و در وقت نوشتن و خواندن از کندر و سندروس و عود
بخور نماید افسون اینست عزمت علیکم انت فلفل وکمن وتشتت
وتقلقل وتهیج وبحق الاسماء العلیا اهیا شراهیا ادونی
اصباوت آل شدای وبحق کبریائکم الذی علمکم السحر یا دهش وانت
یا ذوبعة وانت یا میمون الزنکی وانت یا میمون السحابی وانت
یا میمون الغمامی وانت یا میمون الحبشی وانت یا مهاکان
وانت یا ابا مرة بحق سلیمان بن داود علیه السلام که حاضر گردید
و فرمان بردار باشید و مطیع من گردید بحق این کلام و نام
خدای عز وجل و بسوزانید دل و جان و جگر و اعضای و هفت اندام
فلانه بن فلان را بعشق و محبت فلان ابن فلانه العجل العجل العجل
نوع دویم از محبت بستاند تخم مرغ را که در همان روز داده باشد
و این عزیمه را بر آن بنویسد و در کرباس پیچیده در زیر
آتش دفن کنید چنانکه نسوزد کندر و سندروس و مقل

ادوق بخود کند و همین عزیمت را بیت یکبار بخواند یا شمعوثا یا شلعثیا

بحق هذه الاسمین هتح هتح یا ملک الجن والشیاطین یا عنید

و یا ابی مرة و یا دنهش و یا ذو بعثر هیجوا واحرقوا قلب و روح

وجسد فلان ابن فلانه علی حبا عاشقا مولفا شدیدا بباه

بباه یا هیا شراهیا ادونی اصباوث آل شدای و بالحق انزلناه

و بالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا العجل ٣ الساعه ٣

الوحا ٣ النار ٣ نوع سیم در محبت بر شرینی و قرص شکر هفت بار نوع سیم

بخواند و بدهد باسم مطلوب یا بعدد اسم مطلوب بخواند و بر او

نخواند تا عجایب ببیند انیت ارهیش ارهیوش افطش

افیوش ارکیوش ارذطیوش مطیطیاش الوحا یا معشر اهل القران

السامعین المطیعین بروید بدان خانه و بدان مقام که فلان

ابن فلانه است و بیقرار و بی آرامش کنید از عشق و محبت فلان

ابن فلانه نوع چهارم از محبت در روز یکشنبه وقتیکه دو ساعت نوع چهارم

از روز گذشته باشد نزد این افسون را بر شکر یا بر قند

یا نبات بخواند و بدهد باسم هر که خواهد و بمطلوب بخوراند

بمجرد خوردن سرگردان گردد و مکرر تجربه رسیده است افسون اینست ا

آد آئی وادائی نونا انم وآئی سان هیس بولائی اتموا السرح

با

بادبرنغ ابحرویل کلاهل کی هون دهنهن کی بات بتن کی تهنی اگرکی

جمی شوی کاماتر اترکی متی مهاه برمهاه برم نخلاه برم سراه

برم جبیان برم حتی کوکلا برم نانکی برم کلکاجی و لومن و لاجن سرهکا جن

مالاجن نهنک جن جنک جن و بردارنده های تخت حضرت سلیمان

بن داود علیهم السلام بیائید و حاضر شوید و فلان زاده فلانه را بسته

بیارید حاضر کنید و در وقت خواندن این افسون عود سفید باید سوزانند

که مجرب است نوع پنجم از محبت بنویسد این دو اسم را بر روی شانه گوسفند نوع پنجم

و بحروف مقطعه بمشک و زعفران و نبات مصری بنام هر که خواهد

و در تنور آتش انداز د آنکس از خورد و خواب بیقرار و بی آرام گردد

دعینا لموش وهاموش نوع ششم از محبت در وقت طلوع آفتاب نوع ششم

روز پنجشنبه ساعت اول روز بنویسد بر شانه گوسفند که سوخته

نشده باشد پس شانه را در زیر آتش دفن کند بنوعیکه نسوزد

چونکه گرم شود میل مطلوب بجانب طالب شود و اگر آن روز پنجشنبه

اول ماه باشد بهتر است و اگر در چهاردهم باشد دیگر بهتر خواهد بود

و در هر ماه که این عمل شود از هم جدا نشوند ع ااا ع ع ع ط ط سططح

سااح و ع ٣ م که ع و حه ط ه و ی ط ااا ع ااا ع ااا ع ا اللهـ ٣ ع ٣٩ م ط ٢ ط ح ص

ی ط ع ط ط ط اا ح ع ط ططا ٢ ااا ع م د م لا لا لا ٩ ٥ ٥

للا٤اا٤ ١٢ال ور٤ ط ططع لالالا آ اا٤ع طا٤ العمل ٣ الساعد ٣ الناد ٣

نوع هفتم

الحریق ٣ باسم فلان علی حب فلان نوع هفتم در محبت این آید ابر سیب یا شکر بخوانید و بخورده مطلوب دهد از عشق بیقرار کرددا ایدا بنیت فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ وَالصَّلَوٰاتُ وَالسَّلَامُ

نوع ٨

نوع هشتم از محبت بجهت جذب القلوب بنویس این لوح را باید ون کم و زیاد و نام مطلوب را در خانه نه ٩ بنطکن و نام طالب را در خانه نوزده و در شمع گرفته و در میان جلد سبزی دوخته اگر مرد باشد در زیر بغل راست و اگر زن باشد در زیر بغل چپ خود حمایل نماید و هر روز بعد از اسم مطلوب سوره فاتحه را بخانند که مطلوب مسخر میشود و مجرب است

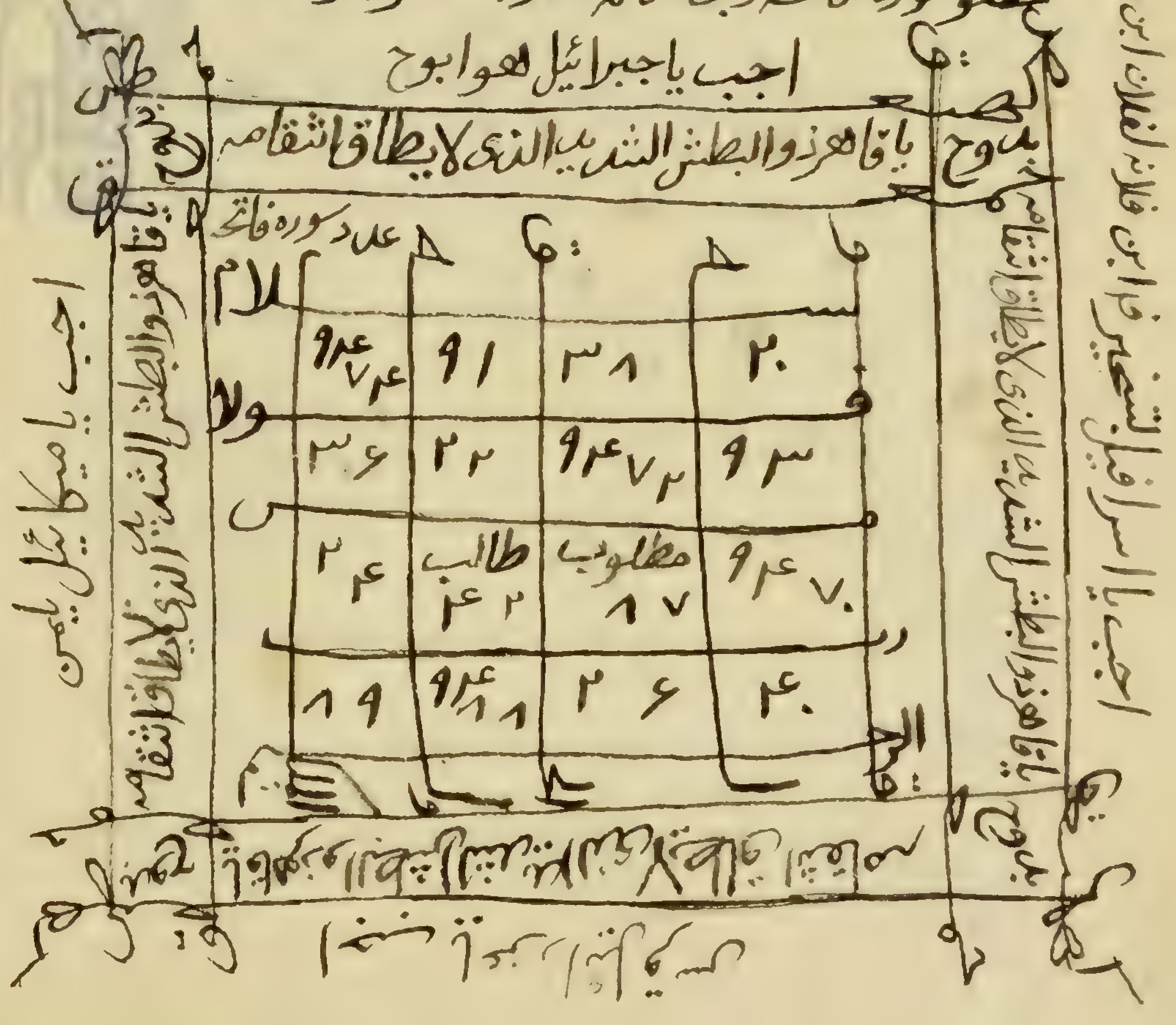

اگر خاهر که در محل فساق یا فجار یا اشرار آتش فتنه در اندازی که ایجاد عت از انجا پراکنده و متفرق شود باید حروفات نار برابا این کلمات در روز زحل و ساعت زحل یا روز مریخ و ساعت مریخ بر قطعه مس سرخ مثلث شکل نقش کنند و در وقت نقش کردن بخور بهون کوکبرا بخور کند و عزیمه ادریسیه را بلیست بامر تبه بخوانی با اسم شخص و اسم مادرش بعد از آن مسرا در منزل الشخص منظور دفن کن که مدعا حاصل میشود در یک هفته و حروفات و کلمات این است

ا ٥ ط ا م ف ش ر ذ د ل ذ ل ص ص ض ض ق ق ف ل ف ل و و و

وعزیمه ادریسیه این است بسم الله الرحمن الرحیم

یا حی یا قیوم یا قدوس یا جبار یا متکبر یا فرد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا قریب یا علی یا متعالی یا فرد یا صمد یا احد یا صانع کل مصنوع یا منزل البرکات یا مجیب الدعوات یا من هو حی ابدا یا من هو قیوم شهیدا و هو حی قیوم جبار عظیم یا ملائکة العرش اجیبونی و اجیبوا المنادی من مکان قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذالک یوم الخروج لهم ما یشاؤن فیها و لدینا مزید اجیبوا و انزلوا بحق هذه الکلام العظیم و القسم الکریم یا شراحیل و یا شرطیل و یا شریطائیل و یا اسرافیل و یا صهوا کیل و یا صهکائیل و یا بهصقائیل و یا صرفیائیل و یا فقبیائیل و یا عزرائیل و یا شهکیلائیل و یا شمکائیل و ارقبائیل و یا شمخائیل و یا بهقیائیل و یا ظلمیائیل و یا اسیمونائیل و یا اشکیائیل و یا اسماعیل اجیبوا و انزلوا یا صواحب الاربعة یا قلیائیم و یا قاقیم و یا الفالی و یا بلیاقا اجیبوا دعوتی و اطیعوا امری و اقضوا حاجتی بحق القرآن العظیم بارک الله فیکم و علیکم

از کتاب دلایل منقولست که محمد حسن الشریف را همی و غمی پیش آمد
واز پادشاه خائف بود شبی جناب رسول خدا را در خواب دید و حال
خود را بحضرت رسول عرض داشت آنجناب فرمودند که ورد خود ساز
این شش آیه را برای هر شدتی که پیش آید که خداوند تبارك
وتعالی همه را بزودی کفایت خواهد نمود بسم الله الرحمن الرحیم
الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون
اولئك علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون
الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم
فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل عظیم وذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا له
ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین وایوب
اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبنا
له فکشفنا ما به من ضر وآتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة
من عندنا وذکری للعابدین وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا وحاق

بآل

بآل فرعون سوء العذاب والذین اذا فعلوا
فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم
ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم
یعلمون اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجری
من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین
اگر خاهی که فساق و فجره که در جائی متفرق شده اند انهم

از جهة قوه و مفاصل

از جهة لقوه و مفاصل و تشنج و بعضی امراض سیاه دانه تخم اسفند
کجوله تخم نیلوفر نرم بکوبند و تنکیس کنند روغن او را بر جهات
بمالند عوض تخم ماطوله تخم نیلوفر هم عیب ندارد نوع دیگر
اسفند و سیاه دانه مغز کدوی کهنه شنبلیله موی سر آدم جوان
قدری هم موم داخل کرده یعنی نرم بکوبند در شیشه تنکیس کنند
روغن او را بمالند برای فالج هم خوب است و بعضی مرضهای دیگر هم
خوب است از برای مرهم زخم روغن کنجد بی نمک گرم کرده قدری
هوه چوبی داخل آن نماید که زرد شود آنوقت در کهنه مقطر که موبه
همراه نباشد بعد قدری موم سفید آب کرده در آن بریزد که ۳ دفعه خاد کنند
بر روی کهنه بسیار نافع بود برای گوشت زیادتی زخم سفیداب ملح
را با روغن مذکور بر سر کهنه خاد کند دفع نماید مرهم از جهت جمیع
نشاسته انزروت کات تخم بالنگ اسفرزه باسفیده و زرده تخم مرغ
داخل کرده و جزئی شیر دختر هم داخل کرده بر بندد در وقت ضرورت
که بسیار مجرب است

مرهم برای زخم

از جهة

از جهة تقویت معده شربت عسل سازند با صد مثقال عسل آمیخته نمایند و بخورند
نمک سیاه و بوره با روغن زیت در حمام در بدن بمالند تقویت معده زرداوند طویل دو
مثقال و فلفل سیاه دو مثقال نبات دوازده مثقال نرم کوفته هر روز اندکی میل بفرمایند
از جهة حرقة البول بسیار مجرب است در ۳ روز میل بفرمایند مقدار ۳ مثقال روغن
کنجد دادن و مثقال آب لیمو ریخته تا ۳ روز متوالی میل بفرمایند دفع مرض شود از جهة
بواسیر و شقاق صبر زرد ۳ پوست انار سوخته ۳ آب تره یک پیاله جوشانیده خاد
نمایند مقل را با روغن زیتون آب کرده پوست انار سوخته آب تره پیاله بقوام
آورده با یک مثقال سرنج ممزوج کرده مرهم ساخته بر موضع بواسیر خاد نماید
از جهة حافظه زهره کبک و کوه کاو هر دو را مساوی بهم داخل کرده استنشاق
نماید که بسیار مجرب است ختم شب جمعه رباعیات خواجه ابو سعید
من جرم برم که بر هم اعدا ارزد مشتی خاشاک لطمه بر دریا ارزد
ما تیغ برهنه در دست قضا شد کشته هر آنکه خویش را برما ارزد
یا قاهر الاعدا یا ناصر الاولیاء ختم مجرب در شب جمعه
ای برنده قلندر مجرد مددی وی محرم خاندان احمد مددی
دستم تهی و لطف تو بی پایان یا صاحب ذو الفقار قنبر مددی

خرقة البول

بواسیر

از جهة حافظه

ختم شب جمعه

ختم در شب جمعه ۱۰

ختم در شب جمعه ای شیر سرافراز زبردست خدا　ای تیر شهاب ثاقب شصت خدا

۱:۱۰ آه از دم کن رخصت این بیدستان　دست من و دامن توای دست خدا

۱:۱۰ ختم شب جمعه ای اکبر برآرنده حاجات توائی　هم کافی و قاضی المهمات توائی

از لطف برآر حاجتم در دو سرا　چون عالم سر والخفیات توائی

اذجهة روشنائی ولکه چشم فیروزه را نرم صلایه کنند و با نوشادر مساوی خوب صلایه
کرده در شیشه کرده تصعید کنند مکرر تا نوشادر فیروزه هم با خود بالا بیاورد بعد را
در آب گرم بریزند تا نوشادر جزء آب شود و فیروزه ته نشین شود بعد بردارد خشک
کنند در چشم بریزد اگر فیروزه بهم نرسد خاک فیروزه هم همین حکم را دارد و نوشادر او
لکه را میبرد خود تجربه کرده مکرر ۳ دفعه نوشادر را با فیروزه صلایه کند و تصعید کند
در سیم باده در آب بریزد همان طور در چشم لکه دار کند از اسرار است اذجهة قوة چشم
و جمیع خلل چشم و امراض چشم مشهور است بر طوطیای فرنگی سرب را در کفچه حدید آب کرده
بعد کم کم گوگرد زده هر چه سوخته شود با میل آهنی کنار زند مکرر گوگرد زده و هر چه
سوخته را کنار کند تا همه سرب بسوزد بعد او را از حریر بیرون کند در چشم کشد کر
جرب و سودا را فواید کلی دهد التماس دعا داریم اذجهة لکه چشم مجرب است روغن را آب
نموده و نمک قلیاب را کم کم تطعیم او نموده تا بسته شود بعد در چشمیکه لکه داشته
باشد بریزد لکه را ببرد از مخدوم کرام آقا مهدی عزیز محمد عطار استماع شده
اگر دندان لق شده باشد و گوشت فاسد داشته باشد و یا چرک باشد
کبرات و [illegible] پوست خشخاش در دیگ استکان آب گون ریز بجوشاند
تا چهار استکان شود صاف نموده کبرات را ریخته بهم زند با آن آب روزی در سه مرتبه مضمضه نماید

از جهة [illegible] چشم

شبکوری. دفع شبکوری چشم نیم مثقال بادیان را در آب بجوشاند و آب او را صاف کرده و قند داخل
آب بادیان نموده هر روز صبح در خالی بودن معده در چشم بکشد تا ۳ روز که شبکوری را
دفع کند که مجربست از جهة ضعف باه تخم کرفس یک استاد تخم زردک یک استاد تخم شبت یک
استاد قرنفل دو درم مصطکی دو درم عود خام دو مثقال همه را نرم کرده با عسل معجون
قوه باه. کند و هر روز ۳ درم بخورد نافع است از جهة قوه باه دو درم تخم توب را بروغن بجوشاند
تا پخته شود نرم بر قضیب بمالد تا قوت کیرد ایضاً تخم کندنا را با تخم توب و قرنفل
بریان کرده با عسل جوشانیده و حب کند هر شب دو دانه در دهان کذارد تا جا دامیکه
قوه چشم و آب ریزش. در دهان آب نشود زوال نشود از جهة قوة و آب ریزش چشم بینبر روح را هر قدر که لازم
دارد بر دارد در میان دستمالی بستد در میان آب بمالد تا مثل طلق تا همکی جز و آب
شود بعد را بجز علقه ابرا کرفته بینبر را خوب خشک کند در آفتاب و کم کم آب غوره
صاف نموده او بدهد و خشک کند تا ۳ روز بعد بر دارد بمیزان یک نخود
توتیای داخل یکمثقال از این بینبر مزبور کرده با ۳ دانه دار فلفل نرم کرده از حریر
لکه چشم. در چشم کند از جهة لکه چشم روغن ما آب کرده در کچه حدید و کم کم نمک قلیاب با و تعلیم
ناخوشی چشم. تا بند شود بعد در چشم لکه دار بریزد تجربه شده ناخوشی از برای هر جور ناخوشی چشم که باشد
آن درد را دفع میکند از استاد رسیده است بسیار عجب و آزموده شده است

روغن

روغن بادام یکسیر روغن کاو یکسیر قسط یکسیر زاج سفید یکسیر توتیای نیم مثقال داخل
هم کرده در شیشه کند تقطیر کند دهنی که از او چکه بکیرد نکاه دارد برای وقت حاجت استعمال
جرب چشم. کند که مجربست از جهة جرب چشم مجربست درست کرده با میل در چشم کشد عرق کوکرده
ارزان بنات مصری بنات را با عرق کوکرده خوب صلایه کرده تا مجموع عرق بخورد ده بنات رود بعد
وجع. با میل در چشم کشد بسیار مفید است وجع دیکر باشد معجون وجع مستعمل سودمند بود کسیرا
که آب چشم روان بود صفت آن وجع و حلتیت و زنجبیل و دار فلفل از هر یک پنج درم نرم
کوفته و بیخته با ۳ چندان عسل کف کرفته بسرشند شربتی یکمثقال بخورد نافع بود و مجرب
درد مفاصل. و آزموده شده از جهة درد مفاصل صبر زرد هلیله زرد سورنجان از هر یک مساوی الوزن
وجع مفاصل. کرفته نرم صلایه کند حب بسازد خوراک دو مثقال است و از مجربات وجع مفاصل
موم صابون با عرق شراب طلا نماید که بسیار مجربست حقیر خود تجربه کردم بسیار موثر
حب عرق النساء. افتاد شیخ دارند فرموده که در ساعت درد دفع میکند و مجموع یک شربت است
حب عرق النساء صبر سقوطری هلیله اصفر سورنجان حب ساده میل بفرماید
بواسیر. از جهه بواسیر نوشادر نیل پوست هلیله زرد از هر یک دو مثقال همکی را نرم
بسایند در ۳ قسمت نموده هر دفعه یک قسمت او را دود کند بر موضع معتاد
باد بواسیر. که دفع درد و وجع خواهد نمود ان شاء الله تعالی دفع باد بواسیر سیر را هفت

مرتبه با روغن خروع بسوزانند و آخر باده با قدری تخم هنبه با روغن مذکور بسایند
و با پنبه بر دارند تا ۳ دفعه بسیار مجربست از جهت سودا که در بدن باشد
یا در دست و پا یکمثقال عرق کوکرد را با دو مثقال کلاب بسایند تا خوب مخلوط
شود اول در حمام بوده در بدن بمالد در حالیکه بدنش پاک شسته باشد
دو ۳ دفعه چنین کند برطرف شود بسیار مجربست شب نور و زرده زخم که شب نور
کویند مجربست و مکرر بتجربه رسیده یکمثقال دارا شکنه را خوب نرم کند در
ظرف چینی یا یکی که کاو یا خامه کاو داخل کرده دو ۳ روز خوب صلایه
کرده در جائی ضبط کند برای وقت حاجت بر دست و پا و بدن بمالد که آنکه
دارد از جوش سوداست از جهت جرب و حکه اکر جرب خشکی باشد عرق شاه تره ۱۰ آبش
را کرفته با کوکرد سفید و قدری ماست آب چکیده بهم ممزوج نموده در حمام دو ۲
مرتبه بمالد برطرف میشود از جهت سوزنک شیره تخم خیار ۳ درم شیره تخم کاهو
شش درم شیره تخم کشنیز سفید درم لعاب بهدانه دو درم در عرق کاسنی
کشیده ۳ روز بخورد که بسیار نافع است از جهت سوزنک علف شتر خوار
را در دیک مس یا دیک سفالی کذاشته و آب بریزد و بجوشانند تا پخته شود
بعد آب او را بر باد هنبه که با سه صاف نموده بعد از آن قدری حنا در آب
مدکور

مدکور دنفیتر و مرتبه ثانی باز صاف نموده بدهند صاحب سوزنک بخورد
که بسیار نافع است و مجرب از جهت زرده زخم که آب بیرون میدهد و شب نور هم
میکویند روغن کاو ۲ درم سفیداب قلع خالص موم کافوری مرداسنک
کوکرد خوب نرم صلایه کرده مرهم کند اول روغن کاو را یا روغن زرد
را کرم کرده بعد موم را در او اندازد بعد از آن پائین آورده از سر آتش
باقی دواها را نرم کرده داخل کند و قدری هم صلایه دهد تا خوب خمیر
دارند از جهت زخم بدن داشخت را بقدر پنج مثقال صفحه نازک او را در میان
قلوه کوسفند کذارد بعد سر قلوه را بهم آورده بر بچیده با پوست خودش
و در آتش ملایم کذارد تا آن قلوه بسوزد بردارد در میان قلوه دیکر
کذارد بدستور عمل کند تا پنج قلوه بعد او را در بول مرد اطفی نماید
تا پنج دفعه که خوب سرخ و سیاه کردد بعد نرم کند بر هر زخمی که در دکر
باشد قدری بپاشد دو ۳ مرتبه که چاق شود مجربست
سورنجان غاریقون سقمونیا سکبینج عودقاقله فاشرا طین مختوم فسدق
۲ ۸ ۶ ۶ ۶ ۴ ۴ ۴ ۴
انزروت صبر کابلی کتیرا مصطکی مقل ازرق حضض قسط سنبل حب البان
۴ ۱ ۴ ۱ ۴ ۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
عسل ۳ مقابل ادویه مذکور نرم کوبیده معجون درست کرده مدت شش ماه

بکذارد و بعد را در تابستان نیم مثقال بخورد و در زمستان خوراکش تا یکمثقال بیشتر
نخورد غاریقون رطوبت درختی است که بسته میشود در میان درختی که میان
تهی است قسط ۳ نوع است یکی سفید و سبک و خوشبو و یکی سیاه و سبک و یکی
سرخ و سنگین قشرش مثل بوته مو است و خوشه دارد زرد است از روم می آورند
و در کوهستان شام هم میرسد والسلام از جهة درد گوش جز تو سفید بوده سرخ
زعفران با سرکه قرص ساخته با روغن گل سرخ و روغن بادام بگوش چکانیده که
بسیار مجرب است   ایدل بغیر عشق مکن شیوه هوس   کز آفرینش تو غرض عشق بود
و بس از جهة درد گوش ایضا جعفری را گرفته خشک کند و نرم کند در میان روغن
خوردن کرم کرده تا بوزد بعد سرازیر کرده روغن او را بکیرد در وقت حاجت
در گوش بکه بچکانند درد ساکت شود از جهة درد گوش   اشتق را یکشب در سرکه
خیسانیده و قدری نشاسته در او کند و در بن گوش طلا کند درد ساکت
شود که مجرب است از جهة دفع اسهال   اسهال خواه بارد باشد و خواه حاد باشد
نشاسته طباشیر خرفه قدوصر با دهنک اجزا را اول بو داده بعد نرم کوبیده
و قدری را جدا کانه نرم کند سفوف نماید روزی یکمثقال با عشر کافته
شود و شفا دهد که مجرب است دفع اسهال   هستر غوره را گرفته با نبات

نرم

درد گوش
درد گوش
درد گوش
دفع اسهال
اسهال

نرم صلایه کرده در روزی یکدفعه سفوف کند بخورد اسهال را نافع بود
زاج مکلس را بقدر ۳ نخود الی کم و زیادی بخورد بعد ده دانه فلفل
در پشت از عقب او بخورد و یک نخود تریاک هم از عقب او بخورد تا ۳ روز متصل
چنین رفتار کند که بسیار مجرب است و آزموده شده حبکادکی

ربسوی

از جهة عقرب کزیده آهک

آب بذیده را با نوشادر خوب صلایه کرده بعد قدری آب بر زده تا مثل کوه شود بر جای عقرب
زده بمالد دفعه خوب شود که مجرب است از جهة لکه صورت و چشم   مکلس زاج سفید ۳۰ مرداسنگ ۵
زاج را در آب صاف قراح طبخ داده تا خوب محلول شود بعد مرداسنگ را در میان سرکه
طبخ داده تا حل شود بعد این هر دو را بجوش علقه گرفته در صورت بمالد اگر لکه داشته
باشد چاق کند و جای آبله را هم پر کند و سیاهی که در صورت باشد بر دارد و صورت
را هم جلا بدهد که بسیار مجرب است از جهة چرک آمدن گوش بکه دو دفعه تجربه رسیده است
۳ روز آب کرفس را بگیرد روزی یک پیاله ماست خوری مریض بخورد صحت یابد
از جهة سودنگ مجرب است   موی سیاه بید انجیر صد مثقال جو خشک هشت مثقال

عقرب زده
لکه صورت
دفع چرک آمدن گوش
سودنگ

اشنان ده مثقال شاهتره خشک ده مثقال گل گاوزبان ده مثقال حجر الیهود چهار
مثقال عرق گاوزبان نیم بتو بزی خارخسک ده مثقال تخم خیاردین ده مثقال
مافون اینست اول مویز را هسته بیرون آورده باشند با پنصد مثقال آب بریزد
تا بجوشد و ثلثین کرده کنار گذارد تا سرد شود و بعد دواها را کوبیده میان عرق
گاوزبان بریزد و شیره مویز را هم داخل کند و دو باره بجوشاند تا مکرر ثلثین
شود و قوام یابد و از سر آتش فرود آورده شش قسمت کند روزی یک قسمت او را
معالجه سنگ مثانه
با پنجاه مثقال شیر گاو حل کرده بخورد   و اگر بجهة معالجه سنگ مثانه بخواهند حل
واکند بهمین منوال بخورد تا شش روز اما روز ششم در ملاحظه سنگ نردبان
بیست پله آورده بعد از دوا بیست دفعه از نردبان بالا رود و پائین بیاید که
سنگ مثانه را حرکت دهد چون خسته شود در رخت خواب بخوابد و در وسط
دوا همان روز نردبان در زیر لحاف دکر در میان خیار چنبر که بی تخم باشد
بگذارد که سنگهای ریزه شده از مجری بول بیاید و ۳ روز هم تتمه دوا را بخورد
انشاالله پاک شود مثل مادرزا و غذای روز فرنی با قند یا نان کره گاو
سوزنک
یا آبگوشت مرغ با نان و عسل و کوره که عرقا و کم سرد شود والسلام   انجهة سوزنک
و سنگ مثانه که ریگ دارد و سوزنکی که چرک و خون باشد بدون دغدغه
التیام

التیام دهد یاد داشت شد که از کربلائی مکرم صوده در نزد اوست چون کتمانش
نبود تفصیل را در ورق سوده شد   انجهة سودا   برگ بید یکمن برگ چغندر یکمن
حنای برگ یک چارک هر سه را در میان چهار من آب بجوشانید تا نصف شود
بعد برداشته از برای رفع جراحت را خوب بشوید و ثفل انها را ضماد نمایند
دمل سود   که دهن جراحت داشته باشد و لته خراب و فاسد باشد علف شتر
خوار را با برگ بید از هر یک چارک و زرشک پنج سیر هر ۳ را نرم کوبیده
و جوشانید صاف نمائید و بعد جوشانیده را بقوام آورده برداشته مرهم
را بشوید و گل انار را با سماق بپاشد   از حکیم شوشتری جهت خارش و زخمهای سودا
وغیره که بکربلائی مهدی داده بودند   شاهتره خشک مویز سیاه بی هسته اشنان سفید
شاهتره را نرم کوبیده و مویز را هم له نموده و بقدر صد و پنجاه مثقال آب میان
مویز و شاهتره ریخته بجوشانند تا ثلث بماند و ثلثین و بعد شش قسمت
نموده هر قسمتی اینرا با عرق گاوزبان حل نموده تا شش روز هر روز وقت صبح
بخورد انشاالله خارش و زخمها بزودی التیام یابد که مجربست   انجهة زخم
سودا و غیره مجربست   روغن پوست نارجیل یکعدد نارجیل تلیان را در آتش گذارد
که مشتعل گردد در حالت استعمال برداشته در میان ظرف مس بگذارد و سر پوشی

بالای آن بگذارد و کج نگاهدارد آن ظرف را تا روغن سرازیر شود و جاری گردد
بردارد بر زخم استعمال نماید در اندک روزی زخمهای سودا خشک گردد از جهة
سودا — از نسخه‌های حاجی حسین خرچنگ یکعدد سنگ کبود یکمثقال خرچنگ را
با سنگ کبود را هر دو را بسوزانند و زهره را داخل کنند یا کوه لچک گاوی
مخلوط کرده بر زخم سودا بمالند انشاء الله نافع است از جهة مقعد سوزنک
خونی که از حرارت باشد ۳ روز روزی یک کاسه آب لعاب بزر قطونا را
بخورانند بعد بر حب انجبار و سفوف انجبار و حجر الیهود معالجه نمایند
از جهة دانه بواسیر مجرب است — دنکار را با شیر دختر با پنبه بگیرند دو دفعه بر دانه
یکی صبح و یکی شام انشاء الله تعالی دفع کند و دانه را بیندازد و افسرده کند از
حاجی بدرها نیست معالجه بواسیر — اولا بدان که فصد باسلیق و صافن و تنقیه
بواسیر بسیار نافع است و فصد باسلیق از دست چپ در اصلاح طحال که از آن نیز
اصلاح بواسیر کند و فصد زیر کاسه زانو اقوی از آنها و حجامت ما بین دو ورکین
بعد از تنقیه مطابق تنقیه ضعف قلب و بعد از تنقیه مداومت بمقویات معده
و خوردن شربت ماء الحیواة با سکنجبین بزوری و اگر عوض مسهلات اطریفل مقل
ملین از ۳ مثقال تا شش مثقال با آب گرم بنوشند بسیار نافع و مداومت

خوردن

بخوردن اطریفل صغیر و دارالدم بواسیر مجرب است و خوردن شربت زرشک بسی نافع
حقیر بعد از چند دفعه اطریفل صغیر مداومت بخوردن شربت زرشک کردم
بسیار نافع افتاد هرگاه حرارت در صاحب بواسیر باشد حرارت صداع حادث ظاهر
باشد شربت زرشک را پنج مثقال الی ده مثقال با عرق کاسنی یا بتنهائی میل کند
و بعضی اوقات مقل یا معجون خبث الحدید بخورد هر یک باشد بسیار نافع معجون
مقل هلیله کابلی آمله مقشر پوست هلیله زرد تخم گندنا تره تیزک تخم ریحان از
هر یک پنج مثقال مقل زرد پنجاه مثقال صبر زرد پنجاه مثقال مقل را در آب حل
کرده و سایر ادویه را نرم کرده و بیخته باهم سرشته و حبها بقدر نخودی بسازد
و از هفت دانه الی دوازده دانه فرو برند و همین اجزاء حب را اگر با دو
برابر مجموع ادویه عسل بقوام آورده سرشته معجون مقل است قدر شربت او
دو مثقال است از جهة گشودن خون بواسیر — فصد صافن بسیار نافع است اول
فصد و بعد ادویه‌ها را استعمال نمایند آب پیاز با زهره گاو استعمال نمایند
و اگر بخود مرهم زیاد کنند بهتر و اگر منفعت نشود هسته تمر هندی سرگین
اضافه نمایند و موبز را اضافه نمایند روغن کوهان شتر و مغز ساق
بره هر یک از اینها یا مقل یا بدون مقل خون را بگشاید — از جهة گشودن خون بواسیر
تباشیر تسکین درد بواسیر خواه اینکه خواه بعد از دواهای حاد و قطع
حادث شود اگر وجع بواسیر شدت کند و خون حبس شود او را بر نجم که مذکور

شد بنشانید وسعی کنند بگشاید و فصد باسلیق و صافن بکنند اگر ادام بگیرد
و تکرار فصد کند و بعد فصد نشانیدن زالو در مقعد ادام بگیرد بر تکرار
آن نیز عدد تا دو عدد معالجه وجع بواسیر اجتناب از حرکت و شربت لازم است تبرید
بمبردات دوائیه و غذائیه روغن مفتح خون بواسیر در وجع نیز نافع است
مرهم هائیکه مسکن اوجاع بواسیر است اینها است اکلیل الملک عدس مقشر از هر یک یک جزو
اجزا را نرم کوبیده با زرده تخم مرغ و روغن گل سرخ استعمال نمایند مرهم اول
گل خطمی تخم کتان از هر یک یک جزو مقل سائیده از هر یک نصف جزو افیون
و زعفران و بیاد روغن گاو و بختر از هر یک سدس پیه مرغ مغز ساق گاو و روغن
کوهان شتر زرده تخم مرغ بقدر سائر اجزا سرشته شود روغن ها را بگدازند
و با زرده و سائر ادویه مرهم نموده استعمال نمایند هم خون را می گشاید و هم
تسکین وجع میکند مرهم دیگر کندنا برلیتر نو پخته در زیر خاکستر گرم بر بزند
در روغن گاو کهنه با روغن مغز زردالوی تلخ بریان کنند و در هاون سرب
یا مس صلایه کنند تا مرهم شود بردارند استعمال نمایند و اگر قلیلی مقل اضافه
نمایند بهتر است یا اگر کندنا را اگر مدکور شد با سفیداب قلع و پیه مرغابی
و پیه گاو و موم کافوری مرهم نموده در وقت حاجت استعمال کنند مرهم دیگر
سفیده تخم مرغ را با روغن زرده او را با روغن گل سرخ و موم کافوری همه را
بگدازند و با قلیلی افیون و زعفران استعمال نمایند مجرب است مرهم دیگر

روغن

روغن هسته زردآلو را با سه مثقال صمغ سائیده را با دو مثقال مقل اجزا ها را
باهم سرشته استعمال نمایند مرهم دیگر مقل ازرق کوهان شتر مغز ساق گاو
هسته زردآلو صمغ سائیده زرده تخم مرغ روغن گاو قدری بیاد در آن خوب سائیده
باشند اجزا را نیک باهم سرشته استعمال نمایند که بسیار نافع است مرهم دیگر
روغن گل سرخ زرده تخم مرغ با قلیلی افیون و زعفران و بدون افیون و زعفران
هم نافع است اگر هیچ یک هم نباشد بر تنهائی زرده تخم مرغ کافی است مرهم دیگر
کنجد را نرم کوبیده با روغن گل سرخ و سفیده تخم مرغ استعمال نمایند یا آرد جو
و زرده تخم مرغ و روغن گل سرخ باهم ضم کرده استعمال نمایند و هر یک از اینها را
استعمال میکنند را اینها بروی پنبه بکشند و اگر در درون باشد پنبه را
بان آلوده نموده بر دارند چنانچه بدانها برسد و بگذارند مدتی و تجدید
نمایند اما ضمادات از جهت بواسیر زرده تخم مرغ و مغز نان نرم بفشرد روغن
گل سرخ ضماد دیگر کاکنج را با آب بپزند تا مهرا شود ضماد نمایند ضماد دیگر
پیه بز پیه اردک پیه غاز پیه مرغ خانگی مغز ساق گاو کوهان شتر
و روغن بنفشه بادام روغن تخم کدو موم کافوری اجزا ها را متساوی الوزن
با بگدازند و کتیرا و گل خطمی را نرم کوبیده باهم مخلوط نمایند استعمال کنند اگر وجع بسیار
شدید باشد ابعوک نبک را بگیرند و با قدری آب مخلوط کرده با خمیر و زرده
تخم مرغ و گل سرخ ضم نموده استعمال نمایند بسیار نافع بود بستن خون بواسیر

بجهت احزار بکشد این صورت را باین قاعده و در پشت
این عدد مطلوب را در مربع پر کند و استخراج ملائکه سبعه ٨٤
کند و بسماور بچسباند و روی صورت بسمت خانه مطلوب
باشد و ملائکه مستخرجه سبعه را باین عزیمه زم نماید و این عزیمه
را بیست مرتبه بخواند در ساعت سعد که قمر و زهره خالی از
نحوست باشند و بخور مناسب بسوزاند که مطلوب حاضر
میشود و عزیمه ای که باید خوانده شود در پشت صفحه است

طلسم یمین
یا نوائیل اجیبونی یا عائیل

٧	٧٦	٨٢	٥٦
٨	٥٨	٦٨	٧٨
٦	٨٦	٧٢	٦٤
٧٤	٦٠	٦٢	٨٤

یا فدائیل واطیعونی یا علائیل

طلسم یسار
یا مائیل اجیبونی یا نوائیل

٥٤	٦٥	٦٤	٤
٦٦	٤٢	٥٢	٦٣
٤٤	٧٥	٥٤	٥
٥	٤٨	٤٦	٦٨

یا علائیل واطیعو یا نسائیل

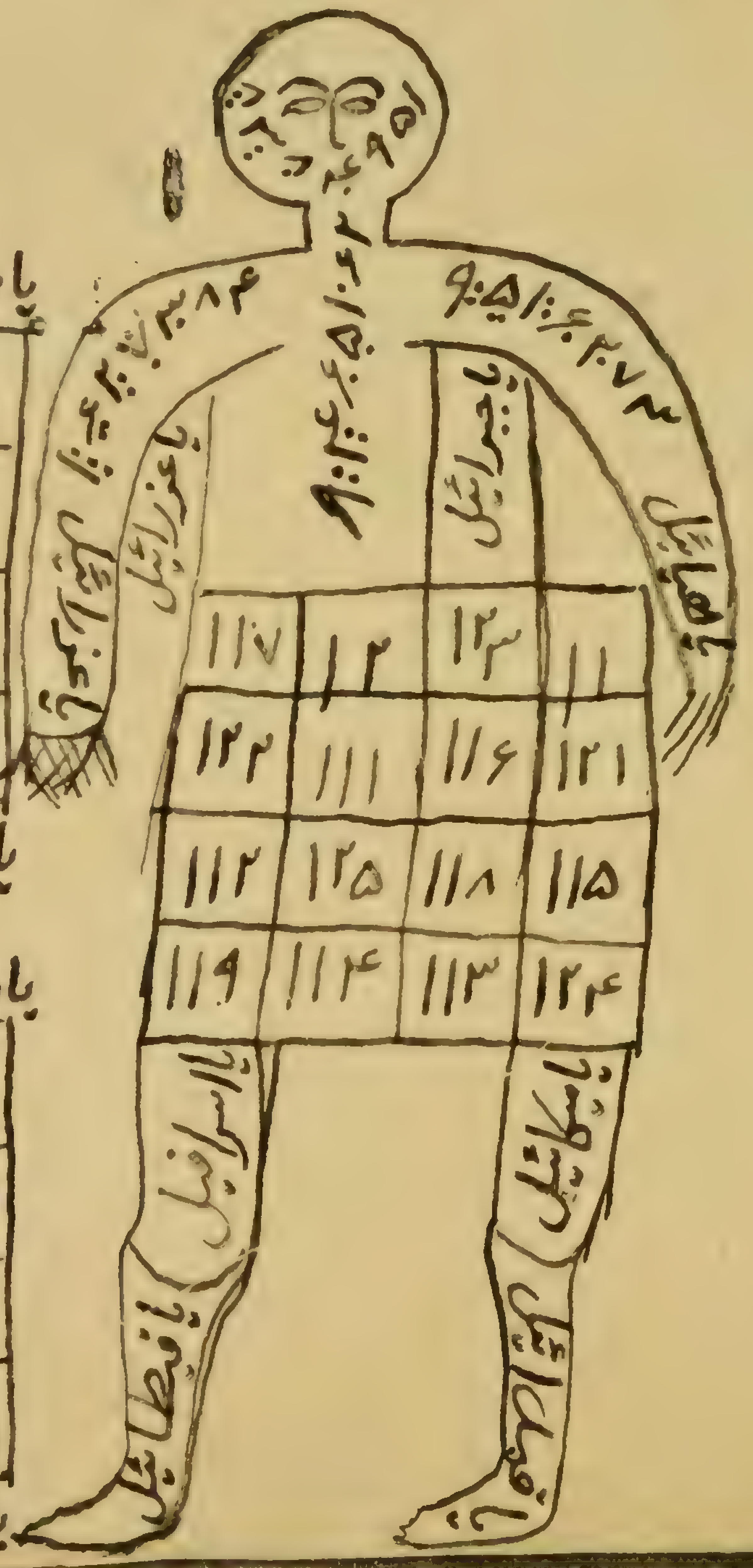

دفع بواسیر

از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست که هر که این دعا را تعویذ کند شر بواسیر
از او کفایت کرده یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا بادی
یا راحم صل علی محمد و آل محمد واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی

مسح	سلح	هو	ملح
ملع	اللح	اما	اسو
کاد	سلع	وح ما	سلح

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ساکن [illegible]

[illegible]

[illegible]

علی اکبر زاد نبات فاطمہ زاد گوہر ملک صغرا زاد

۱۵۴۶

بجهت احضار باید سوره والضحی را هفتاد مرتبه
بخواند و دویست مرتبه این اسمائرا بخواند یا طرٰ
خلیثاً یا شهیثاً یا سلیثاً بعد سیصد و سی و
شش مرتبه بگوید یا مصور صورتی و رغبتی و بعد
سه مرتبه این کلماترا بخواند اللهم سلط صورتی
و رغبتی و محبتی علی قلب فلان ابن فلان حتی
لاینام و لایرقد و لاتاکل و لایشرب و لا
یجد راحة ساعة و لالحظة الا عند
حتی تطیعنی اطاعة تامة العجل ۳

الوحا ۳ الساعة ۳ بسم الله الرحمن الرحیم
والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد
الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن
تقویم ثم رددناه اسفل السافلین الا الذ
ین امنوا وعملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنو
ن فما یکذبک بعد بالدین الیس الله
باحکم الحاکمین

علی اکبر زاد نبات فاطمه زاد گوهر ملک صغرا زاد

۱۲۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم وَالشَّمسِ وَضُحٰيها والقمر
اِذا تليٰها والنهار اذا جلّيٰها والّيل اذا يغشيٰها والسماء
وما بنٰيها والارض وما طحٰيها ونفسٍ وما سوّيٰها
فالهمها فجورها وتقوٰيها قد افلح من زكّيٰها
وقد خاب من دسّيٰها كذّبت ثمود بطغوٰيها
اذ انبعث اشقيٰها فقال لهم رسول الله ناقة الله
وسقيٰها فكذّبوه فعقروها فدمدم عليهم ربّهم
بذنبهم فسوّيٰها ولا يخاف عقبٰيها

بسم الله الرحمن الرحيم والضحى والّيل اذا سجى
ما ودّعك ربّك وما قلى وللاخرة خيرٌ لك من الا
ولى ولسوف يعطيك ربّك فترضى الم يجدك
يتيماً فاوى ووجدك ضالاً فهدى ووجدك عا
ئلاً فاغنى فاما اليتيم فلا تقهر واما السائل فلا تنهر و
اما بنعمة ربّك فحدّث

علی اکبر زاد نبات فاطمه زاد گوهر ملک صغرا زاد

۱۵۴۲

فایده اگر کسی حضض مکی را در آب تا بگذارد و بچکاند در دماغ
دماغ را نیکو کند دفع خون بود و قند باید و خمیر کند بر کرد شراب
و بمالد بر صورت و چشم منع میکند خون آمدن از دماغ را ایضاً نمک
و کافور هر دو را بساید و بچکاند در دماغ قطع کند ایضاً برگ بید
و نشاده ادیم را بچکاند در دماغ خون آمدن را قطع کند

دفع خون از دماغ

للفایده اکرکسی حضض یکی را در آب تابکذارد وبچکاند در دماغ دماغ را نیکوکند دفع خون بود وقسباید وخمیرکند بسرکه شراب وبمالد برصورت وچشم منع میکند خون آمدن از دماغ را ایضًا نمک وکافور هر دورا بسایند وبچکانند در دماغ قطع کند ایضًا برک بیض ونشاده ادیم را بچکانند در دماغ خون آمدن را قطع کند

دفع خون آمدن از دماغ

١٢١٠ ٠

للفایده اکر کسی حضض مکی را در آب تا بکذارد و بچکاند در دماغ
دماغ را نیکو کند دفع خون بود و قسباید و خمیر کند بر کبر شراب
و بمالد بر صورت و چشم منع میکند خون آمدن از دماغ را ایضاً نمك
و کافور هر دو را بسایند و بچکانند در دماغ قطع کند ایضاً بورك بیص
و نشادر و ادیم را بچکانند در دماغ خون آمدن را قطع کند

دفع خون آمدن از دماغ

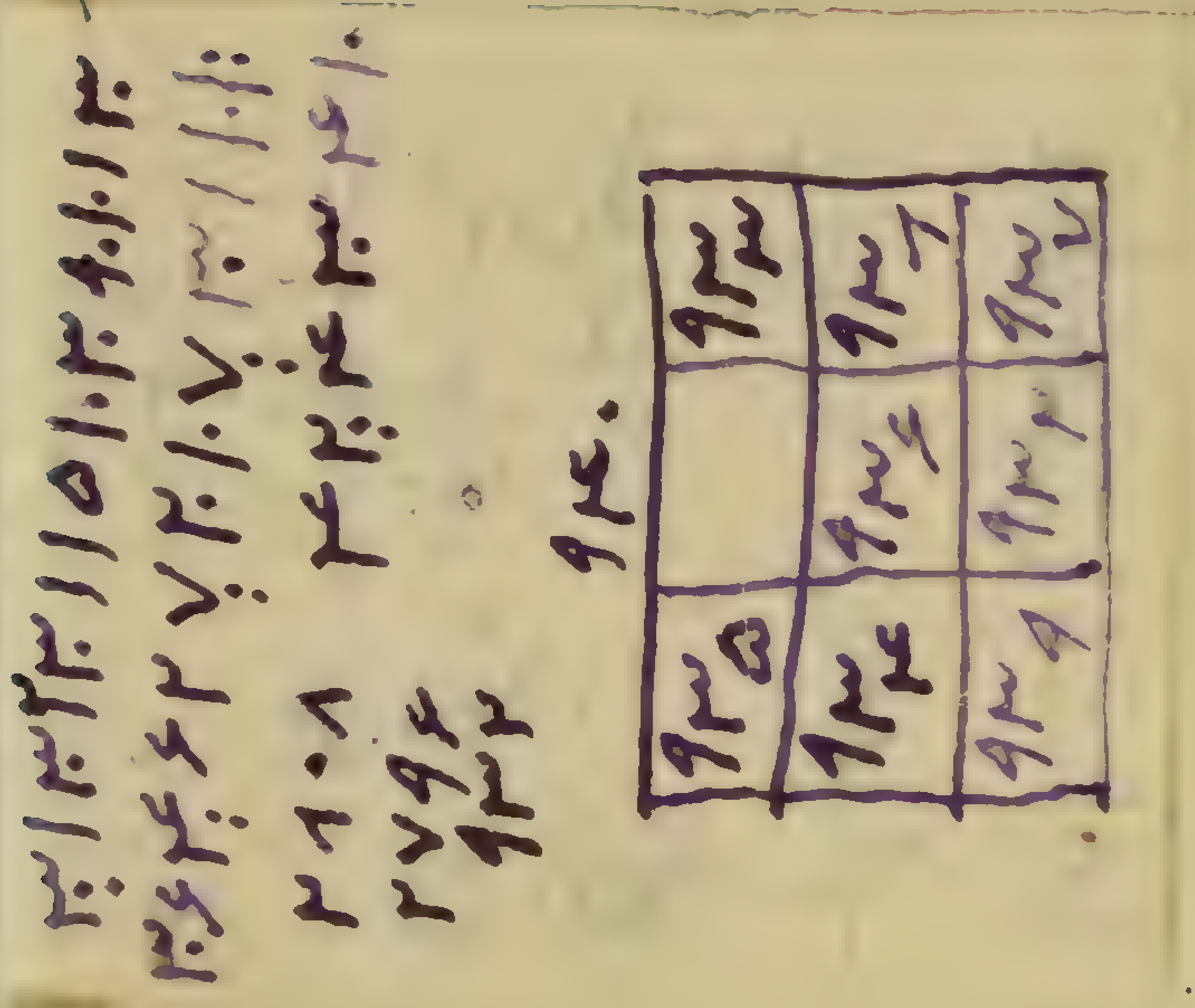

فصل در باب خواص بعضی از حیوانات اگر کسی مکس را در سر سوزن کند با آتش
بسوزاند بعد آن سوخته را بر ابروی خود مالد موی ابرو دراز کند
و سیاه کرداند که مجربست خواص زهره گاو اگر کسی شوید را در جامه خواب
بگذارد گکها بگریزند خواص سم بز اگر کسی سم بز را در زیر کودک
آتش کند کودک دیگر در جامه خواب نشاشد خواص موی خوک اگر
کسی موی خوک را با برگ کاهو بپیچد در زیر سر کسی نهد بیدار نشود
خواص زهره مرغ اگر کسی زهره مرغ خانگی را بر ذکر مالد و جماع کند در حال
زن آبستن شود خواص پوست شیر اگر کسی پوست شیر را بسوزاند با
روغن کنجد ضم کند در جای موی کنده بشت ظاهر نمالد دیگر موی
نیاورد مجربست اگر جامه جرب شود با آب باقلا بشوید چرک او پاک
شود خواص موی بغیر در جائی دود کند بشر فرار کند مجربست
دیر آمدن انزال مرد بنویسد در موم کرده در دهان گذارد تا
در دهان باشد انزال نیاید خواص سم اسب هر کس سم اسب را بسوزاند
با روغن بجوشاند بعد در جائیکه موی او رفته باشد بمالد
موی برویاند

از جهت محبت بی نظیرست بیاورید چهل مثقال قند سفید را چهار مرتبه سوره مبارکه الحمد را باید
بخواند باسم هر کس که خواهد و اسم مادر او و چهار مثقال نبات را هم چهار مرتبه سوره

انا اعطیناک

انا اعطیناک الکوثر را بر او بخواند بعد چهار مثقال شکر سفید را
چهار مرتبه سوره اذا زلزلت الارض را تمام بر او بخواند و بعد
چهار مرتبه سوره لایلاف را بر نبات بخواند بعد چهار مثقال
کزنگبین را چهار مرتبه سوره قل هو الله احد را بر او بخواند
بعد بیاورد چهار مثقال خرما را و چهار مرتبه سوره والتین
را بر او بخواند بعد چهار مثقال مویز را یا انجیر را هر کدام
که خواهد چهار مرتبه آیه محبت را بر او بخواند و بعد بیاورد
ترنجبین را چهار مثقال و چهار مرتبه سوره الم نشرح را بر او
بخواند بعد همگی را مخلوط بهم نموده بخورده مطلوب دهد که از
عشق بیقرار کردد آزموده و مجربست و آیه محبت اینست من یتخذ من
دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله
والقیت علیکم محبة منی ولتصنع علی عینی رب اشرح لی صدری
ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی وافوض امری الی الله
بصیر بالعباد بنام فلان بنت فلان از جهة گشایش کارها در هر صباح
صد مرتبه بخواند این کلمات را حمدا لك نبغی منك فلاح شکرا لك فی کل

صَبَاحٍ وَمَسَآءٍ مِنْ عِنْدِكَ فَتْحُ كُلِّ بَابٍ وَفُتُوحٍ اِفْتَحْ لِي اَبْوَابَ فُتُوحٍ
فَتَّاحُ از جهة كم شده و كريخته هركه چيزى از او كم شده باشد يا بنده
از او كريخته باشد اين دو بيت را مكرر بخواند نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبْ
تَجِدْهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبْ كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي بِعَظَمَتِكَ يَا اَللّٰهُ
بِنُبُوَّتِكَ يَا مُحَمَّدُ بِوِلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ از جهة تب و لرزه
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى بر كاغذ بكر بنويسد
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ و بر كاغذ بكر بنويسد
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بعد
هر يك را ٣ مرتبه سوره قل هو الله احد را تمام بخواند بر هر يك دميده در زمان
تب آمدن يكى را بلع كند از جهة كم شده يا دزد برده در شب دوشنبه يكصد و ٢٠
مرتبه بخواند و بخواب رود دزد را در خواب ببيند يَا قَيُّومُ فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ
عِلْمِهِ وَلَا يَؤُدُهُ

عمل مرواریدها: مرواریدها یا صدف را بعد از شستن نرم کوبیده و در شیشه و صینی
کرده بعد با آب لیموی ترش یا آب ترنج صاف بقدری که بروی او درآید
بپوشاند چهارده روز یا بیست روز در زبل اسب دفن کرده بگذارند
تا حل شود و بقوام آورده خمیر کردد و فرادۀ مصعد از نمک و زاج بقدر
مروارید اضافه نماید دستکش حریر در دست کرده و کف دست صدود نمانده
و باید دست خالی بأو نزنند و با میل نقره بسیار باریک یا موی خوک که خشک
چوب کرده باشد در حین رطوبت مروارید را سوراخ نماید بعد از
شدن بیرون آورند خشک شده تمام روز بریشه بمالند تا جلاء یابد
پختن ماهی ماهی را بپزد که هیچ استخوان در او نماند طریقه آن اینست که بوده شد
در ساختن اسلحه در ساختن اسلحه کاغذی یکبند روی خمیر

سوخته و توبال آهن هر یک جزوی بسایند و هم وزن
این هر دو بلور حمله را سابیده باز بر سنگ سحق
وصلایه کنند و سرکه بر وی افکنند و بسایند و هر ساعت سرکه میریزند
و میسایند تا شب و چون طیار شد و خواهد که از کاغذ اسلحه بسازد از
جوشن و کستان و هر نوعی از کاغذ را این اخلاط بمالاند با بریشم

پختن ماهی

ساختن اسلحه

يَا مُنحَادِيثُ يَا سَيَادِيثُ يَا مُتَقَلِّمَعُ يَا مُسْتَطِيعُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ از جهه طاعون این طلسم را بنویسید در آب بمالد

بخورد انشاء الله مجربست بسم الله الرحمن الرحيم ٩١١١٨ ط م ا م

معجون نارجیل باه زنبق قلع ملقم کرده کبریت روغن زیت زرنیخ
٢ ٢ ٢ ٢ ٢

میان مغز نارجیل بریزند دهنش را با دو بند گرفته میان زبل اسب انداز

بگذارد تا حل شود بعد بیرون آورده درس خفیف بدهد و بعد با روغن

کنجد حب نموده وقت حاجت بقدر یک کندم بخورد عجایب بیند کره

ساختند تخم بره جوز نارجیل جوز خشک کرده کوبیده قدری کره

با اجزا بهم قاتی کرده یکمثقال اکثر یکروز یک ماست طرح کند کره ساختند

ایضا تخم بره شیر خود کرده بکوبد مخلوط کند در جای

رطوبت دار بگذارد کرم شود بعد همه یکو را بگذارند بخورد تا یکی بماند

خشک کرده یکمن ماست یکدینک از کرم خشک شده بزند ماست را متصل

حرکت بدهد قیماق ساختن خیار را خشک کرده کوبیده مقابل آن نشاسته

کوبیده مخلوط کرده شیر روی نکوفته را کرم کرده اجزا را در میان تابه

ریخته بر بالای شیر بگذارد قیماق شود انرا برداشته دیگر باد بماند

بنیر و هرجا که سوراخ کرده نی باشد درحال بکند که بعد از خشک شدن

سوراخ نشود بعد از آن رنگ روغن بزند و منقش کند سلاحی شود که

هیچ حربه بروی کار نکند عالم الغیب فصل در باب ختم هفت روز روزه

بدارد و حیوانی نخورد اول روز یا حی و یا قیوم ذکر کند روز دوم

هزار مرتبه وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو بخواند که درد نو دانی

پیدا شود پانزده درهم نقره بشود هذا از اسرار است فصل هرکس این طلسم را

هشتم
در روزه غره ماه بنویسید و در کیسه خود گذارد هرگز محتاج نشود

دح وو
بسم الله الرحمن الرحيم ل

ذو الطول ذو الطول ذو الطول ذو الطول ابن ذو الطول

والصولابن ذو الطول ذو الطول

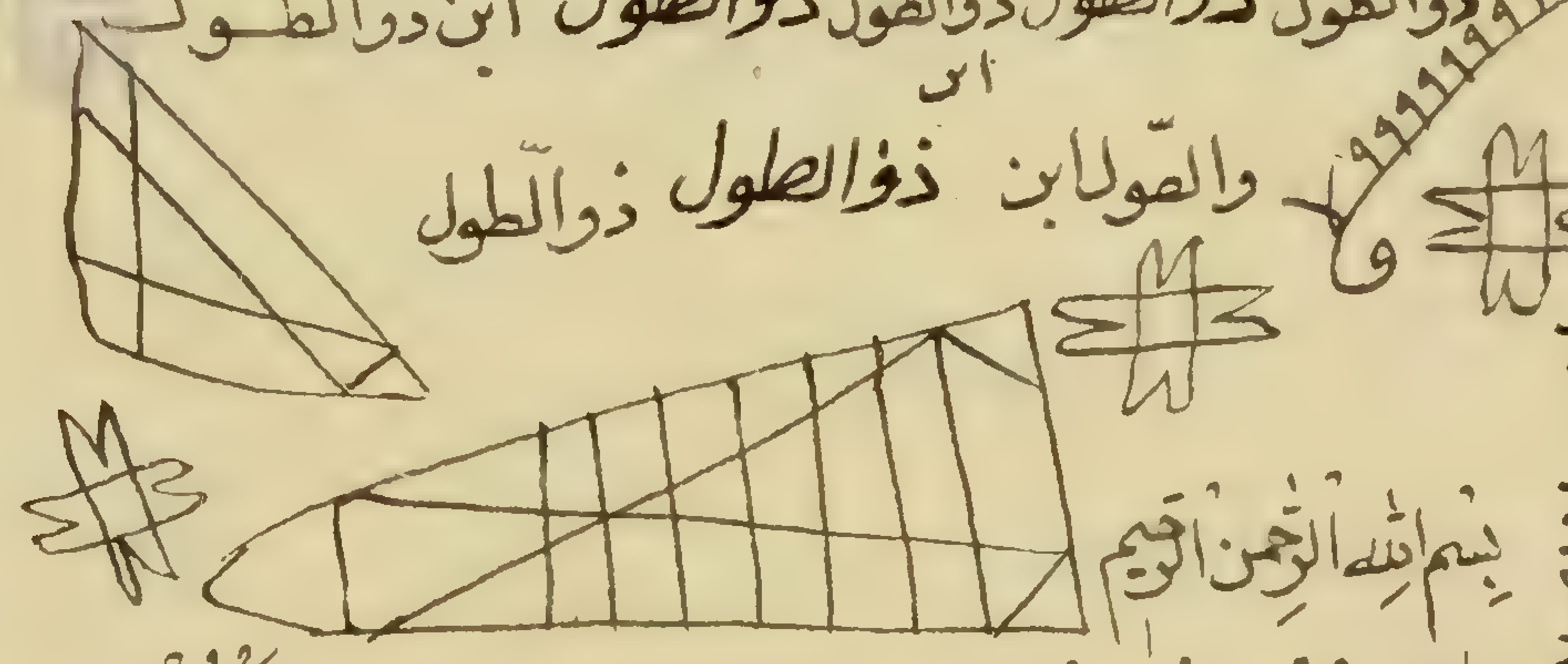

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ يَا مُشَلِّبَالِغُ يَا مُنجَعَالِعُ يَا مُشَلَّسَا يَا مَيَالبُوسِ يَا رَغْبُوسِ

يَا مُشْتَرِيَا يَا مَشَاكِينَا يَا طَيهُوثَا يَا مَغلَطَلُونَ يَا قَيغُوثَرثُونَ

يا

يا ذا الجلال والاكرام يا ذو الطول يا رزاق ... يا غنى يا لطيف يا سميع ...

بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله رب العالمین الی من طرق الدار من
العمار والزوار الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان
تک عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما فهذا کتاب الله ینطق علینا وعلیکم بالحق انا
کنا نستنسخ ما کنتم تعملون ورسلنا یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب کتابی
هذا وانطلقوا الی عبدة الاصنام والی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله
الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون حم عسق تفرقت اعداء
الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد سیدنا وآله الطیبین الطاهرین

عزیمه ختم مادر موسی ع یا حساب جمل کبیر یا بعدد اسم خود قرائت کن از طلوع آفتاب
بخواند برای گشایش جمیع کارها شما قفل و کار بسته را در وقتی که مفروض
شود این عزیمه را یکمرتبه بخواند و بعد شروع در کاری که منظور است
نماید و شرح و خواص آن بسیار است از آنجمله دخول بر حکام و سلاطین و عقد
اللسان و فتح کارهای خود این اسم را بعدد اسم خود بخواند و بر خود دمیده
و هر یک از علما این اسم را بقسمی دانسته اند نهایت اصح اینست که مرقوم

شده

شده عزیمه مذکور اینست هو المستعان بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح بلا مفتاح
افتح لنا بحرمة ام موسی حریاث مریاث شریاث شیثاث کیراث طشاث
تخفیف بوحابص توحابص توخابد نوشابد یاجاث یا کافلنا یا راحلنا نخمه
نجبة بوخاء بنت لاوی یعقوب علیه السلام یا مجری الفلک فی البحر
بامره انک بالناس لرؤوف رحیم سخر لی هکذا وهکذا بعد این عزیمه و این
اسم را باین طریق بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ام موسی مهران بسم الله
الرحمن الرحیم ام موسی واهیا شراهیا یا هیا تلاف شاق نجلا عثنا بحق
ام موسی یا هذا القفل افتح باذن الله تعالی و از جهه کارهای دیگر
بجای هذا القفل اسم آن مطلوب را ذکر کند و از جهه فتح قفل بعد از
خواندن عزیمها که نوشته شد در روز تحویل حمل هر روزه چهل و یکمرتبه این
اسم را بخواند تا ۳ روز و بعد از ۳ روز در روز سیم این اسما را بر حدید
یا چیز دیگر نقش نماید و انگشتر ساخته در انگشت کند لمیوطوش مهطوش
یوم تمور السماء مورا یا مهران و در وقت از انگشت کوچک بیرون آورده
در انگشت سبابه کند و باید که از روز تحویل حمل که روز نو روز است تا ۲۱
روز ایندعای عزیمه را با اسم ام موسی که مذکور شد یکمرتبه بخواند و بعد از آن
اسم ام موسی که مهران است بعدد اسم خود باین طریق بخواند که مهران
و بعد از آن یکمرتبه اسم ام موسی را باین قسم تلاوت کند بسم الله الرحمن الرحیم

ام موسی را هیّناً شراهیّناً تا آخر که مذکور شد گذشت و اذ اینکه تمام را خوانده
این اسماء را بعدد جمل صغیر یکصد و بیست یکمرتبه تلاوت نماید یا الوما شیل
بحق مهراز یا عظیم ذو الثناء الفاخر وذو العزّ والمجد والکبریاء فلا تزل
عزّه یا معزّ کلّ ذلیل هو المعزّ تمام شد روایت کرد کلینی از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گفت که هر که در وقت خوابیدنش در بستر راحت سه مرتبه این
دعا را بخواند از جمیع گناهان خود پاک شود مثل روزی که از مادرش متولد شده
باشد الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر والحمد
لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء
وهو علی کلّ شیءٍ قدیر از جهة وسعت رزق هفت بار بخواند خاصیت
تمام دارد یا سمیهیثا بعدد اسم مبارک حضرت امیر علیه السلام از شیخ محمد
بابویه القمی علیه الرحمة در من لا یحضره الفقیه از امام ناطق جعفر بن محمد الصا
دق علیه السلام رسیده است که خواب در کدام شب صحیح و معتبر است در شب
۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۸ ۱۹ ۲۱ ۲۴ ۲۸ ۳۰ اما آخر کاذب است و بر
تعویق افتد شب ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ آخر کاذب است شب اول
و ۱۳ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۹ و آخر بر عکس است در شب ۲
و ۳ و ۲۳ و ۲۴ بسم الله الرحمن الرحیم قال امیر المؤمنین علیه السلام
من قرأ سورة الفاتحة علی هذا الوجه الذی ریت وصل جمیع المرادات الدنیا
والآخرة

روایت شیخ کلینی از امام

و سعت روزی

والآخرة بالتیسر و سخّر الله له قلوب بنی آدم و بنات حوا و رفع الله من جمیع
البلا و ذلات الدنیا والآخرة فیکون القراءة کل یوم مرة واحدة روی عن
الشیخ البخاری من داوم ولازم بقراءة الفاتحة علی هذه الوجه لا یحتاج الی
احد فی حوائج الدنیا و فتح له ابواب الخیر والسعادة والوجه الذی شرط هذا
نقل است هر گاه اسم مبارک امام محمد جواد علیه السلام را در اداء دین مجرب است
بحروف مقطعه بر بالای مبلغ زرد یا سفید بسر قلم بی مداد یا با نوک قلم تراش
بنویسد آنرا همراه خود بدارد دین زود ادا کردد و مجرب است فصل
فصل در تفسیر مدارک نوشته است که حضرت جل و علا له میفرماید که هر کس
این پنج آیه مبارکه ربنا که در سوره آل عمران است بهر حاجتی که داشته باشد
بخواند البته حاجتش برآورده شود و مجرب است ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار
ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفّر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار
ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک
لا تخلف المیعاد اللهم صل علی محمد وآل محمد وسلم و بحق کهیعص

عریضه صاحب الامر

عریضه نوشتن بخدمت امام زمان بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم بسم الله الملك الحق المبین من عبد ذلیل الی المولی مسّنی
الضر وانت ارحم الراحمین شش مرتبه بخواند و در آب اندازد یکی در
روز چهارشنبه ویکی در ظهر روز پنجشنبه ویکی در ظهر روز جمعه در آب
اندازد وچون عریضه در آب اندازد بگوید اللهم بحق محمد وآله الطاهرین
وصحتك المرضیین اقض یا امینی یا اکرم الاکرمین

عریضه بخدمت حضرت حجت

ایضاً طریقه عریضه نوشتن بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام
اول سوره الفاتحه را بنویسد در عریضه وبعد آیة الکرسی وبعد
آیة العرش وبعد بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل
فلان ابن فلان الی المولی الجلیل الذی لا اله الا هو الحی القیوم
سلام علی آل یس وآل یس محمد وعلی وفاطمه الحسن والحسین وعلی ابن الحسین
ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد ابن الحسن حجتك
یا رب العالمین اللهم یا حی اشهد انك انت الله الهی واله الاولین
والآخرین لا اله غیرك الوجه الیك بحق هذه الاسماء التی اذا
دعیت بها استجبت واذا سئلت اعطیت لما صلیت علیهم وهونت
علی خروج دوجه وکنت لی قبل ذلك عیاناً وجیراً ممن اراد ان یفرط

وبحق حمعسق وبحق حم حم حم حم حم حم حم والم الم الرا الرا الرا وبحق طس
ویس وبحق یا قهار یا دافع یا مجیب یا اسمع السامعین یا ارحم الراحمین
یا خیر الناصرین یا خیر الفاتحین یا مقیم یا کریم یا رحیم وصل الله علی
محمد وآله وسلم طریقه ختم قل هو الله احد از برای محبت اینست اگر مرد برای زن
بکند یا زن برای مرد بکند هر دو نوع مذکور شده بیاورید سیصد و شصت
و شش دانه جو را و بر هر دانه او یکمرتبه سوره قل هو الله احد را با بسم الله
بخواند و هر مرتبه که خواند بگوید ای خدای من و خدای جهان تو فلان
کس را مطیع من گردان و بعدم سیصد و شصت و شش بار دهم قل هو الله
احد را با بسم الله بخواند و بدمد بر جو بعد از اتمام شدن یکبار دهم سوره
انا اعطیناك الکوثر را تمام بخواند و بدمد بر جو بعد قدری آرد جو را
آورده خمیر کند و آن جوها را در میان خمیر بگذارد اگر مرد از برای زن کرده
باشد بدهد بخر ماده و اگر زن از برای مرد کرده باشد بدهد بخر نر دهد
و بگوید ای خر بود هم چنانکه از عقب گاه وجو میدوی فلان کس از عقب
من بدود که بسیار مجرب است انجمه اضداد که جمیع استادان این فن
به تجربه رسانیده اند باید که عامل با وضو باشد و رو بقبله بنشیند
و عدد اسم طالب و مطلوب را با اتها گرفته و باین عدد ۹۰۴۹ اضافه
نماید و در مربع بر کاغذ بنگارد و با خود دارد و بعد بیاورد لوحی از آهن

ختم قل هو الله احد

انجمه اضداد

نقش

علی او یطفی و بعد حاجت خود را بخواهد و این عریضه را در میان کلوله کذارده و بعد سوده مباد کر یس را بر آن خواند و کلوله را در چاه عمیقی یا نهر آب جاری عمیقی یا چشمه آب جاری بیندازد بعون الله حاجتش روا کردد

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

از جهة ضعف باه تخم کرفس استاد تخم زردک استاد تخم شبت استاد قرنفل دو درم مصطکی دو درم عود خام دو مثقال همه را نرم کوفته با عسل معجون کند و هر روز ۳ درم بخورد نافع بود ایضا دو درم تخم ترب بروغن بجوشاند در قضیب بمالد نافع است ایضا تخم کندنا تخم ترب قرنفل بریان کرده با عسل جوشانیده یا حب کند دو دانه در دهان کذارد تا مادامیکه در دهان باشد انزال نشود ایضا بنویسد بر ورق قهر نقره یا طلا یا مس در دهان کذارد انزال نشود ٩١١١ ط ط ٩

از جهة عقرب کزیده و مار کزیده سیکفرین از مطرد ابخواند و آب هم در جای عقرب زده اندازد اما عقرب کزیده هم نفس را نکهدارد دهلا دهليلا ذهلينا و رحمها منطعقرم هفت مرتبه بخواند و بر عقرب بدمد کر دیکر عقرب از جای خود حرکت نکند

از جهة مار کزیده و عقرب کزیده اوجی بوجی سالدرن نوجی سنندن یوجی هاوجی کاوجی هی هی کش کش بموضع زخم بر بندد که مجربست س س س س س س س س س س س س س س سلام علی العالمین تمت ملحة قریاسی بر اقتطع و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما

هلاك دشمن

از جهة هلاكت دشمن اگر خواهي كه دشمن هلاك كردانى بياور يك دل گوسفند كه عيب كه افتاب

نه بيند واين طلسم را نوشته در ميان دل گذارد و هفت سوزن فولاد بر آن دل بزند و در گور

ستان كهنه دفن نمايد كه انكس هلاك گردد واگر در حال سوزن زدن بود لخون از دل

بريزد انكس كشته گردد و عمل عبرانيانست مكرر تجربه رسيده واز نا اهل مخفي داريد كه مرتكب

اين عمل شود واگر در حق مومني كند برخود بر گردد نعوذ بالله من غضب الله در ساعت

قمر در عقرب لباس سياه در بر كند و بخور كند و فضله سگ سياه بوده باشد ايضًا در هلاك

دشمن بگيرد عدد اذا زلزلت الارض را و سوره الم تر كيف

وعدد اين فراهم الله مرضًا در مثلث ثبت نمايد و در

كفن مرده بنويسد در اينك زمانى بميرد از موده

ع م هـ او ما
ادر هو و لد لد الا دا غ
على هذا ان فلان بن فلوصعى

ومجربست وبود در مثلث بنويسد هاروت وماروت ان السلطان مريع بتيهم القتل والا

الحرث واللعنه الى يوم القيمة

بجهت پيدا كردن دزد بنويس اين طلسم را و در دهن خيك

بگزار و خيك را بر باد كن كه در همان ساعت شكم دزد باد كند

وطلسم اين است ور ۱۱ ۱۱۱۱ ع ل ك واين بز نر را بايد كه

در پشت طلسم كوچك لعه ۹ م ۱۱ ۹ الا ۱۵۱۱

نوشته شود

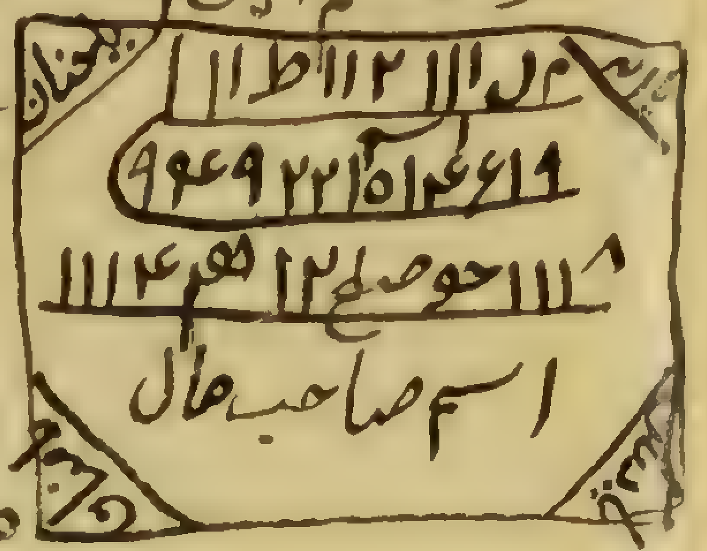

الضا بر هفت پاره كا

غذ بنويسد در روز يكشنبه

در وقت زوال بود در آن

در ان مشك نهد و بر باد كند كه شكم دزد ورم

ميكند و الاماس ميكند و صورت اين است

۵۹۱۳۵۲۱۵۵۱۶۴۱۹۱۳۵۵ ۱۴۵۱ع۴ ۹ع ۵ دع ۹ع۴ ۲۵۵۲۵۴ع۶ لو

ایضاً باب سیم در دفع اقسام تب و در این باب چند فصل است فصل اول در
دفع تب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله را تب گرفت جبرئیل ع بعیادت آنحضرت آمد و این افسون را بر او
خواند در ساعت زایل شد بِسْمِ اللهِ اَرْقِيكَ وَبِسْمِ اللهِ اَشْفِيكَ بِسْمِ اللهِ
اُداوِيكَ مِنْ كُلِّ داءٍ يُعْيِيكَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ شافِيكَ بِسْمِ اللهِ خُذْها
فَلْيَهْنِئْكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ فَلا اُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَءَنَّ
بِاِذْنِ اللهِ فصل چهارم تب غب از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که این تعویذیست برای تب برای شیعیان ما ۳ نوبت اینها را
میخوانند تا خدای تعالی شفا دهد بحول و قوت خود اَرْسِلْ يا اَللهُ
يا رَبَّ الاَرْبابِ يا سَيِّدَ السّاداتِ يا اِلٰهَ الاٰلِهَةِ يا مَلِكَ
الْمُلُوكِ يا جَبّارَ السَّمٰواتِ وَالاَرْضِ اشْفِنى وَعافِنى مِنْ دائِى
هٰذا فَاِنّى عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اَتَقَلَّبُ فى قَبْضَتِكَ وَناصِيَتى
بِيَدِكَ و در حدیث آمده که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام
شکوه کرد از تب و عرض نمود که یکماه است تب میکشم و آنچه اطبا گفته
اند بعمل آورده ام و بر طرف نشده حضرت فرمود که بندهای پیراهن را
بگشا و سر در گریبان پیراهن داخل کن اذان و اقامت بگوی و هفت مرتبه

انجمة مجامعت

سوره الحمد و معوذتين را بخوان انجمة جامعت اگر خواهد بسيار مجامعت كند
وانزال نشود بر پوست آهو بنويسه ٥٩١١٥٥١١١١٩١ط ١١١ ٩٤٩
وبر پشت ببندد بسم الله الرحمن الرحيم ما ما محكم

نوع ديگر

املح ملح دح هح هيح بسملس طوي ماه ماه سحا سحا عجيبا عجيبا نوع ديگر
اين اشكال را نوشته بر كمر ببندد اگر با صد زن مقاربت كند برقرار ماند
٥٥٥ط٥١ ٣H ٥١١١١١٩ ردم ١١١ ٣١٢١٤ طط ١١١٤ و
الله الله الله الله الله الله الله و ٥١١١م ١١١ح اط ٩ ١١١ ٨ ١١ كوه
٩ ٩ ٩ ١١٥ ٧ ٩١ ط ١١١ ٩ ١١١ ٨ ١١١١١ ٩ ١١١١١١ ١١١ ٦ ١ ٩

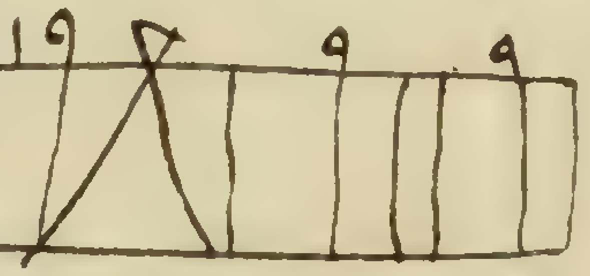

ع ا٥ ٧٧ ٦ ١١١ لم H لم ٩٧ ط ٩ ه

الله الله
الله باسم فلان بن فلان الله

انجمة قوة باه

انجمة قوة باه وسرعت انزال سر نابيخ را بود اشتر
٣ سوراخ كند و ٣ مثقال ترياك خوب را فتيله ساخته در سوراخهاي نابيخ
گذاشته و سر او را محكم گرفته بعد از آن بگل گرفته دمس داده بعد بيرون
آورده تخم او را بيرون كرده تخم را با عسل ممزوج كرده حبها ساخته (تخم را)
بخورد تا نمك در دهان نگيرد انزال نشود كه مجربست حب مصمي بادام
جان در تقويت باه وشدت نشاط وطول انزال زياده از دو ٣ حب
نميتوان خورد يؤخذ من النخمة الفيل ودماغ العصفور وخصية الديك

وبزر

وبذر البصل والبجل وخولنجان وفحل النحل وبوزيدان وسورنجان
ودار فلفل وشقاقل وخصية الثعلب وفرفيون يدق ناعماً ويوزن
ويعجن بعسل النحل التي لم تمسه النار ويحبب على قدر الحمص ويؤكل الى
ثلثه على حسب المزاج والاحتياج وان زيد فيه من المسك والعنبر والزعفران
كان اولى ايضاً آورده اند كه هفت بار برآب خوانده وبخورد بسته شود (زنجير بستن)
وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي امساك حاصل شود وچون خواهد بگشايد برآب بخواند
وبخورد كه اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا گشاده شود انجمة انزال نشدن سنبل بر ناف ماله
انزال نشود ايضاً در نسخه بنظر رسيده كه اگر كسي را شهوت كم شده باشد
اين شكل را بنويسند و بآب بشويد و بآب ناشتا بخورد ١١١٨ ١١ ١١١١ ٤ ١١١ ٤ ر ده ٥ و ي م
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم بحق اهيا شراهيا بحق كهيعص بحق حمعسق بحق
لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم والله اعلم بالصواب.
(چشم بد) ديگر فرموده كه نام خداي برد و از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه چون كسي
در او پا چشم و در كسي تأثير كند ٣ مرتبه بگويد ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم و فرموده هر گاه كسي باشد كه ماهيات بگو خواهد كه از خانه بيرون رود
سوره معوذتين را بخواند و بيرون رود تا چشم بد بر آن تأثير نكند ودر روايت
ديگر فرموده كه هر كه را اثر چشم بد بدو رسيده باشد دستها را برابر روي بلند كند

حمد و توحید و معوذتین بخواند و در پیش سر بکند منقولست از ذو داده که گفت از برای
دفع چشم زخم بد هند یه سوداخ یعنی راست چهار بار و در سوداخ یعنی چپ ۳ بار و در
هر بار بگوئید بسم الله لا بأس اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافی لا یکشف
الناس الا انت ایضاً تعویذ بجهة چشم زخم بسم الله اللهم رب مکرم حابس وحجر یابس ولیل
دامس ورطب وبابس رد العین وعین العاین فی کبده ونحره وماله فارجع البصر
هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئاً وهو حسیر ایضاً
بخواند ما شاء الله کان وما لم یشاء لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر
وان الله قد احاط بکل شیء علما بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا ولا حول ولا
قوة الا بالله ایضاً بخواند و با خود دارد وان یکاد الذین کفروا تا آخر سوره نون
ایضاً این افسون را باید خواند و بعضی گفته اند که بر بیضه باید نوشت و در مابین
چشمهای حیوان و مابین پاهای انسان زد بر زمین تا شکسته شود نجات یابد
بسم الله العظیم الشان القوی السلطان الشدید الارکان حبس حابس وحجر
یابس وشهاب قابس ولیل دامس وماء فارس فی عین العاین وفی احب
خلق الله الیه وفی کبده وکلیته فارجع البصر هل تری من فطور الی قوله
وهو حسیر ایضاً بخوانند که در زبدة البیان آورده اند که جبرئیل علیه السلام این
افسون را به پیغمبر صلی الله علیه وآله تعلیم فرمود بسم الله ارقیک من کل عین حاسد

الله

الله یشفیك ایضاً بجهة دفع چشم زخم بنویسد این کلمات را بر بیضه مرغ
پس اگر بجهة آدمی باشد در میان پاهای او بر زمین زند تا شکسته شود
واگر حیوان باشد در میان چشمهای او زند تا بشکند و در وقت شکستن
بیضه بگوید بسم الله و بالله و علی اسم الله و اسم العین کلماتی که بر بیضه
نوشته میشود اینست جاعت بجبعت مجمعتا نجمعتا نعلقت ایضاً
واطبا گفته اند که از خواص اسفند است که هر که انرا با رجه کبود تعلیق
نماید دفع چشم بد و سحر از او زایل کرده شود ایضاً از خواص شب است
یعنی زاج سفید که چون کسی را چشم بد رسیده باشد انرا بخور نماید در آن
قطعه میشود نقش بصورت و شکل چشم ظاهر گردد هرگاه انرا در طرف
قبله خانه انشخص بگذارند هر گز چشم بد با هل آن خانه نرسد والله اعلم
بالصواب فصل ششم در فتح الرجال و حل مربوط و مداوای قوت باه
و دفع سرعت انزال وغیره در کفعمی آورده که اگر مرد را بسته باشند
چهار عدد بیضه مرغ را بجته و پوست باز کرده بر هر یک بزعفران بنویسد
و بنا شتا بخورد در ساعت گشوده شود اول فوقع الحق وبطل ما کانوا
یعملون دویم قال موسی ما جئتم به السحر ان الله لا یصلح عمل المفسدین
سیم انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی چهارم نقذف

بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما
تصفون ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ايضا
بسم الله المبارك العظيم تا اخر دعا كه در فصل دويم باب اول گذشت
بمشک و زعفران بنويسد و باب بشويد و بنا شامد ايضا بو ٣
بيضه بنويسد بعد از انکه بپخته و پوست کنده باشد اول حتى اذا ركبا
في السفينة خرقها دويم اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض
كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
سيم فاستغلظ فاستوى پس اول بخورد و قصد کند اگر گشاده شد
فبها و الا دويم و الا سيم را البته گشاده ميشود و ايضا از خواص اين
حروفات که چون بمشک و زعفران بنويسد و در موم گرفته بر ران
بندد مرد گشاده شود باشاالله تعالى اللهالله الله الله انواع انواع
انواع انواع انواع اقرب ياه ياه ياه ياه ياه تواه تواه تواه تواه
ايضا يکي از صلحا نقل نموده که جمعي را باين دعا گشودم و مجرب و آزموده است
بنويسد و من باخود دارد ياطمعهيا ياكنعهيا يا ليغخهيا يا كنعهيا
مايمغكهنا يا لهطط طعهيا بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله
وفتح قريب وبشر المؤمنين يا محمد يا علي گشودم مردي و شهوت فلان

ايرا

كتابخانه آستانه قدس
ويژه مصلى

ابن فلان را و ابو فرج فلان بنت فلان بحق بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا
لك فتحا مبينا وبحق بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله والفتح
الا آخر مكسلمنا مليخا و دين انس فرطونس ننيوس لنعطونس قطمير
الم المص الر المر كهيعص طه طس طسم يس ص حم حم عسق ق ن والقلم
وما يسطرون و در عدة الداعي مذكور است كه بجهة حل مربوط ان
اول سوره فتح تا صراطا مستقيما و سوره اذا جاء نصر الله را تا آخر با اين
آيات نوشته با خود دارد آيات اينست ومن آياته جعل لكم من انفسكم
ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك
لآيات لقوم يتفكرون ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه
فانكم غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل
عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض
ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذلك حللت فلان بن فلان عن فلانه
بنت فلان لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ايضا اين اشكال دادر

قدحی بنویسید وبشوید ومرد ازان بخورد کشاده شود باذن الله تعالی

له مه ماله مهه مطعم لا ده طریقه دیکر در کتاب در مکنون اورده

کراین ایات واشکال را بر چهار تخم پوستکنده بنویسید اول ودویم را مرد

بخورد وسیم وچهارم را زن بخورد کشوده کردد اول مطعلسلکال

یا صعکمعسا احل عقد فلان ابن فلان قال موسی ما جئتم به السحر ان الله

سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین دویم مطعلکال یا صعکمسا

حل عقد فلان ابن فلان وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا

سیم والارض فرشناها فنعم الماهدون فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرین

یا صعکمسا احل عقد فلان بنت فلان چهارم وترکنا بعضهم یومئذ

یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا یا مطعلسلکا احل عقد

فلان بنت فلان ایضا نوع دیکر این اشکال را بر بیضه نویسید وتبر

بر اتش کذارد تا سرخ شود وبیضه را در خون ولغ دستر تر نهد تا یتر که

ومرد بر بالای ان بایستد تا بخار ان بر وی رسد کشاده کردد اااا۹۹۶ه داه ح

۹۹ روح ا ۸ ا ۴ اا ۶ ا ۸ طریقه دیکر بر تخم مرغ سیاه نویسید ودر دیک

خالی اندازد ودر ان اتش بر افروزد وخود بر بالای دیکر بایستد تا اکر

باسم مرد بطریقه کشاده شود وشکل اینست

ح ح اا ام اام ۲ اا ح اا اا

ولا قوه لعلیهم الا افعال الی لستهم

نوع دیکر بر هفت پاره نان نوشته بحروف مقطعه بمرد دهد تا بخورد

ودر هفت پار چه دیکر نویسید وبزن دهد وباید که این عمل در ساعت

سیم روز چهارشنبه باشد وهمین نوشتن برا بتدای اهل نیت لعنت کند خصوصا

بر بیلیلر التلم عبدد ولسکن قل کسودرک واو یاموساد

ایضا طریقه دیکر تحریر رسیده که چهل ویکم بار بسمله را بمشک وزعفران

بر کوزه نوی نویسید وحل کرده بیاشامد کشاده کردد نوع دیکر چهار قل

را نوشته بدین ترتیب بر خود ببندد کشاده شود توحید بازوی راست

وجد بر بازوی چپ وفلق بر ران راست وناس بر ران چپ بعنایت

ان کشاده کردد طریقه دیکر بنویسید بر کاسه اب نارسیده یا بر طشتی

اب نارسیده اذا جاء وتوحید ومعوذتین وفاتحه الکتاب را وبعد از ان

شش بار یا هفت بار آیه قال هذا رحمة من ربی فاذا جاء وعد ربی جعله

دکاء تا اخر وکلا ان الانسان لیطغی را بر ان بخواند وبدهد به معقود

معقود بیاشامد در حال کشاده شود نوع دیکر بر ۳ عدد تخم مرغ نوشته

بخورد شفا بخشد اخشعتن طریقه دیکر چند عدد مازو را نرم بکوبد وبا

روغن جوز خمیر کند وبر کمر ودکر ها لد وبر بالای اتش بایستد وقدری مرداسنج

در زیر خود بخور کند واین طلسم را بنویسید بر کمر بندد کشوده کردد طلسم

اا اا ام اا ۴ اا ح ح اا ۸ اا ح

١٨١١٨١١١١ ١١ ١١١ ١١١١١١١٨ ١ ٩ ٩

ودر بحر المنافع آورده که بر قرنقل این افسون را بخواند و بخورد شهوت گشاده

شود اوراد هُنا هنا سُرستی ایضًا آورده که بنویسید و بر بازوی

راست ببندد گشاده گردد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین اشهد

ان کل معبود دون عرشك باطل مضمحل دون وجهك الکریم الحاوی مکانی

واعنی اسالك یا عظیم رب العرش لیس بغافل عما تعملون هـــــو

ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ایضًا از جهت دفع سحر که عقد الرجال

بوده باشد یا غیر ان این اشکال را بنویسید و در گردن ببندد عقد فسخ

و سحر باطل و هلاکت بسلامت بدل گردد اشراهیا اجیبونی والمیعونی

بامرکم بحق الوه و هکیور شاشیین باذن الله که منی هـــم چوکنی جوکنی

عوادی بیمادی تنادی ماس یوه سلیمان کشیر ایمر او هد بحق توریة

وانجیل و زبور و فرقان بحق محمد رسول الله وصلی الله علیه واله یا الله

یا حافظ یا حفیظ یا رقیب یا وکیل یا کفیل فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

اما معالجه سرعت انزال بر کاغذ بنویسید و در دهن گیرد تا بیرون نیاورد انزال

نشود اینست ع١١٤٩ ٤ ط ط ٤ و ع ١١٩ ط م ط ٩ ٩

طریق دیگر این طلسم را بر صفحه طلاه یا نقره یا مس نقش کند و در دهن گیرد

ازال

انزال نشود ١١١٩ ط ط ٩ ٨ باب اول در معالجه درد سرامت وان بر ٣

قسم است یا در پیش روی میباشد یا در اواسط یا در عقب سر بود اگر درد پیش سر

باشد و بالای ابرو یقینا از زیادتی خون خواهد بود و علامت زیادتی خون

سرخی چشم وصورت و امتلای عروق است علاجش اینست که فصد کند رگ قیفال

از دست راست کنند بقدر پنجاه مثقال یا شصت مثقال خون بگیرند یا بیخ شاخ

حجامت کنند باذن الله تعالی درد سر فورًا ساکن میشود و تو یا که خوشم بو میکند

و قلیلی هم بر بینی و پیشانی و صدغین مالیدن بسیار نافع است یا اینکه ده دانه

عناب دو مثقال تخم کشنیز شیره کشیده میل نمایند فورًا درد ساکت میشود

و اگر در وسط سر باشد و علامت صفرا هم باشد مثل زردی چشم و صورت و پیش

سخ با مهاله از حرارت و صفرا خواهد بود علاجش اینکه پارچه از کتان یا دو پیش

گل سرخ آلوده کرده بموضع درد ببندد از ند فورًا درد ساکت میشود انشا الله تعالی

یا اینکه کف پاها را بروغن بنفشه بادام و نمک طلا نمایند دفعتًا درد ساکن

میشود و بوئیدن گل نیلوفر نیز مفید است و بهتر اینکه غذای روز مغز

خیار با سرکه کهنه انگوری باشد و غذای شب آش آب اناد یا رشتیب

یا آب غوره یا اینکه دو مثقال تخم کشنیز را در هشتاد مثقال آب غوره

شیره کشیده بنوشند انشا الله تعالی همان ساعت درد را ساکت میکند

صداع دموی خونی

صفراوی دماغ است

واکثر از اطباء متأخرین بر این معالجه اتفاق دارند و حقیر نیز مکرر این قسم معالجه
نموده و نفع کلی بخشیده و اگر درد عقب سر باشد لا محاله بیشتر از زیادتی بلغم خواهد
بود و علامت زیادتی بلغم بلادت حواس و ثقل و سنگینی سر و بیاض بشره است
علاجش قی کردن است با آب ترب و سکنجبین و آب شبت که نیم گرم کرده بنوشند
تا قی بسیار بیاید که بزودی درد ساکن کند ان شاء الله تعالی یا آنکه ثمر برای
هلیله کابلی یا مربای آمله بخورند و غرغره با ایارج فیقرا بکنند صفت ایارج
فیقرا اینست بگیرند سنبل الطیب دارچینی عود بلسان حب بلسان سلیخه
مصطکی اسارون زعفران از هر یک یکمثقال و صبر سقوطری دو وزن همه ادویه همه را
نرم کوبیده دو مثقال آنرا با آب گرم غرغره نمایند در همان ساعت درد را ساکن میکند
بعون الله تعالی و یا آنکه نمک و سرکه بکف پا طلا نمایند و با هاون آب بسیار گرم
گذاشته فورًا درد را ساکن میکند باذن الله تعالی باب سیم در درد شقیقه است و این
درد نیم از سر است علاجش اینست که اگر غلبه خون ظاهر باشد رگ پیشانی یا رگ بینی
یا قیفال را زدن نیکو بود و در ابتداء علت طلا کردن از قبیل آب کشنیز و آب حی العالم
و سرکه و صندل سرخ و روغن گل سرخ مفید افتد و اگر غلبه با سایر اخلاط باشد
تنقیه کردن با ایارج فیقرا که صفتش مذکور شد بسیار مفید بود و هم چنین نعوط
چوب اشنان و بخور استخوان سگ و آب سرد بر سر ریختن و آب جو با دانگی از

اشق فی الفور درد را ساکن میکند و اگر مزمن شود مسهل باید سودا بیندازند
تا علت انتشار پدید نیاید خاصه که جسم ضعیف باشد بزودی تدبیر مسهل باید
باب چهارم در علاج صرع است علامت صرع سنگینی سر و بسیار آمدن آب دهن و کف
کردن دهان است در حین صرع و سفیدی رنگ و کدورت حواس خصوصًا اگر
ماده در دماغ باشد و اغلب اینست که در زیادتی نور قمر شدت میکند علاجش
اینست بگیرند عاقرقرحا بسفایج اسطوخودوس افتیمون همه را مساوی کوفته و بیخته
با دو وزن مجموع مویز منقای از هسته معجون سازند و هفت مثقال قبل از نوبه
صرع بخورد باذن الله تعالی در یکهفته رفع ناخوشی خواهد شد و باید تقلیل در غذا
نمایند و غذا منحصر بنخوداب با گوشت کبک و آهو و تیهو و کبوتر است با ادویه مثل
دارچینی و زیره و مغز هل و زنجبیل و کباب دراج نیز در غذا جایز است باب پنجم
در زکام و نزله است و علامتش ظاهر است و علاجش هر چند در ساعت معالجه
نمودن آن صعوبتی ندارد لیکن بهتر آن است که آب بسیار گرم بر سر بریزند
بعد یکه احساس حرارت در دماغ کرده شود که فی الفور رفع زکام میشود
یا اکثر پارچه از کتان را بدفعات با آتش گرم کرده بر سر بینی نهند تا اکثر احساس
حرارت و گرمی در دماغ بشود در همان وقت رفع میشود باذن الله تعالی
یا اکثر کندر و صمغ عربی و قسط و سندروس را مساوی هم کوبیده و مخلوط

نمایند و بقدر فندقی از آن بخور نمایند منع از سیلان آب از دماغ خواهد کرد ولیکن
باید شخص مریض نهایت احتیاط بکند که مادهٔ نزول بسینه ننماید بایں قسم که
شبها کم بخوابد و روز اصلا نخوابد و اگر شب بخوابد باید بقفا نخوابد و نشسته
تکیه کند و بخوابد و در وقت خواب غرغره با آب خشخاش نماید و بیعه نخوابد
و در غذا نهایت تقلیل نماید و در وقت غذا البته نخوابد و هفت مثقال
زنجبیل و سیاه دانه را نیمکوب کرده در پارچه ببندد و ببوید تا اگر ماده
در دماغ است بمنخر دفع شود و بسینه نزول ننماید و این حب نیز در منع نزول
مواد بسینه بسیار مفید است صفت آن بگیرند نشاسته و کتیرا و رب السوس
و تخم خیار و تخم کدو و خشخاش و مغز بادام مقشر و باقلای مقشر هر یک یک درم
بکوبند و مثل نصف مجموع نبات داخل کرده حبها بقدر نخود ساخته و شب
و روز حبی از آن در دهن نگاه دارند خصوصا در وقت خواب و همین محمد
ذکریا در کتاب من لایحضره الطبیب میگوید که نگاه داشتن سپستان در دهان
و همچنین کتیرا در منع نزول مواد بسینه بغایت مفید است و در کتب
متقدمین از قبیل ذخیره ثابت بن قره و کتاب شمعون یهودی و ابن
ماسویه نیز مذکور است و باید از چیزهای شور و ترش و مغص اجتناب
کند و بهتر آنست که تا یقین بهم نرساند که ماده بسینه نخواهد ریخت

قطع

قطع مواد رطوبات از منخرین ننماید تا اینکه یقین کند که آخر زکام است در آنوقت
این معالجه بسیار مفید است همچنانکه خود محمد ذکریا در کتاب فاخر و در کتاب
من لایحضره میگوید تا از برای مریض ممکن است آب آمدن از منخرهای آن نباید کرد
که مبادا بسینه بریزد و هرگاه مادهٔ زکام از منخرین بسته شود شونیز ببویند
و شیخ ابوعلی نیز تصریح باین مطلب کرده و اگر ماده بسینه ریخت علاجش اینست
که ماء الشعیر خشخاشی با شربت بنفشه بنوشند صفت ماء الشعیر خشخاشی اینست که بگیرند
جو پوست کنده شکسته را هفت مثقال کوکنار سه دانه با صد و شصت مثقال آب یا عرق
گاوزبان با آتش ملایم بجوشانند تا هشتاد مثقال آن بماند با پنج مثقال شربت بنفشه
بنوشد صفت شربت بنفشه بگیرند ده مثقال گل بنفشه را جوشانیده بعد صاف کند
آنگاه با بیست مثقال شکر سفید بقوام آورند و یا با شربت زوفای خشک بنوشند
صفت شربت زوفا هفت مثقال زوفای خشک با ده دانه سپستان ده دانه انجیر
خشک دو مثقال اصل السوس جوشانند و صاف نمایند آنگاه با چهل مثقال شکر
سفید بقوام آورند و غذای روز شوربای کدو و اسفناج با گوشت بره یا خروس
بچه و اگر تب نباشد نان با مرباهای سیب و غذای شب ترطعام با زرده تخم نیم برشته
و هرگاه مانع از فصد نمودن نداشته باشد بقدر قوت و ضعف ترله و مرض
اخراج خون باید نمود که بسیار مفید است و حقنه در این مرض فایده ندارد بلکه

شونیز سیاه دانه است

خطر عظیم دارد که خالط را بجحب سینه میکشد و دفع نمی تواند کردن خاصه در کسیکه حجابات
سینه او ضعف هم باشد **باب پنجم در درد چشم است** بهترین تدبیر در محافظت چشم
اینستکه حفظ کنند چشم را از هوای بسیار گرم و بسیار سرد و از گریه بسیار
و نظر کردن بخطوط دقیقه و اشیاء مضیئه براق و بقفا خوابیدن
و سکر متواتر و باد شدید و غبار غلیظ و دود شدید و مداومت خوردن
سیر و پیاز مگر اشخاصیکه عادت دارند بخصوص اهل دار المرز و اهل
سن شیخوخیت و علت این در کتاب شرح جوامع بیان شده و همچنین مضر است
فصد کردن و حجامت کردن و بخواب و بحمام رفتن و جماع کردن بسیار
و نفع میکند چشم را تلیین طبیعت و کشودن چشم در آب صاف و سرمه سنگ
اصفهانی و توتیای هندی که تربیت کرده باشند با آب رازیانه یا با آب مرو بجوش
و برود رمان **صفت برود رمان** بگیرند آب انار دانه را با پیه آن یکمن با صد مثقال
عسل صاف کرده و با آتش ملایم بجوشانند و کف او را گرفته تا اینکه بقوام آید
و غلیظ شود پس در بعضی اوقات با میل بچشم بکشند و بسیار تقویت چشم میکند
و همچنین آب بادیان تازه را بگیرند و شکر سفید داخل بکنند در قوت چشم بی
بدیل است مثلا بیست مثقال آب بادیان را با پنج مثقال شکر سفید داخل کرده
صاف نمایند و گاهی بچشم بچکانند و اگر رمد بواسطه حرکت در آفتاب

یا بمجاورت

بمجاورت با آتش عارض شود علاجش اینست که تریاک بمالند و بشویند و پوست
هلیله زرد را نرم سائیده از تافته بیرون کرده بچشم بکشند دفعه درد
را ساکن میکند باذن الله تعالی ایضا مجرب گویند که این آب بادیان برای
تقویت چشم از مجربات و نهایت مفید است حتی اکثر حیوانات فایده آنرا
بخورده اند مثل افعی تقویت چشم خود بدان نماید **باب ششم در علاج درد دندان**
علاجش آن است که اگر درد بمشارکت عضو دیگر نباشد بگیرند موبیج را و پا ببیند کهنه در
هاون سنگی کوفته و بعد دندان درد ناک نهند فورا درد ساکن میشود یا بگیرند قیراطی ازکتر
العشر و بر پنبه پیچیده و بر دندان نهند درد را ساکن میکند و همچنین غالیه و قطران
نیز چنین است و داغ کردن دندان با آتش فورا درد را ساکن میکند و هیچ تدبیر در
ساکن کردن درد دندان بهتر از آن نیست که آب سرد کرده ببرف و یخ در دهان گیرند
بدفعات و چون گرم شود بریزند و باز تازه کنند و گاه باشد که اول درد زیاده شود
لیکن ساکن خواهد شد باذن الله تعالی **صفت معجون که درد دندان را نشاند** بگیرند
تریاک و میعه سائله و بازهر از هر یک دو مثقال و فلفل و حلتیت شامی از هر یک
یکمثقال باهم بکوبند و بدوشاب بسرشند و بر دندان درد ناک نهند **باب هفتم**
در تدبیر کندن دندانها است بدون کلبتین بآسانی عاقرقرحا را نرم کوبند و بیخته
و با سرکه بسرشند و یکماه در آفتاب نهند و هر روز آن ظرف را حرکت دهند و اگر سرکه

در درد دندان

حلتیت انغوزه معروف است

کم شود زیاده کنند تا اکر بغلظت عسل شود پس یکقطره ازوی بر آن دندان که میخواهند بکنند بنهند وساعتی صبر کنند پس بیازمایند وبر کنند اگر بآسانی برآید فبها واگر نه روز دیکر بنهند تا بآسانی کنده شود یا بکیرند آب برشیر توت را ودر جام کرده در آفتاب نهند تا بقوام عسل شود ودر روزی سه بار بن دندانرا بآن طلا کنند بآسانی کنده شود انشاالله تعالی ولیکن احتیاط باید کرد که بدندانهای دیکر نرسد باین طریق که دندانهای دیکر را بخمیر یا موم پوشیده دارند والله اعلم باب هشتم در بدبوی دهان است اکر سبب بوی دهان معده باشد علاجش آنستکه بکیرند مویز منقای از هسته وبرک مورد تازه مساوی هم کوفته باهم سرشته بمقدار فندقی در هر صبح بخورند بوی دهان را ساکن میکند انشاالله تعالی یا بکیرند مویز وآمله را مساوی یکجا یکی کوفته وسرشته بمقدار فندقی بخورند بسیار مفید است باذن الله تعالی باب نهم در خناق ودفع آن اکر سبب زیادتی خون باشد علامتش آنستکه چشم وروی وزبان سرخ باشد واکر سبب زیادتی صفرا باشد علامتش اکر دهان تلخ وخشک شود ودرد وسوزش وحرارت وتشنکی شدید بهم رسد واکر سبب زیادتی بلغم باشد طعم دهان شور باشد ورنک زبان سفید باشد وحرارت وتشنکی اندک باشد واکر سبب زیادتی سودا باشد

طعم

طعم دهان ترش باشد یا عفص واندک اندک بهم رسد علاج آنستکه هرکاه قوه قوی است واز فصد مانعی نیست اول فصد کند وچندان خون بکیرد که در غش افتد خصوصًا در خناق دموی که انشاالله زایل شود یا اکر بکیرند سرکین سک که بار توت بیامیزند وبدان غرغره کنند فی الفور درد را ساکن میکند واکر سرکین آدمی وسرکین خطاف وسرکین سک از بیرون حلق طلا کنند بسیار مفید خواهد بود باب دهم در چسبیدن زلو است بحلق علاجش آن باشد که بسرکه ونمک غرغره کنند یا انکه مکسی که در باقلا است بکیرند وبکوبند ودر سرکه حل کنند وغرغره نمایند در حال ساقط کردد باذن الله تعالی وتدبیر دیکر آن است که سیر یا سرکه مرورده یا سیر تنها بخورند ودر حمام روند ودر آب بسیار بنشینند تا عطش غلبه کند وهر ساعت آب سرد کرده یا برف ویخ در دهان کیرند تا بر لب نهند بطلب آن آب زالو بیالا برآید واکر سیر بخورند ودر آفتاب نشینند یا بدوند ودهان باز کنند وکاسه آب سرد بر لب نهند تا از کرما بکریزد بیرون آید بعون الله تعالی اسهال معالجات این است که شخص طبیب متدینی را شنیدم میفرمود کهنه را بلجن ولای تر جوی یا حوض آلوده کنند وبر لب دهان کذارند فی الفور بسوی لجن ولای بیالا برآید وبدان کهنه آویزد ومیفرمود خودم تجربه کردم ومعقولات تحرر زین العابدین باب یازدهم در امراض کوش است یک قسم از آن دوی وطنین است

باب نهم در خناق
باب دهم در چسبیدن زلو
طنین در امراض کوش

صفت كرفتن روغن افسنطین

مراد بحیوان آبی ... که انرا ... نامند

كرد دوا وا از دروغ است كه در كوش هم میرسد علاجش آنستكه بكیرند افتیمون شامی
بسیار خوب و در آب بخیسانند انگاه صاف كنند و قطرهٔ از او در كوش چكانند دفعهٔ
درد ساكن میشود باذن الله تعالی و هم چنین روغن افسنتین و روغن سوسن نیز
درد را ساكن میكند باذن الله تعالی صفت كرفتن روغن افسنتین ده مثقال
افسنتین را با آب جوشانیده و صاف نموده با ده مثقال روغن زیتون جوشانیده
تا آب او تمام شود و روغن بماند و همین طریق است كرفتن روغن سوسن
باب دوازدهم در رعاف یعنی خون آمدن از بینی است وان بر ۳ قسم است یكی انكه
قطرهٔ چند آید و باز ایستد دویم انكه قطره قطره آید و دیر باستد سیم
انكه بسیار آید علاجش انكه اكر سبب زیادتی خون باشد باز نباید داشت
تا آنكه طبیعت دفع میكند بوده پس اكر از حد بكذرد و قوت ساقط شود
تدبیر باز داشتن باید كرد و رگ زدن و خون اندك اندك از رگ بیرون
كردن بهترین علاج است و داروهائیكه خون آمدن از بینی را باز دارد
چكانیدن آب ریحان و آب بودنه و آب شكوفه خرما و آب سركین تازهٔ ماده
الاغ است و چكانیدن آب كشنیز تر با كافور بسیار نافع است و مكرر تجربه
رسیده است و بیم فردی هم نیست و هم چنین آب سرد بر سر ریختن و از جو و كل ارمنی
و اقاقیا و كلنار فارسی و صندل سفید و اندكی كافور و قلیلی تریاك همه را

جركه

ببرشند و بر سر و پیشانی طلا كنند و اكر كه كشته بر كه حل كرده بر سر و پیشانی
طلا كنند نیكوست و اكر حاجت بداروی داغ كننده شود بكیرند شب
یمانی را و نرم سائیده و اندكی بر بینی دمند با نهایت احتیاط نوشادر باز
دارد و حجامت پس بغایت مفید است پس اكر از سوراخ راست بینی خون
آید حجامت را از زیر پستان راست باید نهاد و اكر از سوراخ چپ آید بر زیر
پستان چپ باید نهاد و اكر از هر دو سوراخ بینی آید و هر دو جانب باید نهادن
و بستن بازوها و رانها و در آب سرد نشستن و آب سرد در دهان كرفتن
بسیار مفید است والله اعلم باب سیزدهم در قولنج ایلاوس علامتش سردی
دست و پا است و شدت درد و خوردن غذاهای غلیظ قبل از حدوث مرض
و تخمه شدن قبل از آن و نكذشتن غذا و یبس طبیعت و عدم اشتها است
علاجش بهترین تدابیر در اول حقنه و شیاف كردن و منع از غذا است
صفت حقنه بكیرند آب باچه دویست مثقال و شكر سرخ و كرانكبین علفی
و ترنجبین از هر یك دوازده مثقال و روغن چینی و نمك طعام و بوره
ارمنی از هر یك نیم مثقال این ادویه را با آب باچه بیامیزند و نیم كرم
در سه دفعه حقنه كنند یا بكیرند شیرخشت و تخم ترنج كل سرخ و اكلیل الملك
از هر یك دو مثقال نرم كوفته با شیر مهزوع نموده و كرانكبین علفی و ترنجبین

از هر یک دوازده مثقال در شیر حل نموده نیم گرم حقنه کنند یا بگیرند آب برگ
چغندر صد و شصت مثقال و شکر سرخ یا نبات بیست مثقال با روغن بید
انجیر یا کنجد دوازده مثقال نیم گرم کرده حقنه کنند **صفت شیاف** بگیرند شحم
حنظل ۳ مثقال با شکر سرخ ببرشند و شیاف کنند ولیکن این شیاف باعث
حرارت و پیچش میشود و علاجش انیست که بگیرند تخم کشنیز و زیره و کرمدانه
و صعتر و کلپره و نار دان خشک از هر یک ۳ مثقال با نود مثقال آب بجوشانند
تا بنصف رسد پس صاف نموده و هفت مثقال ابکامه داخل کنند و مقدار
هفت مثقال از انرا بخورند دفعه درد ساکن میشود باذن الله و باید دانست
که تا بحقنه و شیاف تفتیح نکنند دواهای مسهل نشاید داد و علت انرا در شرح جامع
بیان کرده ایم و بهترین مسهل ها این معجون است فلفل دار فلفل زنجبیل زیره
سداب خولنجان و خوفه از هر یک نه مثقال و سقمونیا نه مثقال این ادویه
را نرم کوبیده و با عسل مصفی چهل مثقال ببرشند چنانکه در رسم است و قدر شربتش
بقدر یکمثقال و نیم است فوراً اسهال میکند **باب چهاردهم** در علاج زحیر است
و آن یا صادق است یا کاذب علاجش آنستکه یا یکروز یا دو روز هیچ طعام
نخورند تا امعاء پاک شود از خلط و چند روز صبح لعاب ریشه خطمی و لعاب
اسفرزه را با عرق بید گرفته و با یکمثقال بادرنگ و یکمثقال تخم ریحان با روغن
بادام

بادام چرب نموده داخل لعابها کرده بخورند و حقنه نیز بسیار مفید است بخصوص
در زحیر کاذب **صفت حقنه** بگیرند لعاب اسفرزه و لعاب ریشه خطمی و ترنجبین
پنجمثقال و روغن بادام ۳ مثقال همه را نیم گرم کرده در دو دفعه حقنه نمایند
و غذای روز آش بادام و شب ترحلوا با زرده تخم مرغ نیم برشته و اگر زحیر در
طفل شیرخواره بهم رسد بهترین علاج اولا پرهیز کردن مادر است بگیرند تخم ریحان
و زیره کرمانی مساوی هم کوفته و بیخته با روغن گاو کهنه خمیر کرده با شیر مادر بنوشد
در چهار ساعت ساکن میشود باذن الله تعالی **باب پانزدهم** در علاج اسهال عطشی
که انرا بعربی خلفه گویند علامتش اروغ ترش و قلت عطش و دفع شدن طعام
بدون هضم و گاهی عطش کاذب نیز بهم رسد علاجش انیستکه بگیرند عفص و کندر
از هر یک پنجمثقال نانخواه و تخم ترب از هر یک دو مثقال و نیم تریاک یکمثقال کوفته
با عسل مصفی ببرشند و حب سازند قدر شربت آن یکمثقال است بنوشند در ساعت
علاج اسهال میکند انشاالله تعالی یا اکثر بگیرند نانخواه و کندر و گلنار و مازو
و نرم کوفته و موی سیاه را نیز کوفته دواها را بدان ببرشند در صبح و شام مقدار
۳ مثقال بخورند و این ضماد نیز بسیار نافع است بگیرند کافور و صندل سرخ
و با آب ریحان حل کنند یا در شراب و خرقه بدان تر کنند و بر معده نهند و بهترین
تدابیر آنستکه بحمام بسیار گرم بروند و بدن را مالش بسیار دهند و بر عطش

[illegible] عفص [illegible] مازو

صبر کنند و آب مطلقاً نخورند و غذا شبانه‌روزی یکبار فقط کباب کبک و تیهو
و کنجشک و مانند آن با دارچینی و فلفل و زیره هریک که باشد تناول کنند که
نافع بوده باشد باب شانزدهم در خروج مقعده است بگیرند سرگین گوسفند و شاخ
سوخته گوزن و جفت بلوط و گلنار و شب یمانی و عفص و گل سرخ و پوست انار
و مورد سبز اجزا را مساوی هم کوفته و با آب بپزند و صاف نمایند و در آن
آب نشینند و ثفل آن را نرم کوبیده با روغن گل سرخ بمالند تا مثل مرهم شود بر موضع
معتاد ضماد کنند و اگر شقاق در مقعده باشد بهتر آنستکه بروغن تخم مرغ
یا روغن مغز هسته زردالو یا روغن مغز شفتالو چرب کنند و اگر آماس و حرارت
و سوزش نیز باشد بگیرند سفیده تخم مرغ را با روغن گل سرخ در هاون سربی
بسایند تا سیاه شود و محل معتاد را طلا نمایند بسیار مفید است باب هفدهم در
علاج بواسیر است و آن بر دو قسم است یکی دانه‌ایست که در اندرون یا بیرون مقعده
پدید می‌آید دوم بادی است که در هیچگاه و حوالی گرده و کمر و تهیگاه و مقعده
میگردد که آن را باد بواسیر گویند اما آنکه دانه بود بر دو گونه باشد یکی آنکه
هیچ خون و رطوبتی از وی نیاید و درد کند و دیگری آنکه خون و رطوبت از وی
آید و کم درد کند و بسیار باشد که هیچ درد نکند و این دو قسم بر هفت شکل باشد
یکی همچون فلس ماهی دوم نخلی یعنی همچون درخت خرما سیوم تینی یعنی همچون
دانه

دانه انجیر چهارم زبیبی یعنی همچون دانه انگور پنجم عدسی ششم ثؤلولی
هفتم توتی که شکل دانه توت و علامتهای هریک ظاهر است علاجش ریاضت بسیار و مالش
دادن بدن و حمام رفتن و سواری بسیار کردن است و اگر خون آید و فسادی داشته
باشد رگ باسلیق بزنند و بدن را بمطبوخ هلیله از خلط فاسد پاک کنند
صفت مطبوخ هلیله بگیرند تخم کاسنی و گل بنفشه و گل سرخ از هریک دو مثقال
و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه و پوست بلیله از هریک سه مثقال سنای مکی
دو مثقال تربد مجوف نیم مثقال ترنجبین دوازده مثقال آلو بخارا دوازده
دانه تمرهندی دوازده مثقال همه را خیسانیده و جوشانیده صاف نموده بنوشند
و اگر درد شدت داشته باشد بگیرند دانگی از لوف شامی و از انفادی فیل گوش
کوبند و بخور نمایند فی الفور درد را ساکن میکند یا آنکه بگیرند دانگی
از مقل ازرق و دانگی از لوف و حب نمایند و آن حب را بخور کنند دفعه درد
ساکن میشود باذن الله تعالی و اگر احتیاج افتد بگشودن خون بواسیر باید شخص
در آب گرم نشیند و روغن مغز هسته زردالوی تلخ و روغن مغز شفتالو
و روغن کوهان شتر بر محل معتاد بمالد تا بواسیر نرم شود و تفتیح شود
یا بگیرند آب پیاز را و پنبه را بدان آلوده کرده بر دارند و اگر بجای آب
پیاز زهره گاو باشد یا عصاره بخود نیم بهتر است و زودتر بگشاید و این

سیاهی نیز در تفتیح خون بواسیر بجهت عدیل است بگیرند تخم حنظل دو مثقال
و نیم و مغز بادام تلخ شش مثقال نرم کوبیده شیاف کنند هر ساعت یک شیاف
تا پنج ساعت پنج شیاف کنند دفعه تفتیح کند و مادامیکه خون سیاه باشد
و رنگ بشره زرد نشود و یا ماشیت نکردد حبس نباید کردن و سبب علتها
که در عرض آن متصور است از قبیل خفقان و سکینی بدن و ما نحو نحوها.
و غیر آن و اگر خواسته باشند حبس کنند این شیاف بسیار نافع است صفت آن
بگیرند مغز چشم و کنجیده و خون سیاوش و کهربای شمعی مساوی هم با روغن کوهان
شتر سرشند و شیاف سازند و این قرص نیز بسیار نافع است صفت آن بگیرند بلوط
و مقل و کهربای شمعی و صمغ عربی از هر یک یکمثقال کتیرا و نشاسته و گل مختوم از هر یک نیم مثقال
با آب بادرهنگ قرصها ساخته کنند شربتی دو مثقال با دوازده مثقال شربت زرشک
میل کنند باب هفدهم در علاج نواصیر است و آن قرحه ایست در مقعده که دائم و دیم
و چرک از او دفع میشود و گاه باشد که ریح و براز هم از وی دفع شود علاجش آنست
که بگیرند توتیای سبز را و بپاشند یا اگر بگیرند زاج سفید و زنگار مساوی هم نرم
کوفته بپاشند دفعه قطع چرک میکند و اگر از اینها باصلاح نیاید قطع باید کرد
و طریقه قطع در کتاب شرح جوامع بیان شده والله اعلم باب نوزدهم در علاج عرق النساء
و وجع ورک است سبب این درد مادهء رطوبت است که در پیوند ران هم رسد

و آنچه میل کند بجانب اندرون و فرود آید نزدیک بانیکه بپاشنه و انگشتان پا
رسد آنرا عرق النساء گویند و اغلب این ماده از رطوبت بلغمی بود علاجش
آنست که اول مادهء آنرا بمحللات قوی تحلیل برند که تا ماده را از عمق عضو بکشد
آنگاه عضو را تقویت نمایند تا دیگر آن فضله را قبول نکند و اگر ماده آن رطوبت
دموی باشد فصد باسلیق از جانب محاذی باید کرد و قطع غذا نمودن یا تقلیل غذای
لطیف خوردن و اگر درد از جانب وحشی ران و ساق فرود آمده باشد فصد عرق النساء
باید کرد و اگر از جانب انسی فرود آمده باشد فصد صافن باید کرد صفت حبی که
اسهال آورد و اسهالش پنج دفعه یا شش دفعه بیشتر نباشد بگیرند صبر سقوطری
و پوست هلیله زرد و سورنجان از هر یک یک مثقال نرم کوفته با گلاب حب سازند
این جمله یک شربت بود در همان روز درد را ساکن میکند بعون الله تعالی
صفت حب دیگر بگیرند پوست هلیله زرد و تربد از هر یک ۳ مثقال و مقل ازرق
یکمثقال و یکمثقال کشنیز و نیم مثقال تخم حنظل و سقمونیا از هر یک یک مثقال و کتیرا
نیم مثقال قدر شربتی دو مثقال تا ۳ مثقال است و اگر طبیعتش ضعیف باشد اسهال
بجوارش سفرجل باید کرد صفت آن اینست بگیرند به شیرین و پاک کرده از تخم
یکمن بتبریز و در یکمن دوشاب ترش شده بجوشانند تا خوب پخته شود و جمله آنرا
بگیرند و با نود مثقال عسل صاف بقوام آورند و این ادویه را نرم کوفته داخل نمایند

زنجبیل دار فلفل دارچینی از هر یک دو مثقال و هل و قاقله کبار و زعفران از هر یک
سه مثقال و مصطکی یک مثقال سقمونیا و تربد بروغن بادام چرب کرده از هر یک هفت
مثقال و قدر شربت آن پنج مثقال است صفت ضماد محلل خصوصا مکی صبر و صندل
و زعفران از هر یک دو مثقال گل ارمنی یک مثقال گلو سوخته چهار مثقال همه را با آب
تاجریزی و آب کاسنی بسایند و ضماد نمایند صفت ضماد دیگر بگیرند برگ کلم
را در آب بپزند و بکوبند و زرده تخم مرغ و قلیلی درد سرکه و اندکی آرد جو و دو
مثقال روغن گل سرخ با هم بیامیزند و بپزند و ضماد کنند باب بیست و نهم در علاج
جرب است و آن بر دو نوع است یکی جرب رطب و دیگری یابس و ظاهرترین علامتش
آنست که اول بر میان انگشت پدید آید علاجش آنست که استفراغ صفراء محترق و یا بلغم
مالح مکرر باید کردن بنقیع صبر و حب النیل که بسیار نافعست و بتجربه رسیده است
صفت نقیع صبر بگیرند صبر یک مثقال با بیست مثقال آب کاسنی و بیست مثقال آب شاهتره
و یکشبانروز خیسانیده و صبح بخورند بدین طریق که سه روز پیوسته بخورند
و سه روز بیاسایند و نخورند و باز سه روز بخورند و سه روز بیاسایند
بهمین منوال تا ده مثقال از صبر خورده شود بالکلیه جرب برطرف خواهد شد و مطبوخ هلیله
که در پیش ذکر شد با آب شاهتره و آب کاسنی بسیار مفید است و در روزهای میان مسهل
منضج خفیفی از قبیل تاجریزی و برسیاوشان و خار خشک و ریشه کاسنی و تخم کاسنی

و آب شاه

و آب شاهتره از هر یک بیست مثقال بخورند و پس از تنقیه اصلاح مزاج کردن بر نقوع با آب کاسنی
و شاهتره با سکنجبین است و بعد از آن تدبیر دواهای مالیدنی باید کرد تا ماده
خشک شود و قبل از تنقیه جایز نیست خشک کردن صفت طلائی که قوة
جرب را خشک کند و درد و خارش را ساکن کند خاصه جرب رطب را بگیرند
صمغ عربی و هلیله کابلی مساوی همه را نرم کوفته از تافته بیرون کرده
در آب کافور حل کرده ببدن بمالند و بعد از خشک شدن دوا روغن
زیت و قطره از عسل سکر العشر بر روی دوا بمالند صفت طلائی دیگر
بگیرند مامیران اقلیمیا فضی و قنبیل و مردارسنگ و زردچوبه
مساوی هم نرم کوفته با روغن گل سرخ یا روغن زیت مخلوط کرده
طلا کنند و غذای روز کاهو سکنجبین با مغز خیار و انار یا آش
سرکه شیره است و شب ته طعام بخورند و از غذاهای شور و چرب
و شیرین اجتناب نماید و ملازمت حمام بسیار مفید است اما خارشی
که بی جرب باشد آب کرفس و سرکه و گلاب و روغن گل سرخ طلا
کردن و بعد از ساعتی بحمام رفتن بسیار مفید است باب بیست و یکم در خارش دست
و سایر اعضاء است اگر خارش در دست و پا بهم رسد علاجش آنست که بگیرند
آب بسیار گرم را و کفی از نمک طعام در او بریزند و دست و پا را در میان

آن تا یکساعت بگذارد دفع خارش را ساکن میکند باذن الله تعالی یا بگیرند
آب برگ چغندر را گرم کنند و دست و پا را در وی نهند و بعد از ساعتی
بیرون آورند و با روغن بادام یا کره گاو طلا کنند و اگر در چشم هم رسد
سفیده تخم مرغ را با نشاسته و گلاب بزنند و در چشم ضماد نمایند و اگر خارش
در مقعده و فرج بهم رسد بگیرند شب یمانی سوخته و قطران را مساوی
هم بر پنبه آلوده کرده بخود بردارند یا آب انار ترش و شیرین را مخلوط
کرده در آفتاب نهند تا اندکی غلیظ شود و بر پنبه آلوده کرده بخود
بردارند نافع است باب بیست و دویم در علاج سوختگی آتش است بباید
دانست که تا ممکن است نباید گذاشت زخم شود بطلا کردن دواهای
بارد و یابس که رادع و گزنده نباشد مثل آجر آب ندیده سفید و سفال
آب ندیده سفید و صندل و فوفل همه را با آب گشنیز سبز سائیده طلا نمایند
یا اگر گل ارمنی یا گل سرشوی با آب تاجریزی و روغن بادام طلا نمایند
یا اگر حنا و گل ارمنی با آب سماق یا با سرکه سرشته طلا نمایند و با روغن
کنجد یا با روغن گل سرخ طلا کردن نیز مفید است و اگر متقرح و زخم
شود بمرهم آهک علاج باید کرد اگر وجع و درد شدید نباشد صنعت
آن بگیرند آهک آب نرسیده سه نوبت یا هفت نوبت با آب بشویند و خشک
کنند

کنند و با روغن زیتون یا روغن کنجد یا روغن گل سرخ و قلیلی سفیده تخم
مرغ و اندکی سفیداب قلع سرشته و مرهم سازند و طلا کنند و اگر وجع
و درد شدید باشد بگیرند مرداسنگ و آهک شسته و گل سرخ و حنا مساوی
هم و مجموع را نرم سائیده و زخم را با روغن گل سرخ چرب نموده و این دواها
بپاشند دفعه درد را ساکن کند و کمتر از ۳ روز زخم ملتئم شود
باذن الله تعالی و گاه باشد که بسبب نوره زخمی بهم رسد علاجش آنست که
بگیرند گل سرشوی و آرد جو با روغن بادام یا روغن کنجد سرشته و طلا
کنند بسیار مفید است و با آب سرد شستن نیز مفید است والله اعلم
باب بیست و سیم در علاج کسیکه او را بچوب یا غیر آن زده باشند یا اینکه از
بالائی افتاده باشد بهترین چیزیکه درد و ورم زخم را از عفونت باز دارد
پوست گوسفند است در همان ساعت که از گوسفند باز کنند و گرم و تر باشد
بموضع الم بپوشانند و بگذارند تا بر او خشک شود چون بردارند درد
و ورم زایل شده باشد خاصه اگر اندک نمک یا خاکستر چوب گز بر آن محل
بپاشند و پس از آن پوست را بپوشند و اگر بگیرند اقاقیا و صبر و ماش
و مغاث و گل ارمنی مساوی و مجموع را نرم سائیده با آب برگ مورد سرشته
بر موضع کوفته شده طلا نمایند فی الفور درد ساکن گردد و کبودی

رفع شود باذن الله تعالی باب بیست و چهارم در خشکی و تیرگی که از ریاضت و سواری
و پیاده روی بهم رسد اوّلا بباید دانست که بسیار باشد که بواسطهٔ سواری
و سایر ریاضات خشکی شدید بهم رسد خاصه در وقتیکه فضولات در بدن
بسیار باشد در این هنگام محتاج بعلاج شود و علاجش اینستکه اوّل ترک سواری
و ریاضت باید کردن و آسایش و خواب بر بستر نرم جستن و آنگاه تحلیل فضلات
که در حوالی جلد و عضلات محتبس گشته باستحمام و دلک متواتر و اغتسال
بگرمابهای معتادن و تدهین بادهان معتدله از قبیل روغن بابونه و روغن
شبت و روغن بنفشه و غیره کردن و همچنین تدهین کردن ناخنهای پا
بهر روغنی که باشد دفعهٔ رفع خشکی میکند خصوصًا اگر خشکی بسبب پیاده روی
باشد و اگر فصل تابستان باشد پاها را در آب سرد گذاشتن و در زمستان در آب
گرم نیز مفید است باب بیست و پنجم در تدبیر حفظ کردن موی از سفید شدن آن
باید دانستکه بهترین تدابیر حذر کردن از چیزهای بارد و رطب است از فواکه
و خیار و امثال آنها و بعضی از بقول که در آنها رطوبت زاید بود باشد خاصه
کاهو امّا ادویه که در این باب نافع است باتفاق کل حکما هلیلجات و آمله
و سیر و پیاز و زنجبیل و دارچینی و بادیان و زیره و میخک و زرده چوبه و زرنباد
و معاجینی که در آنها لعل و یاقوت و مشک و جدوار و عنبر و ورق طلا و نقره

وبادهن

بادهن حیوانی باشد چنانچه در قرابادینیات مذکور است صفت روغنی که
طلا نمودن آن مانع از سفید شدن موی شود بگیرند سیاه دانه و سعد
و میخک از هریک هفت مثقال کوبیده و جوشانیده و صاف کنند پس با چهل
مثقال روغن زیتون یا روغن پنبه دانه بجوشانند تا آب آن تمام شود و روغن
بماند پس در بن موی طلا کنند و طلا نمودن روغن قسط نیز همین خاصیت
دهد صفت آن اینست که بگیرند قسط تلخ چهل مثقال و سلیخه ۳ مثقال کوبیده
و یک شبانه روز در آب خیسانیده و با نود مثقال روغن کنجد باتش ملایم جوشانند
تا آب آن برود و روغن بماند پس صاف نموده استعمال نمایند صفت خضابی
که موی را سیاه کند بگیرند حنا و میخک و خبث الحدید از هریک جزوی و وسمه
ده جزو همه را با آب نارنج یا لیمو گرم کرده بر سر بندند و بکار برند و اگر از این
خضاب خشکی و شکستگی در موی پدید آید بروغن بنفشه یا بادام چرب باید کردن
امّا اگر موی سفید را خواسته باشند که سفید تر شود برف و آرد برنج را
مخلوط کرده شب ببندند و صبح با آب عسل بشویند یا با آب نارنج یا برف هم
صبح بشویند موی را سفید تر کند والله اعلم باب بیست و ششم در تدبیر رفع
و ستردن موهاست جز بوده خاصه در بدن که بسیار نازک بود و بیم
آن باشد که از نوره زخم شود بگیرند زرنیخ و آهک آب ندیده مساوی هم

وتخم مجموع صبر و با آب بجوشانند و در آفتاب بنهند تا بتر نشیند و صاف نموده
دیگر باره در زرنیخ و آهک در آن کنند و بجوشانند و در آفتاب نهند و مکرر
چنین کنند تا اینکه اگر پر مرغ بدو فرو برند در حال موی آن برود پس قدری
روغن گاو یا غیره در آن ریزند و با آتش نرم ملایم بجوشانند تا آب آن برود
و روغن بماند پس بکار برند که موی را ببرد و هیچ نشو نماند و اگر بوی آهک
را خواهند دفع کنند بگیرند آب برگ شفتالو با سرکه و گلاب بمالند و لحظه صبر کنند
آنگاه بشویند یا اگر آب ریحان با آب برگ بید و آب برگ مو و قلیلی مشک
داخل کرده بمالند نیکو بود و اگر خواهند بکلی منع موی کنند که نروید یا اگر بروید
رقیق بود بگیرند آب برگ شاه دانه و تخم مورد و شوکران و سرکه بهم آمیخته
بر موضع که خواهند موی بروید نباید طلا کنند و اگر بروید بباید رقیق
بود و بمداومت کردن برطرف شود و اگر موی داشته باشد بکنند و تخم
مورد و تریاک و سرکه و گلاب طلا کنند نیکو بود و همچنین مالیدن خون
خفاش و خون کشف دریائی و خون خارپشت و زهره هدهد و خاکستر پوست
مار و صدف سوخته با سرکه یا با آب برگ شاه دانه بغایت مفید است و بجهة
موی زیر بغل سیر دتراج را حکما آزموده اند اول موی را بکنند پس آن سیر را
بدفعات بمالند ضعیف میشود یا برطرف شود باب بیست هفتم در گند زیر بغل

وعرق

وعرق است پس هرگاه بسبب امتلاء و تعفن اخلاط باشد علاجش تنقیه و استفراغ است
و هرگاه بسبب دیگر باشد از قبیل تأخیر غسل جنابت و حیض و زیادتی حرارت
قلب و جگر و غذاهای بدبو و خوردن حلبه و پیاز بسیار ترک آنها باید
کردن و هر چیزها که بوی عرق را خوش کند خوردن مانند عرق بیدمشک
و آب لیمو و قند یا آلو بخارا را خیسانیده یا گل سرخ و گلاب یا عرق دارچینی
و عرق فرنجمشک با قند و طلا کردن صندل و سعد با آب برگ مورد تازه یا
با گلاب سائیده و یا پوست نارنج بگلاب سائیده یا با آب برگ سیب یا آب بد
یا سیر پیاز و حمام متواتر رفتن و شستشوی کردن و پیراهن را با عرق بیدمشک
و گلاب تر کردن مفید است صفت قرصی که گند بغل را زایل کند بگیرند صندل
سرخ و سلیخه و گل سرشود و گل سرخ و زاج سفید سوخته از هر یک یک مثقال کوفته
و با گلاب بسرشند و قرصها ساخته در سایه خشک کنند و در وقت حاجت با گلاب
سائیده بمالند باب بیست و هشتم در دفع لاغری مفرط است اولا باید دانست
که سبب لاغری چیست تا دفع آن توان کردن مثلا اگر سبب لاغری غذائی بود
که از وی خون رقیق تولد کند غذای مخالف آن باید خورد و اگر بسبب ضعف قوه
هاضمه بود تقویت آن باید کردن بمعجون مفرحی چنانکه قبل از این مذکور شد
و اگر بسبب ضعف قوه جاذبه و یا بسبب ضیق مسامات بدن بود ریاضت

معتدل و مالش معتدل در حمام باید فرمود تا عرق بیاید و اگر بسبب فساد خون
باشد تدبیر موافق باید کرد و خون را بخوردن اطریفل کشنیزی و مانند آن صاف
باید نمود صفت اطریفل کشنیزی بگیرند پوست هلیله زرد و پوست بلیله و پوست هلیله
کابلی و املهٔ مقشر و هلیله سیاه تخم کشنیز بو داده از هر یک پنج مثقال مجموع را
نرم کوبیده با کرهٔ گاو چرب نموده و با هشتاد مثقال عسل مخلوط نموده و یک
اربعین در همان جایگاه گذاشته تا مزاج گیرد و قدر شربت آن ۳ مثقال
و اگر بسبب لاغری عظیم و بزرگی سن باشد یا کرم که در امعاء بهم رسیده
باشد علاجش در کتب مطوله مذکور است و باید دانست که بهترین تدابیر
در رفع لاغری بعد از رفع امورات نفسانی استعمال عطرهای موافق و خوردن
غذاهائی که از آنها خون صالح تولد می‌شود از قبیل گوشت بره بریان کرده و حلیم
و نخوداب و گوشت کبک و گوشت مرغ خانگی و گوشت بزغاله شیرمست یا کباب
بره و دوغ تازه است خاصه نان و انگور سفید و مغز بادام تازه و مغز پسته
و زردهٔ تخم مرغ صفت معجون که هر صبح خوردن آن شخص را فربه و رنگ بشره را
نیکو گرداند و قوهٔ باه را زیاد کند بگیرند مغز بادام و مغز فندق و مغز پسته
و حبة الخضرا و چلغوزه مساوی هم همه را کوفته و با عسل سرشته فندقها سازند
و هر صبح پنج عدد یا هفت عدد بخورند و از پس آن بقدر چهل مثقال شراب کهنه

غلیظ

(حاشیه: حبة الخضرا [illegible] چلغوزه [illegible])

غلیظ بنوشند خاصه کسی که تن شیخوخیت باشد یا عادت بشراب خوردن داشته
باشد صفت روغنی که مالیدن آن بر بدن بدن را فربه کند و مجرب است بگیرند
کرم خراطین یکمن و برگ انجیر با شاخهای ریزهٔ آن که در [illegible]
کوبیده دو من و در نه من آب بپزند تا مهرا شود و ثلث آب بماند که ۳
من باشد پس آن را صاف کنند و پیاز نرگس نیم کوفته ده سیر و تخم الجزر هشت
سیر و زفت دو سیر داخل همان آب کرده و با یک من شیر الاغ چندان بجوشانند
که یک من شود و آن را صاف نمایند و هفت سیر روغن کنجد در آن ریخته
و با آتش بسیار ملایم و نرم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند پس از آن
بر هر عضو یا بر تمام بدن در مکان گرم خاصه در حمام بمالند بدن را فربه کند
باب بیست و نهم در بیان احتیاط کردن از زهرها و علاج کلی آنها اینست
اولا بباید دانست که اگر در این باب تدبیر و احتیاط است لازم است
اجتناب نمودن از خوردن طعامهائی که طعم آنها قوی باشد مثل طعامی که بسیار
ترش یا بسیار شیرین یا بسیار شور باشد و باید در مجلسی که توهم این معنی است
در وقت شدت گرسنگی در غذا خوردن و آب نوشیدن بسیار ملاحظه کنید مبادا
از شدت تشنگی و گرسنگی طعم آب و غذا را ملتفت نشوند و باید هر روز به سبیل احتیاط
قدر قلیلی از معجون مثرودیطوس و یا تریاق الطین و یا تریاق اربعه و مانند آن

بخورند تا از اثر همه زهرها ایمن باشند و اگر کسانی باشند که تحصیل این تریاقها ممکن
ایشان نشود هر روز صبح ناشتا گردوئی که گاو با روغن بایکمثقال تخم شلغم بخورند
از مضرت همه زهرها ایمن شوند چنانکه نقل کرده اند از دوقس حکیم که یکی از سلاطین
را سلطان دیگر مخاصم بود و بعلت بسیاری مارهای گزنده در یکی از منازل عبور
لشکر متعذر بود حکیم مزبور عسکر و سپاه سلطان را امر به خوردن همین روغن
و تخم شلغم نمود زهر مارها با ایشان اثر ننمود و از آن منزل بسلامت عبور نمودند بعد از آنکه
بهترین معالجات در باب کسیکه او زهر سمی خورده باشد آنستکه در حال قی کند پیش از آنکه
قوت زهر در بدن پراکنده شود و بقلب برسد با آب نیم گرم و خوردن روغن چندانکه
تواند و اگر آب شبت با روغن آمیخته شود بهتر بود و چون قی تمام شود شیر تازه
خورند تا مضرت زهر برطرف شود و اگر تخم انجره که گزنه گویند با روغن گاو بخورند
زهر را بقی یا باسهال دفع کند و اگر اضطراب شدید بهم رسد حقنه از شیر با روغن باید کرد
و نباید گذاشت که خواب رود و آرام گیرد تا مطمئن از دفع زهر شود و هر گاه معلوم شود
که زهر از جمله زهرهای حار است علاج آن باید بعد از قی باب سرد و گلاب و کافور و آب
کشنیز سبز و لعاب اسفرزه سرد کرده بخورند و بر اعضای رئیسه مثل قلب و کبد و دماغ
ضمادهای سرد نهند از قبیل طحلب یا کافور یا اسفرزه یا آرد جو و مانند آن و دوغ
گاو و سرد کرده بسیار نافع است و اگر از جمله زهرهائی است که باعث تخدیر و بی حسی بدن

کرد

شود علاجش تریاق فاروق و شراب کهنه با سیر آمیخته یا شراب با تخم بادرنج یا با تخم بالنک
کوفته است و اگر از جمله زهرهائی است که صورت نوعیه آن ضد صورت نوعیه
انسان است علاج آن بمثرودیطوس و تریاق و پازهر کنند و شراب کهنه خوردن
و خانه را خوشبوی کنند و هر گاه معلوم گردد که از کدام زهر خورده است علاج خاصه
آن زهر را کنند چنانکه ذکر خواهد شد باب سیوم در علاج مسمومات خاصه است
بدانکه اگر کسی سم الفار خورده باشد که آنرا بفارسی مرگ موش گویند علاج آن
اینست که اول باید بقانونی که در باب علاج زهرها در باب بیست و نهم ذکر کردیم
رفتار کنند و قی کردن بچربهای چرب و شیرین و هر ساعت آب عسل گرم کرده دادن
و مصطکی در شراب کهنه حل کرده و خوردن و نیم مثقال جدوار نوم سائیده با شراب
نوشیدن و اگر احشاء و امعاء را مضرتی رسیده باشد حقنه های تریاقی کنند از
شیر و روغن و غذاهای چرب خورند و اگر سحج و پیچش در شکم بهم رسد علاج آن
بلعاب ریشه خطمی چنانکه و بهدانه و بارتنگ و تخم ریحان و روغن بادام کنند
و تقویت قلب بمعجونات مفرحه قلبیه باید کرد و اگر زیبق و شنجرف خورده باشد علاجش
مثل علاج سم الفار است و غذای بسیار چرب باید خوردن و بهترین علاج زیبق آنستکه
یکمثقال مغز بادام را در پائی با نود مثقال شراب گرم کرده بخورند و اگر زرنیخ و آهک خورده
باشد علاجش آنستکه آب گرم با روغن بخورند و قی کنند یا با شیر بقدریکه ممکن است

پس از آن حقنه با لعاب خبازی و خطمی با روغن باید کرد و اگر در حقنه اندکی جدوار داخل
کنند عظیم موافق آید و فاد زهر حیوانی با شیر خوردن بسی نافع است و انجیر با شیر پخته نیز
چنین است و تقویت قلب بشراب یا بمعاجین قلبیه باید کرد و غذاهای چرب و نرم و ملایم
از قبیل حریره نشاسته با شیرینی و مانند آن بخورند و اگر زنجار خورده باشد و از خوردن
وی لرز شدید پیدا آید علاجش هم چون علاج زرنیخ است که ذکر شد مگر اینکه در اینجا
شیرینی بسیار باید داد و در لعابهای حقنه جدوار نکنند و ترشی اینجا جایز نیست و در
زرنیخ خورده بعد از دو شبانه روز عیبی ندارد و اگر زاج و شب خورده باشند
علاجش آنست که ماء الشعیر با روغن بادام خورند یا شیر الاغ با قرص طباشیر
ملین خورند یا کره با شکر خورند یا شربت بنفشه با آب سرد ناشتا خورند
و اگر خوردن زاج و شب بعد از حمام و جماع واقع شود منجر باستسقا خواهد شد
و مزاج را فاسد خواهد کرد و اگر تریاک خورده باشند علاجش در اول قی
کردن است بروغن و آب نیم گرم با شیر یا بماء العسل یا ملثیث و پس از قی کردن
مثرودیطوس یا تریاق اربعه خورند و تخم نانخواه یا ترنج مقدار یک مثقال
کوفته با شراب کهنه بسیار مفید است و هم چنین فلفل و سیر و مغز گردو مساوی
هم کوفته با قدری کره یا روغن گاو مخلوط کرده بخورند و فلفل و دارچینی
و جند بیدستر و زعفران بتنهائی خوردن هر یک با شراب کهنه بسیار نافع است

و وقتی

و وقتی یکی از اولاد اکابر تریاک خورده بود بخوردن فلفل با نفت معالجه نمودم
و مفید افتاد و مالیدن نفت و روغن قسط بر بدن و بوئیدن جند بیدستر
و عطسه آوردن و در جای گرم نشانیدن و نگذاشتن که بخواب رود نیز
مفید است و غذاهای شیرین و چرب باید خوردن و اگر جوز ماثل خورده باشد
علاجش در اول قی کردن است بهمین نهایتی که در تریاک خورده مذکور شد
و بعد از آن خوردن عاقرقرحا و فلفل و دارچینی و تخم نانخواه و تخم انجره که گزنه
گویند و جند بیدستر و سیر مفید است و پای در آب گرم نهادن و بدن را گرم
کردن بخرقهای گرم و روغن گردو و روغن قسط و نفت گرم کرده مالیدن سود
مند است و غذای چرب و شیرین باید خوردن و اگر بزر البنج یا یبروح الصنم
خورده باشد علاجش هم چون علاج جوز ماثل و تریاک است و اگر شوکران خورده
باشد علاجش در اول حقنه کردن است بشراب صرف و شیر گاو و پس از آن شراب
با فلفل یا سیر یا تخم انجره خوردن و یا نعناع و جند بیدستر و مثلیث
و حب الغار و تریاق اربعه نافع بود و پوست درخت توت و برگ انجره
با شیر یا روغن پخته بر معده و شکم ضماد نمایند بسی مفید است و غذا بعینه است
که در تریاک خورده مذکور شد اما حیوانات سمی که زند که سم انها را اثر تام
در بدن است از جمله انها مار است بدانکه حکما اختلاف کرده اند که آیا سم

مارگزیده است یا سرد حکمای هند را اعتقاد آنستکه زهر مار مطلقا سرد است بعلت
تخدیر و خواب آوردن و قلت درد کردن و بچیزهای بسیار گرم معالجه شدن و نزد
حکمای یونان و اتباع ایشان آن است که زهر مار مطلقاً گرم است در غایت
گرمی بعلت تولید حرارت و عفونت در بدن و سرعت نفوذ و اما اوان علاجش
آن است که اول بمحجمه زهر را بکشند پس از آن زالو بر آن محل بیفکنند تا تمام زهر
کشیده شود و بعد از آن سیر خام بسیار کوفته با دوغ گاو یا سرکه طلا کردن
و از بعضی حکمای دارالمرز مذکور است که سیر خام با شراب خورانیدن بسیار مفید است
و بجز بیاز کننده از همه علاجها است همچنین دو مثقال تخم بالنگ یا نارنج
کوفته با شراب کهنه خوردن نیز چنین است و خوردن تریاق فاروق و تریاق
اربعه و جدوار و پادزهر معدنی و طلا کردن برگ انجره و پیاز و سیر با شراب یا
با سرکه و یا نفت نافع است و کلاغ و مرغ را شکم شکافته بر محل گزیده گذارند سود
مند است و گویند شیر گاو زرد با فراط خوردن بسیار نافع است و دیگر عقرب است
بدانکه عقرب سه نوع بود یکی ذنب برداشته راه رود و این نیز بانواع مختلف
باشد و زهر او سرد بود و نوع دیگر بردار بود و آن در شوشتر و حویزه بسیار
باشد و زهر این مانند زهر نوع اول است و نوع سیوم عقرب جراره بود که در
رفتن دم خود را بر زمین کشد و حکمای هند زهر جمیع اقسام عقرب را گرم دانسته اند

در علاج عقرب گزیدگی

وحکمای

و حکمای یونان سرد دانسته اند و حق آنست که فعل سموم بالخاصیت است نه بالطبیعه
و چون چنین باشد استدلال کردن درست نیست چنانچه در شرح جوامع تفصیل
آن ذکر شده والله اعلم علاجش آن است که در اول تدبیر جذب زهر باید کرد
بمحجمه و مکیدن بسیار و هر لحظه آب از دهن دراکندن حجامت که علاج نیکو است
و پس از آن سیر با فلفل یا نمک یا تخم نارنج یا بالنگ کوفته در سرکه حل کرده بمالند
یا عرق شراب و سیر بمالند و خوردن عرق و شراب بعد از خوردن سیر خام بسیار
مفید است و اگر بجای شراب نفت خورند و در حمام یا در آفتاب نشینند تا عرق
کنند و بعد از عرق باز قلیلی شراب یا نفت خوردن سخت سودمند باشد و خوردن
مثرودیطوس و تریاق اربعه و جدوار بسیار مفید است و گویند اگر شخص فندق
همراه داشته باشد عقرب و رتیلا او را نگزند و مجرب است دیگر رتیلا است
بدانکه جالینوس حکیم میگوید که رتیلا یازده قسم است و بدترین انها سیاه گرد
شکم و کوچک دهان بود و بر پشت آن نقطهای سفید بود همچون ستاره و از
گزیدن مطلق رتیلا درد دل و غشیان و صداع و رعشه پدید آید علاج آن
همچون علاج عقرب گزیده باید کرد از طلا کردن و جذب زهر نمودن و در حمام
بردن و تریاق دادن و آب گرم با شوده طلا باید کردن و گویند آب دهن شخص
روزه دار فوراً درد را ساکن میکند خاصه که روزه دار عاد المزاج هم باشد

علاج گزیدن رتیلا

و گویند ضماد برگ توت سیاه بجهت گزیدن رتیلا و سایر هوام بسیار موثر
و فوراً دافع درد است دیگری زنبور است و آن چندین نوع است و بدترین همه
انها آنست که بر حیوانات زهردار و بزهر مرده نشسته باشد و از گزیدن جمله
انها درد صعب و اماس پدید آید و گاهی گرمی و سوزش در همه تن حادث شود و
علاجش انقوزه یا سرکه بخاک چکانیدن و بر موضع گزیده مالیدن است و سیر
کوفته بستن بر آن موضع هم مفید است و تخم بالنگ کوفته با سرکه مخلوط نموده
و گرم کرده ضماد نمایند فی الحال درد را ساکن میکند و تجربه است و موضع گزیده
را در آب گرم لحظهٔ نگاه داشتن و آنگاه با نمک و سرکه طلا کردن بسیار مفید است
و گویند کسیکه زبان خود را بدندان بگزد و محکم دارد اگر زنبور کوچک زرد
او را بگزد اثر نکند و مجربست علاج گزیدن سگ دیوانه و گرگ و شغال و گربه
دیوانه اولا باید که جراحت را نگذارند ملتئم و درست شود تا چهل روز و حجامت
و زالو زهر آن را بکشند و زخم را فراخ کنند بدواهای تند و سوزنده
و طلا و ضمادی که در علاج مار و عقرب گزیده مذکور شد بکار برند و مثرود
یطوس و تریاق اربعه بخورانند و سیر کوفته با شراب آمیخته بخورند و اگر در
روز اول یا دویم محل زخم را داغ کنند بغایت نیکو بود و از آب ترسیدن ایمن
شود و اگر دموی مزاج باشد فصد کردن بغایت مناسبست بشرطی که

بگذارند

بگذارند که نظر او بر آن خون افتد خاصه اگر چند روز بر آن گذشته باشد و بعد
دو سه روز یکبار تبرید مسهل سودا باید داد و طبیعت را نرم و لین باید داشت و گاهگاهی
حقنه از روغن زیتون و آب برگ چغندر و شکر سرخ باید کرد و غذاهای لطیف
ملین که در او سیر و پیاز باشد باید داد و گویند اگر جگر همان سگ را کباب کرده
بخورند فی الفور دفع ناخوشی میکند صفت حب مسهل بگیرند پوست هلیله کابلی دو مثقال
و افتیمون یکمثقال و نیم و ملح هندی نیم مثقال و بسفایج یکمثقال و تربد مجوف یکمثقال
و غاریقون یکمثقال و نیم و خربق سیاه دو مثقال جمله را نرم کوفته حب کنند و قدر
شربت آن دو مثقال است و باید دانست که تا یقین نکنند که زهر بیرون کشیده
نشده مسهل نشاید خوردن و چون رو بخوبی آرد ریاضت معتدله باید کشید
و اگر از آب ترسیده باشد حیله باید کرد تا آب داده شود خاصه با شراب ممزوج
و لیکن بهمه حال دهان جراحت را گشاده باید داشت بر نهجی که صفتش ذکر خواهد
شد اگر یقین داشته باشد که سگ دیوانه است اما طریقهٔ امتحان که آیا
سگ دیوانه است یا نه بگیرند نان خمیر خوردنی و بر جراحت نهند پس پیش مرغ اندازند
اگر مرغ آنرا نخورد و یا نوک زند یا بخورد و بمیرد آن سگ دیوانه بوده است
و همچنین پارهٔ نان بگیرند و بدان چرک و ریم زخم آلوده کنند و در پیش سگ
غیر دیوانه اندازند اگر سگ بخورد بدانند دیوانه نبوده است و اگر نخورد

دیوانه بوده است صفت مرهمی که زخم را که زخم را که از نخم را انگلاده ملتئم شود بگیرند زفت نود مثقال جاوشیر بیست مثقال در سرکه حل کرده زفت را باو بیامیزند و بکار برند و سیر و پیاز و تخم تره تیزک مساوی بجنبد مرهم ساخته بکار برند

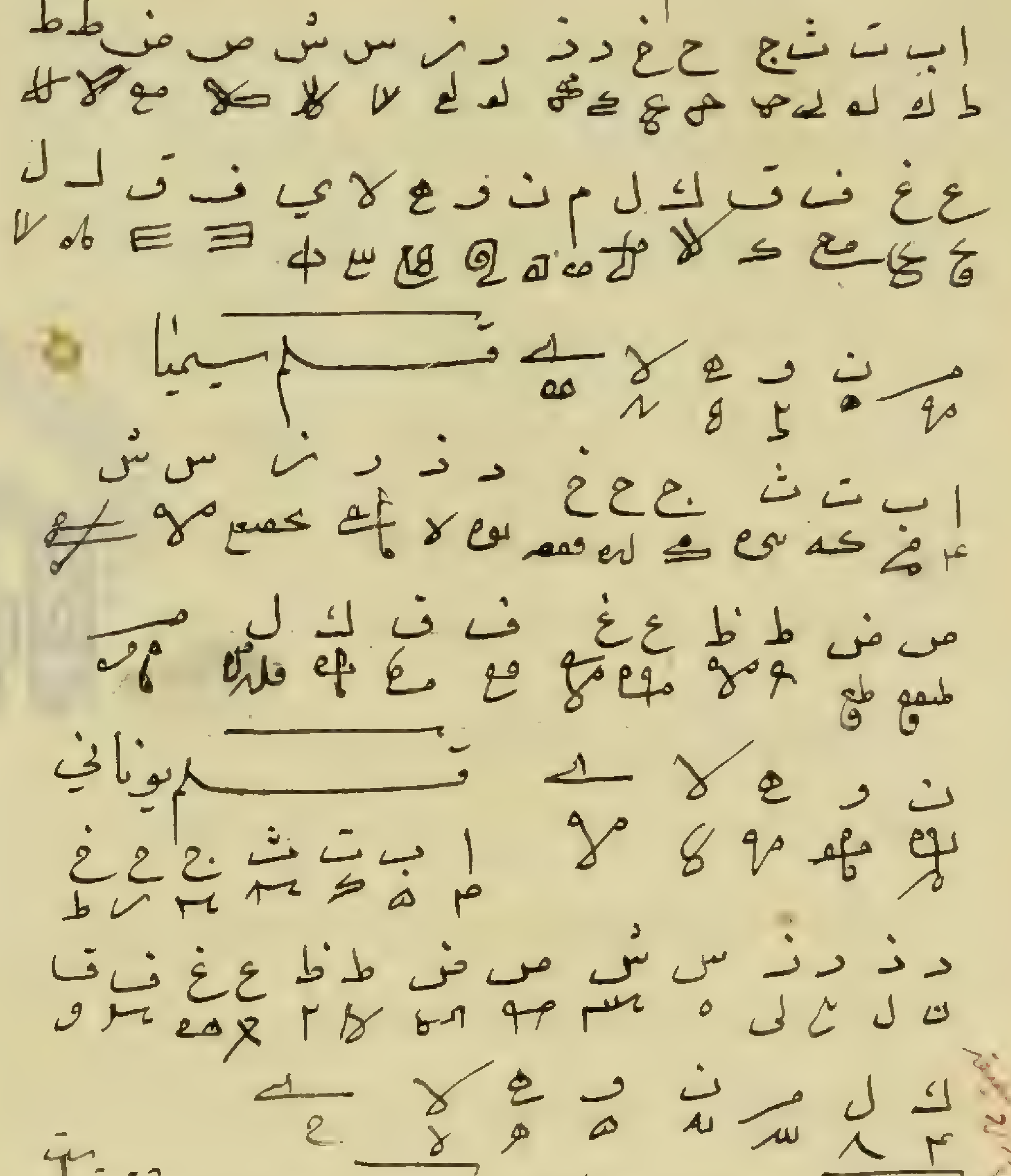

باب اول در علاج درد سر است باب دویم در علاج درد شقیقه است

باب سیم

باب سیم در علاج صرع است باب چهارم در علاج زکام و نزله است باب پنجم در علاج درد چشم است باب ششم در علاج درد دندان باب هفتم در تدبیر کندن دندان که بدون کلبتین باسانی کنده شود باب هشتم در بوی بد دهان است باب نهم در علاج خناق و ذبحه است باب دهم در چسبیدن زلو است بحلق باب یازدهم در امراض گوش است باب دوازدهم در علاج خون آمدن از بینی است باب سیزدهم در قولنج ایلاوس است باب چهاردهم در علاج زحیر است باب پانزدهم در علاج اسهال معده است باب شانزدهم در علاج خروج مقعده است باب هفدهم در علاج بواسیر است باب هیجدهم در علاج نواسیر است باب نوزدهم در عرق النسا و وجع ورک است باب بیستم در علاج جرب است باب بیست و یکم در خارش دست و پا و سایر اعضا است باب بیست و دویم در علاج سوختگی آتش است باب بیست و سیم در علاج کسی که او را بچوب یا چیزی دیگر زده باشند باب بیست و چهارم در علاج خستگی و تعبی که در پا می‌باشد از دویدن بسیار باشد باب بیست و پنجم در تدبیر حفظ موی از سفید شدن باب بیست و ششم در تدبیر رفع و ستردن موی است که بوده باب بیست و هفتم در کشتن قمل و کنه و عقرب است باب بیست و هشتم در تدبیر رفع لاغری مفرط باب بیست و نهم در بیان احتیاط از زهرها است باب سی‌ام در علاج سمومات است

ایضًا یا بی قلم در معالجهٔ درد سر است و از برسام قلم است یا در پیش روی عیب باشد یا در معالجه درد سر
اواسط یا در عقب سر و تفصیل او ذکر شد رجوع بکتاب شود والسلام علیکم و رحمة الله
از جهت چشمیکه غبار و سرخی و خارش و آب ریزش دارد ام توتیای شرابی کرتوی سرخی و خارش چشم
کرمانی تریاک مامیران کلس زاج سفید گل کاسنی مغز تخم چه ادویه را نرم
کرده از حریر بیرون کرده یا الکل ادویه مذکور را نرم کرده در آب توت بریزد
در ظرف چینی بقدر آفتاب باشد که آب توت خشک شود بعد نرم کرده در چشم کند
از جهت آب ریزش و جرب و غبار چشم مجرب است، راسخت را در آتش خوب قرمز کرده در از جهت آب ریزش
آب کشنیز و آب حنا و آب گل و داغ کرده بگیرد و بعد بیاورد یکمثقال از این راسخت
را و نیم مثقال زرده چوبه و نیم مثقال هلیله کابلی در دهم کرده نرم کرده از حریر بیرون کند
و در چشم کند از جهت غبار چشم مامیران نبات مصری پوست پسته نارنج و پسته نارنج از جهت غبار چشم
را بجوشانند و آبش را بگیرند و بعد بجوشانند تا بقوام عسل آید انوقت نبات و ما
میران را در آن کند و در قلیان کشیده بجوشانند و زمین بگذارد و بعد باید
و بعد با سر فتیله کند و در چشم اندازد تا خوب شود تریاک زاج مکلس نبات مصری
خوماخوذ شیر دختر تو بالمص ایضًا از جهت غبار را یتالح نوعی کند میدهد از جهت غبار
قند توتیای هندی نمک هندی مغز فلفل یکدانه مرداسنگ این اجزا را نرم
کرده باکره گاو و نصف در فنجان چینی کند و کتانی بر سر آن بربندد و در پیش آفتاب

بگذارد

بگذارد تا ده روز و میزان کره انیمد بدهید که با اجزا بقوام عسل در هم کند
از جهت غبار و بعد در میان دواتی کند با سر عکاند در چشم از جهت غبار چشم خون سیاه و ران
از جهت غبار چشم راسخت توبالمس زنگار مرقشیثای طلائی کبجیده کف دریا نبات مصری
صبح و شام در چشم کند از جهت غبار چشم و سفیدی او شیاف بسازد توبالک
نبات مصری رس هندی ... خط دار توبالمس این اجزا
را هاورا نرم کرده از حریر بیرون کرده با شیر دختر حل کند و با سر در چشم کند
و این از اسرار است نوع دیگر نوشادر را آفتابی را نرم کرده با نبات مصری مخلوط
و در چشم کند و چشمکه را ببندد ملخ سیر بیدرا بجوشانند و بر پشت چشم گذارند
بهتر شود بامر خدا و چشمیکه رشکک یعنی جوش جوش داشته باشد ایضًا سیر موش را
از جهت گل دارو بیرون آورده قدری نبات داخل کرده و بر سر آن و پشت چشمش بگذارد بهتر شود
از جهت گل دارو این اجزا ها را گرفته نرم کند و از حریر بیرون کند شیاف بسازد
گل دارو چشم بقدر نخود کبجیده زاج مکلس تریاک بقدر نخود این ادویه را نرم کند شیاف
سازد گل دارو مامیران کف دریا اقر دارو قند سفید مکرر گل دارو
گل دارو مکلس زاج تریاک مامیران پوست بادام سوخته قدری ایضًا درد چشم
بلم تمر هندی آلو غوره تمر را در میان آب غوره ریخته تا بخیسد بعد از آن صاف
کند و قدری آب بریزد تا ترشی او برطرف شود باز گذارد تا بقوام و شیره شود
دواهای مذکور را در میان او ریخته بجوشانند از قوام عسل بگذرد بریزد

درظرف چینی باشیر دختر صلایه کند تا غلیظ شود بعد باپنبه درچشم کند از

توشی و سفیدی خطر کند پنبه را باشیر دختر بو ره عیاو کذارد که مجربست

کل دارو این دواها را بهم ریزد نرم بکوبد واز حریر بیرون کرده درچشم کند

دیده خون سیاوشان قند سفید نرم کرده از حریر بیرون کند درچشم کند

از جهة شب کوری و خار چشم سم اسب بسوزاند خاکسترش را باب حل کند و در

چشم کند بر شود از جهة شب کوری و خار چشم زهره خروس را خشک کرده بعد صلایه

کرده درچشم کشد همین خواص را دارد از جهة بواسیر کوهان شتر کوبکین علفی

خرما سیاه قولنجان سورنجان همکی برابر کرفته نرم کوفته شیاف سازد مجربست

از جهة آب رفتن از چشم زهره خروس را خشک کرده درچشم کند آب رفتن را دفع

از جهة کری کوش زهره کوسفند را باب سیر بساید در کوش کند دفع کری شود مجرب

از جهة سالک بسیار مجربست اشنیا نرم کوبیده با زرده تخم مرغ خمیر کند بمالد که

مجربست اول زالو بنشاند بعد چنین کند از جهة مار کزیده برک سیب بساید بمالد در همان

موضع بر بندد باذن الله تعالی بهتر شود ایضاً هر که را مار کزیده باشد موش را بکشد بر آن موضع

بر بندد بهتر شود بامر خدای تعالی از جهة عبت هر کس قطره از خون کربه سیاه را بامنی خود

ممزوج کند بهر کس دهد عاشق او کردد و مجربست از جهة دندان لق شده عود سوخته را با نمک

سفید بکوبد انقدر که خواهد بر دندان مالد محکم کند دندانرا و مجربست از جهة دزد برده

بنویسد این طلسم را و در جای کرم دفن کند آن دزد یا کو بخت را بعین

کل دارو

از جهة شب کوری و خار چشم

از جهة بواسیر

از جهة سالک

از جهة مار کزیده

از جهة عبت

از جهة دندان لق شده

از جهة دزد برده

برواقع

برواقع شود و باز کردد و چون بیضه را دفن کند بکوید در حال دفن

کردن این دعا را بخواند اللهم اجمع بین فلان و بین السارق والذاهب

والذاهب بحق یا جامع یا قابض واحفظوها یا حافظ و اینرا باید بر تخم

مرغ سیاه خانکی نوشته شود

زنیان باکرد و را کوبیده و در آب

رنجیده سیل نماید انشا الله مجربست

یکشامو زنیان کفایت ده روز

دامینماید از برای قوت چشم

دوغ را با شوره در بوطه کلس

وسوخته نماید بعد از سرد

در سنک سماق صلایه نموده اجزای سوخته که همراه آب جاری است در ظرفی (صغاب)

جمع نمایند هر چه جسدیت بی فایده است ته نشین صغاد را کرفته چند دفعه

باب غذب شسته و شود هد که ملح شوده کرفته شود ملاک عمل چند است

که ملوحیت ملحی و تندی شوده رفته باشد پس از ان مرداسنک طلائی

یکشب در میان آتش زبل کذارد صبح انرا کرفته خاکستر او بفکرده

دود کنه هر چه جسد ایست در صلایه نرم کنند با آب تصفیه کند فروده

در میان کرباسی آب ندیده بسته در میانه چند سرکهنه بچیده آتش زند

از برای قوت چشم

تا وقتیکه سرد شود فیروزه شکفته شده او را هم نرم نموده مثل سرمه مغز
خروس جو جه هم کرفته از هر یکی از چهار جزو جزوی باهم سحق کرده بمثل سرمه
که قابل چشم کشیدن باشد غباری که خشک کند یا اینکه جزوی بو ... دهد
که کاهی با آب باید مایه داد بر دو رو بلور داند و در چشم مالیده شود برای
همه جور چشم خوبست للتفریق والابغض ال م ت ر ك ی ف

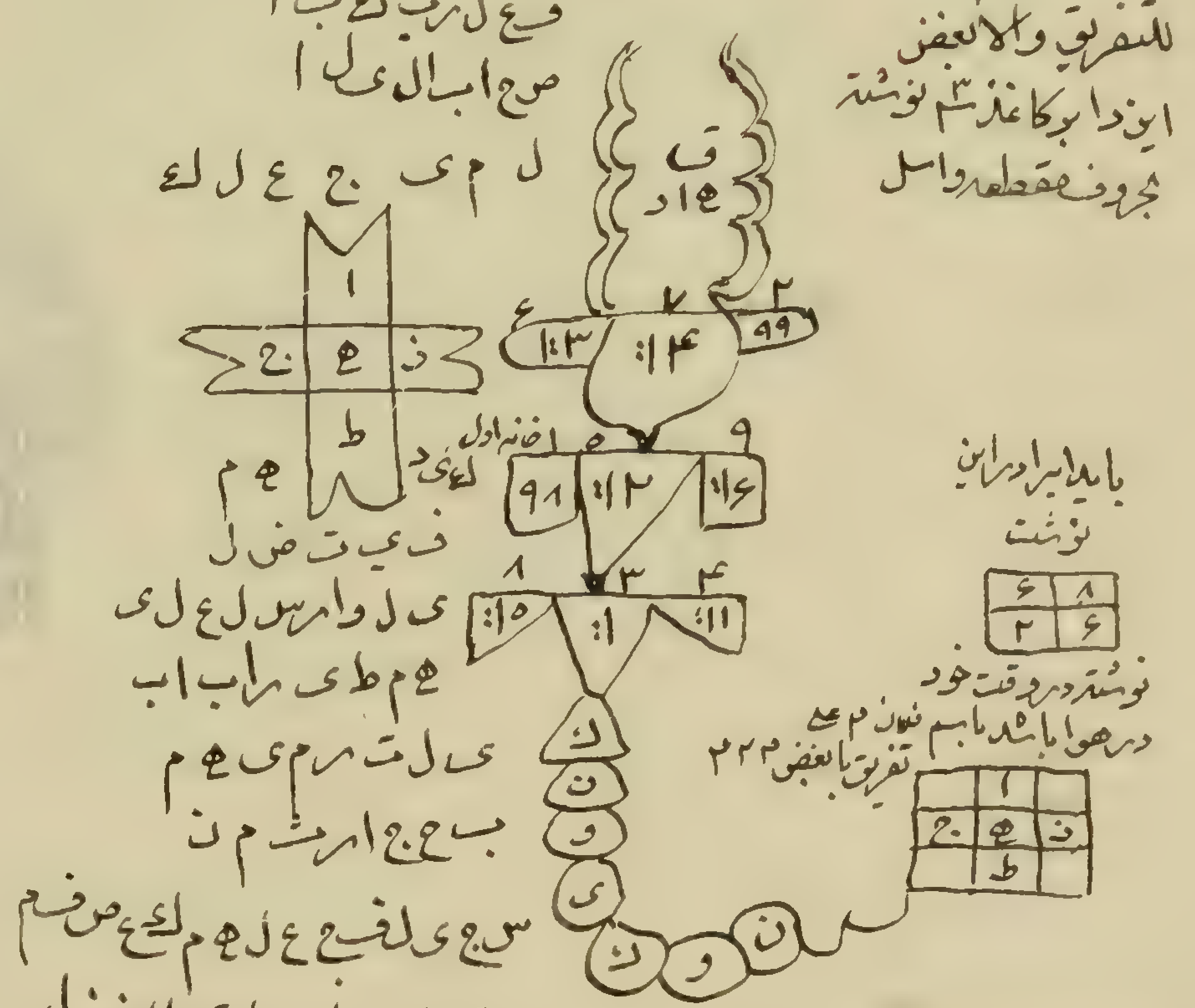

الع د ل وعدد والقینا بینهم العداوة والبغضاء
الفتح المهمات وکشایش کارها باید این غرایم را بنویسید در میان
ده کاه بر کاغذ زرد نویسید و در موم کیرد و با خود دارد ۳ هفته بر بنا باید که

تا

کرتا   توانکر کرداند وهیچ نداند که برکت از کجا می آید وچندان برکت وجمعیت
بروی روی نماید که   نداند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الرقیب الرؤف الرحمن
الرحیم یا الله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح علی صاحب کتابی
هذا العبد ابواب فضلك وابواب رحمتك وابواب رزقك وابواب خیرك
وابواب کرمك وابواب نعمتك وابواب سعادتك وابواب سلامتك وابواب عظمتك
وابواب رفعتك وابواب برکاتك وابواب فتحك وابواب احسانك وابواب
مرضاتك وابواب غناعتك وابواب الغنی وابواب الجنة اللهم یکفل برزق کل دابة
انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وما افضل من اعطی وما اکرم
من اوعی وما احسن من ادعی اللهم اسئلك بمحمد واله وبجمیع المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات برحمتك یا ارحم الراحمین لدفع الاعداء اکر خواهی که از دست
ظالمی نجات یابی این آیه را بادکرد اخواند بروی ان ظالم بد مد البته ان ظالم بمیرد
یا نزدیک بمردن رسد که از موده آما باید بدن پاک بر نیت خالص وکسی را که
مستحق این بناشد بعمل نیاورد و باعث عقوبت او کردد و آیه مبارکه اینست
انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر تنزع الناس کانهم
اعجاز نخل منقعر لا لمال المنیه لاخراج هر اجزاء مثلث هندسه اینکشد و در هر
خانه ۹۹۹ عدد بنویسید بر دو رو لوح بنویسید خروج خارج اخراج ۲۲۳ در مکان
منظور دفن کنه

ایضًا ومن کنز قوله تعالى الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة الى اخر الاية في وفق مربع في وقت مبارك مناسب على وضوء كامل وحضور قلب يرى من الخيرات والبركات ما لا يمكن شرحه بالتقرير والتحرير وهو العددي والحرفي وكلاهما ترسم لاصورا المذكور وها هذاه

١٠٣٨	٥٣٨	٢٨٦	٦٦
٦٦	٢٨٦	٥٣٨	١٠٣٨
٥٣٨	١٠٣٨	٦٦	٢٨٦
٢٨٦	٦٦	١٠٣٨	٥٣٨

والارض	السموات	نور	الله
الله	نور	السموات	والارض
السموات	والارض	الله	نور
نور	الله	والارض	السموات

هذا وفق بسم الله الرحمن الرحيم العددي والحرفي بتكسير الكلمات وله من الفوايد ما لا يمكن شرحه وهو يصلح لكل حاجة من جلب خير ودفع شر ان شا الله تعالى وهذه صورته وفي بعض نسخ يكتب الحرفي والعددي على حدة وحكمهما خواص واحد

٢٨٩	٣٢٩	٦٦	١٠٢
١٠٢	٦٦	٣٢٩	٢٨٩
٣٢٩	٢٨٩	١٠٢	٦٦
٦٦	١٠٢	٢٨٩	٣٢٩

الرحيم ٢٨٩	الرحمن ٣٢٩	الله ٦٦	بسم ١٠٢
بسم ١٠٢	الله ٦٦	الرحمن ٣٢٩	الرحيم ٢٨٩
الرحمن ٣٢٩	الرحيم ٢٨٩	بسم ١٠٢	الله ٦٦
الله ٦٦	بسم ١٠٢	الرحيم ٢٨٩	الرحمن ٣٢٩

ایضًا مثلث بدوح در اقطار ثمانیه ونقوش هذا الانی تعلق لقد

٨	٢	١٠
٩	٧	٤
٣		٦

١١

[illegible]

في المنام بنویسد با طهارت باشد در زیر سر خود گذارد مطلوب را در خواب ببیند

و آنچه قصد نموده باشد معلوم شود مهیعط بهیعلعسهیحله هحله سلما صهلما

في المنام که امور مخفیه بظهور خود مشاهده خواهد نمود وطلسم انیست.

ملح ممصلح مهمسطع نوع الملح مصمح مصمسلطع

از جهت زیاد شدن حافظه

اگر کسی را حافظه کم باشد و نسیان بروی غالب باشد چهل روز هر روزی ۱۲ مرتبه
این اسم را بخواند روشنی و منور گردد و هر چه بشنود یاد گیرد و اگر چیزی گم
کرده باشد یا دزد برده باشد شب دوشنبه یکصد بیست مرتبه بخواند و بخواب
برود آن گم کرده را بیابد و دزد را در خواب ببیند یا قیوم فلا یفوت
شیء من علمه ولا یؤده والسلام ختم یا فتاح چهار صد و هشتاد نه مرتبه باید

ختم مجرب

شروع کند یا در روز تا چهل روز هفت هزار بعد از فتح نذر از شیخ شهاب دین
و شیخ بهاء دین در ختم اسم نقل است که هر که ده روز روزه بدارد و حیوانی نخورد
و همیشه با طهارت باشد و از سر سجاده عبس برنخیزد و هر روز هزار مرتبه این نام
را بخواند ادهیح ادطامیح ادحوح ادنوعش ادرح البخ بودنش چون ده
روز تمام شود دو رکعت نماز حاجت بگذارد و هزار بار دیگر این عزیمه را بخواند
رب الحاجت رب العزت و رب العظمة و رب الهیبة والعزة لله والقدرة
لله والسلطان لله والبرهان لله ادهیح ادوح ادنوزوس بعد از آن کاغذ را
بشکل عباسی بریده در زیر سجاده گذارده در وقت نماز گذاردن بتوفیق الله تعالی
پیدا شود تجربه شده است

ختم مجرب

ختم مجرب از عالم غیب آید و زر غیبی باو دهد در اول ماه که روز پنجشنبه باشد صایم
بوده باشد وقت افطار غسل حاجت بجا آورده نماز مغرب را ادا سازد و بعد از افطار
قایل بوده نماز عشا مع نوافل ادا سازد همانجا نشسته صد بار بگوید رب صل
علی محمد و آله بخواند و ده بار الحمد با بسم الله و صد بار درود مسطور و هدیه
انوا بروح پر فتوح حضرت رسالت پناه صم و ائمه اثنا عشر بفرستد و عرض کند
این بنده ذلیل ضعیف دعوت صغیر سوره مبارکه اذا جاء نصر الله را با جازت
ثلاثی میخواهم بجا آوردم یا الهی از تو توفیق و یاری بر این امر میخواهم و چهارده
معصومان پاک را شفیع کرداند و درود خواند تا بخواب رود صبح غسل نموده و نماز
صبح را ادا نموده دو رکعت سر فتح دعوت بجا آرد و در هر رکعت بعد از حمد سوره
اذا جاء را بخواند بعد از سلام صد بار درود مسطور و یکصد و هشتاد و ۳ بار
سوره مبارکه را بخواند بعد از اتمام صد بار درود مذکور بخواند و صلاح حال
خود را بخدای خود عرضه دارد و ترک حلالی و جمالی کند و تعلق مکان و زبان از دست
ندهد و فحش و دروغ نگوید و از جمله لذات اجتناب کند و در روزها بتلاوت قرآن
مشغول باشد روز پنجم یا شب پنجم شخصی سبز فام بالباس سبز مصحف بدست گرفته
پیدا شود باید که برخیزد و از او سؤال کند مطلب خود را و از فرمان آن تجاوز نکند

نعوذ با مرض

ازجهة محبت

کدبهم جان است و وقت خواندن اگر عرق کند عود عرقی گویند چون مثل صندل
سیاه رنگ میشود و در آب غرق میشود او را بوزانند خیلی خوشبو است او را بخوانند
اجازت بنمود والسلام ازجهة دوستی مجربست ۳ روز بعد از نماز صبح دویست
و دو مرتبه بخواند بر نیت اگر میخواهد منقلبش کند لا اله الا الله الواحد
القهار لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله الا الله الکریم الستار لا
اله الا الله السمیع الاسرار ازجهة محبت بنویسد اگر با خود نگاهدارد با اسم هر که
خواهد بحق بلقیس پری بحق یا شمعون بحق توریه موسی و انجیل عیسی و زبور
داود و بحق ٩٩٩ ٩٩ ٩٩ ٩٩ ٤ ٦٦٦٦٦٦ ـــ ـب و ٩ ص م بحق
یا تملیخا مثلنوشت یا مکشلمینا یا مرنوش یا شاه و نوش یا کسط طمطوش بحق

ازجهة محبت

٢ ٧ ٢ ١١١٥ مممم ٧ ح ٤ ٤ ره ق ق ا وماه ازجهة محبت بنویسد این
مهر مبارک حضرت امیر علیه السلام را در موم گرفته در کاسه که چهار سیر گلاب داشته
باشد ۳ دفعه فرو برده و آن گلاب را در چهار کوشه اطاق خود که می نشیند بپاشد
و آن موم را از این طلسم نقش کند با شکل امیخته در خانه او دفن کند که بسیار مجربست
١٩١ سو ٨ هم ٩١ طط ٦ ١١عوط ٣ ١١٣ ١١٢ ١١ طط کا ٨ ا ٤٩
ط ١١ طط م ١١ د ١١٣ ١١ ٦ م لا ١ لا ٢ ط کط ٤ رم ٦ ٩ ا و و لا ١ آ ١١ آ ١١ آ ٢ آ ١١١

لرفع

٢ ٧ ٤٨٠٩ ١١١٩ دلا لا ١ ٤ ١١١ ١ طط ٨٥ ١١٨٨ لا ١١١١ آ ١١١ م ١١ ٨ ٠ ٤ ٥
ازجهة محبت بنویسد بعد با گلاب بشوید روزی یکدفعه بر صورت خود بزند تا ۳

ازجهة محبت

روز با اسم هر که خواهد که مجربست ١٣٢٥٣٤٦٣٤ لا ٣ ١ ٨ ١ ٩ ٤ ٥ ٨ ٦ ٦ ٨ ٦ ١ ٥ ٤ ١ ٨
٣ ١ ٥ ٤ ٣ ٢ ٤ ١ ٥ ١ ١ ٢ ٢ ٤ ١ ٥ ٨ ٣ ٢ ٠ ٦ ٢ ٨ ٤ ٢ ٩ ٥ ٠ ٦ ١ ٢ ٨ ٤ ٣ لا
حب ازبرای رفع اثر دلیل
صبر زرد صبر سیاه ریوند چینی مصطکی رومی زعفران لنه لنه رب السوس
سترات صفر عصاره صطیانا عصاره افستین عصاره نوامیک عصاره لیلبه
عصاره کاسیا نوامیک تربال کلر بیدرا برفلس امی دو ا لا
نرم کوبیده با عصاره تمام حب نمایند روز اول ۳ عدد ۱ عصر ۱ صبح ۱ الغذره نخود سیاه وقت خواب
میل نمایند هر روز زیاد کنند صبح دیگر عصر کم کنند روز لبعدم کم کنند
روز سیم باز صبح زیاد صبح عصر کم کنند و روز چهارم کم کنند روز
ششم باز ... کم کنند تا همه روزها زیاد تر کم کنند تا تمام رفع شود مجرب است
حاجی میرزا حبیب الله شمس الاطباء

عصاره ... ازبرای ...
...

از جهة رطوبات معده و دفع حرارت کبد بسیار مفید است زنجبیل فلفل زرنبان حب الرمان
خبث الحدید اجزا ها را نرم کوفته و با عسل بقدر کفاف خمیر کرده معجون ساخته از یک مثقال
تا چهار مثقال بخورد عصرها دو مثقال میل کند و صبح هم دو مثقال از غذاهای رطوباتی کم
میل بفرمایند غذاهای مقوی میل بفرمایند مثل مربای والبک و امثال اینها

از جهة ضیق نفس

از جهة ضیق نفس

از جهة ضیق نفس یک مثقال تنباکوی بسیار خوب اعلا را نرم صلایه کرده بعد هشت
قسمت نماید هر قسمتی را یک روز در میان موی طائفی نموده بلع کند که مجربست

طریقه ساختن حب بنفشه

طریقه ساختن حب بنفشه بنفشه دو درم تربد مجوف یک درم رب السوس دو درم سقمونیا
نیم درم کثیرا کون نخود با آب خالص حب نموده شربتی شش نخود یک سیر و نیم هم عرق بادیان و پنج
مثقال شربت نیلوفر بنوشند و چون حب کار خود را کرد در عوض خنکی اسفرزه تخم
خیار نیم زنگ شده کرده قدری آب بریزد با پنج مثقال شربت بنفشه میل کند و از روغن

حب نشاط

و چربی پرهیز کند بسیار نافع و مجربست حب نشاط صمغ عربی شکر دوازده کثیرای سفید
بعد از اصل سوس نشاسته پوست خشخاش مغز بادام گل ارمنی آرده باقلا
تریاک کهربا مروارید یاقوت مغز تخم بزری بزرالبنج حب نموده بقدر ماش

حب نشاط

بزرگتر باشد ایضا حب نشاط از جهة سرفه و بواسیر و باده نزله و رطوبات هم
بسیار نافع است و مجرب دارچینی زعفران افیون انیسون فلفل ازرق
ریوند چینی و اگر از جهة قوه باه خواسته باشد یک مثقال حب الداود و یک مثقال عنبر
اشهب داخل کند اجزا ها را نرم صلایه کرده با گلاب حب سازد از نخود کوچکتر

حب هلیله

باشد و شربتی ده دانه در وقت خواب بخورد حب هلیله از جهة تقویت و دفع
رطوبت هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر مصطکی یک مثقال نیم عود قماری
اسم

حب صبر و حب ذهب

اجزاها را نرم کرده و بیخته و حب نموده بقدر نخودی هر شب وقت خواب دو
دانه میل کند که مجرب و آزموده است حب صبر و حب ذهب هر دو نسخه اینست
صبر سقوطری پوست هلیله زرد هر دو را با گلاب سرشته شربتی دو مثقال
نیم نخود ده از جهة درد سینه و درد دل و ضیق نفس هلیله بلیله و نمک
برابر بساید و غاله بگیرد و بعد خمیر کنید بعسل بقدر نخود حب نموده شب در
وقت خواب چند دانه نخورد دفع کند خرما بروغن گاو بجوشاند و نخورد
تنگی نفس را دفع کند شیح ارض و سداب مساوی حب کند و نخورد هر روز
دوازده مرتبه بس زایل کند تنگی نفس را تمر هندی منقع کند روزی و شبی
و نرم کند با آرده باقلا و شکر و نبات و طبخ کند حساء و مخلوط کند برآن
روغن لوز و نخورد از آن از مربوب تنگی نفس را رفع کند خرنوب شامی
نفع کند بقدر گندم با بکرم ۳ روز و برگ آن و نرم کند با شکر و نبات طبخ کند
حساء و نخورد از آن نفع دهد ار ذبو و تنگی نفس شیر مادیان نخورد نفع میدهد
ربو و تنگی نفس خوردن گل ارمنی دفع وباء و طاعون را میکند تمر نسخه حب سینه
شکر و نشاء و لوز عمل کند حساء و نخورد نیم نفع کند سرفه خشک را تخم کتان
بجوشاند و خمیر کند بعسل و نخورد نفع کند سرفه که سبب آن بلغم باشد نافع است

از جهة درد سینه

نسخه

نسخه حب ثانی صبر نخود ملیله در فی ریوند چینی مصطکی دانه همگی را برابر نرم کرده
با آب حب کند و اگر بواسیر هم داشته باشد با آب تره خمیر نماید هر شب بعد از غذا بقدر
دو نخود نخورد که بسیار نافع بود از جهة مرض سینه بسیار مجربست تخم کشوث را
با آب باقلا بر بزرد و نخورد بر طرف شود که مجربست از جهة تقویت سر و چشم و دل و جگر
خوقی یکمثقال خشخاش یکمثقال فستق ۴ درم فندق ۱۰ درم قرص کمر بکدانز کشنیز ۴ درم
بادام ده دانه بیخ بنفشه ۴ درم گل بنفشه ۴ درم قند ۶ درم دار پاینر ۴ درم زعفران
دو مثقال هل ده دانه اینها را نرم کوفته با هم ممزوج کند صبح ناشتا بقدر چهار
مثقال و شب وقت خواب هم نخورد از جهة کاد کن نیم مثقال ریوند چینی را نرم
کرده با پنج مثقال شکر بکوبد بخورد و آب گرم بالای او بخورد از جهة کاذکن دیسر گل
لاله را خشک کند بعد بکوبد بقدر یک قاشق طرنیم دو طره باروت که در تفنگ که اندازند
از او در میان یکقاشق ماست ریوند ناشتا بخورد طبیر هز بخورد شکمش خوب کار میکند بعد
جلاء بخورد والسلام از جهة قلیان کوفت شنجرف طوطیاء هندی عاقرقرحا
اکیر ترکی فلفل مواع زنبق جوز چینی تخم نیلوفر تنکار دار انکنه منیک
جدوار نافرانیها را همگی را نرم کوفته و بیخته و حب نمایند بجهة دستور باید
جیوه را در میان این باقی دواها اندازد این قدر بکوبد که جیوه تعلیل رود

و بعد حب سازد و بقدر ماشی هفت قسمت کند روزی یک قسمت او را بخورند
دوای دهن سوزه طوطیای هندی را بآتش اندازند تا پخته شود و بعد کلادمنی را نرم — دهن سوزه
و دهن بشویند که مجربست صفت دود شنجرف چوب چینی تنکار طوطیای هندی
قند سفید اینها را همگی را نرم بکوبید و ممزوج کند و دود دهند از قرار ۳ مثقال — صفت دود
ایضاً حب خوراکی زیبق کوکرد احمر شکر سرخ و شب جبنا باید در سر آتش ریخته که دود — حب خوراکی
بدماغ او برود و در روز اول یک بدهد و روز دیم صبح یکی شام یکی بدهد
تا بکشد تا ۳ روز اگر نخواهد قلیان بدهد دود دهد باین دستور که دود
۳ دفعه باید و هر دفعه ۳ مثقال بر سر آتش بریزند و اگر قلیان دهد هر قلیانی
یکمثقال است که چنانچه از ضرب دود قلیان بیمار ظهیر و اسهال بهم رساند او را
باید کف‌لمه او را داد تا بخورد آن روز که چنین حال بیمار باشد آن روز نیز قلیان
و نیز خوردنی هیچکدام باو نباید داد صفت کف‌لمه چنین است بارهنگ نبات — صفت کف‌لمه
۸۲ ۸۱
بارهنگ را خوب نرم صلایه کند و نبات را هم کوفته و داخل بارهنگ کند و بدهد
بخورد بالای او آب گرم بخورد معجون جاوهران را هفت علت را دوا میکند فالج — معجون جواهران
عرق تباع کم شهوتی قولنج بواسیر و درد پشت و درد شکم بسیار مجربست در بیان — در بیان
زوزه کشیدن کلب اگر روز جمعه صدا کند علامت بومیران بود و اگر روز شنبه
زوزه

زوزه کند در آن وقت فتنه پیدا شود و اگر روز یکشنبه آواز کند در آن ابدانی
خراب باید کرد اگر روز دوشنبه آواز کند مهمان ناسازگاری برسد و جنگ روی دهد
اگر شب شنبه یا روز شنبه زوزه کند مسکینی پیش آید در شب یکشنبه بانگ کند خصومت
پیدا شود اگر شب دوشنبه بانگ کند مرگی پیدا شود اگر شب ۳ شنبه زوزه کند
عروسی و شادی پیدا آید و اگر شب چهارشنبه زوزه کشد غم و مرض پیدا شود و اگر
شب پنجشنبه بانگ کند دلیل آنکه مسافری باز آید و اگر شب جمعه بانگ کند ترس
و بیم فراری پیدا شود از جهة درد چشم زاج مکلس نیم سیر توتیاک کل کاسنی قند
نبات نرم کوبیده در میان شیر دختر حل کرده در چشم کنند که مجربست والسلام
شرع ناد علی را ناد عمراً مظهر ظلم والعذاب تجده ملعوناً و هو کلب کذاب
و فتح فی الباب — اللهم العن عمر ابن الخطاب
از جهة علت سودا بسیار مجربست صمغ عربی یکمثقال کلنار فارسی یکمثقال مرمکی
توتیاک دو نخود مامیز یک نخود مقل یاد زیبق با آب کاسنی خمیر کنید و حب
و بعد هر وقت که حاجت بشود یک حب در میان غاشق با آب سائیده در جای
علت سودا نند در ۳ و چهار دفعه خوب شود یادگار مرحوم میرزا ابراهیم نبات
خاکشیر انگوره صبر سیاه صبر زرد مامیزج زنباد گل سرخ کنون دشتی ایرسا

دارپلپل زنجبیل کلکوذهر کل بنفشه تخم کاسنی کوزن اشتر مقل ربع ریوند
شکر سرخ کزنکوهی هندوانه ابوجهل اینها را همکی را نرم کوبیده با آب تره خیزه
کوده شیاف سازد عمل کند هر شبی یکدانه تا ۳ شب که خوب میشود کاذکون کوچک
را اندر پرده میان مغز او را بیرون آورده دور اندازد کتیرای قلم
اذریون کل سرخ اینها را باهم بکوبند حب نماید بقدر دانه فلفل خورداله بعدانه
ایضا کاذکون صبر زرد دم ریوند حب نیل کوچک هندی شش دانه اندر پرده میان
او را بیرون کنید بعد باهم نرم کوبیده حب کنند بقدر دانه فلفل خوردك ۱۲ دانه
از جهت ضیق نفس از بوره بقدر دو طی تفنک با آب بجوشاند در میان بنهند
ببالاود شام صبح بخورد شفا یابد از جهت درد دل در مدت هفت روز شیر داده
کاو بیاورد یکدست پر از توره خوش بو در میان شیر نهد بجوشاند بخورد تا هفت
روز باین دستور روزی یکپیاله بیشتر نخورد تا عمر دارد دیکر درد دل نکیرد او را
بعد امجرب است از جهت علت کوفت اشربادی و زخمی در سرتلیان کند بکشد که مجرب است.
زنکار فرنکی کات هندی زیبق شنجرف چوب چینی حنا میرك زیبق را در حنا
و بعد با آب دهن کشته نماید در هاونك و بعد چوب چینی را تنها کوبیده
و بعد جمله اجزا ها را باهم کند خوب صلایه کند و قرص کند بقدر نیم قرانی

صبح

صبح یکی و مغرب یکی تا هفت روز که خوب شود برای دهن زخمی صمغ عربی کل ارمنی
طباشیر قلمی این ۳ اجزا را نرم بکوبید و شب در بن دندانها بنهد
نوع دیکر از جهت کوفت از برای سودا فلفل مثقال دارچینی زنجبیل
شنجرف کات هندی پوست هلیله زرد اینها را نرم کوبیده و قرص کند
بقدر نیم قران صبح یکی شام یکی تا هفت روز بخورد این نسخه خوب است
از جهت چشمی که درد کند و سرخ شود و غبار هم دارد نشادر عدسی نبات مصری
مامیران چینی سنک راسخت کفچه را دار فلفل چینچه شمبر را
بجوشاند و مغز او را در آورده با باقی دیکر ممزوج کند بعد نرم کند از
حریر بیرون کرده در چشم کشد از جهت غبار ولکه چشم نوشادر کف دریا
سوده قلم و دو شیشه بکیرد و یکی را از دمبال یکسو داغ کند با سوزن درشت
و دوا را در میان شیشه نی سوراخ کذارده و دمبال شیشه سوراخ دار در دهن
او کذارد و بر خمیر خوب قایم کند و سر شیشه بر نهد و سر شیشه بالا را هم
با خمیر قایم کند و آتش کند کم کم در زیرش بنهد جوهرش در میان آن
میرود جوهرش از برای لکه چشم و باقی خلط آن ماده شمال خورد
سیاوش بکوبد از برای خوارش چشم نافع بود و مجرب است دوای چشم
زاج سفید دارچینی زعفران شاف ملکی هفت دانه نوشادر سوده

اینها را درهم کند نیم کوب کند و در نی کند و یک بند انکشت از آن نی خالی
ماند و با خمیر در نی را محکم کند و در قزان آب کوشت بنهد اندازه تا آن
کوشت پخته شود و بعد درآورده و صلایه نماید تا مثل سرمه شود خوب
از جهة غبار چشم روح توتیا سرمه زیبق نسخهٔ دیکر راسخت نوشته بود
عوض زیبق در میان خاک انداز کذارند روی آتش کذارند آب که رسد
کم کم شوده بریزد و با دسته آهنی صلایه کند تا جمیع چهار قلم مخلوط بهم
شوند تا کرم است خالی کند در ظرف دیکر بعد نرم صلایه کرده در
چشم کشد برای جرب و سودا و سوختکی اطراف چشم و سبل بسیار مجرب است
از جهة سرخی و آب ریختن چشم و غبار چشم سرمه سنک طوطیای کرمانی
نبات سفید اینها را نرم کرده در چشم کشد از جهة کادکن هلیله سیاه تخم
نیلوفر حب السلاطین شکر سرخ کشنیز اکر ممکن بشود پخته بعد با شیر (?)
پخته و شیر مثل پنیر شود دور اندازد و بعد سلاطین درآورده و مغز
او را درآورده و پرده را از میان او بدر اندازد با اینها صلایه کند
و اما کشنیز را میان جایی کند یک قاشق آب در او کند از اول شب تا
صبح بماند و بعد آب صاف کند بجوشد اینها دهد تا خمیر شود و حب
نماید بقدر نخودی یکسره هر خودی نخ دانه بدهد اما پرهیز کند تا

دوو

دوو و آب کرم بالای آن بخورد و بعد از آن بالای آن حلوا بخورد و کم کم
ماش هم با حلوا با وجودی هیچ آتش ندارد از جهة کادکن هلیله سیاه هلیله زرد
صبر زرد صبر مکی ورق هندی حب السلاطین شکر سرخ با هم بکوبد نرم
باشد بوزن ۳ مثقال بدهد از جهة کادکن حب السلاطین کثیرا شکر سرخ
ریوند شش درهم کشمش سبز این دواها را با هم صلایه کند و حب نماید بقدر
نخودی پخته انز بدهد بخورد از جهة اکرسم از هفت سالکی تا نود سالکی
خوب میکند از این زیاده معالجه نمیشود باهم صلایه کن اقلیما اقلیما صمغ (?)
صبر سقوطری ماميران چینی نبات سفید ادویه را باهم صلایه کرده کبیخته
داغ سفید تریاک بلباجان راسن هندی نبات چشمجه مالیخولیا از جهة
تریاک جوز زعفران نخود علف هندی دارچینی هل پوست دار عاقرقرحا
زرشک جوز زرده چوب میخک عسل اجزاها را نرم کوبیده ممزوج نمایند
با روغن زرد بعد از آن عسل را بدست اجزا بدهد در قلعی بریزد برای وقت
حاجت دوای چشم کف دریا چشمجه کبیخته تخم سفید نبات سفید دارو
ساخته در چشم بریزد ناصور داروی چشم خون سیاوش صبر زرد داغ سفید
چشمجه صندوت زنکار مرداسنک همه را نرم کرده از حریر برون کرده
در چشم کند فرزند بردن (?) برای اولاد زیبق بسباجه تخم دانه اجزا را نرم کوبیده

کشمش سبز دوازده دانه هفت روز یا ۳ روز بدارد یعنی در فرج کذارد دابستن
شود و مجرب است دوای چهار کسته سرب روح تلع را سخت در خاک انداز
آب کند و کم کم سوده بزند تا خوب مکلس شوند و با دسته آهنی هم باید صلایه کند
در حالت ذوب و تا کرم است و آب است در ظرف خارج خالی کند که بجای بیند و بعد از آن
نرم صلایه کرده برای وقت حاجت در چشم ریزد از برای چرب سودا خوب است
اگر با آب قوده یا آب لیمو بروانند تا شکفته شود بهتر خواهد بود والسلام علیکم
از جهت سوزنک کبابه چینی نبات سفید کهربا داخل نماید نرم کوبیده هر روزی
نیم مثقال علاوه میل نماید عوض آب شیره بادام بنوشد که بسیار مجرب است از جهت
خوارش چشم خون سیاوشان سر سنگ ماهی نبات سفید نرم کوده در چشم کشد
از جهت سوزنک کوکود فارسی شیرماده گاو دو چهار یک آب لیمو با نرخ ده
کوبیده داخل شیر گاو کند و آب لیمو بجوشاند صبح بقدر پیاله بخورد ۳ چهار روز
از برای علت کرمی زران چهار تخم با سنگ حجر الیهود ما لیشت کنه در هم ذانو کند
تخم خیار تخم خرفه تخم اسفناج انیها را با سنگ حجر الیهود در هم پیاله آب
جوشانیده مالش بدهد بر اعضای چهار بند که مجرب است از جهت کادین
تا جو زیلکود سکانه تخم کافشه ذلفه وسان اکلیل ملک ترنجبین
جوشانیده صاف کرده ترنجبین را شیره کشیده ممزوج کند بخورد والسلام

از جهت زخم

از جهت زخم کوفته که میان را بود طرف کرده اینست زنگار کل ارمنی مازو زنگار را
بسوزانند و ممزوج کند نرم کرده از حریر بیرون بعد زخم را بشوید با آب گرم و بعد از آن
این دوا را بر زخم بزند گوشت کند یده او را ببرید و بعد مرهم بر آن زخم نهد و بعد خشک
بپاشد شکر اینست جفت خالص مکلس زاج سفید مازو بجهت سودا زنبق حنا کرده
دارا شکند زنگار کوکرد مرداسنگ روغن زیت اجزا را نرم کرده در میان روغن زیت
کند و مالش دهد والسلام گشادن بود بستن برای مرد بسته بنویسد دو پاره کاغذ یکی را
در زیر دامن دود کند و یکی را با خود نگاه دارد که ان شاء الله گشاده گردد لا ااا ه ااا ططط
مممم اع واع ه لد بط بط طلوح وه ادام لاه یا الله خون آمده از دماغ
بباید از همان خون در پیشانی بنویسد کمت و سطت السماء از برای وجع
یعنی هر جا که از اعضاء آدمی درد و ورم کند مغز کردو را بسوزانند در روغن
او را گرفته و قدری سیر بکوبد و با آن روغن بیامیزد و ممزوج نماید و بعد
بان درد بمالد ۳ شب و ببندد پاکیزه او را خوب بر بجه که نافع بود
از برای هر نوع درد چشم نافع بود زاج سفید مکلس را سخت تر تراک رسوت هندی
قند خون سیاوش زرده چوبه نرم کرده در چشم کند که بسیار نافع بود
از جهت درد دندان پوست مغیلان زرد عاقرقرحا خردل در آب جوشانیده غره غره کند مجرب است

با بید عمل شمس الدین هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد و هر روز صد بار این دعا را
فعال
بخواند یا فرد یا خبیر یا شهید یا ذکی یا لطیف یا ثابت یا طالب یا حنان یا حنان یا
فعال
یا خلاق و در روز هشتم این مهر را در زیر سجاده گذاشته و فردا باز این دعا را بخواند یا
بر دارد
یا خلاق بگوید و سجاده را گذاشته بردارد از عقب هفت انچه در زیر سجاده باشد
بخواند
خرج کند و مهر را در کیسه نهد و چهل مرتبه یا مذهب یا اسود یا فعال یا خلاق بخواند
هر روز الاستمرار می آید و کم نشود و اما در هر ماهی هفت دینار صدقه دهد از
برای روح شمس الدین فاتحه بخواند که مجرب است و آزموده شده مهر اینست

از جهت قی کردن نمک خاکستر
اسم
سکنجبین آب یک کاسه جوشانیده
تا نصف شود نیم گرم بخورد زیاد
نافع است و مجرب است از جهت
درد ... رب و بیوند را نیم کوب
کرده کف لمر کند بعد یک پیاله

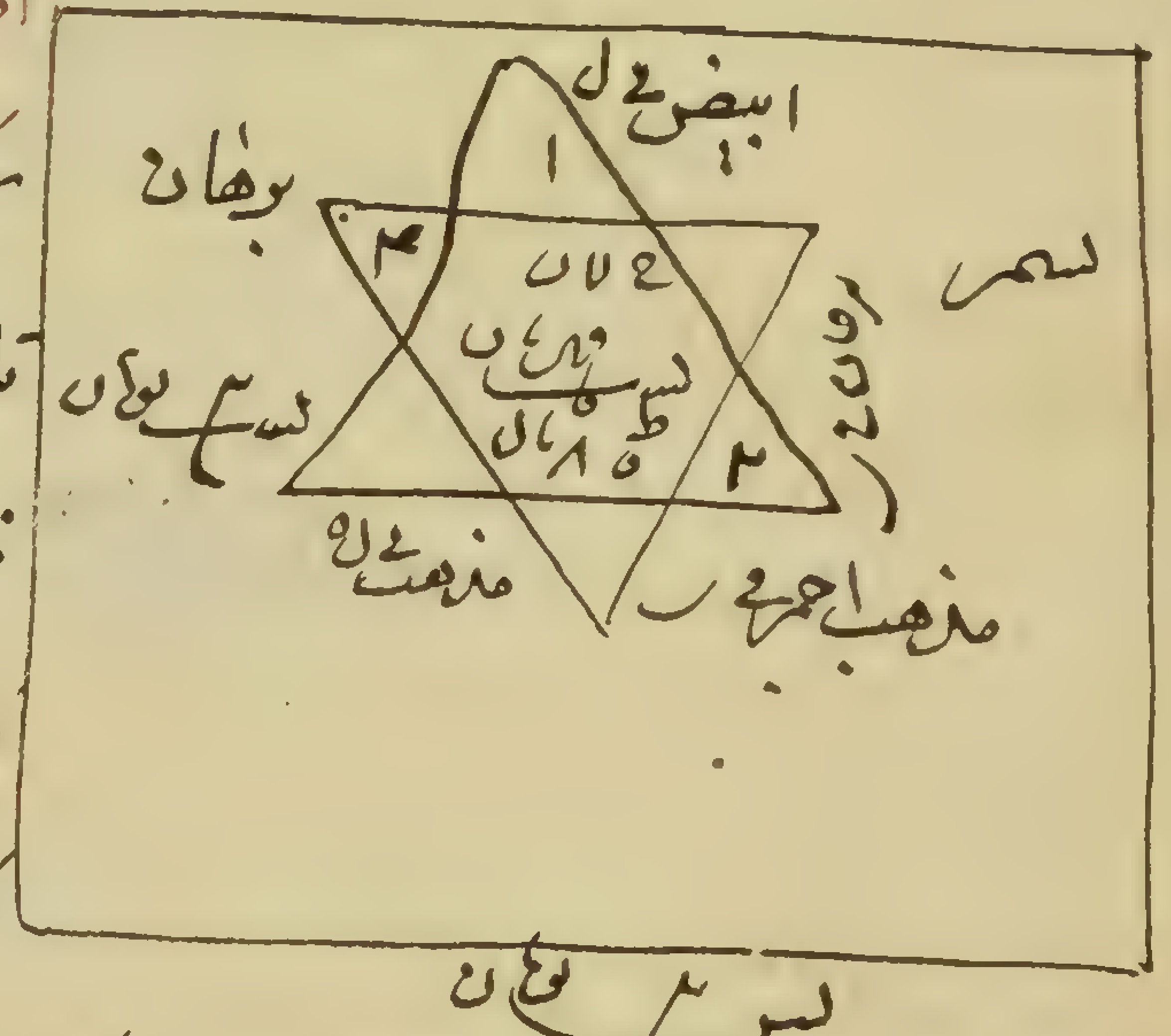

آب قند بالای او بخورد بعد هر قدر فعل کرد و قی کرد باز آب گرم بجهت تلین آن
سکنجبین بخورد معلوم است که تنقیه کامل خواهد کرد والسلام علیکم و رحمة الله
از جهت محبت

از جهت محبت در روز یکشنبه بنویسد بنام خود و مادر خود و بنام مطلوب
و مادر او و در زیر آتش کند ...
... بسم الله الرحمن الرحیم یا رب ...
... باسم فلان ایضاً بر ۱۲ ... بنوشته مردم خواب برود آتش
اندازد ...
ایضاً نوع دیگر ... بنویسد زیر آتش دفن کند اگر
صد فرسخ دور باشد بیاید ...
...
ایضاً محبت بر ... نوآب ... بنویسد باسم هر کس خواهد که مجرب است
در آتش گذارد ...
از جهت محبت این طلسم را با خون کنجشک نوشته زیر زبان گیرد با هر که سخن گوید
مطلب روا شود اینست ... از جهت
عداوت میان دو کس روز شنبه در وقت نماز شام بنویسد در آب روان اندازد
در میان ایشان افتد والقینا بینهم العداوة والبغضاء ابدا الی یوم
القیامة له له ... از جهت جدائی زن و شوهر بیاورید ۳ بادام
و این ۳ آیه را بر او بنویسد و در میان ... اندازد مجرب است ... حیات

(Margin notes: از جهت محبت; نوع دیگر; نوع دیگر; از جهت محبت; عداوت; جدائی زن و شوهر; از جهت قی; ...)

ثنا شد ارشد نوع دیکر جدائی زن و شوهر این طلسم را باسم هر کدام نوشته در

میان اوبیاق اندازد طلاق واقع شود مجربست عجح عجح عجح عجح عجح عجح عجح

از جهة محبت مجربست این طلسم را نوشته بر درخت آویزد باد بر او بوزد

ط ااا ۹۹ حاد ۹ اااا ۶۶ طط ا ۹ اا ۶۶ اا ۹۹ اا ااا از جهة ل ۱۲ ا

بدست ادید نوشته بر نان کندم بخورده سک ماده دهند مجربست اکر کسی

طالع او دلو بود خاهی محبت کنی بنویسد بمشک

عليـ	دلا	وكا	كل	العلـ
التام	اشفا	عدو جعد	ع العلـ الكه	الالال
	ااسـ			

و زعفران بر پر کنجشک بندد و رها کند در اطاق منزل خود پرواز کند نکذارد ارام بنشیند همیشه

در حرکت پرواز باشد هههع ر ر ا ا د ر رس حطع ۹ ۳ ۳ ۹ ص ۹

م کرامع ۹۰ ااا از برای مکاشفات و ظهور جن وارواح و اطاعت بنی ادم مجربست

اول غسل کند و روزه دارد در پنجشنبه که اول ماه باشد پس بروی زمین بخسپد

و نان جو بخورد و شاکرا خواب رود پس نیمه شب برخیزد وضو بسازد و روی

بجانب قبله بنشیند و این آیت را سی بار بخواند و بعد از آن بگوید اَيَّتُهَا الاَ

رواح الطَّاهِرَةِ الوَاصِلَةِ المُقَدَّسَةِ المُوَكَّلُونَ بِهَذَا الآيَاتِ المُغَلَّبُونَ تَبَر

مَا المُودَعُ فِيهَا اَجِيبُوا الدَّعوَةَ وَافِيضُوا اَنْوَارَ عَلَى اَنْ اَفْطِقَ بِمَا هُوَ خَفِيٌّ

وَاَخبِرُوا بِالكَائِنِ صَادِقًا وَاَمِيلُوا بَنِي آدَمَ وَبَنَاتِ حَوَّاءَ اِلَيَّ اَمِيلُوا

ذُنُوبَهُم

ذُنُوبَهُم مِنِّي وَنَعَمَهُ وَرُهبًا بعد از آن همین اکر خواهی کسیرا منکوس کنی باید که

مددی کاغذ سبز رنک را و صورت آن کس را بر آن کاغذ کشیده در خانه

تاریکی رو بقبله و دو سوزن بر دو چشم او بزند و دو عدد بر دو دست او بزند

و دو عدد بر بالهای او و یکعدد در دهان او بزند و در هر سوزنی که

فرو میبرد باید یکعدد سوره مبارکه حمد معکوس را بخواند تا مراد

حاصل شود اما باید که پیش از سه روز که بماند کور میشود یا اینکه هلاک

می شود سوره حمد معکوس اینست نَیكَضا لُو مَهیلَع بُوضغَمل رِیغ

مَهیلَع تَمعَن اَنیذلَ طَرَاصِ مَیقَتسُم لَا طَرَاصِ اَندِهِ اَنیعَتسَن

كَیَّا اَ دُبعَن كَیَّا اَو نیدَم وَی كَلِمَا مِیحَر نِمَا مِرَ نِمحَلِ عَلَی بِرَ هَلَلِ دُمحَلا

از جهة محبت بیاورید خاک زیر قدم راست معشوق و خاک زیر قدم چپ

خود را بهم بیامیزد و بعد از آن هفت مرتبه بر آن خاک بخواند و در آتش ریزد

که مجربست هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى

عَلَى العَرشِ يَعلَمُ مَا يَلِجُ فِي الاَرضِ وَمَا يَخرُجُ مِنهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعرُجُ

فِيهَا وَهُوَ مَعَكُم وَاللّٰهُ بِمَا تَعمَلُونَ بَصِيرٌ از جهة احضار که خواهی او را حاضر کنید

این طلسم را در پشت ناخن خود بنویسید در آخر سوره حم آید حَتّٰی اِذَا مَا

یُوعَدُونَ را تا آخر سوره نیز آیه است بخواند و در آخر هر آیه سوره والسمو

بخواند و طلسم مبارک اینست و نیز آیه مبارکه اینست حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ
فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُو
عَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا
مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا
لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ
عَدَدًا ایضاً جهة پشت باغی طلسم را نقش کند و این منظر را هزار مرتبه
بخواند کَوْکَبْ یَکی بَنَدْ کالی حتّی اخرسی حند تالی

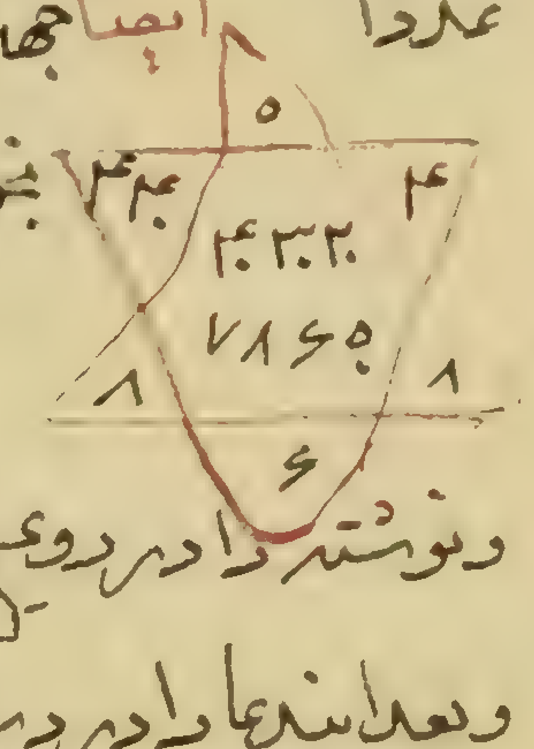

از جهة کم شده این طلسم را نوشته و نوشته را در روی سوره یوسف گذاشته

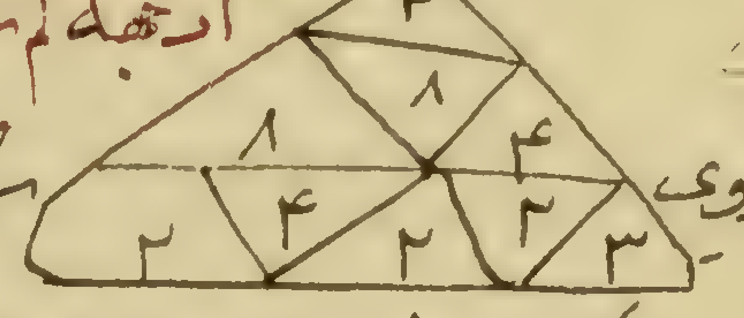

و بعد این دعا را در دست گیرد و بخواند هر طرف پیش آید برود دعا اینست
أَمْسَيْتُ فِي أَمَانِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ فِي جِوَارِ جِوَارِكَ اللَّهُ و طلسم که در سوره
یوسف گذارد اینست

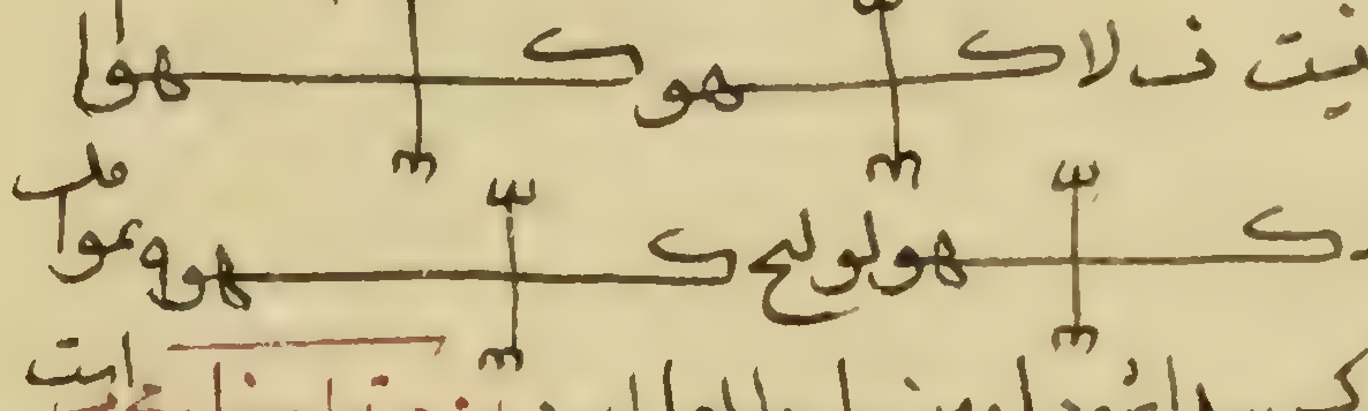

یرح یوزن فلان کس پیدا شود آمین یا رب العالمین از جهة احضار مجرب است
که تخلف در آن محال است این است که حقیر بدفعات بر تجربه رسانیده
و هرگاه اراده احضار داشته باشی بنویسید این دائره را به مشک و زعفران

برپوست

بر پوست آهو و شکر و عنبر بخور کن و میخ کوچک بر سر الف ابجد بکوبد و هشت
باد این عزیمت را بخواند و نظر کند تا چه مقدار راه است و آن قدر توقف
کن که اگر آمد فبها و الّا میخ را بر کند بر سر حرف باء زند و عزیمه مزبور
را هشت بار دیگر بخواند و بخور تازه کند چون در آمدن توقف دست
دهد باز میخ را بر کند بر سر حرف جیم زند و همچنین تا به حرف غین برسد
و آن حرفی که مطلوب بیاید نشان کند تا در وقت حاجت زحمت
نکشید و حین عزیمه خواندن با وضو باشد و لباس هم طاهر باشد و رو
بجانب مطلوب نشیند و عزیمه اینست بسم الله الرحمن الرحیم عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ
يَا كَبِيرَ آئِي بِحَقِّ مَكْهُوشٍ اِيكْمُوشٍ اَبْلُوشٍ الْمُوشٍ الْمَحْكُوشٍ هَنُوشٍ
هَبَاشٍ هَنُوشٍ طُوشٍ طَاشٍ لَاشٍ بَدَاشٍ طَوَاشٍ طَفَاشٍ طَنُوشٍ
لَكَشٍ رَبَاشٍ نُوَاشٍ لَاشٍ لُولَاشٍ هَتَهَاشٍ اَجِيبُونِي بِاسْمِ الْمُشَرَّفِ
الْمَكْتُوبِ عَلَىٰ جَبْهَةِ الْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِتَسْخِيرِ الْقُلُوبِ سَوَاشٍ سَوَاسٍ
دَنْ دَنْ يَهْ يَهْ وَهْ وَهْ هُوَهْ هُوَهْ سَلَاسٍ سَلَاسٍ كَمَا سَخَّرْتَ الْبَحْرَ
لِمُوسَىٰ وَعَطَفْتَ بِهِ قَلْبَ مَرْيَمَ عَلَىٰ عِيسَىٰ هَيِّجُوا قَلْبَ فُلَانٍ عَلَىٰ حُبِّ
فُلَانٍ اِهْيَا اِهْيَا اِهْيَا اِهْيَا اِهْيَا اَجِيبُونِي وَاحْضِرُونِي
فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِحَقِّ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ

باد بطلسم
از جهة کم شده
احضار

بسم الله الرحمن الرحیم وصورت آدمی باید در اصل در میان وسط دائره باشد

از جهة محبت اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بیاور هفت دانه فلفل

و بر دانه فلفل یکمرتبه بخواند و بر صد یک بیک را در آتش اندازد در وقت

خواندن بگوید آتش عشق فلان بن فلان را انداختم در دل فلان بن فلان

بحرمت بسم الله الرحمن الرحیم صُحُفٍ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ

بَرَرَةٍ العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة خواب بند اینها را بر خاک

بر سر هر که خواهد بریزد از خواب بیدار نشود مجربست وَجَاءَتْ

سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ نوع دیگر اینها بر پهلوی خفته

بنزد

بنزد بیدار نشود عشر عشر حمی یدوم تبرء از جهة محبت بنویسد

این کلمات را بر تخم مرغ سیاه و آن تخم مرغ را در جای دفن کند که گرمی

آتش باو برسد از عشق او بیقرار گردد و اسم خود و پدر و مادرش را ببرد

بنویسد که مجربست ط ۲۱۲ ا ا ها البکر البکر طـــوه ام

ط ۶ ا ـــ گره مهلا ۹ مهلا ۹ اصب و وصلت از جهة محبت

این طلسم را بنویسد و فتیله کند و در موم گیرد و بسوزاند آزموده و مجربست

هم ۲۱ ۸ ۱ ۹ ااا ط ۸ ااا ۴ ااا ۸ اا ط ۸ اا ۹ ۱ ۸ ۱ ل ۹ ا باسم

فلان بن فلان علی حب فلان صحیح ایضا از جهة محبت اگر خواهی

که کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بسیار تجربه شده و مجربست اینها را بر

ورق آهو بنویسد در زیر خاکستر گرم کند تا بسوزد حاضر شود آزموده است

بسم الله الرحمن الرحیم یا سملوخی یا ملیطواق وسقفها فاستواستر

وعفوق به وسقی هو سر باسم فلان بن فلان العجل الساعة برحمتک

یا ارحم الراحمین از جهة جدائی دو نفر از دو گور کهنه خاک بردارد در هنگام

خاک برداشتن با کسی سخن نگوید و بر آن خاک هفت نوبت سوره الم نشرح

و الم ترکیف بخواند بنام او و مادر او و بنام خود و مادر خود در جامه او

اندازد که جدائی واقع شود که مجربست از جهة تفریق فیما بین اینها را

بنویسد بر پاره از کاغذ و در میان دو گور کهنه پنهان کند و از آن گور
کهنه قدری خاک بر دارد و در منزل ایشان بپاشد از هم جدا شوند
جدائی
هاروت ماروت ٣ اااا ٢ لح نوع دیگر در جدائی فیما بین اثنین
بر برگ انجیر بنویسد در آتش اندازد چنان عداوت افتد که قصه
تفریق فیما بین
کشتن یکدیگر کنند چنانکه اعظیم العظیم المعظم تفریق فیما بین اثنین
نامها را بر ۳ بادام نوشته در منزل ایشان دفن شود که مجرب است
تفریق
عبادیش ادیش بادیش الساعه ۳ نوع دیگر بر ۳ دانه بادام نوشته
در آتش اندازد جدائی شود قبادیش هریش جادیش نوع دیگر این
تفریق
طلسم را با آب پیاز نوشته در اجاق دفن کند که مجرب است طلسم اینست
واااط ااااااااااا صا ططط لا حعه ع کلا ع ه لا ه ا ه لا و ا هم
تفریق
ازجهة تفریق بر ۳ پاره نان بنویسد بسگ سیاه دهد خود خواه
ماده باشد خواه نر باشد طلسم اینست سع الوی ناس وال
ع داهد جدال دوبال حایع الساعة فردوسی فلان ابن فلان
تفریق
وجدای فلان العجل ۳ الساعة ۳ نوع فیما بین بر هفت دانه شنبلیله
بخواند و از کون که با هم ایشان بریده شود بسم الله الرحمن الرحیم
هو الابتر انّ شانئك وانحر لربك فصلّ الکوثر انّا

اعطینا

عداوت
اعطینا ازجهة عداوت این دعا بر هفت دانه فلفل خوانده در خانه
انکس ریزد در حال جدائی واقع شود اللهمّ یا خالق فلان ابن فلان
علی بغض فلان ابن فلان والقینا بینهم العداوة والبغضا
الی یوم القیمة وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی العجل اکس
البغض
وسلّم تسلیما البغض این طلسم را بنویسد در میان قطران سیاه
نهد و در گورستان جهودان دفن کند در میان ایشان عداوت افتد
اخراج مکان
از اخراج مکان خاتم بدین شکل بکشد که شش
گوشه داشته باشد و هر گوشه را یک حرف
خ بکشد و اندرون خاتم بنویسد اخرج
فلان ابن فلان و از عرض راه این کلمه را بخواند

ه.ع.ه	ہح	و
و	و	ک
ک	ک	و

فقطلوخ و روانه خانه آنکس بود و این خاتم را در زیر استانه آنکس
یا در گورستان دو سنگ بزرگ گذارده و برگردد و عقب را نگاه نکند
ازجهة محبت
بباید که ایشان آواره گردند و باید در وقت عمل با کس سخن نشود تا که
در خانه بباید نهاده که بنا اهل ندهد خاتم اینست ازجهة محبت
بنویسد این طلسم را که هفتاد عین را در میان
دو خط بکشد و در پهلوی هر خط یازده جیم بنویسد

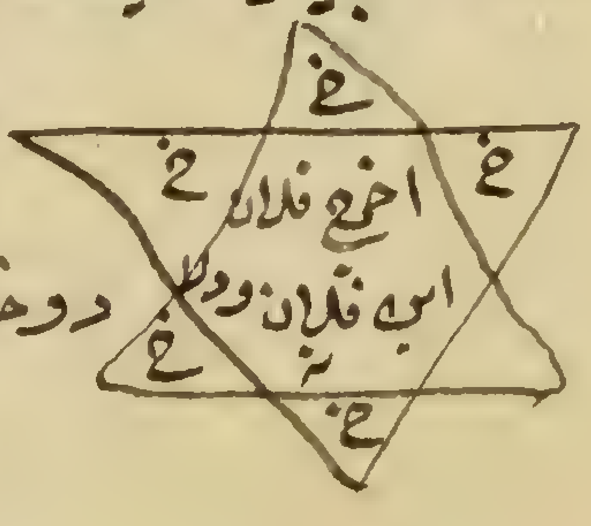

بنویسید و اسم خود و مادر خود و اسم مطلوب و مادر مطلوب را در میان
دایره بنویسید و بعد با آب بشوید و آبرا در میان طعام بریزند بخورده
الکس بخورانند که از عشق بیقرار کردد بسیار مجرب است و آزموده شده

ععععععععععععععععععع
ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ۱۵
ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ۱۵
حب فلان بنت فلانه علی حب فلان ابن فلانه الوحا الوحا الوحا
الساعة الساعة الساعة بحقك یا ارحم الراحمین
ححححححححححححححححححح

از جهة محبت المعظم
از جهة محبت بر ۳ بادام کلوخ بخوانید و بزنند بر مطلوب اعظیم لعظیم ا
از جهة محبت بنویسید بر پاره از آهن در آتش کذارید در روز پنجشنبه
یا روز یکشنبه پیش از طلوع آفتاب باشد ادام بکیرد حاضر شود مجرب است
ح ح ح ح ہ ہ ہ محح ہ ہی کلہ ۲۲۲ مرص صر ۳ طع ک لھاہ
ہ ہ فیما ھیج فی صحیحہ ہ از جهة محبت بنویسید این طلسم را بعد از
نماز خفتن بر نعل آهن و در آتش اندازد و با کسی سخن نکوید کریم
هلالات

۱۲۵

هلالات
از جهة خون آمدن از دماغ
۱۱۱۲ ۷ ۱۲ لا ی ۹ ی ۴
بنویسید و در پیشانی او بندد
۱۱۲۱ ۹ ۱۱ ۹ ۲ آ ۷
هالع هلع هلوع واذ
قتلتم نفسا فادارءتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
از جهة دفع اذیتا اکر کسرا ببرند چوب نزنند این طلسم ها را در زیر بزباید کرد
دیوار چوب نزنند اسم اسر سطه و طه دم ق ح م ر و س م ت خون آمدن از دماغ
این اسم را بر پاره کاغذ بنویسید بر پیشانی او چسبانند خون باز استد یا قوی
یا غنی یا علی یا وفی دفع بیماری نوشته در میان ظرف آبی اندازد اکر برود آب
ایستاد صحت یابد اکر در میان آب برود خوب نشود لا لا ی س لا ح ع ۱۱ ۱۱ ل
دفع بیماری بر بیت بیماری بر کاغذی بنویسید انرا در میان طاس آبی اندازد و اکر
برود آب ایستاد صحت یابد و اکر میان آب بماند هنوز بیماری دارد و اکر بزیر آب رود
بمیرد امنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم و ما کان محمد ابا احد من رجالکم
و لکن رسول الله و خاتم النبیین و ما کان محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل
محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله و رضوانا و الله اعلم بالصواب از جهة محبت مجرب است
بکیرد یازده حبه عنک را و یازده مرتبه سوره قدر را بر آن بخوانید یک یک را در

ازجهت محبت

در آتش اندازد که خام شود از جهت محبت این طلسم را بر تخم مرغ بنویسید با اسم هرکه
خواهید در آتش اندازد بیقرار گردد تا عجایب ببیند ۱۸۱۱۱۲۹۹۱۱۱۵
اکو بر سنگ بنویسید در آتش اندازد از عشق بیقرار گردد ۱۱۱۹۶۶۱۱۱۶۱۱۱۶ ۹ ۱۱

ازجهت محبت

اکر خواهی دختر کسیرا بکیری یا ونه هد این طلسم را بنویسید
و در منزل آن دفن کنید البته همکی مطیع تو کردند ۵ ۸۱۱۱۸

۴	بدوح	۲
بدوح	۲	بدوح
ه	بدوح	٤

اکو کسیرا خون از دهن ۱۱۱۱ کم ۹۹۱۹ ۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۵ و

بند آمدن خون دهن

آید که بر هیچ وجه بسته نشود این آیه را ۳ بار خواند ۱۱۱۱ ۱۱۱ ۸۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱۱۱
بحلق او بدمد که مجربست بستم خون آدم بحق آدم صفی
بستم بحق مَا قَطَعْتُم مِن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ
لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ از جهت برآمدن مهم پیش آید سوره مبارکه مدثر را یازده مرتبه
بخواند یکروز نمی‌گذرد که حاجتش روا آید اگر اندوهگین باشد خوشحال شود
و اگر از جهت دشمن بخواند مقهور گردد و اگر بر سر بیمار خواند شفا یابد و اکر
برای غائبی خواند زود بیاید و اکر برای توانکری بخواند صد بار مجربست

ازجهت محبت

از جهت محبت بر نعل اسب یا نعل آب ندیده بنویسید در آتش کذارد تجربه شده
ال ۱۱۱۱ ۵ ع ع اله ح مح ۵ ی ۵ ۵ ر ۸ ۱ ۸ ۱۱ ۱۱ ۲ ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۸ مع
هیا هیا شراهیا الحل ۳ الساعة ۳ الوحا ۳ حب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان

ازجهت خفا

ازجهت خفا

ازجهت خفا خواهی بجائی بروید که دشمن ترا نه بیند آیة الکرسی مغربی را
با توکل تمام در پیش و پس و یمین و یسار خود بخواند و بنویسید با خود نگاه
دارد بهر جا که برود دشمنان او را نه بینند و هر روز بعد از نماز صبح ۳ مرتبه
بخواند دیوان و پریان او را خبر در خواب از امور خیر خبر دهند و اکر
خواهد که دیوان و پریان او را نه بینند و اکر خواهد که کسیرا از راه دور بیاورد
هفت مرتبه بر ۷۸۱۳۸۱۳ بر هفت مرتبه بخواند و دود کند اکر صد فرسخ
دور باشد بیاید و اکر بر سیب بخواند بنام مطلوب آنکس مطیع و منقاد تو می
شود تا زنده باشد از او جدا نشود و اکر برای محبت بر سیب یا بر حلوا یا انکور
بخواند بخورده مطلوب دهد مطیع تو شود و اکر بنویسد با خود دارد نزد بزرگ
کان عزیز و مکرم باشد و اکر هر روز بخواند مخلوق مسخر او شوند بسم الله الرحمن
الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم اللهم احفظنی فی الدنیا والآخرة یا من لا اله
الا هو الحی القیوم اللهم احفظنی یا حی یا قیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی
السموات وما اللهم احفظنی فی کل الخطیئة یا من لا تأخذه سنة ولا نوم
له ما فی السموات وما فی الارض اللهم یسر لی مفسر فی کل و مغود من امور
الدنیا والآخرة یا من له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع
مطلب خود را بخاطر آورده بدل بکذراند و بکوید عنده الا باذنه اللهم

اجعل لی شفیعا واغفر لی بعلم ابجد بخواهد رسد بگوید ما بین ایدیهم وما خلفهم
اللهم اغفر لی ذنوبی واصلح لی اموری فیما مضی وفیما یاتی ادنی یعلم ما
بین ایدیهم بنا ادنی وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء
اللهم داء الدنیا ودواءها ما نشاء یا من لا یحیطون بشیء من علمه
الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض اللهم وسع ولا تضیق علی
فی کل حالة یا وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو
العلی العظیم اللهم عظم قدری فی الدنیا والآخرة یا عظیم برحمتک یا ارحم
الراحمین بجهة دوستی ومحبت بنویسید وبشوید داخل طعام کند هرگاه عاجز باشد

بجهة دوستی

از طعام داخل آب کند مثل آب انار یا دیگر ما نند اینها بخورده مطلوب دهد دعا
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم الف محبتی فی قلب فلان ابن فلان ومنک وعلیک
مودة عظیم مودة بینکم فی المحبوب الدنیا الوحا الوحا الوحا با ما ابتدا
بنوشتن کند واین دعا را بخواند اللهم بحق فاتحة الکتاب وبحق قل اوحی
وبحق قل هو الله احد که مقصودم برآورده گردان در دوستی در بام یا در صحرا باید
نوشت وشیرینی در دهن کرد قاعده در تراشیدن قلم بجهة محبت کارد تیزی بگیرد
چون کارد بر قلم نهد بگوید قطعت القلم وشقها الا اجل المحبة اکبر باشد
وقلم برگیرد وباید که چون قلم تراشد ودر تراشیدن قلم بگوید الّفت والحب

ان شفقة فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان منهم نوع دیگر در عکس
قلم عداوت بگوید والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة
از جهة محبت بر نعل اسب یا سفال آب ندیده بنویسید ودر آتش اندازد که اگر
صد فرسنگ راه دور باشد سرگردان شود وبتجربه رسیده است که بسیار مجرب است.

از جهة محبت

ال ااا ٥ ع ع ع اا ح ح م ح و ی ٥٥ ـ ٨ ا ٨ اا ٢ اا ااا اااااااااا مع
هیا هتا شرا هیا العجل العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا
الوحا حب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان از جهة محبت در روز دوشنبه

از جهة محبت

عمل کنید اول ترک حیوانی کنید ودر وقت سحر در جای خلوتی بر نشیند واین
سوره های اذا زلزلت را چهل ویکبار بر چهل ویکدانه فلفل بخواند وبنام مطلوب
ونام خود ومادر خود در آتش اندازد هنوز نسوخته باشد که حاضر شود وحکم
این دعای عظیم است بسم الله الرحمن الرحیم اذا زلزلت الارض زلزالها
واخرجت الارض اثقالها وزلزلوا زلزالا شدیدا قلب فلان ابن فلان
علی حب فلان ابن فلان وقال الانسان ما لها وزلزلوا زلزالا شدیدا
قلب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان یومئذ تحدث اخبارها
بان ربک اوحی لها وزلزلوا زلزالا شدیدا قلب فلان ابن فلان علی
حب فلان ابن فلان یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم

وَ ذُلِّزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا قلب فلان ابن فلان على حب فلان ابن فلان
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ و ذُلزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا قلب فلان ابن
فلان على حب فلان ابن فلان وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ وَذُلزِلُوا
زِلْزَالًا شَدِيدًا قلب فلان ابن فلان على حب فلان ابن فلان از جهة
فراموشی ذهن کم نشود و هرگز چیزی از ذهن او فراموش نشود هر روز بیست
یکبار بخواند تا هفت روز اگر بعد از نماز بخواند بهتر باشد و دلش بیدار
نشود و روشن گردد چنانچه هر چه بشنود یاد گیرد دیگر فراموش نکند یا برای
چیزی گم شده بر نیت کشده چهل بار بخواند چون بخواب رود نشان چیز گم شده
را باو دهند که در کجا است و که برده است و اگر هر شب بخواند بر اموال مرد
از دزد و حرامی ایمن گردد اسم اینست یَا حَيُّ فَلَا يَفُوتُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ
وَلَا يَئُودُهُ از جهة عقد الرجال که دیگر قادر بر شهوت نباشد بگیرد ته کمان
حلاجی را هفت گره بزند و بهر گرهی هفت بار این اسم را بخواند و بر باد
بیاویزد وَ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ
قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا تكيرا اهيا شراهيا مراهيا بستم سیصد
و شصت و شش رگ ذکر فلان ابن فلان را علی فرج فلان بنت فلان و قولی
و بلهما هیم بستم لا بنام لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه و مهر کردم بنام محمد رسول الله صلعم
و بنام

حرام از جهة بستن گی مرد

و بنام علیا ولی الله و آله اجمعین بقوتک و قدرتک یا قوی یا متین از جهة
محبت بنویسد بمشک و زعفران بشوید داخل طعام کند یا آب کند مطلوب رام
بخود داند اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ
ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ بعضكم لو انكم تَذَكَّرُونَ
وجعلنا بينكم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ اللّٰهم
رب القرآن العظيم و رب كهيعص و التورات و الانجيل و طه و يس حرمنا
حتى لا ينصر عنه ساعة ولا تسمع الا منه ولا تتكلم الا منه از جهة
اوردن غایب بنویسد در کنج خانه دفن کند حاضر گردد أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ
رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا
بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ
رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ایضا از حکیم عباس نقل است که زنبور این
طلسم را بر نان نوشته بسگ سیاه دهد تا بخورد و اگر مطلوب مرد است
بسگ نر دهد و اگر مطلوب زن باشد بسگ سیاه ماده دهد قسم
میدهم فاعل این عمل را اگر بحلال خود این عمل را نماید و یا اگر مشروع
و از این مجرب تر ندیدم

سلح	عمع	صلم ٥٥ م	معد مه
طللله	عمه	طسه	اجلیب

از جهة محبت

[illegible]

از برای غایب

دو الطفا فانت بگردان ... را ... [illegible]

١٢٢١١١٤٣٤ع١٢١١١٢١١١٢ح ح ٩ع ع ف ولا٩٩ع ع ٩٤ ٩٥

از جهة احضار اگر خواهی مطلوب خود را عریان بیاوری بساز ۳ قرص نان
و شکل مرکور را بر نان بنویسید و بخورده سگ بده بطریق سابق در حالتی
که قرص نان را بسگ دادن باید که این چنین نیت کند که خوردم
دل فلان زاده فلان را چنانکه این سگ این قرص نان را خورد و اگر توانی
که مطلوب تلف شود آن سگ را بکش تجربه شده است ایضا اگر خواهی
که کسی را از محبت خود بیقرار گردانی این آیه را بنویسید و در دل گوسفند
گذارد و دل را در نمد سیاه بر پیچید و در گلخن حمام پنهان و دفن کند
تا مدت ۳ روز بعد از ۳ روز بیرون آورده در زیر سنگ گران نهد
و اگر زیاده از ۳ روز در گلخن بماند بیم هلاکت برسد و تا زنده
باشد مطیع و فرمانبردار تو باشد آیه إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا
أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَنْتَ الْعَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ يُدْرِكُ
الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ایضا از جهة احضار غایب مجرب است و آیه
عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ را بر کاغذ بنویسید و میخ آهن باریکی در میان
عین علی بزند و ملاحظه تاخیر واقع شود و میخ را در میان حرف

رجعه

از جهة احضار | از جهة احضار | احضار

رَجْعِهِ بزند و اگر نیز تاخیری واقع شود در میان عین رَجْعِهِ بزند
پس اگر تاخیری واقع شود در میان قاف لقادر بزند و آن مجرب است
اما باید که نوشته را سمت مشرق بزند بر دیوار میخ بزند در وقت میخ
زدن این آیه را بخواند سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ
شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ از جهة زخم که از عقب برسد این چهار اسم را
بنویسید بر چهار رکن خانه شمال عبد الرضا جنوب عَبْدِ الْجَلِيل
مشرق عَبْدِ الرَّحِيم مغرب عبد الکریم ایضا طلسمات دوازده برج از جهة محبت
اگر کسی را طالع حمل باشد بخواهد که او را مطیع خود گرداند یا با کسی دوستی
کند بیاورد شانه گوسفند که آفتاب ندیده باشد و این تعویذ را بروی
او بنویسند در میان آتش نهد گذارد تا نیک بسوزد دود آتش در دل
مطلوب افتد و سوختن گیرد البته سحط نوبتة لو اجمع له له نه العجل ۳
الساعه ۳ الذهبه المجسته الحق الطریق الساعة ۳ بود السلطانی الرحمة
اهل طلسم ابدات طططالا٤١٥٩٩٣١٢ح ط١٩
اه اهر هو لا ا ح مسه ایضا طالع ثور باشد و خواهد که دلبندی کند
بیاورد دل گوسفند میان او را بشکافد و این تعویذ را بکاغذ بنویسد
در میان دل گوسفند نهد و دل را در میان کوزه نهد و در نزدیک آتش

از جهة زخم | طلسمات دوازده برج | طالع ثور

پنهان کند چنانکه کوچی آتش بوی برسد نزدیک شود دیوانه شود مطلوب

باسم الکس و مادرش که مجرب است طلح عجح عع هعلح ۱۴۹ ۳۹

۱۳۱۹۹ ۱۱ ۹۹ ۳ ۳ ط ۹ ۳ ۳

محو عوه لح ۹۱۳۸ سر ۹ ۱۳۱ ع ۹۱۳۳۱۳۱۶۹۱۳

طالع جوزا طلطلان یدک حمرون مره یکحکح وسرودم کموا احد ایضاً طالع جوزا

باشد و خواهی که دوست خود کردانی باید که بیاورد خاک زیر کف پای الکس

را و صورت بسازد و این تعویذها را بنویسد و در شکم آن صورت کذارد

و موئی از دم اسب سیاه بکشد و صورت را بدان موی بیاویزد که از جوده و محرمت .

عج عج هسج طح بر ام ج معد معد الدام لاط ۹ ممع ۱۹۱۲۱ ۶ ۱۹ ۱ ۳

۱۲۹ ۳ ۳ ۳ ۷ ۶ ۴ ر حعط هر کهعو عبو العجل الساعة ۳ الوحا .

طالع سرطان بین القمر آل شده طمرصدی ایضاً طالع سرطان باشد و خواهی که کسیرا عاشق

خود و بیقرار خود کردانی چنانکه صبر و قرارش نباشد باید که این عدد را بنویسد

و بشوید بجوده الکس دهد مهربان شود مجرب فالقی السحرة ساجدین

قالوا امنا برب العالمین رب موسی و هارون ۱۱۱ حم ۱۱۱۱ ۹ ق

عح ۳ ۹ ۹ ۹ ۳ ۹ ۹ عو ۸ ک ۳ ۱۳ ۹ ۱۳ ۹ ۱ ح

طالع اسد علح ۳ ۹ ۳ ۹ ۳ ۶ ع ۱۳۱ لا ۱ لا ۱ ام ۹

ایضاً طالع اسد

ایضاً طالع اسد باشد بنویسد این طلسم را بر کارد و در نزدیک آتش پنهان کنید

که دیوانه کردد الکس مجرب رسیده ک ۹ ۱۱ ۸ ۲ م ع هو م جمع خلقتر ممسع حمعسق

حمعهص کهیعص طحم مصلح الله له وکه وکه محرنه بکاهو داود

و عطو فلان ابن فلان علی حب فلان بحق هذه العزیمة و بحق خاتم سلیمان بن داود ع

طالع سنبله یا ارحم الراحمین ایضاً طالع سنبله بیاورد پوست آهو و این تعویذ را بنویسد

بمشک و گلاب و زعفران بنام الکس و مادرش و نام خود و مادر خود در سر چهار

راه دفن کن چنان بیقرار شود که آرام نگیرد محملوا الو ولا کحول سجدا احمد

طکهرحد سوال حوکا مرلحوا ابلیس سعد الشیاطین علیه اللعنة و العذاب

طالع میزان ع ۳ ۶ لح مص ۳ ۹ ایضاً طالع میزان هر که را طالع میزان باشد خواهی او را مطیع

خود کردانی بنویسد این تعویذ را در پوست آهو بمشک و زعفران بر بازوی راست

خود ببندد و چون براو بگذرد دست خود را باو بمالد چهار روز بگذرد دیوانه

تو شود ۱۳۱ ۹ طلح ۱ عملع ۹ ۲ ۱۳ ۹ صلح ۱ ۳۱ الو ۳۰ ۹ ۳۲ الی ۶۰ ط

۱۲ ۱ لا ۲ ۲ ۹ ۱۳ ۹ ۶ هلح ع ۶ ج با هو الله باسم فلان

طالع عقرب ابن فلان طالع عقرب بنویسد بر صفحه آهن یا مس در وقت نماز خفتن در آتش نهد

فجمعه محملا و محملان الاها و هو مه لا سوا ۱۱ لاه فحق طیله فجعل و لا ع

الاه سلا ط الامعه و جادة الاما برکت بحق سلیمان بن داود علیه السلام ع

۱۱۱ ۹ ۹ ۹ ۹

طالع قوس

هر کرا طالع قوس باشد بنویسد بمشک و زعفران باسم آنکس و مادرش واسم خود و مادر خود
در خانه مطلوب پنهان کند مـ ٩ ٩ ٧ ٢ ٦ ٨ حروف الف
ا بالحدید والحریق والدق بالعنب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلانه
مستغرقها و موتها و بحق فلان علی حب فلان ک ٢١ مسو مصو مو سعاه

طالع دلو

٢ و خاتم حضرت سلیمان ابن داود علیه السلام هر کرا طالع دلو بود این طلسم را
بنویسد بر کاغذ بمشک و زعفران بعد از آن در پنجه و بر سیماب تقید
کند و بر پر کنجشک بندد و رها کند که مجربست همصل ع و ذ مرس
ط طع عمع مرهو عصعه عحلم ١٢١ ٢ ١١ ٢ ١ ٩ ١١١١ ١

طالع حوت

هر کرا طالع حوت بود بنویسد بر کاغذ بنام آنکس و مادرش و در کوزه
آب ندیده نو کند و در زیر آب روان دفن کند آنکس دیوانه گردد
ط ١ ٦ ٧ ١ ١ ٣ ١ ٨ ٩ ٢ هـ ٩ ٩ ١ ٣ حسو لا ط ح صد ٩

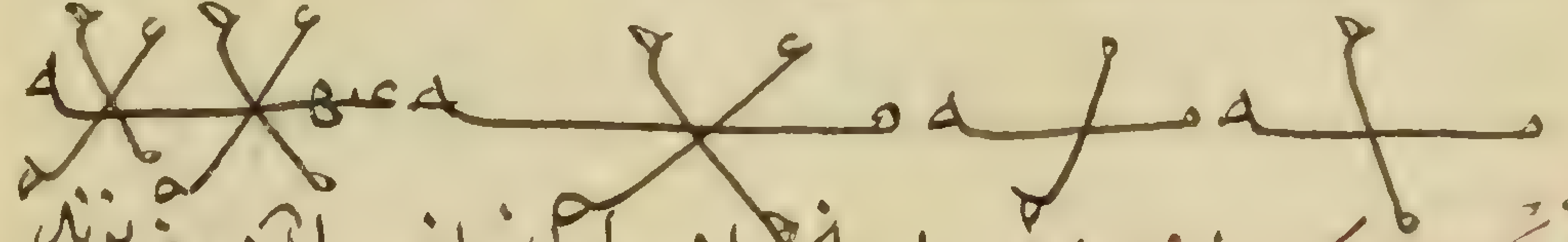

از جهت آوردن مطلب

اگر مطلبی بکسی داشته باشید باسم آنکس این دعا را بخواند و با آن حرف بزند
اللهم ان تصرف قلب فلان لی وان تغلق لسانه بمرتبة لا یرد
قولی وان تعزنی عنده برحمتک یا ارحم الراحمین از برای برآمدن

برآمدن مطلب

مطلب در روز جمعه پیش از پیشین بنویسد در آب روان دهد که مجربست.

وقصد

وقصد مطلب کند مطلب بر آورده شود بسم الله الرحمن الرحیم من العبد
الضعیف الی المولی الجلیل ربی انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین
فاکشف عنی ضرها ان فیه واکشف عنی ظلمی وفرج علی غمی بحق محمد واهل
بیته الطیبین الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین هر کس آید وهو عنده مفاتح

از برای ...

الغیب را تا بر هو اسرع الحاسبین بنویسد در حق قرکمان بنویسد تهرابست
در وقت خواب در زیر سر نهد و از خدای تعالی درخواهد آنچه بر او مشتبه
است و اگر همین آیه را با وضو بنویسد در بازوی خود بندد و در خواب روح

از جهت تفریق

جمیع هر کس او را ببیند خبیر غریب او را اختیار کند بعون الله تعالی از جهت
تفریق بر دارید قدری خاک از مکانی که سگ مرده باشد و بخواند سوره الم نشرح
را هفت مرتبه و بعد بر آن خاک وکل کند بر جامه ایشان بما الدجدالی افتد مجربست

تفریق

ایضا از جهت تفریق سوره کوثر را عدد گرفته در ثلث بر کند بجهت تفریق

از جهت محبت

مجربست از جهت محبت هفت مرتبه بخواند بر روی کسیکه خواهد بر عهد
او شود آهین و هین دیم استوس سریم از جهت بیدار شدن از خواب

بیدار شدن از خواب

بنویسد این حروف را با خود دارد خوابش نیاید تا بمطلوب قیام نماید
که طاع کهعوه ٥٥ هع ایضا بنویسد در پیش آنکس رود حاجت او
بر آورده شود بر کف دست راست خود ه هر ح کاه کال که مجربست

از جهت تب شب

از جهت تب شب بنویسه بر چوب بید در وقت تب در زیر دامن مریض دود
کند ع انیت القیس القیس القیس نوع دیکر تب و لرز این حروف را
بر ۳ چوب بید بنویسه هر روز یکی را در زیر دامن مریض دود کنه
فرعون بی عون حمس جمهود نمرود مردود جمهر وت شداد

از جهت دزد برده

از جهت دزد برده این کلمات را بنویسه شب در وقت خواب بنویسه در
زیر سر نهد آن دزد را در خواب با وحوف بزند له مه له مه
هو و الا الا و الله

حساب بیمار

حساب بیمار نام ابجد صغیر جمع نماید دوازده
دوازده طرح کن هر چه از دوازده کم باشد ۳ ۳ طرح کن تا معلوم شود که
می میرد یا نمی میرد اگر شنبه بیمار شده باشد یکی بماند بر شود دو بماند
بمیرد ۳ بماند طول کشد بیماری او و طریقه او اینست اسم او را با اسم مادرش
را بحساب ابجد کبیر یا صغیر بر کرد ۳ کانه ۳ کانه طرح کند بعد از آن
بداند که بیمار در چه روز بیمار شده است اگر در روز شنبه بیمار شده
اگر یکی بماند بر شود اگر دو بماند بمیرد و اگر ۳ بماند طول بکشد بیماری او
و اگر در روز یکشنبه بیمار شده باشد چون یکی بماند بر شود اگر دو بماند
طول کشد اگر ۳ بماند بمیرد و اگر در روز دوشنبه بیمار شده است
چون یکی بماند بمیرد دو بماند طول کشد اگر ۳ بماند بر شود اگر در

روز

روز ۳ شنبه بیمار شده باشد یکی بماند بمیرد و اگر دو بماند طول
کشد و اگر ۳ بماند بر شود اگر در روز چهارشنبه بیمار شده باشد چون
یکی بماند بر شود و اگر دو بماند طول بکشد و اگر ۳ بماند بمیرد و اگر در روز
پنجشنبه بیمار شده چون یکی بماند بمیرد دو بماند طول بکشد اگر ۳ بماند بر شود
و اگر در روز جمعه بیمار شود چون یکی بماند بر شود دو بماند طول بکشد ۳ بماند
بمیرد در باب ستاره کردان اگر خواهید بدانید کدام طرف است روز یکشنبه
و جمعه در مغرب است روز ۳ شنبه و چهارشنبه در قبله است روز شنبه
و دوشنبه در مشرق باشد روز پنجشنبه در قطب است در باب بانک کردن مرغ
اگر شب شنبه بانک کند صاحب خانه از اجل برسد و اگر شب یکشنبه بانک کند
یک توب جامه سفید صدقه بدهد و مرغ را بکشد از جهت برطرف شدن [illegible]
فضله کاو را در سوراخ مورچه کذارد بر طرف کردند و از آنجا فرار کنند از جهت
تعلیم کیمیا باید که چهل روز روزه بکیرد و از چیز حلال افطار کند و در این
چهل روز دائم با وضو باشد و هر شب وقت خواب سوره والشمس و سوره
والضحی و سوره الم نشرح و آیه قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند
هر یکی هفت بار بعد از آن بکوید اللهم انی اسئلک بقدرتک علی کل شیء
و تسخیرک لکل شیء یا احد یا صمد یا وتر یا حی یا قیوم ان تصلی

از جهت تب بنویسید بر چوب بیله در وقت تب در زیر دامن مریض دود

کند و عا انیت القد القد القد، تو و یکی شود ... ان شاء الله

ا ن ز ق ض ف ع د ح ث ل ص ب ا خ ث و ی ص ج خ س

ص ل ب ث ا ح خ د ت ع و ف ی ض ص ق ج ز خ ن س ا

ف و ی ع ض ت ص د ق خ ج ز ا خ ث ن ب س ل ا ص

ح ج ز خ ا ق خ ث ص ن ت ب ض س ع ل ی ا و ص ف

ت ن ب ص ض ث س د ع خ ل ق ی ا م خ و ز ص ج ف ح

ق ل ی خ ا ع ا د خ س و ث ز ض ص ص ج ب ف ن ح ت

ث و ز س ض خ ص د ص ا ج ع ب ا ف خ ن ی ح ل ت ق

ع ج ب ا ص ف د خ ص ن خ ی ض ح س ل ز ت و ق ث

خ ن ی ص ض خ ح د س ف ل ص ز ا ث و ب ق ج ث ع

ص ل ز ف س ت د ا ح و خ ب ض ق ص ج ی ث ن ع خ

خ و ب ح ض ل ا ق د ص ت ج س ی ا ث ف ن ز ع ل خ ص

س ج ی ت ا ص ث د ف ق ن ا ز ض ع ح ل ب خ و ص خ

ب و خ ا ض ح ق د ص ت ح س ی ا ث ف ن ز ع ل خ ص

بر ۳ چوب ...

فرعون ...

از جهت دزد بو ...

زیر سر ...

مووالالاو ...

دوازده طرح کن ...

جی میرد یا نجیه ...

بمیرد ۳ بماند ...

دا حساب ابجد ...

بداند که بیمار ...

اگر یکی بماند ...

واگر در دو ...

طول کشد اگر ۳ ...

چون یکی بماند بما ...

۰۱۱۱	۰۰۰۱ ۱۰۰۱	
۰۱۱۰ ۱۱۱۰	۰۱۱۰ ۰۱۱۱	
۱۱۱۱ ۱۰۰۰	۰۱۰۰ ۰۰۱۱	
۰۱۱۰ ۰۰۰۱	۰۰۱۱ ۱۱۰۱	

از جهت تب

تب و لرز

از جهت دزد و دود

حساب بیمار

دوشنبه ۳ شنبه بیمار شده باشد یکی بماند بمیرد واگر دو بماند طول

کشد و اگر ۳ ...

شده باشد چون

واگر در دو

۳ بماند بهتر شود

بکشد ۳ بماند

دو یکشنبه

... دوشنبه

ابک کردن

ابک کند

شدن بود

یکشند از جهت

... و در این

... و بوده

اب بخواند

انه

علی کل شیء

ان تصلی

ب ی ا ز ی ن م ح ا خ ت ه ظ ر ل ن

۲ ب ن د م ا ز ی ن ح ا ج ت ب ی ا ث ر

۲ ق ص د ص ا ب ر ا ن ب ر ا ق د ن و د

از برای ...

از جهت ...

اسم بیمار

...برد واکر دو بماند طول
...شنبه بیمار شده باشد چون
...بماند بمیرد واکر در روز
...طول بکشد اکر ۳ بماند بهتر شود
دو بماند طول بکشد ۳ بماند
...ام طرف راست دو شنبه
...ند در قبله است دو شنبه
...ایت در باب بانک کردن مرغ
...کر شب یکشنبه بانک کند
...ه انجهة بر طرف شدن بود
...ند واز آنجا فرار کنند از جهة
...ملالا افطار کند ودر این
...ب سوده والشمس وسوده
...ک تا بغیر حساب بخواند
...ک بقدرتک علی کل شیء
یا حی یا قیوم ان تصلی

۵۳
۴۱
۴۴۸۱
۲۵۲۴
۵۹۳۶
۱۲۵۷
۱۴۹

عائشه زاد ...

حسن زاد صاحب

۳۲۱۶۱۲۱۵۲۱۱۲
۵۱۲۲۳۱۱۸۳۱۲۳
۵۵۸

۵۵۶۲۳۱۵
۳۲۴
۳۱۳۱۳۲۱۵۱۲
۵۶۹۱۸

عبد الصمد زاد

حسن زاد صاحب ساره خاتون
حاجی حسن زاده بیکم
۸۶۵ ۵۱۴

محمد ولی زاده عالیه

محمد ولی زاده عالیه مقصد ... خواهد

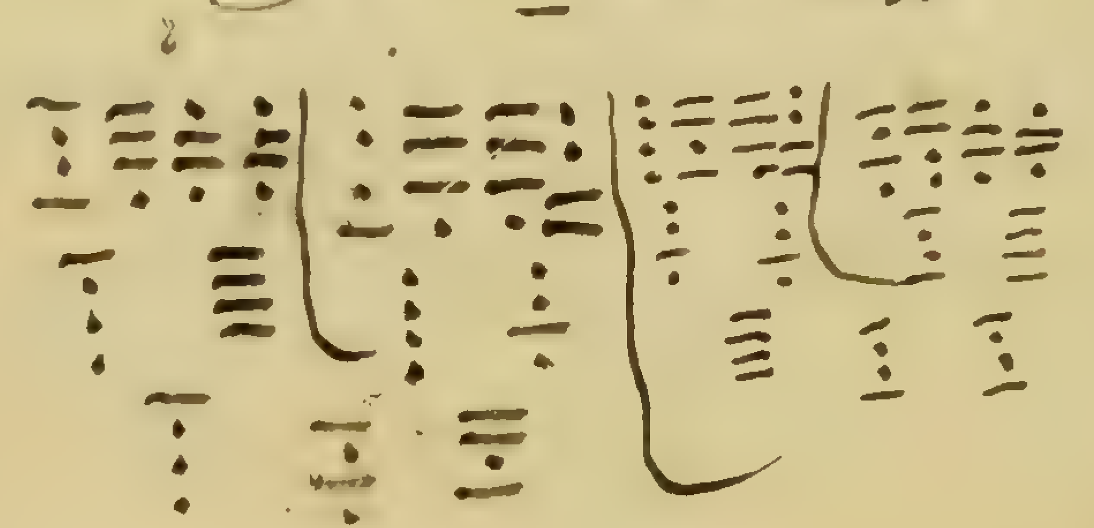

از جهة تب شب بنویسید
کند دعا انیت القید
بر ۳ چوب بید بنو
فرعون ...
از جهة دزد برده این
زیر سر نهدا آن دزد را
هو والا الا و الله
دوازده طرح کن هر جدا
... یا ...
بمیرد ۳ بماند طول
وا حساب ابجد کبیر ما
بداند که بیمار در ...
اکر یکی بماند بهتر شود
واکر در روز یک ...
طول کشد اکر ۳ بماند
چون یکی بماند بمیرد

على محمد وآل محمد وعترته وصحبته پس هفتاد مرتبه بگوید اَن تسئل
العلم الذی ستوته عن کثیر من خلقک واکرمت به کثیراً من عبادک
وتغنینی عمن سواک فانک مالک الملک وبیدک مقالید
السموات والارض وانت على کل شیء قدیر چون چهل روز باین
نوع عمل کند خداوند متیسر گرداند مرشد یا کر در خواب یا بر بیداری
او را تعلیم کند از نا اهل مخفی دارید والسلام ازجهة مرد بسته شده موی
دم خر را در زیر دامن دود کند باز شود ازجهة سیاه سلفه بر پوست کدو
بنویسید بر گردن طفل بیاویزد بسم الله الرحمن الرحیم ی ا ل ا ل ی ا م ح م د ی
اع ل ی ا د ر ک م ل ط ف ل ک ل ح ق ی یا ارحم الراحمین
بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب یا هازم
الاحزاب یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب
سبب لنا سبباً لا نستطیع له طلباً بحق لا اله
الا الله محمد رسول الله علیاً ولی الله وصلى الله
على نبینا محمد وآله اجمعین اسم مادر موسی براي
بستگی کارها بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح یا مفتاح افتح لنا اسم موسی
اهرایات مرباث شنیاث کثیرایاث طیناث تخفیف یوحایض
یوحایم

کشادن فرج بستن
ازجهة سیاه سلفه
مثلث ۳ ۸ ۱ / ۲ ۵ ۴ / ۲ ۳
اسم مادر موسی

یوخابد یا طامرة یا کاعلنا یا داخلنا یا تعتینا یا تعیه یوخانت
لاوی یا مجری الفلک فی البحر انک بالناس لرؤف رحیم سخرلی
کذا وکذا اسم مادر موسی یوخابد عدد ۲۰۳۰۴ اسم پدر خضر هلکانا
عدد ۱۲۱ ومطلوب چنین است المکلم پس چنین شد هر دو روز عدد جمل
بخوانند عدد ۸۲۵ دو یوم در وقت خواندن بخود ببوزانند و بعد قفل بسته
گشاده شود و هر بستگی گشاده شود باب دیگر اسم مادر موسی ام قسوم کسوم
طسوم یوخانر یوخانت ابوخانیت یوخنی رخنتر یوخابد بخشید باب دیگر
اهلتک مهلتک ۹ اکان حبته مبنی موسی دکوک یا مطربن سطر
یا مهطریس یا دعوذاس یا مهطریس یا الذی امره کن فیکون اگر کسی
با تو عداوت داشته باشد این طلسم را نوشته در دست خود گرفته چنانکه
کسی نداند انگس از آن عداوت باز ایستد که مجرب است ع ۵
۱۱۳۰۲ ۱۱۲۲ صحم ۱۱ع ۳۲۲ ال ازجهة عداوت بنویسید بر پوست
حمار با نیل و سرکه در منجلاب حمام دفن کند که مجرب است عرفت علیکم
یا شیاطین ادهن سبود بن لرها سبوش کلموان حملن حملوا اجیبولی
یا من احصونی دشمنی کرده بفلان ابن فلان هیا هیا هیا اهف اهف اهف
الداهف عجلوا عجلوا ازجهة دزد برده این آیه را برکاغذی نوشته بر موضع

اسم مادر موسی
باب دیگر
اگر کسی با تو عداوت
ازجهة عداوت
ازجهة دزد برده

کە کریخته فرار کرده یا اکر مالی از آن خانه دزد برده بود بواد و بقیلە با مخ
بکوید اکر مال برده اند دزد با مال پیدا شود اکر کریخته فرار نموده مراجعت کند
وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا
إِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از جهة باز آمدن غایب یا کریخته این ایه را بر خرقه
کبود با مشک و زعفران و کلاب بنویسید و اسم غایب و مادرش را بنویسید نوشته را
در منزل غایب بیاویزد که باد او را حرکت دهد زودی مراجعت کند که بسیار مجربست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ
وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ
عبادة وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ
يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ایضا از
جهة آوردن غایب بنویسید این طلسم را با اسم آنکس و مادرش در زیر سنک
کران کذارد آنکس غائب نتواند رفت بقدرت پروردکار عالم مجربست
از جهة احضار باید یکشنبه ابتدا از روز
یکشنبه سر آفتاب هر روزی بیست یکمرتبه بخواند
این منظر را تا دم او کیرا شود و چون خواهد
که عمل

۱۲	۳	٥	۱۳
۱٥	٥	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	۸
٦	۱٦	۹	۲

احضار غائب کریخته

آوردن از جهة غایب

احضار

که عمل کند صورتی از موم بسازد و در بالای تخته کذارد و ابریشم سیر براو
ببندد و کم کم تخته را در پیش خود کشد و پشت سر و طرف هر دو دست
صورت شمع روشن کند و این منظر را هفت مرتبه بخواند و هر مرتبه
بقدر نیم ساعت صبر کند و باز بخواند تا هفت مرتبه تمام شود اما ملاحظه
راه باید کرد که چه قدر راهست که مبادا در حمام باشد که باعث رسوائی
باشد منظر اینست دهار دهار مهار مهار دالی یا نذهم صاد
بادکی بنوحی تلوه لکتره حسرتکی حنیشاء شرای کرو اکنا
بکر از جهة بواسیر صورتی از موم بسازد بنام هر که خواهد و میخی
از چوب کز بتراشد و این نام را بر آن میخ بنویسید و بر دماغ صورت
فرو برد و صورت را در پای قبر کهنه دفن کند آن شخص را بول بکیرد
او من هو بنوا السفر هر سرى هطوا کلی سفاها هم از جهة بیماری
کیرا خواهید بیمار کنید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ
مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ ایضا
از جهة محبت هرکاه آیه مبارک یس را که وضربنا مثلا تا آخر سوره را عدد
بر داشته در بالای پارچه کرباس هفت درهفت مندرج نموده فتیله
کند با شیرم و روغن چرب نموده در فانوس سر پوش روشن کند و دود

از جهة بواسیر

از جهة بیمار

محبت

کیرد و از آن دود سرمه کرده در چشم کشد هر کس باو نظر
کند بی تاب شود جمع عــ ١١٦٤٧ ـد ایضًا بباید چهل دانه فلفل بعد از
نماز جمعه و بر هر یکی یکنوبت سوره مبارکه تبت یدا بخواند بنام هر که
خواهد در آتش اندازد بیقرار کردد انجهة زبان بندی دوشمنان اکر خواهی
که زبان کسیرا بربندید بکیر ابریشم هفت رنک را و هفت مرتبه سوره
والشمس را بر آن بخواند و هر مرتبه که میخواند یک کره بزند تا هفت کره انرا
در میان موم کذاشته در بازوی خود بندد که مجربست ایضًا انجهة زبان
بکیرد سیصد و شصت و شش دانه جو را و بر هر یکی یکبار آیه لقد جاءکم
رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف
رحیم را تا آخر بخواند تمام جوها را بخورده خر داده دهد چنانچه ضایع نشود
در آن نیت جو دادن بکوید که خداوندا چنانکه این خر کنک است زبان فلانرا
در حق من لال کردان و کنک کردان انجهة درد چشم بنویسد در موم کرم
در آب کشد و آبرا بخورد و چشم و روی خود را بشوید و در غسل در پیشانی
مالد و دعای درد سر اینست بسم الله الرحمن الرحیم اذهبوا بقمیصی
هذا فالقوه وجه الا الله یا رب نصرًا فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید ان الله کان بصیرًا ١١١م ١١١ ا ه و باسم فلان

باب دعای کشادن مرد بسته سبعه سلاطین اول کنکوش منطوش
هی ها هوش طارتوش جالینوش جالونوش مندوش خدم سلیمان
بن داود الا بحق لا اله الا الله عزت عرش و عزمة و بحق کرسی
و صبحتی بحق نار و ذلقنی بحق نار بحوم و سیری بحق سلیمان
و ملائکتی و بحق نوح و بنوتی ابن عمر بکو برای خنی فلان بن فلان
کشادم لی حم جبط ١١١ ا م ء انجهة دزد برده یا کریخته
صنا مینهد انوا بر قطعه از کرباس جامه کتان که در اول ماه بریده باشند بنویسد و در
کردن آن بنویسد فلان ابن فلان و از خانه بیرون
آمده بموضعی برود که کسی او را نه بیند میخ آهن

ى	ه	ب	ب
ه	١١	ن	ب
ن	=	ع	ے

نو بر میان آن قطعه فرو برده و در زیر خاک نهد آن دزد یا آن بنده کریخته
باز کردد و آیه اینست و لو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة و لکن کره
الله انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القاعدین از بهر ظالم
این دو آیه را بر قطعه دیک کهنه نوشته در خانه او دفن کنید و کذلک اخذ ربک
اذا اخذ القری و هی ظالمة ان اخذه الیم شدید و لما دخلوا علی یوسف الی هو
العلیم الحکیم از برای محبوس هم خوب که در زندان باشد مداومت کند زود خلاص شود

از بهر فرزند

از برای فرزند یا معلوم کردن پسر یا دختر که در رحم مادر است یا مریض خوب میشود
یا خیر میمیرد اول غسل کند و بوی خوش بکار برد در روز دوشنبه روزه بگیرد
در شب سه شنبه با طهارت باشد بخواب برود در صباح سه شنبه پیش از طلوع
آفتاب این دو آیه را بر پارچه سبزی بنویسد بمشک و گلاب و زعفران و آنرا در مقعد
نهد و چنان کند که آفتاب و ماه بر او نتابد در شب چهارشنبه بعد از نماز خفتن
بخوابگاه خود رفته البته باید که هر کس برسد میرسد یا عالما بخفیات الامور
یا من هو علی کل شیء قدیر اطلعنی علی کل شیء قدیر بعد از آن ذکر کننده آنگاه در
خواب معلوم شود و اگر در آن شب معلوم نشد روز پنجشنبه روزه دارد و شب
جمعه همان دستور عمل کند البته مطلب حاصل شود و آیه اینست اللّهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ
كُلُّ أُنثَى وَمَا تَغِيضُ الأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُم
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ
فِي الْعَالَمِينَ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ سَلَامٌ عَلَى آلِ يس
و یکی دیگر سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ قوله تعالی وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا
سُيِّرَتْ علی قوله جَمِيعًا این آیه را در جمعه آخر ماه رمضان بنویسد در محلی
که خطیب بالای منبر بود در هر خانه که بود در آن خانه دزد نیاید و اگر

در کاروانی

در کاروانی باشد از دزد محفوظ ماند و اگر کسیرا تب بود بنویسد و با خود دارد
تب او زایل گردد و اگر زنی را فرزند پسر نشود چون فرزند در رحم پیدا شود
پیش از آنکه چهل روز بگذرد بر شکم زن نویسد پسر زاید و اگر بر سر بندد
هر چند راه رود مانده نشود و اگر درد سر باشد بنویسد و بر سر بندد زایل گردد
و آیه اینست وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ
بِهِ الْمَوْتَى بَل لِّلّهِ الأَمْرُ جَمِيعًا قوله تعالی الر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ
النَّاسَ این آیه را بر قدحی بنویسد و بآب خالص بشوید و این آیه را چهل بار
بر آن آب خواند و در مسجد بپاشد تعلیم علوم بر آنکس آسان شود شرح
او زیاده است والسلام از جهة هلاک ظالم وضع کلمة خبیثة الی قوله من قرار
چون ظالمی که مردم از او در ضرر باشند در روز چهارشنبه از طین
پاک لوح مربع سازد پیش از طلوع آفتاب و در سایه خشک کند و این آیه را
در چهارشنبه دیگر بر آن لوح بنویسد با میل از قلم که از چوب زیتون
بود پس آن لوح را بزمین بکوبد و در خانه آن شخص ریزد امور عجیبه مشاهده
نماید و اگر این آیه را در روز شنبه بر پوست که باشد بنویسند در شبی
که ماه ناقص النور باشد و آن پوست را در جائی اندازد که آن شخص از آن
میخورد و چون از آن بخورد بیمار گردد و هلاک شود و آیه اینست وَمَثَلُ

از جهة دفع ظالم

کلمةٍ کشجرةٍ خبیثةٍ اجتثّت من فوق الارض ما لها من قرارٍ از امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره أتی امر الله فلا تستعجلوه
تا آخر سوره بنویسد و در باغی پنهان کند همه میوهای درختان فرو ریزد
و اگر این سوره را بنویسد دفن کند در موضعی که اهل فسق در آنجا میشوند
همه متفرق شوند و هلاک شوند والله انزل من السماء ماءً فاحیا به الارض
بعد موتها از جهة بر انداختن ظالم مجربست باده از استخوان کهنه آورده
و این آیه را بر او بنویسد بعد از آن بسوزانید و خاکسترش را در
سرای آن ظالم بریزد آن سرای از او خالی و ویران شود این آیت
وکاین من قریةٍ هی اشدّ قوّةً من قریتک التی اخرجتک اهلکنا
هم فلا ناصر لهم قوله تعالی آیه انّا ارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی
یوم نحسٍ مستمرٍّ تنزع الناس کانّهم اعجاز نخلٍ منقعرٍ را در پیش
روی ظالم بخواند چند نوبت که ممکن باشد و بجانب روی او بدمد هفت
روز متوالی باین دستور عمل کند ان ظالم بمیرد یا نزدیک بمردن رسد
و آیه این مذکور شد از جهة گریه طفل این آیه را بر پوست آهو بنویسد
بگلاب و زعفران و بخور کند بعود و کندر و اسم دشمن را بر آن نویسد
و با خود دارد زبان او بسته شود افمن هذا الحدیث تعجبون وتضحکون
ولا

از جهة بر انداختن ظالم

دفع ظالم

از جهة گریه طفل

ولا تبکون وانتم سامدون فاسجدوا لله واعبدوا والسلام
از جهة تفرقه بنویسد با اسم هر کس که خواهد با نیل و سرکه و مرداسنگ در منزل مطلوب
دفن شود و یکی را بنویسد بشوید بخوردش دهد یا ابلیس ما منعک ان تسجد لما خلقت
بیدیّ استکبرت ام کنت من العالین ایضاً نوشته با اسم هر کس که خواهد با اسم مادرش
بجائی بیاویزد که باد او را حرکت دهد فاخرج منها فانک رجیم وان علیک
لعنتی الی یوم الدین یا ابلیس ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدیّ استکبرت ام کنت من
العالین دو عدد از این آیه را بنویسد با اسم هر کس که میخواهید یکی را در منزل او دفن
کند و یکی را با آب بشوید بخورده او دهید که مجربست دفع مار گزیده افسون
از جمله افسونهای مجربست که اگر او را مار گزیده باشد بر هر عضو که
او را مار گزیده باشد آن عضو را برهنه نموده آهنی بر بالای آن گذارد
و این عزیمه را بخواند و آهن را بر تیر فرو کشد که پوست را نخراشد
و تا اسفل این عضو جمع برسد چون باسفل عضو جمع شود بزودی بمکند
هر قدر ممکن باشد و باکی نیست اگر عضو سست شود و بعد از این نیز
این عزیمه را بخواند سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین سلامٌ علی محمدٍ فی المرسلین
من حاملات السم اجمعین لا دابّة فی الارض ولا فی السماء الا وربی
اخذ بناصیتها اجمعین یجزی عباده المحسنین ان ربی علی صراطٍ مستقیم

از جهة تفرقه

ایضاً

از جهة مار گزیده

نوع بوع قال لكم نوح من ذكو ربي قلا تالسعوه ان ربي بكل شيء عليم

وصلى الله على محمد سيدنا وآله الطاهرين ازجهة دزد بوده للسرقه

اين عزيمه را نوشته در ميان مشك اندازد ومشك را باد بدهد ظاهر از مشك

مشكي است كه آب در آن نمايد شكم دزد پر از باد شود بحكم الله تعالى اين آيت

لطه له له له له اه اه اه اه اه اه اه اه اه فان تولوا فقل حسبي الله لا

اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ايضاً للسرقه اين آيات را

بر پاره نان بنويسد و به تهمت زدگان بخوراند دزد قادر بر خوردن و فرو

بردن پاره نان نوشته شده نخواهد شد اول اين آيه را بنويسد اذ قتلتم

نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون پس بنويسد يتجرعه ولا يكاد

يسيغه ويأتيه الموت من كل مكان وما هو بميت ومن ورائه عذاب غليظ

پس بنويسد الله الذي يخرج الخبء تا يعلنون پس بنويسد و بالحق

انزلناه وبالحق نزل وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين للحفظ و زيد.

العقل اين تعويذ را بمشك و زعفران نوشته و شسته بخورد فهم و ادراك او

زياده شود ط ١٢١٢١١١ه ه ازجهة درد سر بخط شريف حضرت امير المومنين

عليه السلام يافته شد بو سر ببندد ح ه ايضاً در بيان صاحب عن

نويسد رعاف ساكن گردد هالع هلع هلولع ايضاً لفتوح الغيب من قراء سوره

والليل

والليل اربعين ليلة اربعين مرة اما بشرط في قرائتها اكل الحلال و صدق المقال

ولبس النظيف الحلال والجلوس على الفرش الجاني يظهر في ليلة الاخير رجل نظيف

اتى باربعين الف تنكه فتاخذ منه وتصرف في الحلال ولا تظهر هذا السر عند احد

واذا بلغت بايتها الاحد عنده الى تجربة بالجواب از براي قضاء هر ابزار شرعي

هرگاه اراده حصول اين نماز را شروع كند بعد بذكر جلاله در ساعت يك آن نمايد

كه طريقه واعقرب بنا شد واسم مبارك را بانيطريق مداومت نمايد با حضور قلب

كه يا الله و بخواند با وقف كه يا الله باشد بخواند و در چند روز كه تواند

بخواند و مقرر نكند هر قدر كه تواند بخواند تا آنقدر كه عددش يكصد

بيست و پنج هزار كامل شود كه البته حصول و حل امور مشكله ميشود لا ريب و مكرر

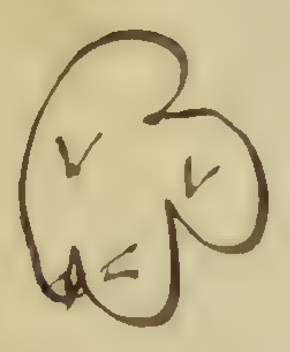

به تجربه رسيده است من قراء هذه الاية على المتاع ولا قسم يبيع سريا فلن

ابرح الارض حتى ياذن لي ابي او يحكم الله لي وهو خير الحاكمين روي عن

سيد ابن طاوس في كتاب المجتبى اذا قراء هذه الاية على وجه العدو لم يقدر

لنفره كتب الله لاغلبن انا و رسلي ان الله قوي عزيز لخلاص المسجون المحبوس

يكتب و يحمل المسجون تخلص سريعاً باذن الله تعالى وهو من اسرار الشيخ

وهكذا صورت وضعه

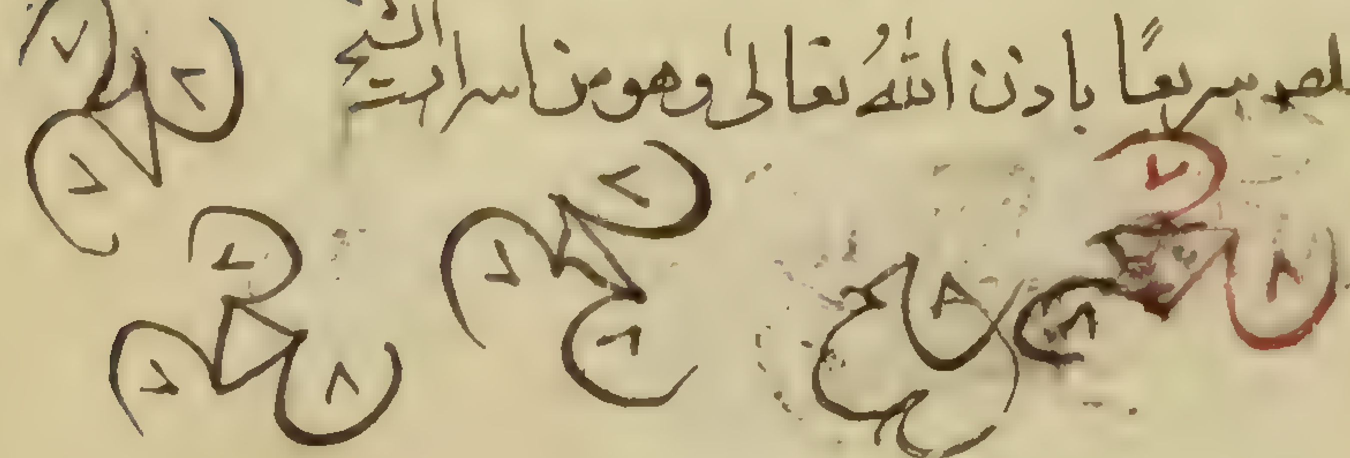

للزيادة في الرزق ونمو التجارة وكثرة الربح وكثرة الاولاد من رسمها في خاتم الفضة والبسه في اصبعه لم يدر كيف يسر الله له المطالب وهو امر من الامور العجايب لانه امر لا يقدر على وصفه احد لما فيه من البركات والخيرات وافرة بعون الله تعالى

و	ى	ج	ع	ل	ل	ك
ى	و	ت	ا	ن	ج	هـ
ج	ع	ل	ل	ك	م	ا
ي	و	ا	س	ا	هـ	ه
ج	ع	ل	ل	ك	م	ج
ع	ج	ي	و	ع	ا	ن
ل	ل	ك	م	ان	ه/	ك

فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا يرسل

في خواص خزبطج وافراده ومركباته وما تعلق عليه من الارقام خواصه قضاء الحوايج وتيسير الامور والكفاية من كل محذور على الخصوص السفر والظفر على الاعداء وانهزامهم وقت الحرب وهو حافظ لحامله من البندوق والسهام وضرب السيوف والرماح وقد جرب فصح مرادا وحامله محبوب مهيب في قلب الاعداء الرعب وبالجملة فخواصه لا تحصى وشرحه تزيد على مجلدات وهذا الاسم لا يحتاج الى طهارة ولا طهارة الملبس

والماكل

والماكل والحليله وتوجه القلب وهذا العمل لا يحتاج الى شيء من ذلك كله ويزيد حسن الاعتقاد فيه وهو من اسراره العظيمة كما نقل عن بعض الصالحين من اهل الورع والايمان انه راى الرضا عليه السلام فساله عن هذا الاسم وتوابعه فقال عليه السلام انه اسم اكبر تام وطريق عمله ان يكتب هذا خزبطج ١٢٥٢ ويرمى في الماء الجاري او البير العميق واحسن الاوقات الصالحة له نصف الليل او وقت الظهر ويرمى في النار في اوقات الضحى قبل طلوع الشمس وليكن اذا المروت رمية في النار فكان الكتابة يحرق فاقرء بخورا وكبريت ثم ادمه في النار ويكتب على رؤس الجبال وينبغي ان يكون كتابته بقلم احمر بمداد احمر على قرطاس احمر وكلما كان اخذ في الحمرة كان للاجابة اسرع وكلما يدفن يكتب على خزف جديد ويحمر بداه ايضا بالحناء او غيره حين الكتابة ويلبس لباس الاحمر وكلما كثر كان احسن وانجح بالمرام وينبغي لعامل هذا الاسم ان يكون عمله بمجرد الدنيا فقط بل تقصد ثواب الاخرة ويضم اليه حوايج الدنيا يقضي حوايجه وهذا العمل لدورة ينبغي لعامله ان يواضب عليه وهو اللهم العن الجبت والطاغوت وقد ورد بها دعاء صحيح جليله منها انه جاء في غيبة الامام عليه السلام عجل الله فرجه وسهل مخرجه ووفقنا الله واياكم للاعمال الصالحة الراجحة انه ما جرامين بجاه الياسين والكتابة هذا مع الاسم المذكور ٣٩٢٨ ع ٤ ١٢٣٤ ٧١٢٢٢ ٧٢١ ع ٤ ١٢١١١ ٤ ليكن هذه الارقام لا تحرق بالنار ما سوى الاسم المذكور وهو خزبطج وكتابته بالمداد الاحمر انجح وكلما كان اخذ في الحمرة كان

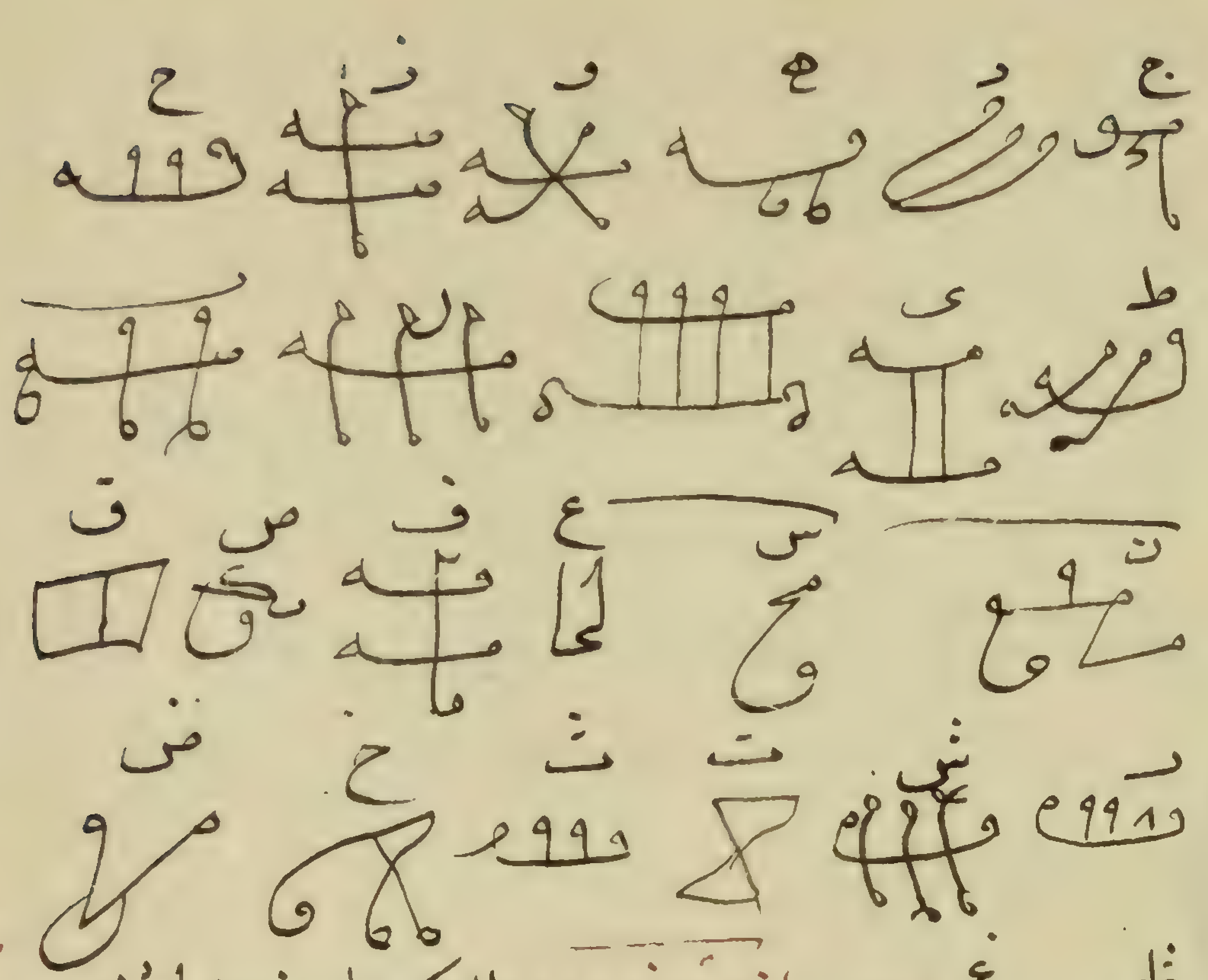

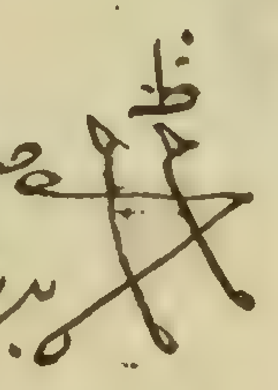

از جهة دزد برده مال هر کس را دزد برده باشند بر بنیت چهار ساعت نکذشته این آیه را بخوانند در همان ساعت دزد را با مال بیاورند که مجربست بسم الله الرحمن الرحيم قل من يكلئكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون باب این آیه را نوشته بر بازوی بر است بیاد مجربست بسم الله الرحمن الرحيم العين العين ومن الجن والانس وعلى كل شيء قدير از جهة دزد برده بر کف دست خود بنویسید و در انجا برود که کجا است هر کس این کمربند حضرت امیر را بنویسید بر کمر بندد قوت صد مرد بیابد و هیچکس پشت او را بر زمین نرساند

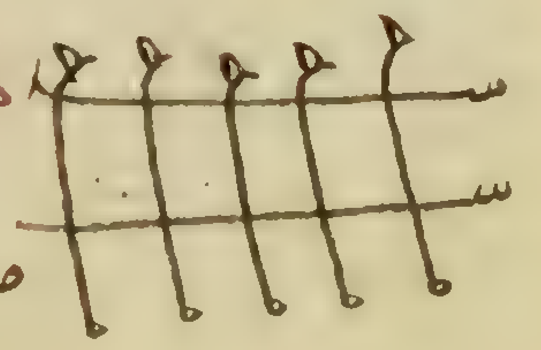

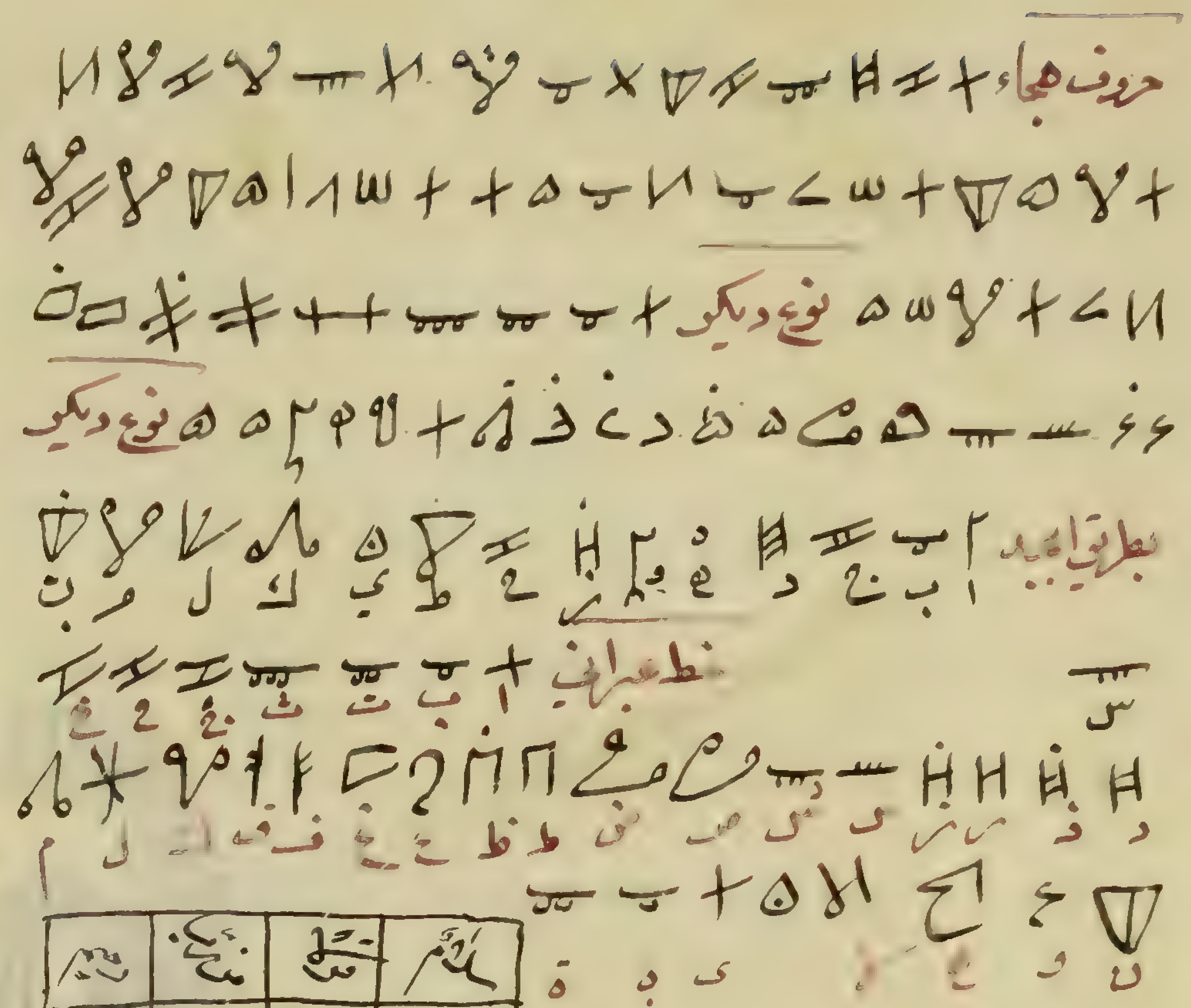

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٠٧	١٦١	٣٢٨	٣٢٢
١٩١	١٩٧	٣٣٢	١٩٨
٣٦٢	٢٦٨	٢٢١	١٦٧

ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س ع

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٥ ٨ ٩ ١٠ ٨ ٦ ٤ ٢ ٣ ١٠

ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

٨ ٦ ٤ ٨ ٨ ٢ ٨ ٤ ٨ ٣

نوع دیگر ابجد هوز حطی کلمن سعفص

ف قرشت ثخذ ضظغ لا والسلام

قلم ملائکه

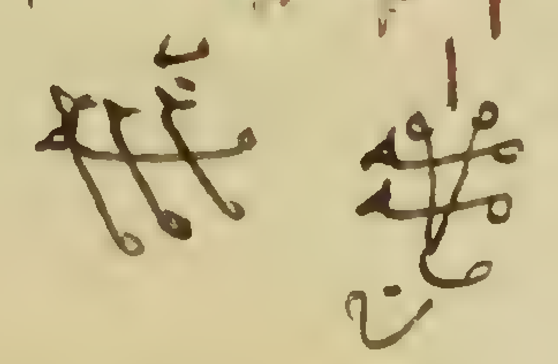

بسم الله الرحمن الرحیم الا الکال بع سح الداح سح الداح لا له بسم ازجهة

کشودن مرد بسته شد ازجناب رسول خدا منقول است این طلسم را بر سیل آهن

بنویسید بعد در آتش سرخ کرده مرد بسته بر او بول کند کشاده گردد که مجرب است

ازجهة درد بوده بنویسید این دعا را بر کردن ٨١٤١٨٨٨٩٢٢٢٢٣٩

مع صح صح سح سح سلسح

گوساله بندد هر کس که درد بوده باشد تا دست بر گوساله نهد صدا کند که مجرب است

ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا

وکذلک نجزی المحسنین بان الله جمع اصحاب الکهف ازجهة کشادن مرد بسته

بنویسید بسم الله جبرئیل بر دان جپ بندد بسم الله میکائیل در کف راست

بندد بسم الله اسرافیل در میان شانهای خود بندد انهم یکیدون کیدا

واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا انشاالله کشاده گردد

ازجهة عقرب زده یا مار گزیده باشد این حروف را بنویسید و در آب کند و آن

آب را بجراحت مالد بهتر شود حروف اینست ٢١١٥٢ ع ف ع ف

ع ف ع ف نوع دیگر افسون عقرب بخواند و بروی بدمد دعا اینست

منظر عقرب است و نیش وی دیگر کار نکند کرب نکادان مع الکرسال

کرة مرة ابرلوس مرلوس حی دودن کل لکم بیه بیه کر کر حکتا

ساد نا مار نا حکا و نا کف ازجهة درد کمر این دو دعا بنویسید

یا خوه

طلسم اینست

لنه یع ص ح م ع ع س ق

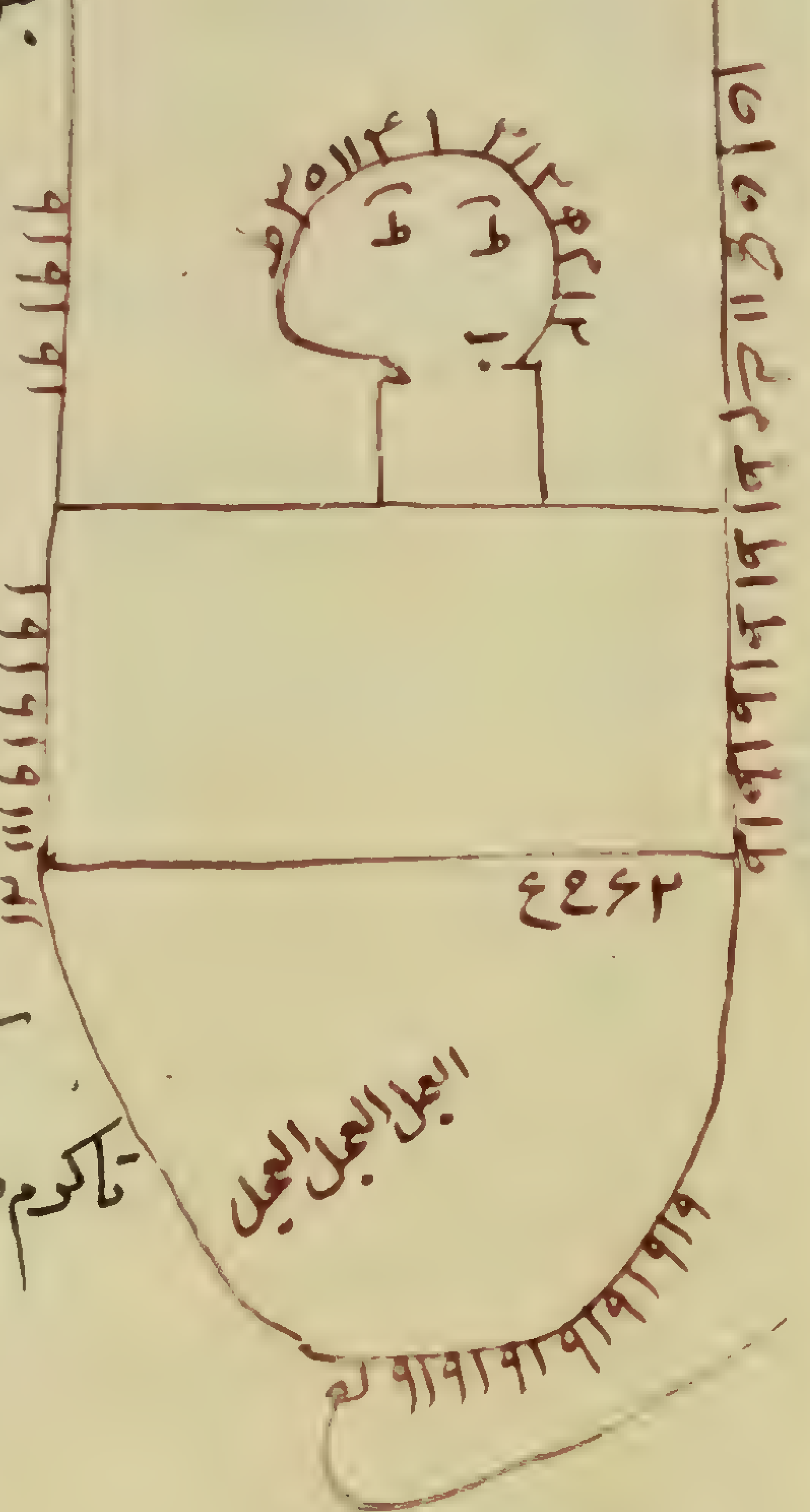

ازجهة محبت از اسرار غریبات مجرب است

در ساعت روز جمعه بر سفال آب ندیده

بنویسید و بخور صندل بکار برد و سفال

در نزدیک آتش گذارد و چهار صندل

چهل و چهار مرتبه این آیه مذکور را

بخواند لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز

علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین

رؤف رحیم و این مثلث مذکور را بر

سفال آب ندیده بنویسید در کنار آتش گذارد

تا گرم شود که اثر عظیم دارد و مجرب است

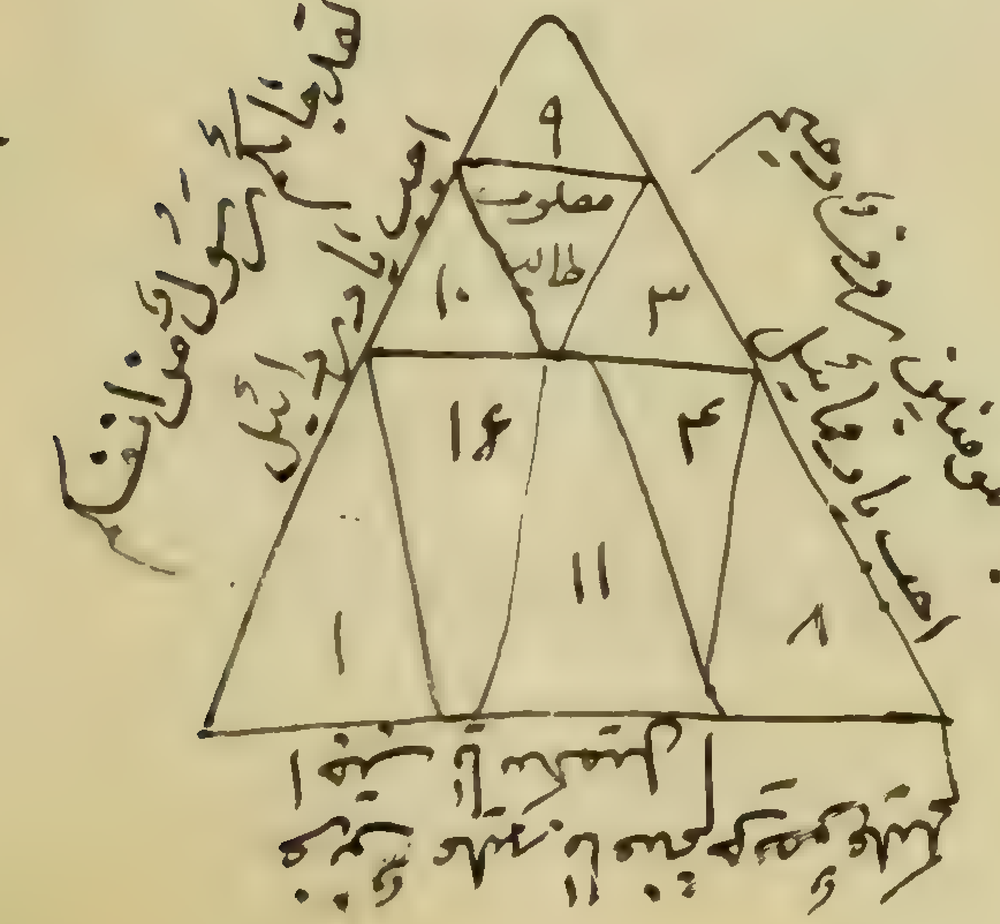

اجب یا جبرائیل

١٠	٩	١
٦	اسم طالب ومطلوب	١٣
٣	١١	٥

کند و بعد معلفی است درد امکد واک شهوات اماده او را مینماید کند او را دم کند
بمثل ماهی و با نبات بخورد تا ۳ روز که بسیار مجربست و مکرر تجربه شده برای آن علف
بمثل برای تلماذ است بادیک و بویه علف حنا میدهد ازجهة کشودن بخت دختران
اگر طالب شوید دختر را و مضایقه کنند بنویسید این طلسم را بر کاسه چینی بعد
بشوئید آب او را در خانه آن دختر بپاشید البته را ضی شوند بسم الله
الرحمن الرحیم الملك العظیم یا طهر یا طهو هو یا غفر یا لوکمطا یا لعصهطا یا
طلهطا یا صلهی بتاه انزعوا اسم اعظم ازجهة زبان بندی در شرف شمس
باید بر طلا نقش کند اگر ممکن نشود بر کاغذ زرد بنویسید اما باید بخط
مرکب سرخ نوشته شود تا تغییر او معلوم شود این نسخه از مجربات است مکرر تجربه شده

ازجهة محافظه زهره کیک را

۱۸۱۰	۸۵۲	۱۸۲۱	۱۸۷
۱۸۱۹	۱۸۱۲	۱۸۱۳	۱۸۱۸
۱۸۱۱	۱۸۱۷	۱۸۱۶	۱۸۱۳
۱۸۲۲	۱۸۰۲	۱۸۹	۱۸۱۹

با کوه کاو هر دو را مساوی یک
دیگر داخل هم کرده استنشاق
نماید که بسیار مجربست

ختم مجربست تا چهل روز
هر روزی دوازده هزار مرتبه بخواند الله لا اله الا هو در شب بخواند یا
بعد از نماز صبح بخواند که بسیار مجربست ختم سوره اخلاص اکو کیرا مشکلی

دوای دیگر حیض را براند سلیخه و شونیز از هر یک دو مثقال زراوند مدحرج
و انیسون از هر یک ۳ مثقال جند بید ستر و ابهل از هر یک دو درم
همه را نرم کوفته و بیخته بدو چندان عسل کف گرفته بسرشتند هر روز صبح
یک مثقال تا دو مثقال مانند نخود حب کنند فرو برند و چهل درم عرق بادیان
عقب او میل نماید و اگر قوت داشته باشد غذا اندک نان با عسل یا آب
نخوداب با روغن زیت یا جوز یا روغن مغز و خردل و اگر قوت ضعیف
باشد گوشت کنجشک و کبک و امثال اینها را میل فرمایند و از بعضی
چیزها اجتناب فرموده انشاء الله گشاده کردد که مجربست

ازجهة اخوشومرا زودل دیگر بکیرد پوست هلیله کابلی آمله مقشر شیطرج
مصطکی انیسون سعد کوفی مقل ازرق برگ عنب پوست هلیله روغن سفنا
ادویه ها را با روغن سفنا لوجی کرده و مقل را با می بیست مثقال کند تا طبخ دهد
تا حل شود بعد با دو چندان عسل معجون نماید و در وقت خواب دو مثقال میل نموده
و یک فنجان آب گرم از عقب او بخورد و از ترش و سفیدی پرهیز نماید و از برنج
احتراز کند غذا گوشت مرغ و کبوتر و گوشت بره نخوداب کند با ادویه خواص این
معجون بر طرف کند بواقتهنه و درد لهنه را مرفع کند دلسوما لش کند و معده ترش شود
و استفراغ کند

آید اولاً غسل کند و جامه پاک بپوشد و دو رکعت نماز حاجت بجا بیاورد از
جهة همان مطلب چون از نماز فارغ شود این لوح را که اَللّٰهُ الصَّمَدُ است
بر روی کاغذی نوشته در پیش صورت خود گذارده و نظر بحرف میم کند
و هزار مرتبه اَللّٰهُ الصَّمَدُ بگوید دفعه هزار یکم سوره را تمام کند و هرگاه در نماز
حاجت در رکعت اول بعد از حمد هزار یکمرتبه بگوید و متکلم با کسی نشود بهتر خواهد
بود و لوح اینست اَللّٰهُ الصَّمَدُ هر روز بعد از نماز صبح هفتاد یکمرتبه بخوانند
بی تکلم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَفَاضَ الْاَرْوَاحَ مِنَ الْقِدَمِ
وَاَخْرَجَ الْوُجُودَ مِنَ الْعَدَمِ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَی السَّیِّدِ الْمُؤَیَّدِ
الْمُحْتَرَمِ وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ مَصَابِیحِ الظُّلَمِ اَللّٰهُمَّ مَدَدًا مِنْ عِنْدِكَ مَدَدًا
وَعَلَیْكَ مُعْتَمَدِی معروض میدارد بنده ذلیل یوسف ابن قاسم ذاکر حسینی علیه السلام
که هر که متوسل شود بجناب موسی ابن جعفر علیه السلام از جهة امر مشکل خود
توسل بآنجناب بجوید بدین عبارت که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ
بِحَقِّ وَلِیِّكَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَی ابْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ بِغَیْظِهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
اِلَّا مَا شَفَیْتَنِی بِهِ مِمَّا اَخَافُهُ وَاَحْذَرُهُ عَلَی بَصَرِی وَجَمِیعِ مَا اَجِدُهُ وَجَوَارِحِ
بَدَنِی مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ مِنْ جَمِیعِ الْاَسْقَامِ وَالْاَمْرَاضِ وَالْاَوْجَاعِ بِقُدْرَتِكَ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ باید بعد از نماز واجبی بخواند اگر بعد از نماز صبح و عشا بخوانند

خوبست

خوبست ایضاً در اول ماه که روز پنجشنبه بوده باشد روزه بگیرد و در
وقت افطار غسل حاجت بجا آورده نماز مغرب را ادا سازد و بعد افطار قلیل
نموده نماز عشا معه نوافل ادا سازد هموار همانجا یکسر نشسته حرکت نکند
صد بار بگوید رب صل علی محمد و آله بخواند و ده بار الحمد با بسم الله و صد
بار دورده مسطور و هدیه آن را بروح حضرت رسالت پناه ص و ائمه اثنا
عشر بفرستد و عرض کند که این بنده ذلیل ضعیف دعوت صغیر سوره مبارکه
اذا جاء نصر الله را با جازت فلانی میخواهم بجا آرم یا الهی از تو توفیق و یاری
برای این امر میخواهم و چهارده معصومان پاک را شفیع شود و بعد درود را
خواند تا بخواب رود صبح غسل نموده و نماز صبح را ادا نموده دو رکعت نماز
فتح دعوت بجا آرد و در هر رکعت بعد از حمد سوره اذا جاء را بخواند بعد از
سلام صد بار درود مسطوره و یکصد و هشتاد و سه بار سوره مبارکه
را بخواند بعد از اتمام صد بار درود مذکور بخواند و صلاح حال خود را
بخدای خود عرضه دارد و ترک حلالی و حرامی کند و تعلق مکان و زبان از دست
ندهد و فحش و دروغ نگوید و از جمله لذات اجتناب کند و روزها بتلاوت
قرآن مشغول باشد روز پنجم یا ششم شخصی سبز فام با لباس سبز مصحف بدست
گرفته پیدا شود باید که نترسد و از او سؤال مطلب خود کند و از فرمان

اوتجاوز نکند که بیم هلاکت است و وقت خواندن اگر عرقی که عود غرقی گویند
چوب مثل صندل سیاه رنگ میشود و در آب غرق میشود او را بسوزانند خیلی
خوشبو است او را بسوزانند اجازت بنمود والسلام در خواب دیدن یکی از
انبیا یا ائمه علیه السلام یا مادر یا پدر یا فرزندان یا کسی از مردمان
را در خواب باید در وقت خواب هر یک از سوره مبارکه مذکوره را یکمرتبه
بخوانند سوره والشمس و واللیل انا انزلناه قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکبار بخواند و بعد از آن
صد بار قل هو الله احد را بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستد و با وضو
باشد و بر جانب راست بخوابد هر کس در قلب خود خیال کرده در خواب ببیند
و بروایتی تا هفت شب این عمل را بکند که مجرب است مربعات که صورت ۱۶
کانند رمل است و در آن وضع نموده اند بطریقیکه از روی مراتب اضلاع
و اقطار رمل درست باشد و چون آفتاب در شرف باشد یا خوشحال باشد
بنگارند حامل آن فایده بسیار یابد و علوم دقیقه بر او منکشف گردد
و صورتی که او را پیش آید در خواب ببیند و محترم گردد و علوم ریاضی
و حکمت و هندسه بروی منکشف گردد از باب گشادن مرد و زن دیگر باید
که سوره انا انزلناه و سوره اذا زلزلت در میان ظرفی پاک بنویسد بگذارد

بکار.

بگذارد زن و مرد او را از روی او بخورند گشاده شود بفرمان خدای عز و جل

از جهة تفریق بنویسد با نیل و سرکه و مردارسنگ بعد با سرکه تند بشوید و در پرده گذارد آنکس باشد تفریق بشود باسم هر کس که خواهد مجرب است.

حمره	بیاض	فرح	عتبه خارج
نصرة خارج	عقله	اجتماع	نصرة داخل
قبض خارج	جماعت	طریق	قبض داخل
عتبه داخل	نقی الخد	انکیس	لحیان

١٣٢٥٤٦٤٧٣١٨١٩٤٥٨٦٦٨٦١٥٤٨ ١٣٥٤٢٢٤١٥

١١٢٢٤١٥٨٣٢٥٦١٢٨٤ ٩٥٦١٢٨٤٢١١٤٧١

از جهة زبان بندی هر کس که خواهد بنویسد باسم هر کس که خواهد با آب بشوید
و آن آب را بخورده آنکس دهد و بگوید بستم زبان فلان ابن فلان را بحق و تمت کلمه
ربک صدقا و عدلا الی آخر ١٣٢٥٤٦٤٧٣١٨١٩٤٥٨٦٦٨٦١٥٤٨
١٣٥٤٢٢٤١٥١١٢٢٤١٥٨٣٢٥٦١٢٨٤
٩٥٦١٢٨٤٢١١٤٧١ سیاه کردم فلان ابن فلان را در نظر فلان بنت فلان
بحق یا جبار و یا قهار تقهرت بالقهر والقهر و تمت کلمة ربک صدقا و عدلا لا مبدل
از جهة خلاصی شدن از بلیات در جای خلوت رفته با وضو و لباس پاک هزار
مرتبه بخواند سلیمٌ کفیٌ مکفیٌ و یا کامل و یا نواخود و یا اخورد و یا نوخود.

اسم ام موسی از جهت باز داشتن از سفرها اگر رفته باشد و یا از آنجا قرار بکند اگر کسی که رفته باشد و خواهی که او را باز دارد از رفتن و باز کردد بنویسد این طلسم را بر دو پاره از کاغذ یکی را در میان لباس اگر گذارند یعنی بخیه در موضع خوابگاه او نهد و یکی را در ظرفی و پایین سرش دفن کند و دیگری را بر بالای لباس او نهد که مراجعت کند که بسیار مجرب است و آزموده شده طلسم اینست

از جهت بار حمل برداشتن زنان عود قماری و زعفران و سماق و زاج سفید مساوی هم نرم کرده شیاف سازد زن بعد از پاک شدن از حمام که بیرون آید یکی از این شیاف بخود بر دارد

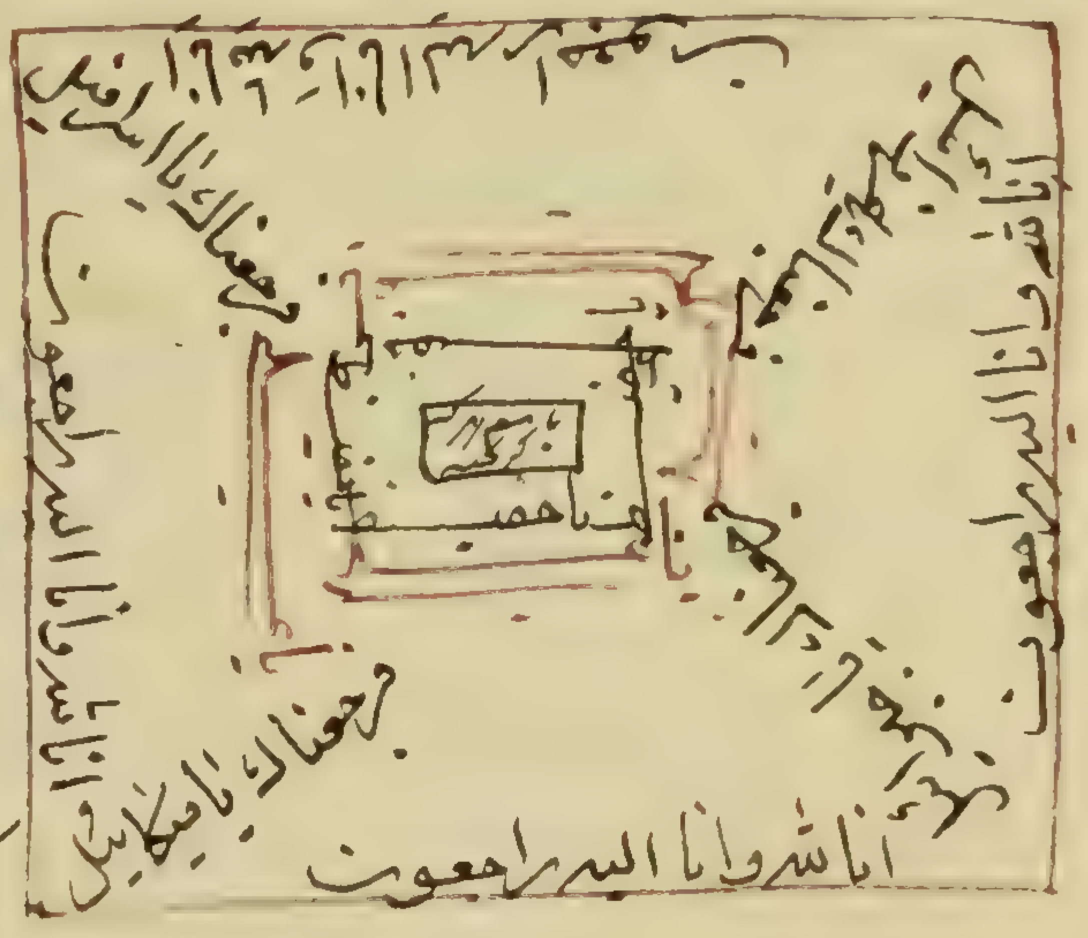

بعد مرد با او جفت بزند یعنی جماع کند که مجرب و آزموده شده مکرر در مکرر از جهت قوه باه یکدرم سولنجان را نرم سائیده با یکوقیه آب گلکو سفند ناشتا بنوشد مجرب است ایضًا استخوان مرغ سیاه را و چوب تاک را با هم بسوزاند و با عسل سرشته حمول کند ١ ٧ ١ ٤ ١ ٥ ٢ ٣ ١ ٢ ٠ ٢ ١ ٢ ٤ ٢ ٠ ٥ ٤ والسلام دوا یکه زن را فرزند شود صفت آن همن سرخ و کتیرا و زهره گاو و زرنباد و درونج عقربی از هریک دو مثقال

مروارید

مروارید ناسفته و خردل ابیض و فلفل ابیض از هریک یکمثقال همه را نرم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و ٣ روز متعاقب هر روز یکمثقال بخورد یعنی شیاف کند در موضع فرج نهد و روز چهارم مرد با زن جماع کند والسلام ایضًا نوع دیگر که زن را فرزند شود صفت آن بنیر مایه خرگوش و زعفران و عود و تخم گل از هریک یکمثقال مشک دانگی همه را نرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و غلولها کرده هریک بمقدار ما زوی زرد و ٣ غلوله کرده در فرج نهد روزی یکی روز چهارم مرد را خبر کند که بنزد او رود چونکه باعث از خلفت انداختن است لهذا بسیار خوب است انداختن والسلام هر وقت که از خواب بیدار شوید هرچند که توانید یاحی یاقیوم لا یموت ارحم عبدک الخاطی المعترف بالذنب ختم ادواء هر کس روزی هزار مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم و شب هم هزار مرتبه بگوید که ارواح طیبه حاضر شوند و مطلب او را حاصل ... اما در بسیاری مشاهده خواهد کرد اما نترسد و پناه بخدا ببرد مجرب است در بیان خواص بعضی از حروف هر که در شب جمعه صد و یازده الف بنویسد با خود دارد عزیز و محترم گردد و دلش روشن شود و شرک از او دور گردد و حاجت او روا شود و تنگدستی از او دفع گردد و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا سبحان یا الله حرف ب هر که در روز یکشنبه هنگام

افزونی ماه دوازده ب نوشته با خود دارد هر که محبت داشته باشد و اگر
شخص سکو باشد که اگر بخصود او رود او را دوست داشته باشد و اگر بر کاسه
چینی نوشته بخورده بیمار دهد شفا یابد و هنگام نوشتن این دو اسم را بخواند
یا رحمن یا رحیم ت هر که در روز چهارشنبه هنگام فرو رفتن آفتاب چهار
صد و ده ت نوشته با آب بشوید و بیاشامد قلبش روشن گردد و حافظه اش
بیفزاید و اگر طالب علمی باشد زود عالم گردد و هرگاه چیزی گم کرده باشد
این نوشته را به نیت پیدا شدن مال در میان مصحف گذارد آن مال پیدا
شود و رفع پریشانی هم کند اگر همراه خود بدارد از شر خصم ایمن باشد و هنگام
نوشتن این دو اسم را هم بخواند یا قیوم یا واحد حرف ث را هر که در روز
شنبه وقت زوال آفتاب پانصد و ده ث نوشته روی به قبله بیاویزد
بدیوار خانه در کارها ثابت قدم گردد و مال حرام باو نرسد و اگر همراه خود
بدارد و در آب اندازد هر زنی و شوهری که بخورند صلح واقع شود و وقت
نوشتن این دو اسم را بخواند یا دائم یا احد حرف ج را هر که در روز سه
شنبه پنجاه و سه جیم هنگام طلوع آفتاب نوشته با خود دارد زبان مردم
در کار او بسته شود و دشمنان او دوستان او شوند و از جماعت دواع حمایت
یابد و حاجت او را بر آورند و هرگاه از عملی و کاری که میکرد او را باز داشته

اند به مطلب برسد و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا باد یا کبیر
حرف ح هر که در شب پنجشنبه هنگام افزونی ماه هیجده ح نوشته با خود دارد
از سحر و چشم زخم محفوظ بماند و بلاها از او دور شود زمان نوشتن این
دو اسم را بخواند یا باری یا ذکی حرف خ هر که در روز یکشنبه آخر ماه
در هنگام خلوت طاهر باشد ششصد و ده خ نوشته در خانه خود نهد هر حاجتی
از هر کسی بخواهد بر آورده گردد و اگر در بند باشد نوشته را در جای بلندی
بیاویزد خلاصی یابد و زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا کافی یا معطی
حرف د هر که در شب چهارشنبه نصف از شب گذشته در جای خلوت با مشک
و زعفران سی و پنج دال نوشته با خود دارد دل او گشاده گردد و در نظرها
عزیز و محترم باشد در زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا حنان یا منان
حرف ش هر که در روز چهارشنبه با طهارت سیصد و شصت شین نوشته
در طاس آبی بشوید بر سر ریزد در نعمت بر او گشاده گردد این دو اسم را
هم بخواند یا حمید یا عزیز حرف ص هر که در شب جمعه با مشک و زعفران نود
و پنج ص در کاسه چینی نوشته با آب بشوید بخورد اگر بسته باشد گشوده
شود خواه زن باشد خواه مرد و قدری آب او را بر سر ریزد مگر بخواند

مکرر بتجربه نموده‌اند

از جهت کشودن حیض کم بسیار مجربست بگیرد کلاه بلادر را چهل مثقال و در
دیگ دیجیتر بقدر چهار انگشت شیر بالای او آید بعد او را طبخ داده تا شیر
تمام شود دوباره شیر بریزد بهمین طریق طبخ داده بعد او را با آب نمک پاک
بشوید اگر دو روز آب نمک بر سر او ریخته بگذارد بماند بعد بشوید تا
ملوحیت نمک از او گرفته شود بگذارد خوب خشک شود بعد نرم بکوبد
بعد بیاورد کنجد سفید ۱۰ زنیان ۵ اسفند ۳ جدا جدا نرم کوفته بعد داخل هم
نموده با کلاه بلادر باید اینقدر نرم باشد که مثل غبار شود بعد در کوزه
کرده در زمین رطوبتی بنا شد دفن کند تا چهل روز بی کم و زیاد باشد
بعد بیرون آورده هرگز یاد ندارد بعد بخورند فایده نمک سیاه بوده با روغن
ذیت در حمام در بدن بمالند از جهت اعضا را این آیه را بر چهل دانه نمک سیاه بخواند
و بخورد هر کس بدهد یکساعت قرار بگیرد إِنَّ اللهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ
وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا
عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللهِ
فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ایضاً
از جهت اعضا بنویسد بر سفال آب ندیده و در کنار آتش دفن کند با اسم کو

از جهت اعضا

از جهت اعضا

خواهد

باخود داده و اسفند سیاه و شیر ماده گاو سرخ باهم جوشاند و بر اعضای او
بمالد و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ
فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ إِنَّ
اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ از جهت آبله طفل در آورد یا میخواهد بیرون بیاورد بنویسد
بر بازوی او ببندد که زیادتر بیرون نیاورد ۲۴ ۲۲۹۱۴ ۲۹۱۱۱۱۱۱
۳۹۱۱۱ ۳۹۱۱۶۱ ۱۱۲۹ ۱۱۱ ص ص ص ۶۶۶ ۱۱۱۱ ۱۹۹۹ ۴۲۹۲۲ او او ع ۱۱۱ ـه
دفع اذیت حیوانات بنویسد بر گردن او ببندد که همگی سالم بمانند و طلسم اینست
لـگهـ ... صح صعص ... از جهت سر درد در روز چهارشنبه
که آخر ماه باشد پیش از طلوع آفتاب بنویسد در پای جیب مریض ببندد تا نه
روز ببندد بعد باز کرده در خانه بیاورد حم حم حم حم حم حم حم
وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ
إِلَّا خَسَارًا باب دیگر جهت باد بیاد ۳ میخ آهن و بر هر میخی یکبار اینها
را بخواند و بدمد و بزند بر چوب بید و بر زمین بگذارد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا یغوثا غنا وشا وجبرتمنتا تسکلوطیا
طولا ثملوثا عوزیزا عفانا اصمدا یا الله یا الله یا الله یا ربه
یا ربه یا ربه یا رباه یا رباه یا رباه بستم باد کبود یا داماس

از جهت آبله طفل

دفع اذیت حیوانات

از جهت سر درد

از جهت باد

وباد نولد و باد سرخ و باد سیاه و باد خود رنگ و باد سرد و باد کرم

وجمیع بادهای عظیم و ریحهای مختلف از سر و رو و باد جمیع اعضای

فلان ابن فلان بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف

ابراهیم و فرقان محمد مصطفی صم باب دیگر جهة ماده گاو بکه گوساله خود را — ماده گاو

نکیرد بنویسد این دعا را بر شاخ او بندد وَاِنَّ لَكُمْ فِي الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً

نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا

لِلشَّارِبِينَ قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ

رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ختم مجرب در روز پنجشنبه برود در حمام غسل توبه — ختم مجرب

کرده بیرون آمده تکلم نکرده چهارده مرتبه صلوة بر محمد و آل محمد بفرستد

وبعد این ذکر را بخواند اللّهی بحق نبام علی سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ را

صد ۲۰۸ امر بیست و هشت مرتبه بگوید و بعد هم چهارده صلوة بر محمد بفرستد

بعد مطلب بخواهد بزودی روا شود از جهة اضداد بنویسد این طلسم را بمشک — از جهة اضداد

وزعفران باسم هر که خواهد و مادرش و در میان پیاز سفید گذارد با آدمی

نمک طعام و نبات و روغن خوردن در میان خاکستر گرم پنهان کند و کنج

خلوت آتش نرم بر سرش بریزد که پیاز نسوزد و ۳ مرتبه سوره جن را

بخوانید و بقدر مسافت راه مطلوب صبر کند اگر دیر آمد باز بخواند

طلابنز

خواهد با مادر او و اسم طالب و مطلوب و مادر ایشان که بنیاد مجرب است

و آزموده شده و طلسم اینست که نموده شد و دیگر بنیاد مجرب است

۲۹۶	۲۹۲	۲۹۴	۲۸۲
۲۹۳	۲۸۳	۲۸۹	۲۹۴
۲۸۳	۲۹۷	۲۹۲	۲۸۸
۲۹۲	۲۸۷	۲۸۵	۲۹۷

فرادل — ق ذ ب د — توله

کابن — م ب ذ و — ۸م

حجر الیهود — ع ع زرای ه د — ۸م

ص غ ل طا ب و اول را با مالت خوب

سحق نموده ۲ نخ توله پس ثانی را داخل کرده

سحق نموده آنگاه رابع که هم نموده

خوب کهرل نمایند تا همه یکسان شود.

[illegible] — عمل [illegible] مجرب

آنگاه از این مرهم مثل ماش بدست خود گرفته در آفتاب نشسته از بیخ

دندان تا زیر خوب بمالد که در ۳ روز نهایت هفت روز مادر فارسی

مرفوع العلاج خوب خواهد شد بغیر زحمت دین آمدن بجوشش واین نسخه مکرر

از جهة بیهوشی پشکل خرگوش را بهر کس دهید بیهوش شود سرکه را بچکانید — از جهة بیهوشی

در بینی او بهوش بیاید از جهة زن حامله که بداند در حمل پسر دارد یا دختر — از جهة زن آبستن

باید زن نیت کند که من در شکم پسر دارم یا دختر هفت مرتبه صلوة

فرستاده بعد انگشت بر خانه طلسم گذارد تا معلوم شود طلسم اینست اگر

مشتری یا شمس یا مریخ گذارد پسر است و اگر قمر یا عطارد یا زهره باشد دختر

شمس	عطارد	قمر
مشتری	زهره	مریخ

از جهة کل خوردن بنویسد بر تخم مرغ و در آتش — از جهة کل خوردن عمل [illegible]

نهد تا پخته شود بیرون آورده پاک نماید قدری.

شیرینی و قدری خاک داخل تخم نموده صبح ناشتا بخورده طفل دهد که مجرب است

تمخیثا و محیثا اعوذ بعظمتک یا کریم برحمتک یا ارحم الراحمین باسم فلان

زاده فلان اکر کسی ابستر باشند این دعا را بر پاره سنک پهن بنویسید اکر کسی

همراه خود نکاهدارد یا اکر قدحی را پر از آب کند و سنک را در میان آب اندازد

کشاده کردد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا ما تقدم من ذنبک

وتاخر نعمة علیک ویهدیک صراطا مستقیم ٢٢١٨ ٨١١١١١

١٣١١٩٩ ٨١١ ٨٣ ع ا ح اکر خواهی آسیا را از حرکت باز داری بیاورد

هفت دانه جو یا کندم و این آیت را بر او بخوانید و در کلوی آسیا اندازد

از حرکت باز ماند بسم الله الرحمن الرحیم یسبح ملائکه وهو السمیع

العلیم البصیر بستم سنک کران پای آسیاب را بحق و بحکم سلیمان بن داود

یا الله یا رحمن یا رحیم بحرمة الله محمد علی فاطمه والحسن والحسین

یاذا العزة العظمة النعماء والقدرت برحمتک یا ارحم الراحمین

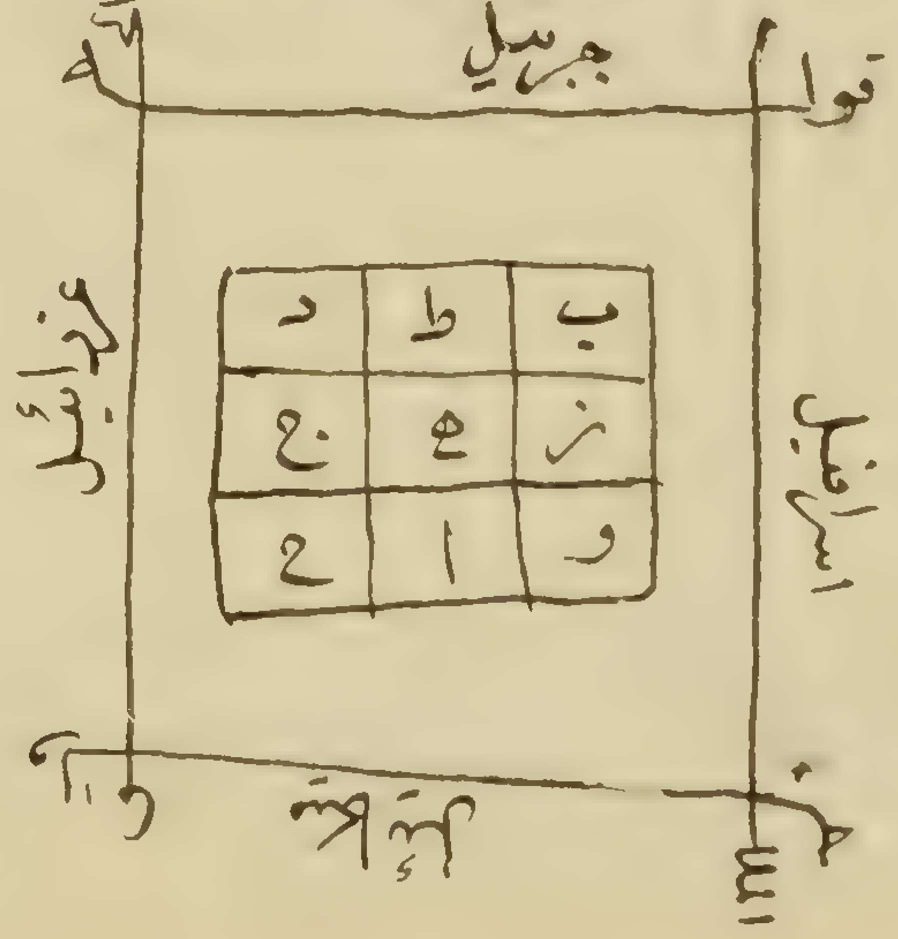

مکو بخواند

مکو بخواند یا قاهر یا قریب حرف ط هر کرد در شب جمعه با مشک و زعفران ط

نوزده ط بنویسید در زیر سر نهد بخواب رود جناب رسول خدا را

در خواب ببیند اکر بشوید بخورد دلش نورانی کردد مرده بسته بخورد

کشاده کردد اکر بر شمشیر یا حربه نقش کند در جنک فتح کند و زمان

نوشتن این دو اسم را بخواند یا علی یا قدوس حرف ظ هر کرد در شب ظ

پنجشنبه هفصد و ده ظ نوشته با خود دارد هیچ حربه و کاری بر او کار

نکند و اکر بر کاسه چینی نوشته بشوید و بخورده هر بیماری دهد شفا یابد

و زمان نوشتن این دو اسم را بخواند یا عطوف یا رئوف حرف ع هر کرد در ع

روز پنجشنبه صد و سی عین نوشته با خود دارد مشهور عالم کردد زمان نوشتن

این دو اسم را بخواند یا محمود یا کریم حرف غ هر کرد در روز جمعه هزار و شصت غ

غ نوشته با خود دارد هرکز محتاج نکردد و بجمیع مقاصد خود برسد و در

وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا عظیم یا مجیب حرف ف هر کرد ف

در روز چهارشنبه نود ف نوشته با خود دارد مراد او حاصل کردد

و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا غیاث یا غنی حرف م م

هر کرد در روز جمعه قبل از طلوع افتاب نود میم نوشته با خود دارد

مطلب او روا شود و از جمیع بلاها محفوظ ماند ببرکت آن در زمان

نوشتن این دو اسم را بخواند یا خالق یا محیط حرف و هر کرد در و

روز شنبه سیزده و نوشتن بر نیت هر مطلبی که دارد و در میان
قران گذارد مطلب حاصل شود و این دو اسم را هم بخواند یا حلیم یا شکور
حرف ع هر که پانزده ع نوشته با خود دارد علوم غریبه بر او کشف
شود یا علام یا دیان و در نسخه دیگر دیدم یا کریم یا استاد نوشته
بود بسیار مجرب است هر یک از حروف بیست و هشت حرف خواص جداگانه
دارد

انجهة احضار مجربه که جمیع استادان این فن
به تجربه رسانیده اند باید که عامل با وضو و رو به قبله بنشیند
و عدد اسم طالب و مطلوب با اتهمات گرفته با این عدد ۱۱۹۰۴ اضافه
کند و در مربع بنگارد و با خود دارد و بعد بر لوحی از آهن
نقش

نقش کند و در آتش کند و در حالت نوشتن لوح کاغذی بنامت در دهن
گیرد لوح کاغذی را با خود دارد و لوح آهنی را در آتش دفن کند و عزیمت
که نموده میشود بیست و یک مرتبه بخواند عمل آقای سید حسین اخلاطی است
که ملا حسین تبریزی از برای سلطان ساخت که نواب اشرف والا جنبه خود را
از سر مرزای ایشان [illegible] بوده و سلطان دادند از عظمت و تاثیر این
عمل بود آمدیم بر سر عمل عدد مذکور ۹۰۳۴۹ میباشد انجهة احضار
بنویسید این طلسم را در میان قران در سر سوره نور بگذارید با اسم هر که
خواهید که بسیار مجرب است و مکرر تجربه شده است انجهة احضار

انجهة احضار

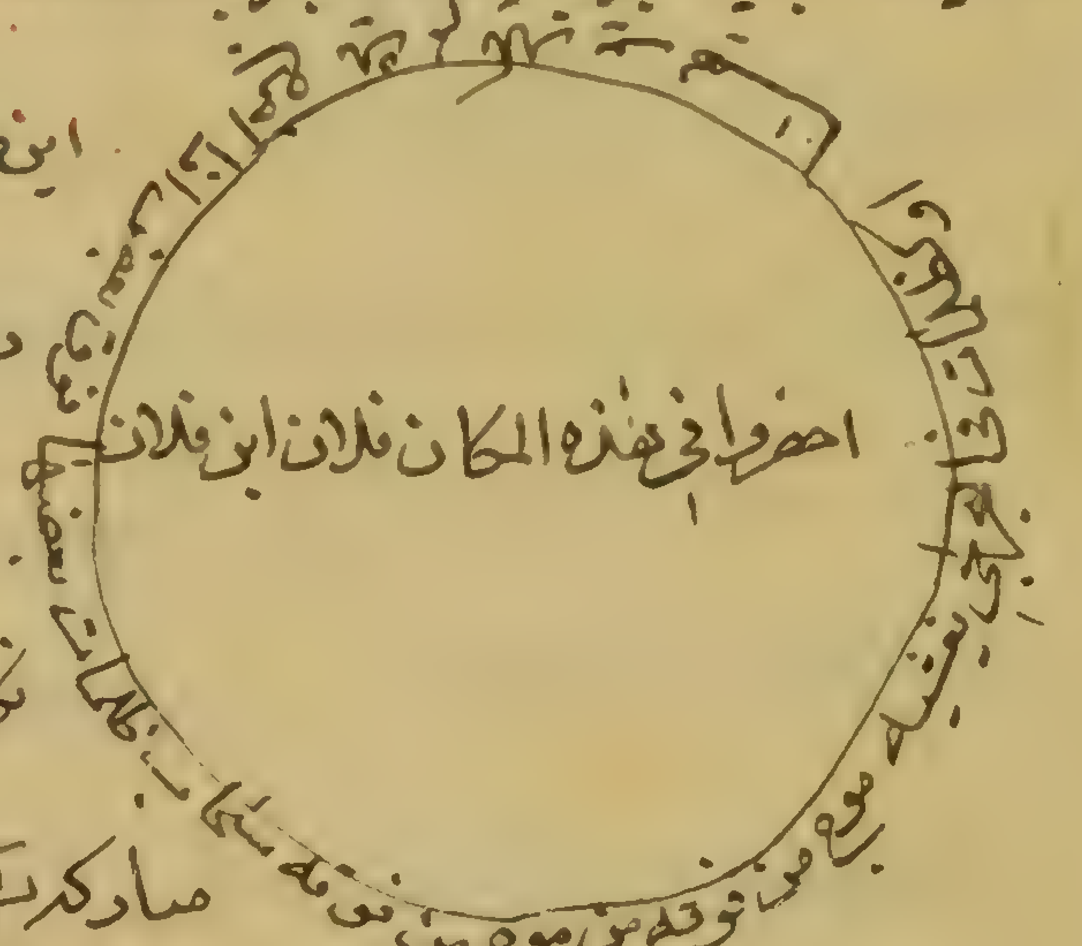

این طلسم را با این طریق بر ناخن
دست راست خود بنویسید
و ناخن را نزدیک آتش
نگاه دارد و بعد سوره
مبارکه یس را بخواند تا مطلوب
حاضر شود که بسیار مجرب و آزموده شده

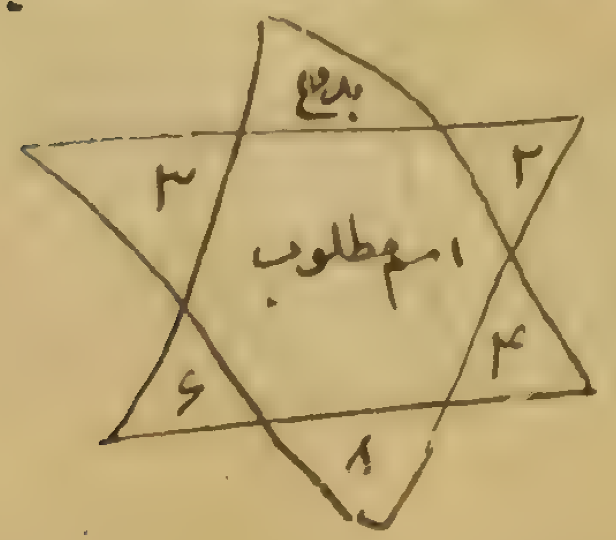

احضار

احضار این سوره را باین قاعده که نموده میشود بر کاغذ بنویسید و بموم مطلوب
بر پیچید و بموم سفید گیرد در زیر بغل خود گذارد اندکی صبر کند یعنی بقدر مسافت
راه خانه مطلوب اگر نیامد موم را در حرارت آتش نگاه دارد که البته حاضر شود
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين
الم الم المص ا ۲ لمر الر الر الر كهيعص طه طسم طس اياك نعبد واياك
طسم الم الم
نستعين اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير
الم المر يس ص حم حم حمعسق ق ن
المغضوب عليهم ولا الضالين اجيبوا يا خدام هذه السورة المباركة
واحضروا فلان ابن فلان في هذه المكان بحق هذه السورة الشريفة
المباركة العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا
از جهة محبت
النار النار النار الحريق الحريق الحريق از جهة محبت آية الكرسي را بخوانید باین
طریق چون بر شفع عنده که رسید بگوید که قسم دل و جان و هفت اندام فلان را
بمحبت فلان زاده فلان عنده يعلم ما بين ايديهم شدا و من خلفهم شدا الا آخر
تا هفت روز هر روزی یازده مرتبه باین نوع بخواند با اسم هر که خواهد که بسیار
از جهة محبت
مجرب و آزموده است از جهة محبت بیاورید چهار مثقال قند سفید را و چهار مرتبه
الحمد را براو بخوانید با اسم هر که خواهد و چهار مثقال نبات را هم چهار مرتبه سوره

انا اعطيناك

انا اعطيناك الكوثر را براو بخواند بعد چهار مثقال شکر سفید را چهار مرتبه سوره اذا
زلزلت الارض را براو بخواند بعد چهار مثقال را چهار مرتبه سوره لايلاف را براو
بخواند بعد چهار مثقال کشمش را چهار مرتبه سوره قل هو الله احد را براو بخواند
بعد خرما چهار مثقال و چهار مرتبه سوره والتين را براو بخواند بعد چهار مثقال
مویز را یا انجیر هر کدام خواهد چهار مرتبه آیه محبت را براو بخواند بعد بیاورد
ترنجبین را چهار مرتبه سوره الم نشرح را براو بخواند بعد همگی را مخلوط بهم نموده
بخورده مطلوب دهد که از عشق بیقرار گردد آزموده و مجرب است و آیه محبت اینست
من يتخذ من دون الله اندادا كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله والقيت عليكم
محبة مني ولتصنع على عيني رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل عقدة من لساني
يفقهون امرى والى الله تصير الامور بنام فلان بنت فلان بسم الله الرحمن الرحيم
اما بعد بعضی از استادان عید و در آن چند فصل از چند قسم نوشته و شک
نیست که همه مجرب و صواب است اما هر کس که علمی از این علم نماید تاثیر بقدر
باب اول
نفس عامل خواهد بود و دعا را اگر بخواند که بارها تجربه شده است باب اول
نوع اول
در بیان عمل محبت است و مشتمل است بر چند نوع نوع اول جهة محبت در ساعت
خوب این ادعیه را بمشک و زعفران بر کاغذ نوشته و آنکه بمکر او بسند

وبیت یکد انز فلفل هر دانه یکبار این افسون را بخواند و مجموع این دو ا هاد
در میان کاغذ بپیچد و پیاز سفید بر سرش را بر دارد و نوشته را با اجزا
در میان پیاز کذارد و سر پیاز را بر جای خودش کذارد بعد خمیر کرده و در
زیر آتش دایمی دفن کند تا مدت ۳ ساعت کر عراد برسد اما باید که در خانه
خلوت عمل کند و در وقت نوشتن و خواندن اذکند و بندرس و عود بخور
نماید افسون اینست عزمت علیکم انت فلفل وکمن وتشتیت وتقلقل وهیج وبحق
الاسماء العلیا آهیا شراهیا ادونی اصباوت آل شدای وبحق کبیرکم الذی
علمکم السحر یا دهش وانت یا ذو بعد وانت یا میمون الزنکی وانت یا میمون
السحابی وانت یا میمون الغمامی وانت یا میمون الجنی وانت یا مها کان وانت
یا ابا مرة بحق سلیمان بن داود علیه السلام که حاضر کردید و فرمان بردار باشید
ومطیع من کردید بحق این کلام و نام خدای عز وجل و بسوزانید دل و جان و جکر
و اعضای و هفت اندام فلان بن فلان بعشق و محبت فلان بن فلان العجل ۳ الوحا ۳
الساعة ۳ الحریق ۳ النار ۳ نوع دویم در جیب بستانند تخم مرغ همان روز و این
عزیمه را بر آن بنویسد و در کرباسی نو بپیچد و در زیر آتش دفن کند چنانکه
۲۰۱
نسوزد کندر و سندروس و مقل ادوق بخور کند و همین عزیمه را بیست
یکبار

یکبار بخواند یا شمعونا یا شلعیثا بحق هذا الاسمین هیج هیج یا ملک الجن و
الشیاطین یا عنید و یا ابجمرة و یا دهش و یا ذو بعد هیجوا واحرقوا
قلب و روح و جسد مطم علی محبته طالبا عاشقا مولفا شدیدا بیاه
بیاه یا اهیا شراهیا ادونی اصباوت آل شدای وبالحق انزلناه وبا
لحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا العجل ۳ الساعة ۳ الوحا ۳ نوع سیم
نوع سیم در محبت بر شرینی و قرص شکر هفت بار بخواند و بدمد یا بعدد اسم مطم
بخواند و بدمد و بمطم خوراند مجاب بینه اینست ارمیس ارهیوس
افطش امنوس دکیوس یا ارطیوس مطیطیایس الوحا یا معشر اهل القرآن
السامعین المطیعین بروید بدان خانه و بدان مقام که فلان ابن فلان آنست
و بیقرار و آرامش کنید از عشق فلان ابن فلان نوع چهارم در روز یکشنبه نوع چهارم
دفتی که دو ساعت از روز کذشته باشد ۹ مرتبه این افسون را بر شکر یا قند
یا نبات بخواند و بدمد بعد بخورده مطم دهد که بمجرد خوردن سرکردان
کردد و مکرر بتجربه رسیده است افسون اینست آرآئی وآرائی نوذ آتم
وآلی سات بهتن بولائی انمو ایرب یا وسرتی البحر و یل کالاهل کی بطون
دهلهن کی بات بتن کی تهی اکر کی جمی متوی کاماس اتر کی مدی

شاه پریها پری تخلاه پری بیزاه پری جبیان پری حنی کوکلا
پری ناکنی پری کقاجن و ولوجن ولاجن مالاجن نهنک جن جبک
جن دبودا ندههای تخت حضرت سلیمان بن داود علیهم السلام بیایید
حاضر شوید و فلان بنت فلان را بستر بیارید حاضر کنید و در وقت
خواندن این افسون عود سفید باید سوزانید که مجربست نوع پنجم بنویسد نوع پنجم
این دو اسم را بر دو دی شانه کوسفند و بحروف مقطعه بمشک و زعفران
و بنات مصری بنام هر که خواهد و در تنور اندازد انکس از خورد و خواب
و آرام بیرون رود اسم اینست دعیشا کموش وهاموش نوع ششم
در وقت طلوع آفتاب روز پنجشنبه ساعت اول روز بنویسد بر اسم اینست نوع ششم
شانه کوسفند که سوراخ نشده باشد پس شانه را در زیر آتش کند
بنوعیکه نسوزد چون کرم شود میل مطلوب بجانب طالب شود و اکر
پنجشنبه اول ماه باشد بهتراست و اکر در چهاردهم باشد بهتراست و در
هر ماه که این عمل شود از هم جدا نشوند عااعحع ططـ سطلسح
سللسح وع ٣ م که ع وهطهوری طلسع اااعاع الاهـ ٣ ع ٣٩ ع ٢ طـ صح
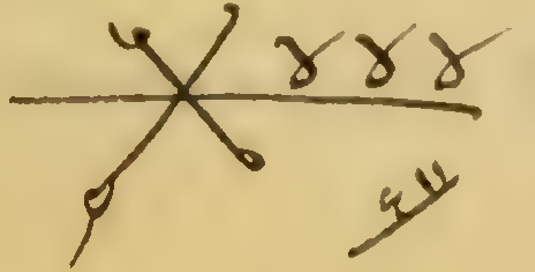 ٨ ٨ ٨ ووم ع ١١٢ طط ع ع طـ الطط ع طـ ی

عااعااع ٢ الـ وع ططط ع ٨٨٨ آ ااعع دااع العجد ثلث الساعة ثلث النار ثلث نوع هفتم
الحریق باسم فلان علی حب فلان نوع هفتم در محبت هر که این آیه را بر سیب یا شکر
بخواند و بخورد مطلوب هد از عشق بیقرار کردد آیه اینست فان آمنوا بمثل اسم آیت
ما آمنتم به فقد اهتدوا وان تولوا فانما هم فی شقاق فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم یطاف علیهم بکاس من معین بیضاء لذة للشاربین لا فیها
غول ولا هم عنها ینزفون والصلوات والسلام نوع هشتم اکر خواهی کسیرا نوع هشتم
محب خود کردانی بنویس این طلسم را بر کف دست خود و بر جامه مطلوب بمال که
محب تو شود و دیوانه شود طلسم اینست ٢٧٢ ا ااا ا اا ٩ ٧ ٣ اا ٩ ا ٨ ا ٨ اااا ٥ ااا اسم طلسم
٣٢ ااا ٨ ا نوع نهم این دو مثلث را بدین طریق نوشته و بر روی هم
نهد و پاره از جامه و موی انکس در بالای مثلث در پیچد و در زیر سنک نوع نهم
کران کذارد در محل کذاشتن این آیه را ٣ مرتبه بخواند کماء انزلناه تا غرة
و شقاق و ٣ بار آیة الکرسی و ٣ بار آمن الرسول تا غیر بخواند که
اکر تو را نبیند هلاک شود

عليك	بدوح	والقيت
بدوح	قلب ٢٢٢	بدوح
محبتر	بدوح	مني

عليك	بدوح	والقيت
علي وجب	بدوح	بدوح
محبتر	بدوح	مني

نوع دهم بنویسد در روز ۳ شنبه در وقت غروب آفتاب و برباد بیاوید
که بقرار کردد عحلـ۱۱۱عـ۴۱۲ وا ٤ طلالـ عـ۱ـ۹
طـط اطـ دامع باسم ۲۲۲ علی حب ۲۲۲ نوع یازدهم که مکرر بتجربه رسیده
باید که روز یکشنبه یا جمعه در وقت طلوع آفتاب در ساعت اول در دهه اول
ماه عمل کند بر قرص شکر که بسیار مجربست یا تمیخا یا شمیخا یا نضحیا
وأیر وأنثر لحب الخیر لشدید قد شغفها حبا فی قلب و بدن و جوارح فلان
ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه الوحا الوحا الوحا نوع دوازدهم
بر سنگ سیاه بنویسد و در آب روان اندازد تا مدت عمر بقرار کردد
اینست ۱۱۱۱لا طـ علیح ۵۵۱۶هوهسکو باسم فلان علی حب فلان
نوع سیزدهم در ساعت زهره نوشته با خود دارد یا بر باد بیاویزد یا در
زیر سنگ گران گذارد که مجربست للعلم اینست نوع چهاردهم بنویسد و در
میان قاب کوزه کان گذارد و در آتش
اندازد که بقرار کردد مجربست

والقعب	۹۹ عزا	ملک
۱۰/۷۹	۲۲۲ علی حب ۲۲۲	۱۹۳۶
جبه	۱۱۵۲۶	منی

للا۱۱م ۷ ۵ ۱۱۱۵۱۱ ۱۱ ۹۹۹۹
۵۹۹ ۹۹۵و۲۱۱۹
نوع

نوع یازدهم بنویسد این تعویذ را باسم هر که خواهی و در بازو بندد که اثر
عظیم در محبت دارد تعویذ اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم جبرئیل و میکائیل
واسرافیل و عزرائیل والملائکة الذین یسبحون عنده رب العالمین ان ابراهیم
واسماعیل واسحق و یعقوب و یوسف صلوات الله علیهم اجمعین و علی جمیع الانبیاء
والمرسلین اللهم کما جمعت بین آدم و حوا کما الفت بین قلوب عبادک الصالحین
اللهم اجعل حب فلان ابن فلانه فی قلب فلان ابن فلانه واقذف حبه فی قلبه
والقه وانفث فیه واجعل بینهما صاحب الاحبة الصادقة الذی لا یشوبه عداوة
ولا بغضاء واجعل حبهما و مودتهما باسو تیر فانه لا یفعل ولا یقدر علی ذلک الا انت
بحق لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور الحکیم العالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال
نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات والارض و هو العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الا قوله

ولا الضالين والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك وتقول هل
ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا
فنجيناك من الغم وفتناك فتونا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله
ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا يحبون ان يتطهروا
والله يحب المتطهرين اللهم يا شيخيا شوخوثويا تيغوثويا موشيطا يا ملكوتا
اهيا شراهيا اللهم اجعل حب فلان ابن فلان في قلب فلان بحق هذه الاسماء
١٦ من ساعتا امين امين **نوع شانزدهم** بنويسد بمشك وزعفران بر پوست آهو
وبر بازو بندد وبا اسم انكس كه اثر عظيم دارد اينست والف بين قلوبهم لو
انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز
١٧ حكيم باسم فلان على حب فلان **نوع هفدهم** بنويسد اين دو سطر را بر دو پاره
كاغذ وبنام انكس دو فتيله كند ودر چراغ دان بسوزاند بروغن كنجد وبولد چراغ
را در سوى خانه مطلوب بكرداند در دو شب بيقرار شود مجربست انشاء الله
١٨ دو سطر اينست **نوع هيجدهم** در محبت بر پشت كاغذ بى دستر بنويسد

ء ام مرع ه مرع اعند ١٠٥٨٨ ادا ١١١ احد سى	در آتش اندازد بيع ١١١٣
حان ٤٦١٨ ط ٧ دوسم دا ٦١٨٨١١ الح طر	٩٥ ٢ ٣ ٣ ٩٤ سو او ب

فصل در باب محبت

[illegible]

فصل در باب محبت

١٦٥

١٩ **نوع نوزدهم** در محبت بنويسد اين شكل را و بر باد بيا ويزد كه مجربست
اهيا شراهيا الشكل لسلح ١١١٩٦٦ ٨٨٨ ١١١ م ٩ ا م ١١١ ٥ ١١ ٥ ١
٢٠ **نوع بيستم** بر سه پاره كلوخ بخواند و بمطلوب زند كه محب او شود
٢٠١ اتوكا عليها واهش بها على غنمي ولي فيها مآرب اخرى **نوع ديكر بيست**
اكر خواهي كسيرا از محبت خود بيقرار كردانيد بياورد از خانه انكس قدرى
نمك واين آيه را بر آن بخوان وبر آن نمك بدم ودر آتش اندازد
تا عجايب ببيند آيه اينست اعرض عليه بالعشي الصافنات الجياد
فقال اني احببت حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت بالحجاب
٢٠٢ **نوع بيست دوم** اكر خواهي كسيرا بيقرار خود كردانى بنويس در
روز پنجشنبه بنام انكس ودر آتش اندازد بيقرار كردد **اينست**
٢٠٣ ا٥ اا٥ ا٥ ا٥ ا٥ اسر اسر اع اع اع اع او او او **نوع بيست سيم** اكر
خواهي كسيرا بيقرار خود كنى بنويس اين شكل را در روز پنجشنبه بر پنج
پاره كاغذ و پنج شب در آتش بسوزان كه بيقرار شود **شكل اينست**
٢٠٤ سـ ـدر ع ع ع مهر **نوع بيست چهارم** اكر خواهي كسيرا بيقرار
خود كردانيد بنويس اين شكل را بر سنك سياه ودر آتش اندازد كه
بيقرار شود مكرر بتجربه رسيده است **شكل اينست** ع دم ع ع مسرع
٢٠٥ اع دع دو ع وع عالم ٥ هو هو كج كج اليم **نوع بيست پنجم** اكر خواهي

کسیرا از عشق خود بیقرار کردانی بنویسید این طلسم را بر بیضهٔ تخم
مرغ سیاه و در کهربا بس بجیده در آتش اندازد که ساعتی بی قرار بکردد
وخود را بتو رساند طلسم اینست بکـ۱۱۱۱ط م م ۱۱ ۱۱۱ ط ۹ ۸ ۱۱۱ع
٢٠٦ نوع دیگر بیت ششم از جهة تحبب بوده والتین را چهل و یکمرتبه
بر چهل و یک دانه فلفل هر دانه یکبار بخواند و در آتش اندازد و بنام
مطلوب و مادر او و نام خود و مادر خود مجربست نوع بیت هفتم
٢٠٧ اگر خواهی کسیرا از عشق خود بیقرار کردانی بنویس این طلسم را بر بسانه
کوسفند بنام او بعد در پهلوی آتش دفن کن چنانچه بسوزد و او را
بیقرار کردد و بیم هلاک شود طلسم اینست طلسم ۱۸ ۹ ط ۱۸ او ۱۱۱ م ۱ لا م
٢٠٨ الوحا ٣ العجل ٣ الساعة ٣ نوع بیت هشتم از جهة تحبیب این حروف
تسعة آحاد برای ترتیب بعد ز دانه خرما بنویسید و بر هر یک یک حرف
اب ج د ه و ز ح ط و این آیات را بر خرما بخواند و بمطلوب
بخوراند و در وقت نوشتن و خواندن مقل و لبان و صعتر بخور کند
که مجربست آیات اینست فرددناه الی امه کی تقر عینها ولا تحزن
اقبل یا فلان بن فلان قال لا اله الا انا فاعبدونی والقیت
محبة منی ولتصنع علی عینی لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت
بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم اقبل یا فلان بن فلان
اکز

اکز من الآمنین فجعلناهم جمعا هل اتی علی الانسان حین من الدهر
لم یکن شیئا مذکورا انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج فنبتلیه اقبلی
٢٠٩ فلان ابن فلان بمحبت فلان ابن فلان نوع بیت نهم در نماز محبت
در نصف شب دو رکعت نماز بنیت محبت کرده و بعد از سلام
بکوید بسم الله الرحمن الرحیم و مطلب منظور کرفته صد بار بکوید
اذا جاء مراد دل فلان جای ده در مرتبه دویم بوده را تمام کند
٣٠ که در همان شب تحبیب واقع شود نوع سیم از جهة تحبیب اکر این
عمل را شمع المجید می باشد در روز یکشنبه در ساعت اول روز یا دویم
یا هشتم یا نهم بیاورد چهل و یک دانه مغز زردآلو و چهل و یکبار اذا جاء
نصر الله را بر آن بخواند و بیاورد چهل و یک دانه فلفل سیاه و چهل و یکبار
اذا زلزلت الارض را بخواند و بیاورد چهل و یک دانه سنجد را و چهل و
یکبار الحمد را بر آن بخواند و بدم و آن دانها را با قدری شیرینی و پنبه
سفید صاف کوبیده و بیاد نرم کرده و فتیله بوده در روی خشت
خام کذارده در شب دوشنبه بعد از نماز خفتن روشن کند و ٣
بار خطبه آدم را بخواند و صلوات بر محمد و آله او بفرستد و بکوید
فلان ابن فلان را بمن دوست کردان و در وقت روشن کردن
بکوید که بمحبت مهر و محبت فلان میکنم فرسته الی الله چون سوخته شود

[illegible]

۳۰۱ مطلوب در محبت دیوانه و بیقرار کردد نوع سی یکم در عمل خرمای محبت
با وضو رو بقبله بر نیت مطلوب این ایه را بر خرما بخواند و بخورد ده
مطلوب دهد از دوستی بیقرار کردد آیه اینست وذللناها لهم
فمنها رکوبهم ومنها یاکلون سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
۳۰۲ مقرنین الف قلب فلان ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه نوع سی دوم
در عمل محبت بی اختیار بیاورد سیصد و شصت و شش دانه بنه دانه
و بهر دانه یکبار این دعا را بخواند بدون تکلم با غیر و بنام هر که خواهد
بخورده حماد دهد انکس در محبت بی اختیار کردد و چون حیوان مطیع
او کردد دعا اینست لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله
۳۰۳ کان وما لم یشا لم یکن نوع سی سیم از جهت محبت بنویسد در میان
تخم مرغ سیاه را خالی کند و فلفل پر کند و این شکل را بر پوست اهو نوشته
و در میان آن تخم نهد و بعد تخم را کل کرفته در آتش دفن کند چون
کرم بوی برسد از عشق دیوانه کردد شکل اینست الم ٥ ٥٥ ٥٥ ٨ ٥٥
۳۰۴ ٥٥ ٥٥ ٥ ٥ با اسم فلان علی حب فلان نوع سی چهارم از جهت محبت
بر ۳ دانه فلفل هر یک ۳ بار این ایه را بخواند و بدهد و در چراغ
دانه بسوزاند بنام مطلوب که طالب مطلوب شود و مطلوب طالبی
۳۰۵ ایه اینست وانه لحب الخیر لشدید برجنک نوع سی پنجم موش خواهی
لکبر

کسی را از عشق خود بیقرار و ارام کنی بنویسد این آیات را بر سنک بنام
انکس و در تنور آتش انداز دکر عجایب بینی که اکر یک روز یا دو روز
یا ۳ روز بود انرا ببینید بیم آنست که دیوانه شود و اکر دو بار این
عمل کند جامه بر تن خود پاره کند و برهنه برآید و اکر آن سنک را در
آتش دفن کند بهتر بود آیات اینست ولقد کذب اصحاب الحجر المرسلین
واتیناهم ایاتنا فکانوا عنها معرضین وکانوا ینحتون من الجبال بیوتا آمنین فاخذتهم
الصیحة مشرقین فجعلنا عالیها سافلها وامطرنا علیها حجارة من سجیل
منضود مسومة عند ربک وما هی من الظالمین ببعید باسم فلان
علی حب فلان نوع سی ششم در تخریب این طلسم را بر سنک سیاه بنویسد ۳۰۶
و در آتش انداز د تا عمر او بود بیقرار باشد الا کلا ااا ط ملیح ٥٥ اع ٥ هو کو
باسم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان نوع سی هفتم در تخریب محرب . ۳۰۷
بلا خلاف اکر خواهی کسی را در محبت خود بیقرار سازی بکیر طالع وی خاکی
باشد بنویسد این دعا را بنام او بر کاغذ و بموم کیرد و بر پاره جامه
انکس پیچد و در استانه انکس دفن کند و اکر آتشی باشد در نزدیک
حرارت آتش دفن کند و اکر آبی باشد بنویسد بر کاغذ و در میان موم
کرد کان کذارد و در موم کیرد و در لب آب روان دفن کند و اکر بادی
باشد بنویسد بر کاغذ و در خمیر کیرد و بر باد بیاویزد که انکس دیوانه و بیقرار

کودد و بیاید مجرّبست قدد بدانیه بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
ومن الله والی الله شهد الله قل هو الله حسبی الله ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن
واسئلک یا الله یا رحمن یا رحیم اللهم ألّف قلب فلان ابن فلانه علی
حب فلان بن فلان بحق جبرئیل وبحق میکائیل وبحق اسرافیل وبحق عزرائیل
وبحق التوراة والانجیل والزبور والفرقان العظیم بحق لا اله الا الله محمد
رسول الله ص وراودته التی هو فی بیتها عن نفسه وغلّقت الابواب
قالت هیت لک قال معاذ الله انه ربی احسن مثوای انه لا یفلح الظالمون
قد شغفها حبا انا لنریها فی ضلال مبین قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی
یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم یحبونهم کحب الله والذین
آمنوا اشد حبا لله قالوا ربنا غلبت علینا شقوتنا وکنا قوما ضالین
والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل
ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت
نفسا فنجیناک من الغم وفتناک فتونا العجل ٣ الساعة الوحا ٣ الوحا
نوع سی هشتم در تحبیب بیاید مجرّبست بیاورد پنج عدد بیضه مرغ را ٣٠٨
وبر هر یک یکمرتبه آیة الکرسی وسوره ... بخواند وهر یکی
که رسد مطلوب را بنظر در آورده بعد بیضه را بشکند وخالی کند وتیزی بعهد
داخل کند و بخورد به مطلوب بدهد که از محبت او دیوانه گردد و مجربست

رنوع

٣٠٩ نوع سی نهم در تحبیب هفت شب سوره فاتحة الکتاب را بوقت خواب بخواند
سوره کوثر را بر نبات بخواند وسوره لایلاف را بر انگبین سوره
توحید را بر کژ بکین وسوره والتین را بر خرما وسوره الم نشرح
بر کشمش وهفت این محبت را بر حلوا بر هریک اذانیها چهل ویکمرتبه
بخواند و بخورد به مطلوب دهد در محبت اثر عظیم دارد نوع چهلم ٣١٠
در تحبیب ... بنویسد بر کاغذ بنام مطلوب و در آتش
اندازد در کمر بغایت مجرّبست ابلیس ابلیس ابلیس عزمت علیکم یا مایرید
الذی خلقکم من نار السموم وتعلیکم الی الوقت المعلوم وامر الله ان یسجد
ان تاخذ قلب فلان ابن فلانه علی محبت فلان ابن فلانه النار
٣١١ النار النار الوحا الوحا العجل ٣ الساعة ٣ نوع چهل یکم اگر خواهد
کسی را در محبت مطیع خود کرد الحی این منظر را بعدد اسم اکسیر بخواند که
٣١٢ مطیع تو شود الطاعة الطاعة شرنعیثا اهین دهین مریم افسوس مریم
نوع چهل دوم از جهت محبت ومحبوبانی هفت مرتبه این منظر را بخواند
٣١٣ وبر روی ... نوع چهل سیم
از جهت محبت بنویسد در میان کوزکان نهد و در کنار آتش دفن
کند مطلوب بیقرار گردد ولم لم لم لم م م م حم حم بر کسر ...
ولمب بوش دمش ... صلع. الحمد لله

۴۰۳ نوع چهل چهارم از جهة محبت بسیار مجربست بستانند هفت دانه موی از
سر آنکس و در روز دادینه پیش از طلوع آفتاب و هفت مرتبه سوره اذا جاء
نصر الله را بر آن موی بخوانند و هر مرتبه که بخوانند یک گره بزنند و سخن با کسی
۴۰۵ نگوید تا بآب روان اندازد و مطلوب بیقرار گردد نوع چهل پنجم از جهة
محبت بنا و دو موی سر آنکس را و هفت مرتبه این آیه را بر آن بخوانند و بوقت
و در محل خفتن با چند دانه فلفل در آتش اندازد و مطلوب مطیع و فرمان
بردار شود آنیست بسم الله الرحمن الرحیم یوم تاتی السماء بدخان مبین یغشی
الناس طیعا هذا عذاب الیم بنام فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
۴۰۶ نوع چهل و ششم اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی صورتی از موم
بساز بنام آنکس در شب چهارشنبه و بنویس این طلسم را از قرار یکه معلوم
میشود این نسخه ناقص است
۸ ۱ ۹ ۴ ۲ ۳ ۳ ۷ ۲ ۲ ۱ ۲
۹ ۱ ۱ ۲ ۵ ۵ ۵ ۹ ۱ ۱ ۶ ۳ ۵ ۱ ط ط ۳ ۹ ۳ ۱۱ ۳ ۱۱ ۳ ۱۳ ۳ ۱ ۴ ۱ ۴ ۱ ۶ ۱ ۶ ۱ ۶
انه کاهد الدک وابواب محبت فلان ابن فلان علی قلب فلان ابن فلان نوع چهل
۴۰۷ و هفتم در محبت مجربست بنویس این هفت دایره را بر هفت پاره کاغذ بر
هر یک پاره یک دایره و در هر دایره اسم خود و مادر خود و اسم او و مادر
او را بنویسید و در میان هفت دانه جو بگذارد بسوزاند تا عجایب بیند
و دایره اینها است که نموداد شده است دایره اول ایضاً

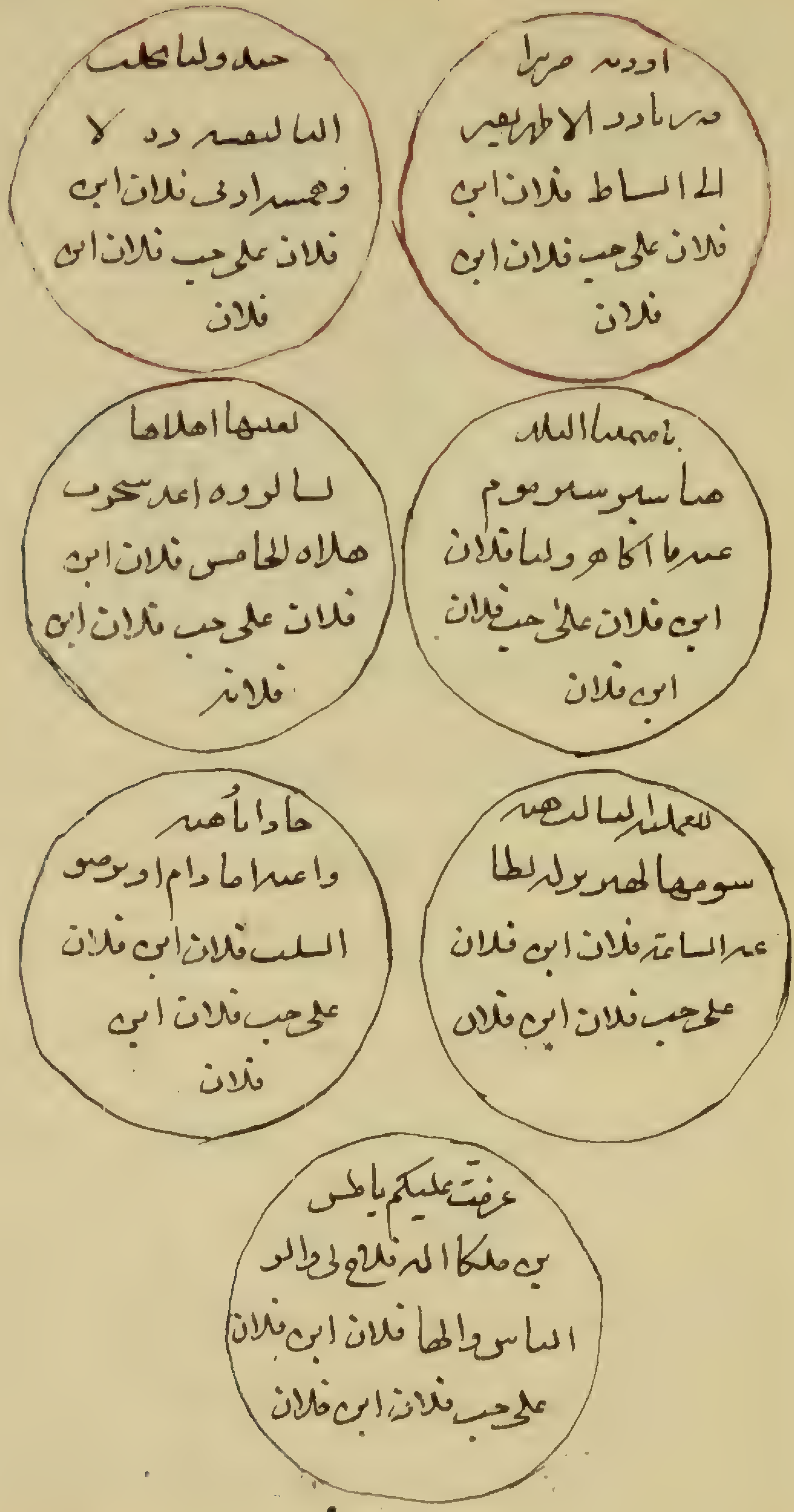

نوع چهل و هشتم از جهت تحبیب اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانید بنویس مجرب ٤٨
این طلسم را بر نبات هر که خواهی و در جائی که باد آید سر نگون بیاویزد

٩ ط ٩ ٧ ٦

ا اا ااا ٣ ٩ ٦ ٨ ٩ ٧ ر ٧ ٦ ٥ ٦ ٥ ر عد

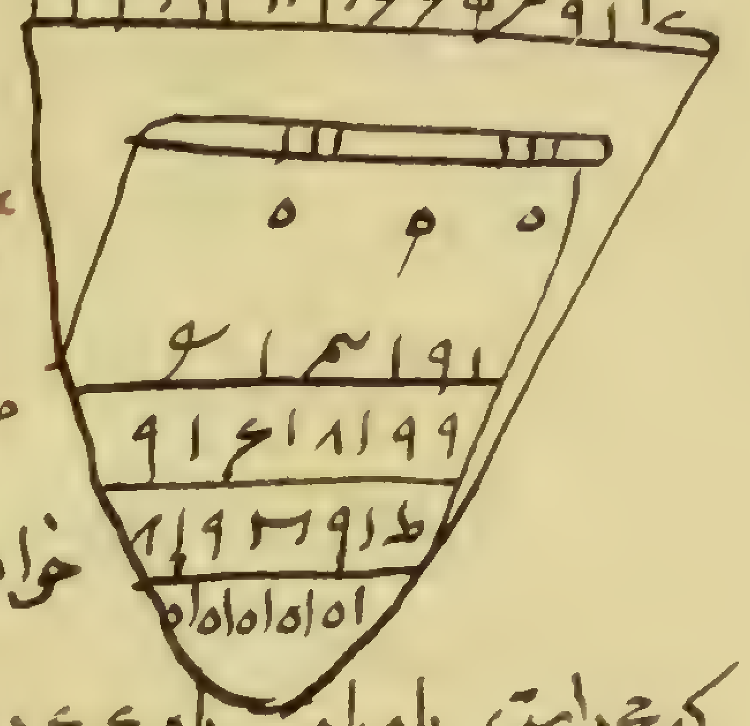

نوع چهل و نهم بنویسید این طلسم را بر تخته مسی یا بر نعل اسب بنویسید بنام هر که خواهید با اسم خودش و مادرش در آتش اندازد مجرب ٤٩
که مجرب است باه باه باه ع ح در حاجا مسمهسطلمع و به بحصا یکلون
یا اصحاب الجن والشیاطین یا طوح ٩ اا ل ااا ٩ اا ٩ ٨ ٩ ٥ ااا اا ح
عسحلصا علی العمل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة ٣ باسم فلان ابن فلان
علی جذب فلان ابن فلان نوع پنجاهم اگر خواهی مطلوب در محبت اسیر تو شود بستان بیخ مجرب ٥٠
چهار پهلوئی و این شکل را بر چهار طرفش بنویسید که در هر پهلو یک شکل و در جائی که
کسی گذر نکند و آفتاب در آنجا نتابد بکوبد که مجرب است ح اا ٩ ا ٩ ا ط ا ع ع ٩ ٩ ك ط
نوع پنجاه یکم اگر خواهی کسی را مطیع و فرمان بردار خود کنی بنویسید این کلمات مجرب ٥١
را بر پوست آهو و بدر سرای آنکس پنهان کن که مطیع تو گردد انشاء الله
سرما اوت سملاس عسل مصوب قربا اصاوث اصاوث اصاوث
فلان ابن فلانی حمهد للاد للعرش العظیم و بطت سعد والجمع ه وال
اتونی افرغ علیه قطرا فما استطاعوا ان یظهروه وما استطاعوا له نقبا

نوع

٥٢ مجرب نوع پنجاه دویم اگر خواهی کسی را محب خود کردانی بستان بیخ و برگ انار
فلفل سیاه و بر هر دو انار و بکوباد سوده انا انزلناه را بخوان بدون
بسم الله بر نبات محبوب بگیر در نظر داری در آتش ریزد که عجایب بیند
٥٣ مجرب نوع پنجاه سیم اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانی در اول ساعت
روز دوشنبه این کلمات را بر کاغذ بنویسید و بر پاره آهن هم بنویسید
بمشک و زعفران و آهن را در میان کاغذ بپیچ و در کنار آب روان
دفن کن و چون مقصود حاصل کردد در آتش اندازد تا قرار کیرد
ا ٣ ٩ اا ا ٦ ا ٩ ٧ اا ٣ ٩ اا ااا ٧ م ا ٢ ٨ ع ع ع ٩ ٩ ا ٨
ا م م و ا ٩ ا ٨ ا ٦ ٦ ا م ااا ٩ ا ٨ ٩ اا ٥ اا اا ٩ ا ٥ ااا ٩
الا ای اوی عطفت و هیجت قلب و جمیع جوارح بدن فلان ابن فلان
از جهت زبان بند ٥٤ علی دوستی فلان ابن فلان نوع پنجاه چهارم از جهت خواب بند دل بند
و زبان بند و اقرار محبت بنویسید این شکل را در روز شنبه در
وقت بر آمدن آفتاب بنام هر که خواهی و بر بازوی چپ بر بندد
مجرب ٥٥ شکل اینست

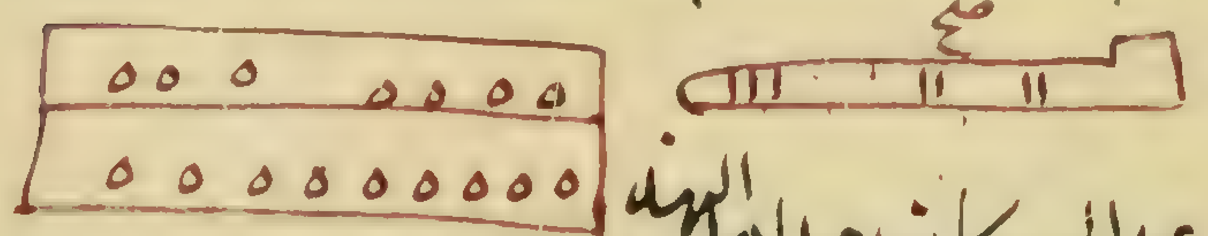

نوع پنجاه پنجم عمل الحب کان یعمل اهل الهند
بملکهم وهو مجرب یکتب هذا الشکل فی یوم الجمعة واخذ فی خرقة من
کذا باسم من یرید واسم امه و شده علی عضدک فانه لا یقهر احد

في خصومة ولا يقوى سلطان مليك ولا يزال الناس باذن الله

در محبت ٥٦ هذا الشكل لجبوب بر كلمه نوع پنجاه ششم در تحبیب چون
سوره والطارق را نوشته در میان نی نهان کند و در زیر زمین
در محبت ٥٧ دفن کند بنام اگر خواهد از محبت بیقرار گردد نوع پنجاه هفتم در
تحبیب سوره طارق را بر هفت پاره دارچینی هفت بار بخواند و در میان
کرم کان نهد و در نزدیک آتش دفن کند بنام مطلوب بیقرار گردد
محبت ٥٨ نوع پنجاه هشتم اگر خواهی کسی را محب و مهربان خود کنی قدری نبات ترا
روز هر روز یکی حمل و یکم بار آیة الکرسی را تا هو العلی العظیم بخواند
و بر آن نبات بدمد و هر روز سیم بخورده مطلوب دهد تا زنده
محبت ٦٠ باشد از وی مفارقت نکند نوع شصتم اگر خواهی کسی را محب خود
گرداند سوره قل هو الله احد را بر هفت دانه رطب بخواند بر هر
یک یکبار و بخورده هر که خواهی دهد که آشفته تو گردد نوع شصت و یکم
٦١ اگر خواهی کسی را محب خود گردانی مقداری آب در دهان و هفتاد
مرتبه یودوح بگوید و آن را در میان کوزه یا کاسه آب دزدد
٦٢ هر که از آن آب بخورد فریفته تو گردد نوع شصت دوم اگر خواهی
مطلوب را بخود مهربان کنی این آیه را بنویسد و در موم گیرد و در
زیر زبان خود گذارد و بر مطلوب حرف بزند که عاشق تو گردد

آیه

آیه اینست بسم الله الرحمن الرحیم الله لطیف بعباده یرزق من یشاء
وهو القوی العزیز یا عزیز اعزنی نوع شصت سیم در تحبیب هر که
خواهد سوره جمعه را بخواند و در آخر این کلمات را صد مرتبه بگوید
یا مؤلف بین الماء والطین الف بین فلان بن فلان که بغایت
محب [illegible] است از جهت محبت این آیه را هزار بار بر مویز بخواند و
بخورده مطلوب دهد که در محبت بیقرار گردد آیه اینست انتم
تحب الخیر لشدید شصت چهارم از جهت افراط محبت این آیه را
صد مرتبه بر سیب بخواند بنام مطلوب و بخورد وی دهد از محبت
بیقرار گردد شصت پنجم و تاکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا
جما از جهت محبت ٦٦ اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی خاکی
برداد از زیر پای او واید ادا بر آن خاک بخواند بنام او و مادر وی
و نام خود و مادر خود و در شب تار در هوا افشاند چون دود
شود از عشق بیقرار گردد ٦٧ بسم الله الرحمن الرحیم سلم الله بجبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل وقدر السموات والارض ٦٧
از جهت محبت [illegible] بنام مطلوب نوشته سر آب دهد بیقرار شود
٦٨ یا ملبطهیا یا ملحوث فانزل لاقوة الا بالله ٦٩
در خواص طلسم دل آویز هر که این طلسم را نوشته با خود دارد از جمیع

بلا ما در امان خدا باشد از جهت غایب آوردن اگر خواهی کسی را از راه دور
بیاوری بنویسید بنام او و مادر او و در جائی که آن غایب میخوابیده
باشد دفن کند و سنگ گرانی بر سر او نهد بعد از هفت روز یا ۲۰
بکوروز آن غایب بیاید   واگر خواهد کشد باز آید این طلسم را
در روز چهارشنبه در وقت غروب آفتاب بنویسید و در جای
آنکه گم شده یا دزد برده بر دیوار روی بقبله بگذارد و میخ آهنی
در میان آن بکوبد بعد از ۳ روز آن گمشده یا دزد پیدا شود
واگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بنویسید این طلسم را
و بر شاخ بلند بیاویزد اگر در حصار آهنی باشد که خود را بتو رساند
واگر در میان زن و شوهر الفت نباشد بنویسید بمشک و زعفران
و در میان بالشت زیر سر ایشان بگذارید که در محبت دیوانه شوند

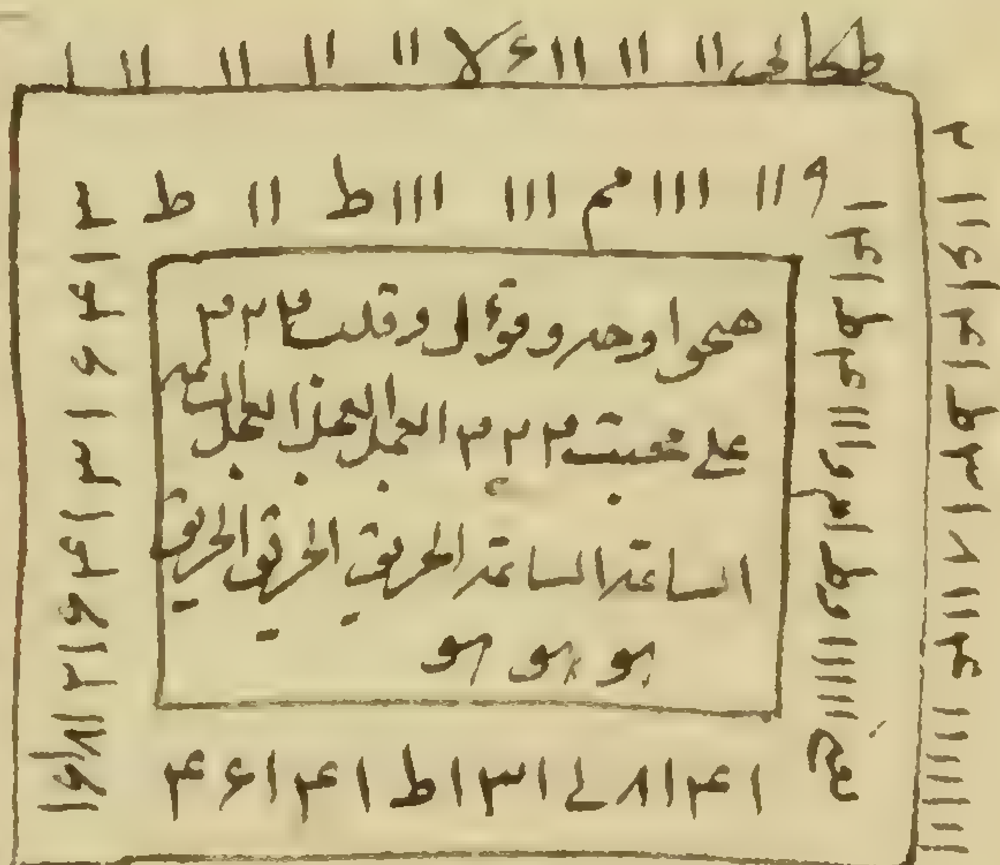

باب دویم در بیان قواعد
عمل تسخیر و مشتمل است
بر ده نوع نوع اول
در تسخیر قلوب چون کسی
خواهد که تسخیر قلوب ناس
کند

کند که در عالم همه مطیع و فرمان بردار او شوند و مطلوب را در تسخیر
اسیر و بیقرار خود سازد باید اسم مطلوب و مادرش را و اسم طالب
و مادرش را بحروف مقطعه مفرده سازد سر طالب و پای مطلوب
را بگیرد و ربط دهد بدین وضع و بعد از آن دفق بندد وضع
کند و در رهگذار مطلوب دفن کند و بعد از آن همان حروف را
ترکیب کند و کلمه بندد و معرب سازد و بهر ترتیبی که راست آید هر
روز مداومت نماید بموافق عدد او باید بهوش دل یاد گیرد که
این نکته بسیار نازک است و این نوع بسیار نادر است و از عمل
مولانا سکاکی است که مجموع تسخیرات شمسی و قمری را از این کرده و مثال
اینست مثلا نام طالب احمد و نام مطلوب مصطفی بحروف مقطعه
مفرد نمودیم این شد ا ح م د م ص ط ف ی انگاه سر طالب و پای
مطلوب را گرفتیم در ربط دادیم باین نوع شد ا ی ح ف م ط د ص م
باید که در راه گذار مطلوب دفن کند بعد از آن همین حروف را
بهمین ترکیب نمودیم و معرب ساختیم و کلمه بستیم این شد احیمصصم
و باید که همین کلمه را بعدد او مداومت کند   واگر خواهد که
جمیع عالم را مسخر خود کند از ذحی همین عمل نماید که بمراد برسد
نوع دویم در تسخیر قلوب چون خواهی که تسخیر قلوب اکابر و اعاظم کنی

و تسخیر ملائکه و ارواح و مرغان هوا و وحوش صحرا نمائی باید که اول
اسم مطلوب را بنویسی و بحروفات مقطعه مفرد کنی بعد از آن بحروفات
بیت هشت کانه نظر کنی در فوق هر حرفی اسمیست از اسماء الله که بدو
متعلق است آن اسمارا همکی جدا جدا بنویسد و بدعوت آن اسماء
مشغول شوی و قبل از دعوت این اسماء را صد مرتبه بخواند اللهم انی
اسئلک لا اله الا هو و بعد از آن بدعوت آن اسماء مشغول شوی و در
هر مرتبه که دعوت اسماء کرده باشی یکمرتبه این دعا را بخوان اللهم سخر لی
قلب فلان ابن فلان بمحبت فلان ابن فلان اما طریقه دعوت اسماء
اینست که هر حرفی را که از اسماء است عدد آنرا بجمل کبیر حساب کند
و سه اینقدر دیکر بر آن بیفزاید و اضافه کنی مثلا اکر عدد الحروف
ده باشد بجمل حساب کنی و اکر بیست باشد هشتاد حساب کنی و هر روز باید
عدد بخواند و عدد یوم خواندن است که باید بعدد حروفات آن اسماء
بخواند مثلا ببیند که چند اسم است و در این اسمها چند حرف است
اکر در اسمها پنجاه حرف باشد تا مدت پنجاه روز بخواند و اکر
صد حرف باشد تا مدت صد روز بخواند و در یک وقت و یک
مکان با وضو باشد و رو بقبله باشد که بعون الله مراد حاصل
است و این عمل را عقد تسخیری نامند اینک آمدیم بر سر حروفات
بیت

بیت هشت کانه را با اسماء اللهی که بدو متعلق است و یاد نمودیم که بر عامل
آسان باشد الله رحمن باسط حافظ رحیم مهیمن رافع
مالک معز علیم مومن غفار قابض رازق مذل عزیز
سمیع قهار بصیر وهاب فتاح متکبر خلاق بادی مقصود
قدوس سلام جبار و این عمل بسیار عظیم می باشد و از اسرار
مکتومه است از خواص اسماء این جلال میکوید که سیصد نسخه فتیله دیده ام
از این نسخه مجرب تر ندیدم بنویسد با مشک و زعفران بر اسطبنی و اکر جامه
اکس باشد بهتر است و اکر میسر نشود بنویسد بر پاره از کتان آمیخته
و فتیله کنید در چراغ دان سبز نو و برافروزد بروغن زیتون فی الحال بیقرار
کردد و هرکز از تو جدا نشود و اکر در غیبت باشد بیاید مجرب باز دکان
از برای شمس دختر ملک هندوستان کرد بنظر سعد مشتری و زهره که
اثر عظیم دارد عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوسواس من جنود ابلیس
یدعی یوسوس فی صدور الناس من بنات حوا و شهوات و مخلفات
و لذات شیء عزمت علیکم یا دمر بن بنت ابلیس الذی و اتباعه ردا شیاعه
بابطاش مسطه نعطف دخ فحی صلی بمو عوف اناهی فرود ایا مهیجا
هیج قلب فلان و عقد نوخا علی حب فلان فاقعدوها علی الارض
فاهزوها ثم ارنا هکذا و علی المعلق فابوها و علی السماء فنفعدوها

هکذناها ودنا یا بادلون ولا تتبروا انا عنایش یا وسواس ویا ابلیس
هلوا فی شاننا واشتغلوا فی ما صحبنا وانا مشتغل فی ما حبتکم هلو
بالوبال والشتاء والصیغر والکبر وذکروا انثی وجنود ابلیس
اجمعون ادخلوا فی قلبها وادخلوا فی اذنها وادخلوا فی بطنها
وادخلوا فی فرجها فیکون ضانها عدقتنا فی بسوء فلان وکلها
بکلک مشغوله لا نوم لها باللیل ولا قرار لها بالنهار العجل العجل العجل
الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة الخلق الناد اجیبوا
واطیعوا وامروا یا بدوح شهورش وباید روی جراغ دابطرف
خانه مطلوب بوده باشد والسلام شرح مخمس سوره
مبارکه اذا جاء نصر الله از جهت فتح بر عدو بر علم
بچسباند و از جهت باطل سحر بر سر بندد و از جهت خیر و بر
و فتوحات بر در دکان اویزد و هر روز پنجاه یک مرتبه
سوره را بخواند و از جهت حکام و سلاطین در زیر نگین
انگشتر عقیق نهد و در انگشت نماید بسیار مجرب است

۱۶۳۸ ۷۸۶

۶۵۱۰

[illegible]	۱۲۵۷	۳۶۴	۲۳۶۶	بسم الله الرحمن الرحیم
۳۶۴	۲۳۶۲	۷۸۷	۱۶۳۹	۱۲۵۶
۷۸۸	۱۶۳۰	[illegible]	۳۶۰	۲۳۶۳
۱۲۵۵	۳۶۱	۲۳۶۴	۷۸۹	۱۶۴۱
[illegible]	۷۹۰	۱۶۳۷	۱۲۵۰	[illegible]

۱۲۵۹ خانه وسط

۲۳۶۵ ۳۶۳

بجهت احضار عدد اسم مطلوب را با عدد اسم ودود
جمع نماید و چهل از او کم کند و باقی را در مخمس قالب بنا
لی بعد از خانه نه پر کند و طلسم را در شکل صورة موی
نهد و صورت را در زرف سفالی نهد و سر او را بسفال
بگیرد کر اتش در او نیزد بعد السفال الها را در زیر اتش
کند که هنگام کرم شدن سفال الها مطلوب حاضر است
بجهت تحبیب بکبیر عدد مطلوب و در خانه اول بنه و عدد
۱۲۸۵
ایه انه لحب الخیر لشدید و در خانه دوم بنه و بکبیر عدد
۱۴۱۶
بدوح و القطمیر و در خانه سیم بنه و بکبیر عدد طالب و در
۲۴۱۶
خانه چهارم بنه و لوح را تمام کن و بعد از عدد مص و مص
بکملک استخراج کن و از عدد ایه و بدوح هم بکملک استخرا
ج کن و از مص و ایه هم بکملک استخراج کن و از عدد ظلع
طلسم هم بکملک استخراج کن و از عدد مساحت هم بکملک
کن و بعد این اسماء خمسه اعظم نما و هر روز بعد از مص
بخوان که مطلوب مسخر میشود صحیح است مجرب است

انصار مجرب بنویسد این شکل را در موم کرد بنز آتش نگاه دارد از عشق دیوانه شود ۲۱۱ ۸ ۱۱۵ ۶ یوم ک ۱ط ۲ ط ۱۱ ک ۱۱۱ صمر ۵ ام اج
ط ر ط ۱۱۵ ۱ ر

ازجهة ادای دین شخصی خدمت امیرمنان شکایت کرد از پریشانی الجناب فرمودند این دعا را مکرر بخوان اَللّٰهُمَّ یَا فَارِجَ الْهَمِّ وَمُنَفِّسَ الْغَمِّ وَمُذْهِبَ الْاَحْزَانِ وَمُجِیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ یَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِیْمَهُمَا اَنْتَ رَحْمَانِیْ وَرَحْمٰنُ کُلِّ شَیْءٍ فَارْحَمْنِیْ رَحْمَةً تُغْنِیْنِیْ بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ وَتَقْضِیْ بِهَا عَنِّی الدَّیْنَ کُلَّهُ ازجهة زبان بستن ظالم این کلمات را بخواند در وقت ملاقات او ظالم وَلَا یُرَامُ وَبِهِ تَوَاصَلَتِ الْاَرْحَامُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاکْفِنِیْ شَرَّهٗ ازجهة بنویسد عمل بازوی بنود ... بزرد انکشت رود انیث ۲ ۵ ۶ ب ۴ طم سمکام ۲۴ ۲ انفعا لاع مرع صه
له محه ایضاً در عامر خود کذارد که بسیار مجربست
بنویسد

فصل در باب محبت

بنویسد این طلسم را در روز چهارشنبه و در آستانه خانه مطلوب دفن کند که بیقرار کردد ۲۱۱۱ ۳ ۶ ۶ ۳ ۷ ۶ ۶ ۸ ۳ ۲ ۸ ۱ ۸ ...

ازجهة محبت بنویسد این نامها را بنام ادبعه و بسوزاند مراد حاصل شود لله لله لله لله لله لله هَیًّا هَیًّا هَیًّا هَیًّا هَیًّا هَیًّا فهو فهو فهو العلی العجل العجل العجل احرقت قلب فلان علی حب فلان احرقوا الحریق الشدید النار النار النار الودود ادحر ادحر کل کل طلوس طلوس لسطلو بعد بنویسد بر کاغذ و یک یک را در آتش اندازد و در وقت نوشتن نام اربعه را مذکور سازد و در وقت سوزانیدن بگوید که ای دیوان بروید فلان ابن فلان را بمن برسانید چون دعا بسوزد مطلوب حاضر کردد طلسم ساکود نوزال سرعری موسعه صره عمله

ازجهة محبت بنویسد این طلسم را بنام هرکس که خواهد در آب بشوید در خانه مطلوب بپاشند ۱۱۱ و ۱۱ ۶ ۸ ۵ لا ططا ام ا ع م م

ازجهة محبت این آیه را بر هفت پاره از نمک بخوانید باسم هرکس که خواهد و در آتش اندازد که مجربست قَالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظَامَ وَهِیَ رَمِیْمٌ قُلْ یُحْیِیْهَا الَّذِیْٓ اَنْشَاَهَآ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیْمٌ الَّذِیْ جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَآ اَنْتُمْ مِنْهُ تُوْقِدُوْنَ ازجهة محبت اگر خواهی کسی را بیقرار کردانی بنویسد این طلسم را بر تخته از آهن و در تنور یک آتش کذارد تا کرم شود

بعد بیرون آورده در کنار قبر کهنه دفن کنید باسم هر که خواهید مجربست

صلح عصح هیح کیح میح ۱۱۲ ۱۱۴ ۱۱۹ ۱۱۶ ۱۱۱ عـ ۱۱ح ۱۱ یا ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۱۴ ۱۱۱

طع ۱۱م ۱۱ع ۱۱ع ۱۱لا ۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۲ ۱۱۱ س از جهة محبت بنویسید باسم

هر که خواهید بر سفال آب ندیده در ساعت زهره بمشک و زعفران

و شکو بخور کند و آن سفال را در آتش نهد و آتش هم از چوب کز باشد

و پیش از نوشتن نوزده مرتبه سوره قل اوحی را بنام آنکس بخواند

یعنی در آخر سوره یاد کند مجربست احواوان سمعها و بصرها و مع فلان

ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه طـ۱۱۱ طع ۱۱ طـ طـ لل ۱۸ ۱۱۱ ع العجل العجل

العجل از جهة محبت بنویسید بر سه پاره از کاغذ و آن کاغذها را در زیر

بالین خود گذارد باسم هر کسی که میخواهد و هر شبی یکی را در آتش اندازد

که بسیار مجرب و آزموده شده بوح کح یح ۵ ۱۱۱ طط ۱۱ ۱۳۱ ۱۳۱ ح

ع ۱۱۱۱۱ و لح اسم طـ ۶ طـ و مر ۱۱ طط ۹ دو ۱۱ اسر از جهة محبت بنویسید

این طلسم را بر پوست نارنج باسم هر که خواهید و در آتش اندازد که مجربست

۳ ۳ ۳ ۱۱ عا طموس نیرالک ای بطواع هوان ما ها ما هلا هیا هیا از جهة

محبت بنویسید این طلسم را باسم هر که خواهید بر کاغذ دعوات بروحات

دوازده گانه حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب

قوس جدی دلو حوت

اوقاف ... عبد الکریم

از جهة محبت روایت استاد عبد الله هلالی که فرمود در مدت هفتاد سال

گردیدم و هیچ عزیمه از این بزرگوارتر ندیدم و نیافتم پس بدان که خدای تعالی

آفریده کار هر کسی را بر طالعی آفریده است پس بعد از آن که طالع مطلوب

را دانستی از قراری که شرح داده شد از آن قرار عمل نماید هر کس را

بطالع حمل بوده باشد و خواهی که او را بسقرار خود گردانید این عزیمه

را بنویسید بر پوست آهو بمشک و زعفران در روز جمعه پس آن پوست را

در میان شیشه گذارد در نزدیک آتش گذارد تا گرم شود آنکس بیقرار

گردد یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله و لو تری الذین ظلموا

اذ یرون العذاب عزوا علی الذین وذلة علی الکافرین یجاهدون

فی سبیل الله احرقت قلب فلان ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه بحق

یا بدوح یا دعیوس یا رعیوس و لیکن هر که این عمل کند یقین کافر است

هر کس حرفی از حروف کلام الله را در آتش گذارد با عثمان ملعون

برادر است هر کس در طالع ثور باشد هر کس را در طالع ثور بوده باشد

خواهی که او را بیقرار گردانید بنویسید این عزیمه را در روز شنبه

بوقت طلوع آفتاب روی بقبله باشد در وقت عمل نمودن با طهارت

باشد و با کسی حرف نگوید و نام آنکس و مادرش را بنویسید بعد

در آستانه خانه مطلوب دفن کند که مجربست مصطفی نفسی کذالک

طالع برج جوزا
وبا ملته هندوش اسائكها هيجوا واطيعوا قلب فلان ابن فلانه على حب فلان
ابن فلانه بحق لحططيل هركه را طالع او در برج جوزا باشد بنويسد
اين طلسم را بر پوست آهو بمشك و زعفران و كلاب آية الكرسى را با آيه
ومن يتخذ من دون الله قربانا آلهة بل ضلوا عنهم وذلك افكهم
وما كانوا يفترون الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقين
هيجوا واطيعوا قلب فلان ابن فلانه على حب فلان ابن فلانه بحرمة
يا بدوح يا سبوح يا قدوس يا حفيظ بعد در بازوى خود بندد اين
عيب ندارد اين قران همراه كند منفعت دارد كه ضرر ندارد هركه را طالع
طالع سرطان
سرطان بوده باشد و خواهد كه او را مسخر خود گرداند بنويسد اين عزيمه
در روز پنجشنبه بوقت زوال بنام هر كه خواهد و مادرش بر بازو ببندد
تا عجايب بيند الحمد را و سوره قل اعوذ برب الناس را الاخر بعد اين
را بنويسد والقيت عليك محبة منى ولتصنع على عينى اذ تمشى اختك
فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كى تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك
من الغم وفتناك فتونا يا حى يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام برحمتك
اشغلت اصلح شانى اللهم القيت محبة والفت والشفقة فلان
ابن فلان فى قلبى فلان ابن فلانه بحق طه ويس وص وق
لا اله الا الله محمد رسول الله عليا ولى الله يا ذا الجلال والاكرام
اكرمراد

اكر مراد از مرد باشد بر بازوى راست خود ببندد و اكر مراد از براى زن باشد
بر بازوى چپ خود ببندد و اكر با آب بشويد بخورد ده مطلوب دهد انكس
طالع در برج اسد
بقرار كردد هركه را طالع در برج اسد باشد خواهد كه او را بقرار كرداند
بنويسد اين عزيمه را بر كاغذ زعفرانى در روز پنجشنبه بوقت ظهر
در زير درخت ميوه دار پنهان كند كه آرام كردد و عزيمه اينست
زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين والقناطير
المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام
والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا والله عنده حسن المآب هركه را
طالع برج سنبله
طالع در برج سنبله باشد و خواهد كه او را مطيع خود كرداند بنويسد
اين عزيمه را باسم خود و مادر خود و اسم مطلوب و مادر مطلوب
و در آستانه خانه مطلوب دفن كند در وقت زوال ظهر باشد
نوشت عزيمه اينست عليكم يا اهل ها لون ها يجعلون مستخف
وقلب فلان ابن فلان والقيت فى المهد والشفقة والقيت نفسى
هركه را طالع برج ميزان
الحاجى دو بنيادى هركه را طالع در برج ميزان باشد و خواهد كه وى را
مطيع خود كرداند بنويسد اين عزيمه را و بر بازوى خود ببندد اينست

لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله فسيكفيكهم الله وهو
السميع العليم فسبحان الله ونعم الوكيل اللهم القيت المحبة
والمودة والشفقة والقيت فلان ابن فلانه في قلب فلان
ابن فلانه بحق قران العظيم اهيا شراهيا بطوث اودان واصباوث
يا مقلب القلوب والابصار بنويسيد بر كاغذ زعفراني وبر
بازوي خود ببندد كه مجربست ٤ و ا ے ا ے ط ا ط اا ط ل ٤ ا
لمع لمع يا ابنالي ولودين ادم عزيمت سليمان ابن داود عليه السلام
حق المنع وبنيس لكم والهكم ان انتم طما كادهوت وبحق خاتم النبيين
عليكم سخرلي قلب فلان ابن فلانه علي حب فلان ابن فلانه
هركه را طالع در برج قوس باشد وخواهي كه اورا مطيع خود كرداني بنويسيد
اين عزيمه را بر بيضه تخم مرغ كه ميان او خالي باشد واين نوشته را در
ميان تخم كذارد وهفت دانه اسپند در ميان ان تخم مرغ كذارده وتخم
را خمير كرفته در اتش دفن كند وطلسم مذكور اينست ااا اا ااا ٢ ٢ ٨ اا ا ٨ ے
احرقت وهيجت اسر النار قلب فلان ابن فلانه حاجتنا عظما الو الوس
والعذاب الشديد وبحق الحق والشياطين هركه را طالع در برج جدي باشد
وخواهي

١٧٨
وخواهي كه اورا در ميان خود دوستي افكني بنويسيد اين طلسم را بر پارهٔ
اب نديده واورا در ميان بالش خود كذارده وان بالش را در زير سر
افكن بكذارد تا عجايب ببيند لـ ٨٨ اا ٨ اا ٨ ٢ اااا ا ساعتر الساعتر
٣ ا ٨ ا ٢ ا ٨ ا ساعتر هركه را طالع در برج دلو باشد وخواهي كه اورا
بيقرار خود كرداني اين طلسم را بنويسيد بمشك وزعفران وكلاب بنام خود ونام
خود ونام مطلوب ونام مادر او بوقت زوال واورا بر درخت ميوه دار بياويزد
والقيت عليك محبة مني ولتصنع علي عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم
علي من يكفله فرجعناك الي امك كي تقر عينها ولا تحزن عليك وقتلت
نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا لو تسمع هركه را طالع در برج حوت
بوده باشد وخواهي كه ويرا بيقرار خود

| ا ٩ ا ا ط . ط . ا ـ ے |
| ا ا ٩ اا ١٧ ا ٣ ٢ ے |

كرداني بنويسيد اين عزيمه را بكاغذ
بنويسيد باسم مطلوب ونام مادر او ودر ديك طعام اندازد بخورده مطلوب
دهد بخورد كه عجايب ببيند ٩ ٣ اا اا ااا اا ٣ ٩ م احرقت قلب فلان
ابن فلانه علي حب فلان ابن فلانه العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة
خواب ببندد اكر خواهي كسيرا بخواب كني كه هرچه با وكني بيدار نشود قدري زرنيخ

وقدری زاج سیاه بسائید هردورا باهم در شراب افکنده پرورش داده بعد
بخورده هرکس دهد بخورد بیهوش کردد واکر خواهی که بهوش آید قدری سرکه
در کلوی او بریزد تا بهوش آید که مجربست انجهة محبت هرکس این طلسم را در
یکشنبه بنویسید بمشک و زعفران و در موم کرده در زیر زبان خود کذارد باسم
انکس و مادرش و با آن سخن بکوید تا اثر زیاد ببیند انجهة محبت اکر خواهی

از جهة محبت

از جهة محبت

کسیرا مطلوب خود کردانی بنویسد این
طلسم را در زیر زبان خود کذارد باسم
هرکه خواهد و با آن سخن بکوید مجربست

[illegible]
١١١٢١
٦٨٢٢ ٩١٣٤٩
٥ ٢ ٣ ٣٨١
١١١ ٩ ١١١ و١٦١
١١ امره ٤١٦١١
اطر

٢ لا ٩ ط ٩ ١١١٩
٩٩١٩١ ط ٥

ایضًا انجهة محبت بنویسید این طلسم
در شب جمعه یا یکشنبه باسم انکس و مادرش بطرف قبله بیاویزد حاجتش
روا کردد که مجربست ٦٦٦٦٦٦٦ و صـم بام ااا للللل ااا آ ااا ل

برای مطالب

انجهة احضار بر هفت پاره چوب صندل هزار مرتبه بخواند و بدمد باسم هرکس
که طالبست هنوز تمام نشده باشد که انکس حاضر کردد دوای بجای
ابک بنی بجای جها موذا استکر یاء انجهة احضار این سوره را
یاسی

احضار

احضار

باین قاعده که نموده میشود بر کاغذ سفید بنویسید و بموی سر مطلوب بپیچید و بموم سفید کیود در زیر بغل خود کذارد اندکی صبر کند بقدر مضافت
راه خانه مطلوب اکر ننماید موم را در حرارت آتش کذارد البته حاضر شود
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ
الدِّينِ الم المر المص ٢ لمر المر الر الر كهيعص طه طسم طس ايّاكَ
نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعِينُ اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين
انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين اجيبوا يا خدام
هذه السورة الشريفة المباركة العجل العجل العجل الساعة الساعة
الوحا الوحا النار النار النار الحريق الحريق انجهة محبت
آیة الکرسی را بخوانید باین طریق چون بر یشفع عنده که رسیدی بکوید
کردنم دل وجان و هفت اندام فلان ابن فلان را بمحبت الا باذنه یعلم
ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء
وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
انجهة محبت بیاورید چهار مثقال قند را و چهار مرتبه الحمد را
برا و بخوانید باسم هرکس که خواهد و چهار مثقال نبات را و چهار مرتبه
سوره انا اعطیناك الكوثر را برا و بخوانید بعد بیاورید چهار مثقال
شکر سفید را و چهار مرتبه سوره اذا زلزلت الارض را برا و بخواند

از جهة محبت

از جهة محبت

وبعد بیاورد چهار مثقال عسل را وچهار مرتبه سوره لایلاف را براو
بخواند بعد بیاورد چهار مثقال کرنکبین را وچهار مرتبه سوره قل هو الله
احد را براو بخواند وبعد بیاورد چهار مثقال خرما را وچهار مرتبه سوره
والتین را براو بخواند بعد بیاورد چهار مثقال مویز را یا انجیر را
هرکدام که باشد وچهار مرتبه آیه محبت را براو بخوانید وبعد بیاورید
چهار مثقال ترنجبین را وچهار مرتبه سوره الم نشرح را براو بخوانید
بعد همه را مخلوط بهم نموده بخورده مطلوب دهد که بسیار کودد مجرب
آیه محبت ومن الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد
حبا لله والقیت علیکم محبة منی ولتصنع علی عینی رب اشرح لی صدری
ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد بنام فلان بنت فلان از جهة محبت بنویسد این
کلمات را دو ویت ونزد بغد هم بخوانید باسم هرکه خواهد که مجربست
ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی وبین فلان بنت فلان هو هو
هو هو ... نصف من الفولاد از جهة محبت بنویسد همراه خود
نگاهدارد یا بکر خود را بمودی بما لذکر مجربست بسم الله الرحمن الرحیم
الم نشرح لک صدرک یا مجید ووضعنا عنک وزرک یا مجید الذی
انقض ظهرک یا مجید فاذا فرغت فانصب یا مجید والی ربک فارغب.

یا مجید

یا مجید فقال انی احببت حب الخیر از جهة محبت بنویسد این دعا را بمشک
وزعفران باسم هرکس خواهید بدرخت میوه دار بیاویزد که مجربست
از جهة محبت ... ه ... ه ... ه ... ا ... نام ... ودی ۱۱۲۱۱۵
فیما بین زن وشوهر این دعا را بر سیب سرخ هفت مرتبه بخواند وبدهد
بر سیب باسم مطلوب ومادرش کاف کاف کاف کاف کاف کفی کفی فاکیف
کیفا کیفف کفاف کیف انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون از جهة عزیز
بودن در نزد بزرگ مالح ۱۵ ۳۱ دوح ۴م ۱۱ ۱۱ وصح ۴م ۱۲ ع ۱ محال ۹ سو
لوع ۶۹ ۳ع ۱۳ ۱۵ ۲۴ ۲۹ ۵ ۶ ۹۹ ۲۴ ۳ ع۱ ودسع حصابک وبدایک
از جهة احضار یاد کاری مرزا محسن که بسیار مجربست وآزموده شده
بیاورد مقل ازرق وگل خر زهره از هر یک یکصد وهشت پاره ومقل
ازرق هر یکی مقابل نخودی بوده باشد اول گل مذکور را با روغن گاو
چرب کرده وانگاه شب در منزل خلوتی بنشیند در خانه خالی از اغیار
ولباس پاکیزه پوشیده وبوی خوش دود کند وچراغ از روغن گاو
چرب کرده ومجمر پر از آتش در پیش روی خود نهاده وچادر سرخی
در پوشیده واول هر دانه مقل را یکبار این عزیمه را براو بخواند
ودر آتش اندازد تا تمام بسوزد چنانکه دود نماند انگاه یک

باده از کل خوزهره را بخور کند اوّل دعا را هر یکمرتبه بر باده کل و مقل
بخواند و بدمد بعد در آتش دود کند دود که تمام شد باز یکمرتبه
دعا را بخواند و بدمد و دود کند یکی از مقل دود کند و یکی از کل
تا صد و هشتاد باده کل بسوزد آنگاه برخیزد از جای خود و نه خندد
و با کسی حرف نزند و هر شب چنین میکند پس زن پاکیزه و خوب روی
بتن چهارده سالگی و چادر سرخی بر سر افکنده باشد نزد
تو حاضر شود و در پیش تو آید و مسخر تو شود و با تو الفت گرفته
هر چه بفرمائی رفتار کند باید پوشش تو هم پاکیزه بوده باشد
و عزیمه اینست هَنَنا هَنَنا تُوتَل دیوی بَدالتُوتَل دیوی طاد الهودا
رهین سواها و ۳ روز هم باید روزه بدارد و در یکمرتبه هم باید
این عزیمه را بخواند و هر یک مرتبه که خوانده بر یک عدد عدس بدمد
و بجای دیگر بگذارد و بعد از اتمام عزیمه هشتصد و یکمرتبه سوره
الم نشرح را با بسم الله بخواند و باور دانهای عدس بدمد و دانه دانه
در زیر زبان گذارد و در آئینه نظر کند در هر دانه که خود را در
آئینه ندید بردارد نگاه دارد بهر جا که خواهد برود در زیر زبان
خود بگذارد برود هیچکس او را نه بیند و عزیمه که باید خواند اینست
فیستکنف بگمره و در وقت خواندن الم نشرح که هشتصد
و یک

و ۳ مرتبه این عزیمه را بخواند و در ست ق م م رقیك لیشرق
از سر ختم بنویسید از جهت محبت مجرب و آزموده شده بنویسید در روز چهارشنبه
در آستانه خانه مطلوب دفن کند باسم الکنو و مادرش ۹۸۱۲۳۲۸۹۱۲۱۲
بنویسید این نامها از جهت ... ۲۱۱۱۲۶
را بنام اربعه و بسوزانید بنام مطلوب و مادرش مراد حاصل گردد
له له له له له له له هَیّاً هَیّاً هَیّاً هَیّاً هَیّاً فهو فهو نهو العلی
العجل العجل العجل احرقت قلب فلان ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه
احرقوا احرقوا الحریق الحریق الشدید النار النار النار الود
دار دهر ادهر کل کل طلوس طلوس سطلو بعد بنویسید بر کاغذ
و یک یک را در آتش اندازد و در وقت نوشتن نام اربعه را مدکور
سازد و در وقت سوزانیدن بگوید که ای دیوان بروید فلان
ابن فلانه زود بمن برسانید چون دعا بسوزد مطلوب هم حاضر شود

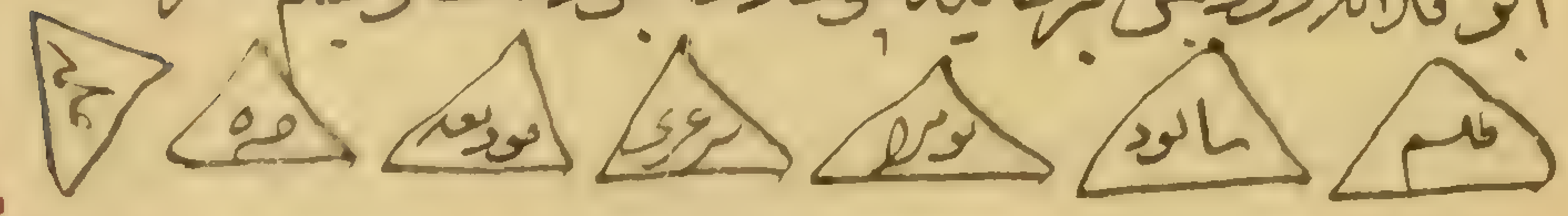

از جهت محبت بنویسید باسم مطلوب و مادرش بعد در ظرفی شسته
بر در خانه انکس بپاشد که بسیار مجرب است ۱۱۱۹۱۱۱۲۸۵۶

از جهة محبت

طـ ١١ ١٤ م م از جهة محبت بر هفت پاره از نمک هفت بار بخواند
این آیه را و در آتش اندازد که بیقرار شود قال من یحی العظام وهی
رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مرة وهو بکل خلق علیم الذی جعل لکم
من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون از جهة محبت

از جهة محبت

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانی بنویسد این طلسم را بر تخته
از آهن نقش کنید و در نزدیک آتش گذارد تا گرم شود بعد بیرون
آورده در کنار قبر کهنه دفن کنید که بسیار مجرب و آزموده شده است
صلح عمیح هیح کیح میح ١١م ١١٤ ١١٩ ١١٦ ١١١ عمـ ١١٤ ١١ ١١٩ ١١٤ ١١١

از جهة محبت

طع ١١م ١١٤ ١١١ ١١٣ ١١٣ ١١ ١٢ از جهة محبت بنویسد این طلسم را
بر سفال آب ندیده در ساعت زهره بمشک و زعفران و شکر بخور کنید
و آن سفال را در آتش نهد باسم هر که خواهد و آن آتش از چوب گز باشد
و پیش از نوشتن نوزده مرتبه سوره قل اوحی را بنام اکس بخواند
یعنی در سوره یاد کند که مجرب است اهوادان سمعها و بصرها ومع فلان ابن
فلانه علی حب فلان ابن فلانه طـ ١١ طـ ع ١١ طـ طـ ١١ ع
العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة النار النار النار الوحا الوحا ٣٦

از جهة

از جهة احضار

از جهة احضار بدوح ملفوظی با دال و اوح ا عـــلد
١٨٩|٩٣٠|٣١٢

از جهة احضار بنویسد این مثلث را با مشک و زعفران بر پاره کاغذی
و در میان خرما گذارد باسم هر کس که خواهد در آفتاب گرم گذارد صحیح و مجرب است

زعفران

از جهة احضار مجرب

جمع ٦٠ منها ١٢

واحد ١٩	٨	١٧
[illegible]	٣ بدوح	[illegible] ٢٢
طيب ٢٣	١٦	٢١

ابابکر	عثمان	عمر
٤٩٣	٣٩٩	٣١٥
٤٨٨	١٣٧	٥٧٢

این مثلث را بر ناخن
ابهام نوشته در برابر آفتاب یا هوای آتش گذارد
بنوعیکه ناخن گرم شود و سوره مبارکه یس را
بخواند تا مبین و بهر مبین که رسد بگوید اجیبی الاریک راضیة مرضیة احضروا
واحرقوا قلب فلان فی هذه المکان وهو المجلس مثلث اینست مجرب و آزموده

از جهة محبت

از جهة محبت این دو مثلث را بنویسد دو بر و بهنک
و در میان قرآن گذارد او برای محبت اثر عظیم دارد

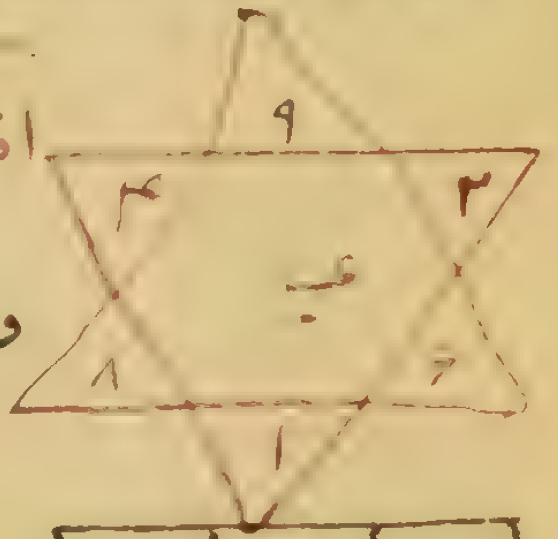

از جهة حصول مطالب

ح	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	والقيت
د	[illegible]	ب

د	والقيت	ب
عليك	اسم فلان	محبة
ح	مني	و

این را قل اللهم را تا آخر ٣٠ یکمرتبه
بخواند بجهت هر مطلبی و حاجتی

که دارد حاجتش بر آورده شود و این طلسم را بنویسد بر بازوی خود گذارد

اللهم

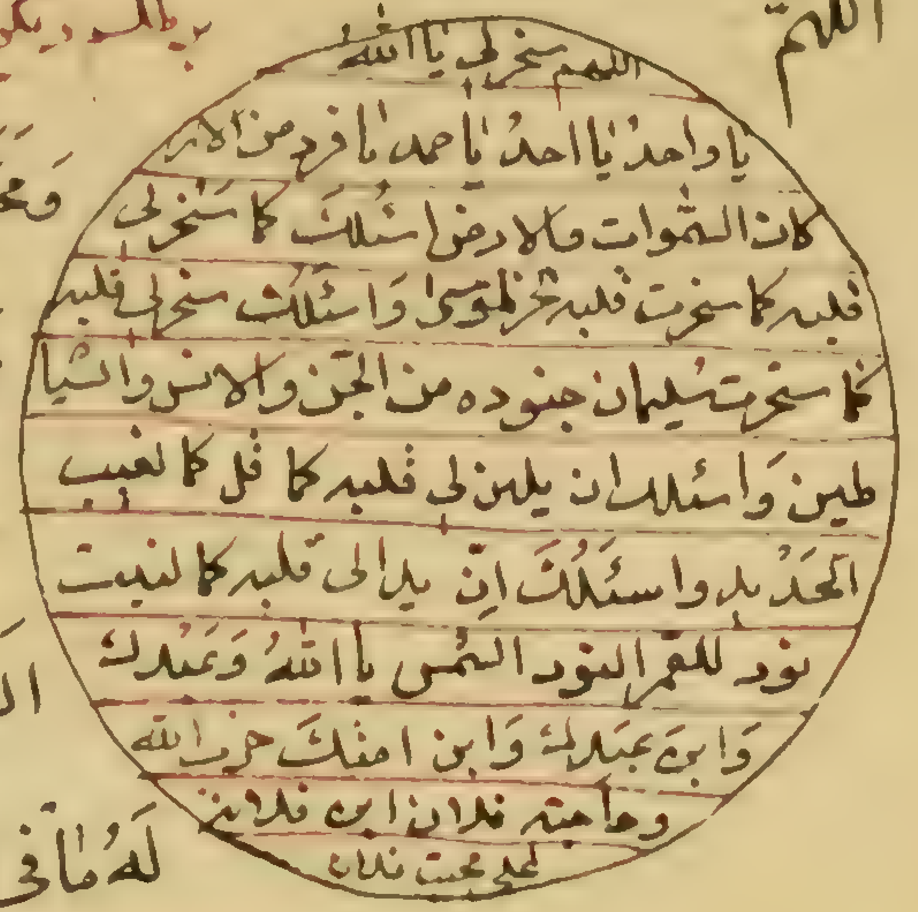

برطلسم ديكر بنويسيد فسخر لي حتى تقضي حاجته ومحبته على قلبه وما اريد انك على كل شيء قدير هو على ما هو خيرا هو لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي تا لا انفصام لها برطلسم ديكر بنويسيد اللهم سخر لي يا الله يا واحد يا احد يا صمد يا من ملئت اركان السموات والارض سئلك ان تسخر لي قلبه كما سخرت قلب الحية لموسى واسئلك ان تسخر لي قلبه كما سخرت لسليمان جنوده من الجن والانس والشياطين واسئلك ان تلين لي قلبه كما لينت الحديد لداود م واسئلك ان تذلل لي قلبه كما ذللت نور القمر لنور الشمس يا الله هو عبدك وابن عبدك وابن امتك اخذت بقرنيه وناصيته اذجهة اعضاد شرع ذيل حنان است كه هر كاه

اذجهه ١٨١٧١٢٢١٣١٢٤٣٢٦ ى اين لوح را با ٢٦٤١٥٦٣١٢ ٥ جرب كند واسم طالب ومطلوب را بر اين لوح نوشته باين طريق كه احضروا قلب فلان ابن فلان را على محبت فلان ابن فلان

العجل ٣ الساعة ٣ الوحا ٣ وحوف ٢١٣١٢٧ ١١٤١٣٢ ٧١٢١٤

دايره اول

الا ... آية الكرسي بنويسيد

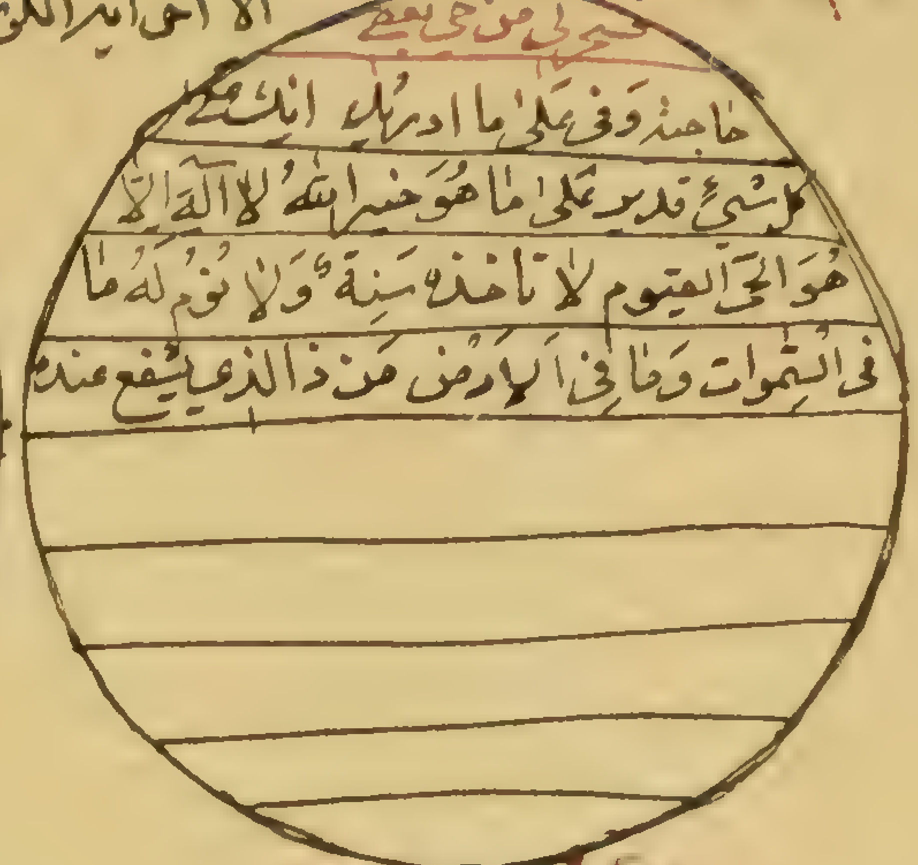

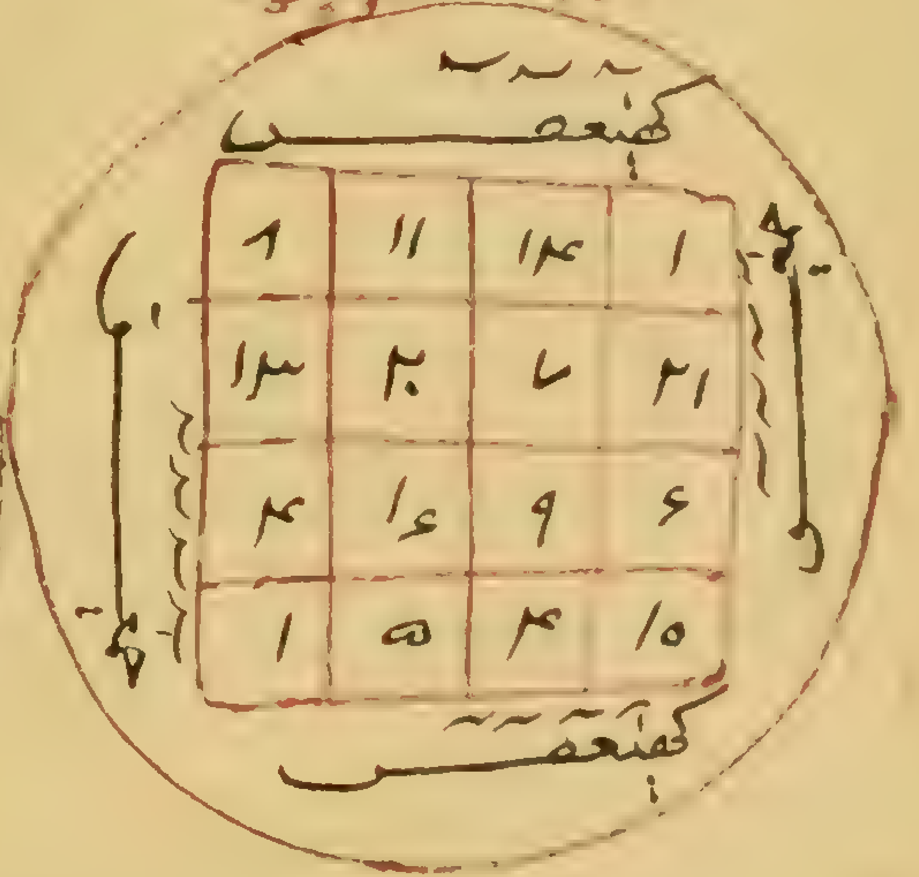

اللهم

مثلث مخبر

٣	٨	١
٢	٤	٦
٧		٥

از برای هلاك دشمن باید که مثلث مخبری را باخون

١	١	٣
٢	٤	٢
٥		٧

حجام بنویسد و در قبرستان دفن کند دشمن هلاك شود مخبر این است

ودر نسخه دیکر چنان نموده میشود اکر خواهد باز افشان کند و در زیر سنک کران کذارند برعایت و مطلب حاصل کردد و در این مثلثات شکلی نمیباشد مجرب است

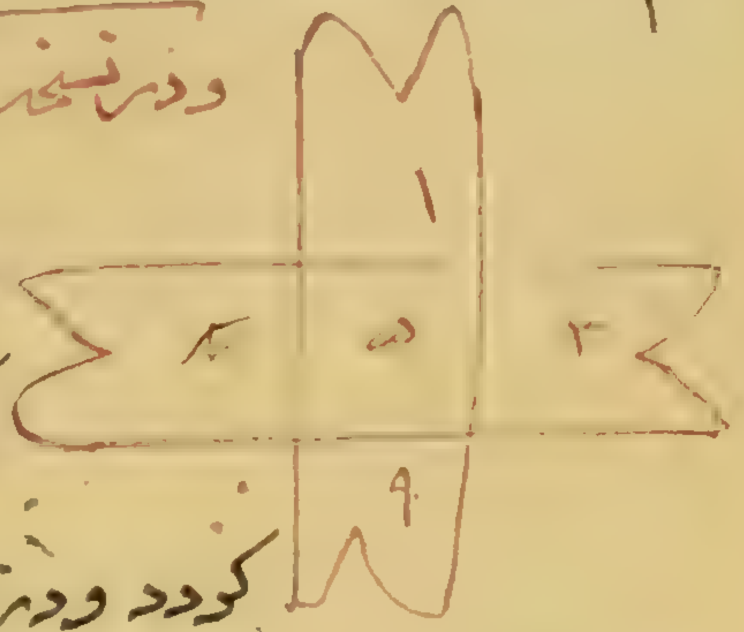

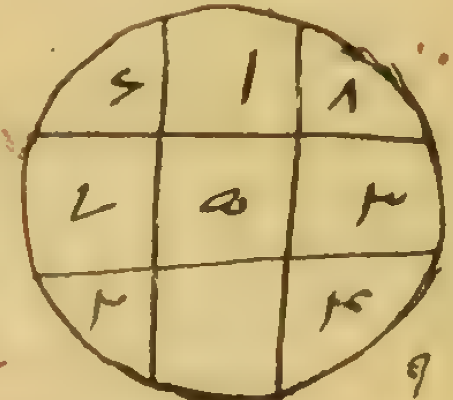

خط رموز ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل
م ن و ه لا ي از جهة عداوت

از جهة ... مکرر بکوید یا ولی فی نعمتی ویا صاحبی فی وحدتی ویا عدتی فی کربتی از جهة حصول مطلب برکف دست بنویسد و بنزد منظور خود برود که حاجتش برآورده شود طلسم این است

٩ هـ ١ / ٧٧ د سم ١٢ / الم العلیم را نوشته در برابر کذارد

از جهة اضداد اکر خواهی کسیرا از راه دور بیاوری بنویسد ...

---

٣ ٣ ٣ مرتبه لعن جهاد ضرب را بخواند در حالتیکه لوح در آتش باشد ... را بکند الا اکر در عزیمت

بنویسد بجای احضرو اسخر قلب فلان ابن فلان علی قلب فلان ابن فلان

چنین قرار داده اند از برای ما استادان ما که از برای اخراج کسی شوده الم و کیف را عدد کرفته پر کنند از برای عداوت شوده تبت واذا زلزلت الارض را با آیه والقینا بینهم العداوة والبغضا را عدد کرفته پر کنند

ابابکر	عثمان	عمر
٤١٣	٣٩٩	٣١٥
٤١١	١٣٤	٥٧٢

فرعون بی عمود

٣١٠
٦٦١
٢٢٦
١١٩٧

واز برای اخراج مکان آیه و ما رمیت اذ رمیت را الا آخر عدد کرفته در مثلث طریقه مثلث دو را انیز اکوینه و هرچه کوئی از این برخی آید و این از در خانه پر میشود یکی از جب و یکی از راست و هر دو را بنویسد از برای اسم طالب را در حوالی از راست بنویسد که مطلب حاصل شود و مطلوب را در جیب دو برو در خانه یا در دهکذار مطلوب دفن کند و از برای عداوت بنویسد در قبرستان یهودان دفن کرده و در خانه آنکس دفن کند یا در دهکذار آنکس دفن کند که مطلب حاصل شود انشاالله که مجرب است

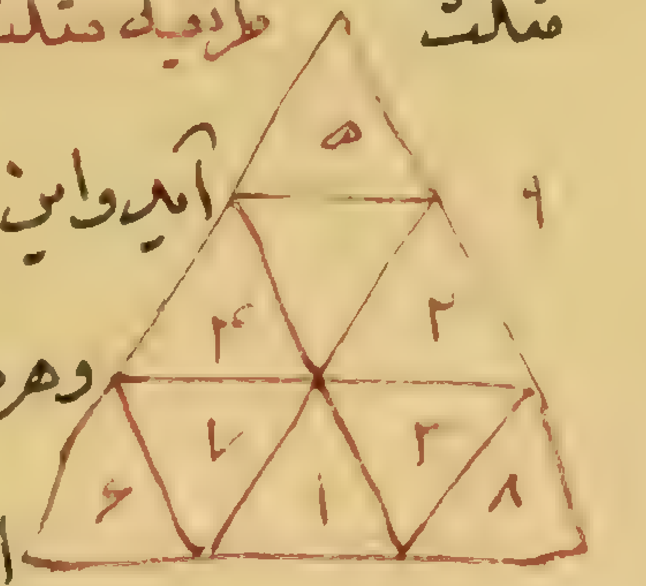

طلسم دو را

بر سفال آب بدهید و در کنار آتش کذارد که حاضر شود ی او هـ ب و س ا ی

اباس ما طی ن ا ا س احضر احضر ت ا ا ل د ازجهة محبت بنویسید بر نعل

بسوزانید با اسم الکس و مادرش در آتش کذارده که مجربست ۵۵ ا ا ۵ ا ا ا ا ا م

۴م ح ا د ا ا د ا د عم عم ۵۵ ازجهة محبت اکر خواهی کسی را در دم

حاضر کنید بکیرد سفال آب توبها و این شکل را بر آن بنویسید و در آتش

اندازد تا کرم شود الکس حاضر شود صطلط عاح الاول فی نصا القص

یجمع فلان ابن فلان العجل ۳ الساعة ۳ الوحا ۳ ازجهة محبت باسم هر که

خواهید با اسم مادر او بنویسید بر پاره کاغذ و آتش کند بر روی او و که مجربست

ع ل ط ۱ ۸ ۲ ۸ ۱ لا ط ۹ ا لهر ا ا ا ا ح ا ط ا ا ا هـ ۱ طع

ازجهة محبت اینها را بر فلفل بخوانید و در آتش اندازد بنام هر که خواهد

که مجربست بسم الله الرحمن الرحیم ما الفت قلوبهم ولکن الله الف بینهم

انه عزیز حکیم سلام قولا من رب رحیم دفع النوم اکر کسی این عزایم را

رحیم	من رب	قولا	سلام
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نوشته بر بازو بندد تا وقتی که خواهد

مشغول باشد خوابش نیاید این است

طاع ص ۵ ۵ ۵ هـ دفع النوم خواب برای

۳ خواب میبندد که طاع که هو لا ۵ ۵

فی الغاسطین

در باب قرطاس زاج سفید را خوب محلول کرده در روی آتش بعد شوره آب

هر دو را هم وزن کوبیده عمل نماید کثیرا بر کاغذ بمالند از لا شمر الذین رسیده

هر کس هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد و هر روز چهل مرتبه

این اسمها را بخواند یا فرد یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف

یا طالب یا جبار یا فعال یا خلاق روز هشتم این مهر را بنویسید و در

زیر سجاده خود بگذارد و هزار مرتبه بگوید یا فعال یا خلاق و سجاده بر دارد

بر بیند که از عالم غیب هفت قجر در زیر سجاده او باشد و دار و خرج

کند و این مهر را در کیسه خود بگذارد و چهل مرتبه بگوید یا مذهب

یا اسود یا فعال یا خلاق و هر روز علی الاستمرار بیابد و کم نشود

تا هفت روز تصدق بدهد از برای صاحبش مجربست و مهر کاغذ

یا ملائکة ربی بحق هذه السورة

و من انزلنا و بحق من انزلت علیه

و بحق بسم الله علیکم و ا یا تبر

التامات کلمت الا ما خبرتمونی

بحق کذا و کذا عزمت علیکم ایها

الارواح الروحانیة من جنود القلب والبهاء الحمراء فلان بنت فلان

یا بکتاورش یا کیکاورش بحق شمسائیل و بحق هذه الساعة ۳ الوحا ۳

اهدائی مرحوم حاج آقامحمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

النجل ۲ یعنی توریة موسی و انجیل عیسی و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و ا

از جهة فروش متاع

رواج الروحانیین **از جهة فروش متاع** لا اله الا الله والله اکبر
سبحان الله والحمد لله کثیرا اللهم انی اسئلک من فضلک و رحمتک
فیمسهما بیدک ولا یملکهما احد غیرک ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

دعای زراعت

از جهة زراعت چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بردارد رو بقبله
بایستد و ۳ مرتبه بگوید ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون
پس بگوید اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة

دعای قربانی

دعای قربانی در روز عید اضحی رو بقبله بخوانید گوسفند را وجهت
وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک
له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله
والله اکبر پس ذبح کن و بگو اللهم تقبل منی و اگر شریک داشته
باشد بگوید منا **از جهة فقر** **جناب رسول فرموده** هر روز بعد از

از جهة فقر

نماز صبح ۱۰۰ مرتبه بخواند لا اله الا الله الملک الحق المبین صاحب
عدد ۹۰۹ مرتبه
دعوتش شود و هر چه از خدا خواهد خداوند با و عطا فرماید این کلمات برای
اجابت بسیار بخواند یا غیاثی عند کربتی ویا معاذی عند کل شدتی و محبی

هر روز بخواند ۹۰۹ از جهة وسعت رزق

لا اله	الا الله	لا اله	الا الله
موسی	کلیم الله	ابراهیم	خلیل الله
لا اله	الا الله	لا اله	الا الله
عیسی	روح الله	محمد	رسول الله

در عمامه نهد		در خانه نگاه دارد
بسم الله		الرحمن الرحیم
قل هو		الله احد
الله		الصمد
لم		یلد
ولم		یولد
ولم		یکن له
کفوا		احد

مسافر که خواهد بیرون رود
چهار مرتبه سوره قل هو الله احد را
بخواند یکمرتبه در پیش رو بدمد یکمرتبه طرف بدمد یکمرتبه بطرف
چپ بدمد و یکمرتبه بخواند ببالای سر بدمد از خانه خود بیرون رود

خلقت الخلائق فی قدرة ومنهم سخی ومنهم بخیل
فاما السخی ففی راحة واما البخیل فشوم طویل

از جهة مسافر در کوش بخوانید

در گوش راست او بخوانید بگوید بگو الله اکبر ۳ مرتبه بگو بالله
اخرج وبالله ادخل وعلی الله اتوکل پس بگو اللهم افتح لی فی
وجهی هذا بخیر واختم لی بخیر وقنی شر کل دابة انت آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم البته در امان خدا خواهد بود
از جهة خواب در کار خود حیران باشد این حروفات را بر کف دست خود نویسد
با وضو باشد دست را در زیر سر خود گذارد رو بقبله در خواب باو بگویند اما چشم گشاده

دعای حصار طلسم عمر مالک اشتر
در دو ورق تسلیم است مجرب مجرب است

بازبینی شد
خ۱۳۵۲